

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ISSN: ۳۸۲۵-۲۵۳۸



نشریه علمی - تخصصی پژوهشنامه رسانه بین‌الملل

سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر پیمان جبلی

جانشین مدیر مسئول: احمد کاظمی

سر دبیر: دکتر محمدقلی میناوند

مدیر داخلی: محمود ترابی‌اقدم

ویراستار فارسی: بهنام خسروی

ویراستار انگلیسی: دکتر رحمت حاجی‌مینه

هماهنگی توزیع: سهیلا نعمتی

ناشر: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قشقایی

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از مسجد بلال، ساختمان اداری صداوسیما،

طبقه پنجم، واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی - کد پستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳

تلفن: ۲۲۱۶۷۱۵۳

نشانی پایگاه اینترنتی: <http://arc.irib.ir>

به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات، پروانه انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» با شماره ثبت ۸۱۹۰۹

در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر امیرمحمد حاجی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (روابط بین الملل)
یوسفی
- دکتر توکل حبیبزاده
دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (حقوق بین الملل)
- دکتر حسن خجسته
دانشیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت استراتژیک
و رادیو)
باقرزاده
- دکتر علی رجبزاده
دانشیار دانشگاه صداوسیما (پژوهش هنر
و برنامه‌های تلویزیونی)
طهماسبی
- دکتر مجتبی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (معارف اسلامی
و تبلیغات)
رضوی طوسی
- دکتر محمدحسین
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (حقوق بین الملل)
رمضانی قوام‌آبادی
- دکتر سیاوش صلواتیان
استادیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت رسانه)
- دکتر حاکم قاسمی
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی
امام خمینی (ره) قزوین (علوم سیاسی)
- دکتر سیدمحمد مرندی
استاد دانشگاه تهران (مطالعات آمریکای شمالی
و ادبیات انگلیسی)
- دکتر داوود نعمتی‌انارکی
دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)

اعضای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر ابوذر ابراهیمی
ترکمان
- دکتر حسین احمدی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر هادی آجیلی
استادیار دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین‌الملل)
- حسن بهشتی پور
کارشناس ارشد مسائل استراتژیک
- دکتر محمدباقر خرمشاد
استاد دانشگاه علامه طباطبایی (علوم سیاسی)
- دکتر سیدجلال دهقانی
استاد دانشگاه علامه طباطبایی (روابط بین‌الملل)
- فیروزآبادی
- دکتر جعفر عبدالملکی
دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی
- دکتر حمیدرضا عزیزی
استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی (مطالعات منطقه‌ای)
- سهراب قربانی حصار
کارشناس ارشد مسائل اقتصاد انرژی
- دکتر محمدفرهاد کلینی
کارشناس ارشد مسائل استراتژیک
- دکتر ابراهیم متقی
استاد دانشگاه تهران (روابط بین‌الملل)
- دکتر رضا موسی‌زاده
دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل (حقوق بین‌الملل)

داوران این شماره از نشریه (به ترتیب حروف الفبا)

- حسن بهشتی پور
- محمود ترابی اقدم
- دکتر سید بشیر حسینی
- ناجی چنانی
- دکتر علی اکبر رزمجو
- دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی
- دکتر حسین رویوران
- دکتر حسن عابدینی
- دکتر حمیدرضا عزیزی
- دکتر احمد کاظمی
- دکتر جهانگیر کرمی
- دکتر مجتبی مقصودی
- پیرمحمد ملازهی
- دکتر رضا موسی زاده
- دکتر داوود نعمتی انارکی
- عباس نوریان
- مجید وقاری

شرایط پذیرش مقاله

نشریه علمی- تخصصی «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل»، مقالاتی را که در حوزه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همسو با اهداف نشریه و با در نظر گرفتن اصول پژوهشی، کاربرد رسانه‌ای، تحلیل راهبردی و رویکرد آینده‌پژوهی تألیف شده باشند، می‌پذیرد. از نویسندگان و پژوهشگران محترم درخواست می‌شود در تهیه و ارسال مقاله به نکات زیر توجه کنند:

۱) مقاله ارسالی نباید پیش از این، در هیچ یک از نشریه‌های داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.

۲) مقالات پس از داوری و تأیید شورای سردبیری نشریه و براساس اولویت چاپ خواهد شد.

۳) پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است و مقالات رسیده مسترد نخواهد شد.

۴) مسئولیت صحت مطالب مندرج در مقالات بر عهده نویسنده (نویسندگان) است و بیانگر دیدگاه‌های واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما نیست.

۵) نقل مندرجات نشریه با ذکر منبع جایز است.

راهنمای نگارش مقاله

۱) **حجم مقاله:** با احتساب تمامی اجزاء آن، نباید بیشتر از ۱۸ صفحه «آ» (معادل ۷۰۰۰ کلمه) باشد. فاصله خطوط یک سانتی‌متر و قلم مورد استفاده B Nazanin با شماره ۱۴ باشد.

۲) **صفحه اول:** باید شامل عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به همراه مدرک تحصیلی و درجه علمی، نشانی پست الکترونیکی و تلفن تماس باشد.

۳) **چکیده:** باید به فراخور محتوای مقاله، بیانگر خلاصه‌ای از مسئله، اهمیت، هدف، نظریه مورد استفاده، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش باشد. چکیده نباید از ۲۰۰ کلمه تجاوز کند. واژگان کلیدی در انتهای چکیده به تعداد ۳ تا ۵ واژه ذکر شود.

۴) **مقدمه:** شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه، مبانی نظری، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش است. در صورتی که هر یک از بخش‌های فوق مانند پیشینه، مبانی نظری و روش پژوهش، نیازمند شرح بیشتری باشد، مستقل آورده شود.

۵) **بدنه اصلی مقاله:** شامل سیر تاریخی موضوع، تحلیل راهبردی موضوع، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران، سناریوهای محتمل درباره موضوع (با رویکرد آینده‌پژوهی) و ... است.

۶) **بحث و نتیجه‌گیری:** در این بخش با توجه به سؤال‌ها یا فرضیه‌های مقاله، یافته‌های مهم دسته‌بندی و تبیین شود.

۷) **پیشنهادها:** پیشنهادهای مستخرج از پژوهش که به فراخور موضوع در دو قالب پیشنهادهای رسانه‌ای و غیررسانه‌ای می‌تواند صورت‌بندی شود.

۸) در تمام بخش‌های مقاله باید رویکرد رسانه‌ای و ارتباطاتی مد نظر قرار گیرد.

۹) **منابع:** متناسب با ماهیت موضوع مقاله، اغلب منابع باید از منابع معتبر خارجی باشد. برای منابع فارسی نیز باید از کتب و مقالات معتبر استفاده شود.

شیوه منبع‌دهی: منابع مقاله با توجه به الگوی استناد درون متنی معرفی گردد:

در متن مقاله، هنگام استفاده از نقل قول‌ها (خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم)، استناد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف / مؤلفان و سال انتشار و شماره صفحه اثر در متن داخل پرانتز آورده شود؛ مانند: (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۴).

منابع استفاده شده در متن مقاله، در پایان مقاله و براساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار)، نام کتاب، نام مترجم، محل نشر: نام ناشر. مثال:

کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، **امنیت در قفقاز جنوبی**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- مقاله: نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، نام نشریه، دوره / سال، شماره، شماره صفحات مقاله.

- همایش‌ها یا مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات، زمان همایش، مکان همایش، شماره صفحات مقاله.

- سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار مطلب)، «عنوان مقاله»، تاریخ مشاهده، آدرس دسترسی آن به صورت ایتالیک. در صورتی که نویسنده نامشخص باشد به جای آن عنوان سایت نوشته شود.

- رساله‌های تحصیلی: نام خانوادگی، نام (نویسنده و استاد راهنما) (تاریخ نگارش داخل پرانتز)، «نام پایان‌نامه داخل گیومه»، مقطع پایان‌نامه. نام دانشگاه

- در منابع مربوط به کتاب‌ها، عنوان کتاب و در منابع مربوط به مقالات، عنوان نشریه پررنگ شود.

۱۰) تمام اسامی و اصطلاحات لاتین در متن، به زبان فارسی و در زیرنویس، به صورت لاتین ذکر شود.

۱۱) در صورتی که اصطلاح، مفهوم یا مطلبی نیاز به توضیح دارد، در پایان مقاله به عنوان پی‌نوشت آورده شود.

۱۲) رعایت آیین نگارش فارسی در مقاله الزامی است. از به کاربردن واژه‌های مبهم، ترکیب‌های واژگانی نامعمول و جملات طولانی و پیچیده که معادل‌یابی آن‌ها دشوار است، خودداری گردد.

۱۳) در کنار تاریخ هجری شمسی، ذکر تاریخ میلادی رویدادها و تحولات مورد بررسی در مقاله ضرورت دارد.

سخن مدیر مسئول

معاونت برون مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با توسعه کمی و کیفی در چهار دهه، تبدیل به یکی از عظیم ترین و تاثیرگذارترین رسانه های بین المللی جهان شده است. در چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی، این جبهه از رسانه ملی مفتخر است که جایگاه بی بدیلی در انعکاس صدای اکثریت مظلوم و خاموش جهان، شکستن انحصار خبری نظام سلطه، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، مقابله با اسلام هراسی و ایران هراسی و پیشبرد و پشتیبانی اهداف محور مقاومت کسب کرده است. معاونت برون مرزی، مشتمل بر ۳۴ رادیو و ۶ شبکه تلویزیونی پرس تی وی، العالم، هیسپان تی وی، آی فیلم (فارسی، انگلیسی، عربی و آی فیلم ۲)، سحر (آذری، کردی، اردو و بالکان)، الکوثر و همچنین پایگاه خبری ۲۶ زبانه «پارس تودی» به همراه واحدهای پشتیبانی پژوهشی، معارفی و خبری می باشد.

فعالیت رسانه های متنوع تلویزیونی، رادیویی و سایت های اینترنتی معاونت برون مرزی به عنوان خطوط مقدم جنگ نرم در مقابله با نظام رسانه ای سلطه، حسب رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و از طریق ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه ای با قدرت تداوم دارد. در این راستا علاوه بر اصلاحات و ایجاد تحولاتی در رادیوها با هدف تقویت حضور آنها در فضای مجازی، راه اندازی صدای بحرین، العالم سوریه و آی فیلم (۲) ویژه تاجیکستان و افغانستان و ارتقا سیمای بوسنی به کانال بالکان، طرح های مهمی نظیر راه اندازی هوسا تی وی و خبرگزاری تصویری بین المللی ایران پرس به زبان انگلیسی، مراحل برنامه ریزی شده برای بهره برداری کامل را طی می کنند. در این راستا وب سایت دو زبانه هوسایی - انگلیسی شبکه تلویزیونی بین المللی «هوسا تی وی» در تیر ۹۷ افتتاح شد.

همچنین به منظور تقویت مرجعیت خبری و فکری رسانه برون مرزی و بر اساس تکالیف موضوعه در اسناد بالادستی، مطالعات پژوهشی طرح های دیگری منطبق بر راهبردهای کلان رسانه ای نظام از جمله توسعه زبان های سایت شبکه های پرس تی وی، العالم، تاسیس یک شبکه قدرتمند برای حوزه فرانسوی زبان، امکان سنجی راه اندازی

سیمای ترکی استانبولی، روسی، دری و پشتو، معارف انگلیسی، ایجاد سامانه پژوهشی برای تحقیقات افکارسنجی و ... در دستور کار قرار دارند که چشم‌اندازی نویدبخش از حرکت قدرتمند برون‌مرزی در مصاف با امپراتوری رسانه‌ای نظام سلطه در آوردگاه جنگ نرم را نشان می‌دهند.

همان طوری که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد». بر این اساس از آغاز توسعه رسانه برون‌مرزی، پژوهش دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده است. طبیعتاً برای فعالیت مؤثر رسانه‌ای در حوزه بین‌الملل، نیاز به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای کاربردی و رسانه‌ای است و این مهم همواره از سوی رؤسای محترم سازمان مورد تاکید قرار گرفته است.

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی که مسئولیت انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» را به عهده دارد، با هدف پشتیبانی علمی و سیاست‌گذاری محتوایی و ساختاری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی با شعار «رسانه پژوهش‌مدار: رسانه تأثیرگذار» در بیش از دو دهه فعالیت، علاوه بر پژوهش‌های مربوط به توسعه و تکمیل آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی، توانسته است با انجام بیش از سیصد پژوهش برنامه‌ای، محتوای بسیاری از برنامه‌های رسانه برون‌مرزی را تأمین نماید. علاوه بر حفظ چارچوب‌های علمی و پژوهشی که ویژگی ذاتی فعالیت‌های تحقیقاتی است، مهم‌ترین ویژگی این پژوهش‌ها داشتن صبغه برون‌مرزی، میان‌رشته‌ای بودن، کاربردی بودن در رسانه برون‌مرزی و بهره‌مندی از نشست‌های اندیشه‌ورزی می‌باشد. به‌منظور کاهش فاصله پژوهش و آنتن، در فعالیتی بدیع و مبتکرانه، آندسته از پژوهش‌هایی که برای برنامه‌سازی نگاشته شده‌اند، بلاواسطه در این واحد به مجموعه متون برنامه‌ای چندرسانه‌ای تبدیل شده و از طریق سامانه اینترنت در اختیار برنامه‌سازان برون‌مرزی و از طریق سایت اینترنتی این واحد در اختیار عموم قرار می‌گیرند.

پژوهش‌ها در واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی در دو قالب علمی «پژوهش‌های کاربردی» با محوریت تحقیقات میان‌مدت و «مجموعه راهبردهای پژوهشی»

رسانه‌ای و کاربردی» با محوریت تحقیقات کوتاه‌مدت تهیه می‌شوند. پژوهش‌های تولیدی در هر دو قالب، صرفاً معطوف به پژوهش‌های منجر به برنامه‌سازی نیست، بلکه همسو با رهنمودهای مقام معظم رهبری در حکم ابلاغی به ریاست محترم سازمان برای ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی، این پژوهش‌ها شامل: آسیب‌شناسی، روندسنجی، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی، پیشنهادهای رسانه‌ای، ایده‌های برنامه‌سازی، امکان‌سنجی تأسیس شبکه‌های جدید، مخاطب‌شناسی، شناخت نقاط ضعف و قوت رقبای رسانه‌ای، آینده‌پژوهی رسانه‌های برون‌مرزی و ... می‌شوند.

در این روند به‌منظور کمک به تقویت تولید فکر در زمینه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای؛ ترویج مطالعات راهبردی در عرصه‌های ارتباطات، روابط و حقوق بین‌الملل به‌ویژه با محوریت قدرت نرم؛ بهره‌مندی حداکثری از پتانسیل‌های علمی و دانشگاهی؛ انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» از سال ۱۳۹۵ در دستور کار معاونت برون‌مرزی صداوسیما قرار گرفته است. مقالات علمی و پژوهشی منتشر شده در این پژوهشنامه عمدتاً برگرفته از تحقیقاتی است که در موضوعات مرتبط و در دو قالب پژوهشی مورد اشاره تهیه شده‌اند.

ضمن سپاس از حمایت‌های دکتر علی‌عسکری ریاست محترم سازمان در فعالیت سه‌ساله‌ی پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، امید است با همکاری مسئولان ذیربط در دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی و همراهی اساتید دانشگاهی، این پژوهشنامه برای بالندگی رسانه برون‌مرزی، بسط مرزهای کاربردی دانش‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی از رهگذر کاربست مباحث رسانه‌ای و تکمیل خلا ناشی از فقدان نشریه علمی - پژوهشی با رویکرد ارتباطاتی - رسانه‌ای به تحولات، روابط و حقوق بین‌الملل، گام‌های علمی مؤثری بردارد.

پیمان جبلی

مدیر مسئول پژوهشنامه

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
توقیف اموال ایران در آمریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌های برون‌مرزی.....	۱۳
دکتر حسام‌الدین لسانی، احمد کاظمی	
سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای شبکه هیسپان تی‌وی برون‌مرزی «با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران».....	۴۹
دکتر جلال غفاری‌قدیر، دکتر جمال‌الدین حسینی، معصومه مرادجانی	
شناخت زمینه‌های ارائه طرح معامله قرن، امکان‌سنجی تحقق آن و رسالت شبکه‌های برون‌مرزی.....	۷۷
دکتر حسن مجیدی، جبار شجاعی	
مسئولیت بین‌المللی قطع پخش ماهواره‌ای شبکه‌های تلویزیونی ایران از منظر حقوق بین‌الملل.....	۱۰۳
دکتر حسین رستم‌زاد، مجتبی ابراهیمی	
تعارضات روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ و رویکرد رسانه‌ای به آن.....	۱۲۹
دکتر مهدی هدایتی‌شهیدانی	
جایگاه الحشد الشعبی در امنیت ملی عراق و نحوه بازنمایی رسانه‌های غربی - سعودی از آن.....	۱۵۱

- دکتر ابوذر گوهری مقدم، محمدرضا عرب
واکاوی نقش عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی با
تمرکز بر رویکرد رسانه‌ای..... ۱۷۷
- دکتر مجید روحی دهبه، سجاد مرادی کلارده
اقدامات آمریکا در گسترش تجارت مواد مخدر در افغانستان و رویکردهای رسانه‌ای
به آن..... ۲۰۱
- دکتر آناهیتا سیفی، دکتر رز فضل‌ی
نگاهی به ساختار و راهبردهای رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن..... ۲۲۵
- دکتر حسین بصیریان جهرمی، ولی‌اله قرقانی
نقش دیپلماسی رسانه‌ای برون‌مرزی در تحکیم جایگاه منطقه‌ای ایران..... ۲۵۳
- دکتر محمد اکرمی‌نیا، شهاب فهمیدانش
آسیب‌شناسی ترجمه در بخش‌های خبری رسانه‌های عربی‌زبان برون‌مرزی (شبکه
العالم، شبکه الکوثر و رادیو عربی)..... ۲۷۵
- دکتر حسین شمس‌آبادی، دکتر مجتبی شاهسونی
نگاهی به فعالیت‌ها و تحقیقات واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی در سال
۱۳۹۷..... ۲۹۵
- چکیده انگلیسی..... ۳۱۱
- فرم ارزیابی مقاله..... ۳۲۲

توقیف اموال ایران در آمریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل

و رسالت رسانه‌های برون‌مرزی

(با تأکید بر عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مصونیت دولت‌ها، دعوی آلمان علیه ایتالیا، دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا، احکام صادره محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ) سید حسام‌الدین لسانی^۱، احمد کاظمی^۲

چکیده

علیرغم اینکه مصونیت دولت‌ها از صلاحیت محاکم ملی، قاعده حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد اما برخی قدرت‌ها برای افزودن استثناء به آن تلاش می‌کنند. تصویب کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها پس از ۲۷ سال مطالعه کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۴ نشان داد که جامعه بین‌المللی تحول مصونیت دولت‌ها از مطلق به محدود را پذیرفته است و استثنائات آن را مواردی نظیر قراردادهای تجاری، مالکیت و موافقت‌نامه‌های داوری می‌داند. با این وجود مصوبه ۱۹۹۶ کنگره آمریکا، احکام محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ علیه ایران نشان‌دهنده تلاش برخی کشورها برای ایجاد استثنائات جدید به بهانه تروریسم، نقض حقوق بشر و قواعد آمره می‌باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲ در دعوی آلمان علیه ایتالیا با تأکید تاریخی بر خدشه‌ناپذیر بودن اصل مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نشان داد که از نظر دیوان، نقض این اصل می‌تواند ثبات بین‌المللی را به مخاطره بیندازد. از سال ۲۰۱۶ با شکایت ایران علیه آمریکا (پرونده موسوم به برخی از اموال ایران) و دستور موقت ۳ اکتبر ۲۰۱۸ دیوان مبنی بر داشتن صلاحیت رسیدگی به این پرونده، دیوان در معرض آزمون تاریخی دیگری برای دفاع از اصل مصونیت دولت‌ها قرار گرفته است. طبیعتاً تکرار رویه دیوان در این پرونده گام بلندی برای صیانت از قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها از دکترین‌های جدید خواهد بود.

کلید واژه‌ها: مصونیت دولت‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری، حقوق بین‌الملل عرفی، دعوی آلمان علیه ایتالیا، شکایت ایران، محاکم آمریکا، کانادا، لوکزامبورگ.

lesani77@yahoo.com

^۱. نویسنده مسئول: عضو هیات علمی دانشگاه حضرت معصومه (س) قم، ایران.

bm.kazemi@irib.ir

^۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

مصونیت دولت به‌عنوان عدم صلاحیت محاکم قضایی دیگر دولت‌ها برای رسیدگی به دعاوی علیه آن دولت تعریف می‌شود. در طول تاریخ همواره دولت‌ها برای خود مصونیت مطلق قائل بودند. مصونیت مطلق دولت‌ها به‌عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است.^۱ این قاعده از اصل برابری حاکمیت دولت‌ها مندرج در بند ۱ ماده ۲ منشور مشتق می‌شود که یکی از اصول اساسی نظم حقوقی بین‌المللی به‌شمار می‌آید. در بند ۱ ماده دوم منشور سازمان ملل آمده است: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضا آن قرار دارد» (UN, 2017). علیرغم کشوقوس‌های فراوان حقوق بین‌الملل، در هیچ کدام از کنگره‌های بین‌المللی یا معاهدات چندجانبه از وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا دو کنفرانس لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، هیچ مقرره یا توافقی که مؤید خدشه بر مصونیت مطلق دولت‌ها شود، وجود نداشته است. در وستفالی بر حقوق برابر کشورها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار تأکید شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

زمزمه‌هایی که قبل از جنگ جهانی دوم درباره لزوم استثناء بر مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها مطرح بود، پس از جنگ جهانی دوم به سه دلیل تحول جدی یافت. اول: اینکه مداخله دولت در امور تجاری باعث شد که این دکترین که میان مصونیت در اعمال حاکمیتی^۲ دولت‌ها با اعمال تصدی^۳ آن‌ها تمایز قائل می‌گردید، طرفداران زیادی پیدا کند. دوم سوسیالیستی بودن نظام شوروی که کل اقتصاد کشور را در انحصار داشت، با اجرای اصل مصونیت مطلق، مشکلات متعددی برای طرف‌های تجاری ایجاد می‌کرد. سوم توسعه سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی که در اساسنامه خود و با پذیرش آراء داوری، داوطلبانه از مصونیت خود عدول کردند.

مجمع عمومی سازمان ملل در دوم دسامبر ۲۰۰۴ کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها را تصویب کرد (موسوی، ۱۳۸۵). این کنوانسیون برای امضای کشورها از ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ در مقر سازمان ملل مفتوح گردید. در این مدت، سی

^۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مصونیت دولت‌ها و سیر تطور آن به کتاب State Immunity in International Law نوشته Xiaodong Yang که در ۲۰۱۵ از سوی کمبریج منتشر شده است، مراجعه گردد (Yang, 2015).

^۲. Acta Jure Imperii

^۳. Acta Jure Gestionis

کشور، کنوانسیون مذکور را امضا کردند که عبارت‌اند از: اتریش، بلغارستان، چین، چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، ایسلند، هند، ایران، ژاپن، قزاقستان، لبنان، ماداگاسکار، مکزیک، مراکش، نروژ، پاراگوئه، پرتغال، رومانی، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، اسلواکی، سوئد، سوئیس، تیمور شرقی و انگلیس (CAHDI, 2011:4).

تصویب این کنوانسیون به معنای پذیرش دکترین «مصونیت محدود دولت» می‌باشد. تئوری مصونیت محدود مبتنی بر این فرض است که چون دولت‌ها در بسیاری از امور بازرگانی مستقیماً مداخله می‌نمایند، دیگر نمی‌توانند با تکیه بر نظریه مصونیت، از زیر بار تعهدات خود در زمینه اعمال تصدی شانه خالی کنند (خضری، ۱۳۹۱: ۱۳۳). این کنوانسیون، «مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها» را به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی که به‌طور کلی مورد پذیرش واقع شده است، در نظر می‌گیرد و استثنائی برای مصونیت‌ها دولت‌ها و اموال آن‌ها که ناشی یا برای اعمال حاکمیتی باشد، در نظر گرفته نشده است. در این کنوانسیون نقض حقوق بشر و قواعد آمره به‌عنوان استثنائی بر مصونیت دولت‌ها مورد اشاره قرار نگرفته است (Nagan & Root, 2013: 427).

با وجود این، طی سال‌های اخیر اقدامات یکجانبه‌ای برای ایجاد استثناءهای جدید بر مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی انجام شده است. نقض حقوق بشر، نقض قواعد آمره و تروریسم سه دستاویز برخی از قدرت‌ها و در رأس آن‌ها آمریکا برای ایجاد استثناء در قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها می‌باشد. کنگره آمریکا با حمایت دولت در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون ۱۹۷۶^۱ معروف به قانون FSIA^۲ و تصویب قانون فلاتو^۳ و در سال ۲۰۱۲ با تصویب قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه»، با مداخله در امور قضایی، گامی بی‌سابقه برای ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌هایی که به ادعای وزارت امور خارجه آمریکا حامی تروریسم هستند، برداشت. کانادا هم با پیروی از آمریکا در ۱۳ مارس ۲۰۱۲م قانون مشابهی را تصویب کرد. با آرای سیاسی محاکم آمریکا، کانادا

^۱ Foreign Sovereign Immunity Act

^۲ . برای مطالعه بیشتر درباره FSIA به این آدرس انگلیسی رجوع شود: <https://fsialaw.com>

^۳ . بر اساس قانون فلاتو، افراد آسیب دیده آمریکایی از حملات تروریستی در هر کجای جهان یا بازماندگان آنها می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌هایی که (به ادعای واشنگتن) حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند.

و لوکزامبورگ علیه ایران و شکایت تهران به دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶ م، دیوان در معرض آزمون دیگری برای حمایت از مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها قرار گرفته است. در صورتی که دیوان رویه گذشته خود به‌ویژه قضیه آلمان علیه ایتالیا، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و نیز کنوانسیون ۲ دسامبر ۲۰۰۴ «مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها» را محور تصمیم‌گیری خود برای صدور رأی قرار دهد، با صدور حکمی علیه اقدامات غیرقانونی آمریکا، گام جدی دیگری برای پایان دادن به نقض مصونیت دولت‌ها از طریق ایجاد استثنائات سیاسی محور نظیر استفاده ابزاری از تروریسم، نقض حقوق بشر و ... برخواهد داشت.

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا توقیف اموال ایران در سایر کشورها با استناد به مصادیق استثناء مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مشروعیت دارد؟ در کنار سؤال اصلی، سؤالاتی فرعی نیز مطرح هستند که عبارت‌اند از: ۱. جایگاه مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها در حقوق بین‌الملل چگونه است؟ ۲. کنوانسیون «مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها» چه رویکردی دارد؟ ۳. چه احکامی در محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ در نقض مصونیت اموال دولت ایران صادر شده است؟ ۴. رأی فوریه ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی آلمان علیه ایتالیا چه تأثیری بر دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا می‌تواند داشته باشد؟

در مقاله حاضر با این پیش فرض که دیوان در صورت پایبندی به رویه خود، بار دیگر از اصل مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی دفاع خواهد کرد، روش اسنادی و توصیفی- تحلیلی انتخاب شده است. با این روش، در مقاله ابتدا به رویکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مصونیت دولت‌ها پرداخته می‌شود و با اشاره به پیشینه نقض مصونیت دولت‌ها در قضیه آلمان علیه ایتالیا و رأی دیوان در این خصوص؛ دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا، احکام محاکم لوکزامبورگ و کانادا مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان نیز در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پاسخ داده می‌شود.

۲- عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها

در دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه ۳۲/۱۵۱، بررسی موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها را در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از ۲۷ سال بررسی، متن نهایی کنوانسیون پیشنهادی خود را در مارس ۲۰۰۴ به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد. مجمع عمومی نیز در دوم دسامبر ۲۰۰۴، این کنوانسیون را در ۳۳ ماده و یک ضمیمه تصویب کرد و تأکید شد که پیوست این کنوانسیون، بخش لاینفک آن را تشکیل می‌دهد (Treaties. UN, 2017).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی ۲۷ سال (۱۹۷۷ تا ۲۰۰۴) روند طولانی و پرفراز و نشیبی را برای تدوین پیش‌نویس کنوانسیون مصونیت دولت‌ها پیمود. شیوه کار کمیسیون در این خصوص نیز مانند سایر موضوعات، متکی بر بررسی رویه تقنینی، قضایی و عملکردی دولت‌ها و اخذ نظرات دولت‌های مختلف بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در یکی از اولین موضع‌گیری‌های خود، در سال ۱۹۸۰ اعلام کرد مصونیت دولت به‌عنوان یک قاعده عمومی حقوق بین‌الملل عرفی در رویه فعلی دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است و وفاق عام در مورد مصونیت قضایی دولت وجود دارد. همچنین گزارش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که اغلب دولت‌ها بر این نظر بودند که مصونیت دولت‌ها به‌عنوان یک اصل بنیادین غیرقابل خدشه است. در واقع اختلاف اصلی درباره گذر یا عدم گذر از مصونیت مطلق به مصونیت محدود بود. استثنائات مصونیت شامل امور تجاری، داوری، مالکیت و موارد مشابه بود که در رویه اغلب کشورها به رسمیت شناخته شده است. همچنین دولت‌ها تأکید داشتند که مصونیت اموال آن‌ها قابل نقض نیست مگر اینکه دولت در قالب موافقت‌نامه کتبی یا اعلامیه رسمی به آن رضایت داده باشد (yearbook of the international law commission, 1990: 64).

در ۲۲ سال اول فعالیت کمیسیون حقوق بین‌الملل هیچ تحرک جدی مبنی بر وارد کردن استثناء بر مصونیت دولت‌ها در اعمال حاکمیتی به دلیل نقض قواعد آمره، بشردوستانه یا تروریسم مطرح نشد. تا اینکه گروه کاری کمیسیون در سال ۱۹۹۹ بیان داشت که استثناء تروریسم به‌عنوان پیشرفت اخیر حقوق بین‌الملل درباره مصونیت نباید نادیده گرفته شود، این موضوع در صفحه ۱۷۲ ضمیمه گزارش جلسه ۵۱ کمیسیون ثبت شده است (yearbook of the international law commission, 1999: 256).

به دنبال این گزارش مباحث جدی درباره ایجاد قانون استثناء بر مصونیت دولت‌ها به‌ویژه از سوی آمریکا و برخی از کشورهای غربی شروع شد. لیکن نه در آن جلسه و نه در جلسات سال‌های بعدی گروه کاری، پیش‌نویسی برای درج در کنوانسیون در ارتباط با

استثناء تروریسم تنظیم نشد. به نظر می‌رسد کشورهای عضو چنین استثنائی را به معنای زمینه‌سازی برای ایجاد هرج و مرج بین‌المللی می‌دانستند. حتی حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیز نتوانست در دیدگاه کشورها تغییر ایجاد کند. در نتیجه این موضوع از پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۴ م کنار گذاشته شد. چرا که آن استثناء از پذیرش بالایی در جامعه بین‌المللی برخوردار نبود و اصرار بر استثناء تروریسم باعث می‌شد که کشورها در خصوص مفاد کنوانسیون به اجماع نرسند. پیش از آن در بند ۴ گزارش سال ۱۹۹۹ گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در قالب پرسشنامه‌ای بر بررسی اقدامات یک‌جانبه در نقض مصونیت دولت‌ها تأکید شده بود (Report of the International Law Commission, 2000).

بدین ترتیب کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، بدون هرگونه استثناء مرتبط با قواعد آمره یا تروریسم در ۲ دسامبر ۲۰۰۴ به تصویب رسید. طبق ماده ۳۰ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، مقررات این کنوانسیون در سی‌امین روز پس از تودیع سی‌امین سند تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهند شد (Stewart, 2011: 1050). این کنوانسیون در دیباچه خود، تأکید می‌کند: «دولت‌های عضو کنوانسیون، با تأکید بر اینکه مصونیت قضائی دولت‌ها و اموال آن‌ها به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ درباره مفاد آن توافق کرده‌اند» (Treaties. UN, 2017).

کنوانسیون مذکور، نخستین سند چندجانبه و جدیدی است که حاوی رویکردی جامع و فراگیر درباره مصونیت دولت‌ها از صلاحیت دادگاه‌های ملی دیگر کشورها می‌باشد. ماده ۵ کنوانسیون مذکور اصل مصونیت را با توجه به استثنائات مقرر در مواد ۱۰ تا ۱۷ مورد پذیرش قرار داده است که در آن موارد، مصونیت دولت نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. این استثنائات عبارت‌اند از معاملات تجاری (ماده ۱۰)، قراردادهای استخدامی (ماده ۱۱)، صدمات شخصی و خسارت به اموال (ماده ۱۲)، مالکیت، تملک و انتفاع از اموال (ماده ۱۳)، مالکیت معنوی و صنعتی (ماده ۱۴)، مشارکت در شرکت‌ها یا نهادهای جمعی دیگر (ماده ۱۵)، کشتی‌های تحت مالکیت یا اداره یک دولت (ماده ۱۶) و اثر موافقت‌نامه داوری (ماده ۱۷) (Treaties. UN, 2017).

از آنجا که برخی از کشورها تلاش می‌کردند بند ۱۲ را به موضوع مخاصمات مسلحانه نیز تسری دهند، کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیریه‌ای تصریح کرد که این ماده شامل مخاصمات مسلحانه نمی‌شود. در واقع ماده ۱۲ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها شامل اعمال تصدی دولت‌ها می‌شود نه اعمال حاکمیتی آن‌ها. کنوانسیون مذکور بهترین راهکار برای حرکت به سمت ایده مصونیت محدود دولت‌ها می‌باشد (Donoho, 2009: 681).

۳- دعوی آلمان علیه ایتالیا و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری

پرونده شکایتی را که آلمان در سال ۲۰۰۸ علیه ایتالیا در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش آن مربوط به خواهان‌های ایتالیایی است که در رأس آن‌ها پرونده لوئیجی فرینی^۱ قرار داشت. بخش دوم به خواهان‌های یونانی مربوط می‌شد که در رأس آن پرونده کشتار در روستای دیستومو^۲ مطرح بود. محور شکایت هر دو خواهان‌های ایتالیایی و یونانی علیه دولت آلمان مربوط به جنایات آلمان نازی در جریان تجاوز نظامی به ایتالیا و یونان (در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵) بود. خواهان‌ها با تأکید بر اینکه آلمان در این تجاوز مرتکب جنایات بین‌المللی شده، درخواست غرامت کردند.

ابتدا در ایتالیا، شهروندی ایتالیایی بنام لوئیجی فرینی در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۸ با طرح دعوی در دادگاه شهر آزررو^۳ علیه دولت آلمان مدعی شد که نیروهای آلمان نازی در طی اشغال ایتالیا در جنگ جهانی دوم، وی را برای کار اجباری به آلمان فرستاده بودند و به همین دلیل، وی خواستار جبران خسارت ناشی از این کار اجباری بود. در ۳ نوامبر ۲۰۰۰ دادگاه آزررو اعلام کرد که این شکایت به علت مصونیت دولت آلمان قابل پذیرش نیست. دادگاه تجدیدنظر فلورانس نیز در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۱ این موضوع را تأیید کرد اما در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ دیوان عالی ایتالیا دیدگاه دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر را نپذیرفت و اعلام کرد: «اعمال موضوع پرونده، به یک جنایت بین‌المللی مرتبط می‌شوند» (سادات میدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در واقع دیوان عالی ایتالیا با ادعای اینکه قواعد آمره در رأس سلسله مراتب قواعد حقوقی بین‌المللی قرار دارد، استناد دولت آلمان را به مصونیت دولت،

1. Luigi Ferrini

2. Distomo

3. Azzero

رد کرد. پس از ارجاع مجدد به دادگاه بدوی، دادگاه علی‌رغم تائید صلاحیت، حکم به مشمول مرور زمان شدن موضوع داد، اما این حکم توسط دادگاه تجدیدنظر فلورانس در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به نفع خواهان نقض شد. پس از این رأی، بالغ بر دویست دعوا علیه دولت آلمان در دادگاه‌های ایتالیا مطرح شد (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). رأی دیوان عالی ایتالیا، نه تنها پرونده‌های مختلفی علیه آلمان در ایتالیا را به راه انداخت بلکه شاکیان یونانی هم که در کشور خود به نتیجه نرسیده بودند، به دادگاه‌های ایتالیا مراجعه کردند.

در یونان در سال ۱۹۹۵ تعدادی از بازماندگان کشتار روستای دیستومو با طرح شکایت علیه آلمان درخواست غرامت کردند. دادگاه بدوی منطقه «لیوادیا»^۱ یونان، با احراز صلاحیت خود و مؤثر ندانستن مصونیت دولت آلمان به دلیل ارتکاب جنایت بین‌المللی، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ آلمان را به پرداخت غرامت محکوم کرد. این رأی در ۴ می ۲۰۰۰ به تائید دیوان عالی یونان رسید، اما بر اساس قوانین ملی یونان اجرای احکام منوط به مجوز دولت بود (Pittrof, 2004: 16). اما زمانی که خواهان‌های یونانی، مجوز اجرای حکم را درخواست کردند، وزیر دادگستری یونان به دلیل مصونیت دولت آلمان با آن مخالفت کرد و این حکم در یونان اجرایی نشد، نهایتاً این حکم در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ م، و در پرونده مارگلس^۲ از سوی دیوان عالی ویژه یونان به ریاست قاضی دی کاستریو^۳ ابطال و با استناد به حقوق بین‌الملل، دولت آلمان همچنان برخوردار از مصونیت اعلام شد (Krajewski & Singer, 2012: 15). در نتیجه، محکوم له‌های پرونده پس از ناکامی در شکایت علیه آلمان در یونان، به دادگاه فلورانس ایتالیا مراجعه کردند که این حکم را شناسایی و اجرا نماید. سرانجام دادگاه تجدیدنظر فلورانس در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ م احکام مزبور را شناسایی کرد (حاتمی و سادات‌حسینی، ۱۳۹۵: ۷۰). در ۷ ژوئن ۲۰۰۷ خواهان‌ها با تأکید بر رأی دادگاه تجدیدنظر فلورانس، درخواست توقیف ملک موسوم به «ویلای ویگونی» را کردند که از نظر آلمان برای توسعه مناسبات فرهنگی با ایتالیا مورد استفاده قرار می‌گرفت.

^۱. Livadia

^۲. Margellos case

^۳. Anotato Eidiko Dikastirio

۱-۳- طرح شکایت آلمان در دیوان بین‌المللی دادگستری

به دنبال اقدامات محاکم ایتالیا، آلمان در اواخر دسامبر ۲۰۰۸ دعوایی حقوقی علیه ایتالیا را در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت و در دادخواست خود بر سه نکته تأکید کرد. نخست آنکه ایتالیا با مجاز شمردن طرح دعاوی مدنی علیه آلمان بر مبنای نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط رایش سوم، مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی خود در خصوص احترام به حاکمیت و مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ دوم آنکه با اعمال محدودیت علیه املاک آلمان (که برای اقدامات اجرایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند)، مجدداً مرتکب نقض مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ سوم آنکه ایتالیا با شناسایی احکام قضایی صادر شده در یونان، باز هم مرتکب نقض مصونیت قضایی دولت آلمان شده است؛ آلمان با طرح این محورها، بر مسئولیت بین‌المللی ایتالیا اشاره و تأکید کرد ایتالیا باید هرگونه تدبیر لازم را اتخاذ نماید تا حصول اطمینان شود که تصمیمات محاکم ایتالیایی و سایر محاکم قضایی که مستلزم نقض مصونیت دولت آلمان هستند، قابلیت اجرا را از دست بدهند و در آینده نیز تکرار نشوند (Judgment of 3 February 2012).

۲-۳- دفاعیات ایتالیا

ایتالیا این‌گونه استدلال می‌کرد که آلمان مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده و این قواعد نقض شده دارای خصلت آمره است که بر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی برتری دارند؛ بنابراین، ایتالیا مدعی بود که مصونیت دولت نباید مانعی برای تحقق مسئولیت دولت در خصوص نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل باشد. ایتالیا و یونان با تأکید بر نظام سلسله مراتبی حقوق بین‌الملل تأکید می‌کردند که به‌طور اتوماتیک قواعد آمره، برتر از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی هستند (Talmon, 2012: 2) و برای اجرای عدالت، هیچ راهکار مؤثر دیگری غیر از برتری دادن حقوق بنیادین آمره به اصل مصونیت دولت‌ها وجود ندارد. این در شرایطی است که دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید می‌کند که مصونیت دولت‌ها از اقدامات مدنی ناشی از جنایات جنگی و دیگر موارد نقض حقوق بشر، یک محدودیت نامتجانس با حق دسترسی قربانیان به دادگاه نیست (De Santis di Nicola, 2015: 119).

تنها سه قاضی از ۱۵ قاضی دیوان از استدلال ایتالیا حمایت می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که مصونیت اعطاء شده به دولت‌ها در رسیدگی‌های مدنی در دادگاه‌های دولت دیگر

به دلیل رعایت نزاکت بوده و نمی‌تواند در سطح بین‌المللی بر قواعد آمرانه غالب شود (رمضانی قوام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰). از جمله قاضی آنتونیو ترینداد^۱ معتقد بود که حقوق مصونیت دولت باید در پرتو ارزش‌های بنیادین حقوق بشر که زمینه حقوق بین‌الملل است، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد (Jurisdictional Immunities of States, 2012, para 40).

۳-۳- رأی نهایی صادره توسط دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا

دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی تاریخی خود در دعوی آلمان علیه ایتالیا را در سوم فوریه ۲۰۱۲ م صادر کرد. طبق این رأی، ایتالیا با تجویز طرح دعوی مدنی علیه آلمان در خصوص نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط آلمان نازی، اتخاذ اقدامات اجرایی در رابطه با اموال آلمان در ایتالیا (ویلا ویگونی) و همچنین با لازم‌الاجرا دانستن رأی دادگاه‌های یونان در رابطه با نقض حقوق بشردوستانه در یونان توسط آلمان نازی در دادگاه‌های ایتالیا، تعهد خود را در خصوص احترام به مصونیتی که آلمان طبق حقوق بین‌الملل (عرفی) از آن برخوردار می‌باشد، نقض کرده است (Judgment of 3 February 2012, para.104).

دیوان توصیه می‌کند که دعوی قربانیان ایتالیایی طی مذاکراتی با حضور دو دولت مربوطه با رویکرد حل مسئله مورد حل و فصل قرار گیرد. چون از نظر دیوان اگرچه اقدامات نیروهای نظامی آلمان در جریان جنگ جهانی دوم در ایتالیا نادیده گرفتن «ملاحظات اولیه انسانیت» و «همچنین نقض فاحش حقوق بین‌الملل حاکم بر مخاصمات مسلحانه» می‌باشد، اما این موضوع متفاوت از موضوع دعوی یعنی مصونیت دولت‌ها می‌باشد (Ibid, para 52). طبق رأی دیوان ایتالیا متعهد است که آثار نقض‌های گذشته و مستمر مصونیت آلمان را با قانون‌گذاری یا اتخاذ اقدامات قانونی مناسب یا با توسل به شیوه‌های دیگر به انتخاب خود و اعاده وضعیت به سابق از بین ببرد (Ibid, para 136: 153).

به نظر می‌رسد فاحش‌ترین اشتباه ایتالیا در این روند، نقض اصل مصونیت اموال دولت‌ها از اقدامات اجرایی دیگر کشورها بود. چرا که از نظر دیوان حتی با فرض اسقاط مصونیت

^۱ . Antônio Trindade

دولت توسط یک دادگاه خارجی، این موضوع به معنای آن نیست که مصونیت اموال آن دولت از اقدامات اجرایی واقع در سرزمین دولت خارجی نیز اسقاط شده است (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

۴- نقض مصونیت دولت ایران و اموال آن توسط آمریکا

تا قبل از اینکه آمریکا در سال ۱۹۹۶ اصلاحاتی در قانون مصونیت دول خارجی ایجاد کند، قانون ۱۹۷۶ مصونیت دول خارجی معروف به قانون FSIA مبنای اقدامات این کشور بود. قانون ۱۹۷۶ با احترام به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، مصونیت را برای دولت خارجی از حیث اموال، تصمیمات، اسناد و نمایندگی‌های سیاسی به رسمیت می‌شناخت و تنها مطابق با قواعد عرفی استثنائاتی مقرر کرده بود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۵). استثنائاتی که در قانون ۱۹۷۶ برای نادیده گرفتن مصونیت دولت‌ها در بندهای ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ وجود داشت عبارت بودند از: انصراف از مصونیت، دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری، دعاوی در اموالی که با نقض حقوق بین‌الملل به دست آمده است، اختلافات در حقوق اموال غیرمنقول یا اموال به دست آمده از طریق ارث یا هبه در آمریکا، شبه‌جرم‌های ارتكابی به وسیله یک دولت خارجی در آمریکا، اجرای قراردادهای داوری (foreign sovereign immunities act of 1976, sec 1605 to 1607). این استثنائات مواردی بودند که هم در حقوق بین‌الملل عرفی دیده می‌شود و هم رویه قضایی، تقنینی و عملکرد بسیاری از کشورها نیز آن را تأیید می‌کنند. در قالب این قانون، ارگان تصمیم‌گیر در آمریکا درباره مصونیت دولت‌ها، قوه قضائیه (دیوان عالی آمریکا) بود.

اما در سال ۱۹۹۶، قانون مصوب ۱۹۷۶ کنگره اصلاح شد. اصلاحیه سال ۱۹۹۶ به قانون «فلاتو» معروف شد که بر اساس آن افراد آسیب‌دیده آمریکایی از حملات تروریستی (شکنجه، گروگان‌گیری، هواپیماربایی و ...) در هر کجای جهان یا بازماندگان آن‌ها می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند. همچنین بر اساس استثنائی که کنگره در سال ۱۹۹۶ بر قانون ۱۹۷۶ افزود، اتباع آمریکا علاوه بر دولت‌های حامی تروریسم، علیه مقامات چنین دولت‌هایی که از آن زیان دیده‌اند، نیز می‌توانند اقامه دعوی کنند (Knuchel, 2011:175).

در چارچوب این قانون، دولت‌های حامی تروریسم توسط وزارت امور خارجه آمریکا هر سال در فهرستی اعلام می‌شوند. این قانون انتقادات فراوانی را به دنبال داشت که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

- مغایرت این قانون با قواعد مسلم حقوق بین‌الملل از جمله قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها؛
- مغایرت با کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها؛
- مغایرت با رویه قضایی، تقنینی و عملکردی اکثریت کشورها؛
- مغایرت با آراء و رویه محاکم ملی و بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری؛
- مغایرت با قانون اساسی آمریکا، چرا که این قانون با انتقال تصمیم‌گیری درباره مصونیت دولت‌ها از قوه قضائیه به قوه مجریه، اصل تفکیک قوا را نقض کرده است؛
- نقض اصل بنیادین استقلال و برابری حاکمیت کشورها مصرح در منشور سازمان ملل متحد؛

- دشوار بودن اثبات کنترل مؤثر و انتساب عمل و عدم کارآمدی استثناء تروریسم. علیرغم انتقادات، دولت آمریکا برای پیشبرد این دکترین سیاسی خود و با اصرار به نقض نظم حقوق بین‌الملل، به سه اقدام دست زد:

اول، اتباع آمریکایی به اصطلاح زیان‌دیده از تروریسم را برای طرح شکایت علیه ایران به منظور درخواست غرامت، تشویق و برای آن‌ها تسهیلاتی ایجاد کرد. **دوم**، از متحدان همفکر خود نظیر کانادا خواست تا آن‌ها نیز قانون مشابهی را تصویب کنند. اما **سومین** و مهم‌ترین اقدام آمریکا که ابعاد ضدحقوقی آن همسطح قانون فلاتو است، تصویب قانون موسوم به «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» در سال ۲۰۱۲ است (PUBLIC LAW 112-158, 2012). در این قانون به محاکم آمریکایی اجازه داده شد تا برای پرداخت غرامت به خواهان‌های آمریکایی، علیه اموال مسدود شده ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی حکم دهند. بحث برانگیزترین بخش این قانون، نام بردن از یک پرونده مشخص قضایی (پرونده پترسون) در این مصوبه کنگره آمریکا بود که به‌منزله ورود قوه مقننه به نفع یکی از طرفین دعوا در قوه قضائیه بود. در جزء b ماده ۲ بخش ۵۰۲ قانون

۲۰۱۲، صراحتاً از پرونده پترسون نامبرده می‌شود و بر مسدود کردن دارایی ایران تأکید می‌گردد (Ibid, 2012). این قانون ضمن نقض قواعد مسلم حقوق بین‌الملل در خصوص مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، اصل تفکیک قوا در آمریکا را خدشه‌دار و منجر به واکنش حقوق‌دانان برجسته آن کشور از جمله رئیس دیوان عالی شد. آمریکا از سال ۱۹۸۴ ایران را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داده است.

بدین ترتیب پس از قانون فلاتو، با اقدامات هماهنگ قوای مجریه، مقننه و قضائیه آمریکا، انبوهی از شکایت‌های اتباع آمریکایی علیه ایران در محاکم آمریکا به راه افتاد. این شکایت‌ها را از لحاظ محتوایی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

دسته اول شکایت‌هایی است که در آن اتباع آمریکایی ادعای زیان و غرامت به واسطه اقدامات گروه‌هایی نظیر حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی کرده و دادگاه‌های آمریکایی نیز با ادعای اینکه گروه‌های مذکور مورد حمایت و کنترل مؤثر ایران هستند، احکامی علیه ایران صادر کرده‌اند که در رأس آن‌ها پرونده پترسون قرار دارد.

دسته دوم شکایت‌های بازماندگان حادثه یازدهم سپتامبر هستند که دادگاه‌های آمریکایی با ادعای اینکه ایران عبور اعضای القاعده را تسهیل کرده است، احکامی علیه دارایی‌های ایران به‌منظور جبران خسارت خواهان‌های پرونده صادر کرده‌اند. در واقع دولت و محاکم آمریکا از یک‌سو با اتهامات واهی، ایران را به پرداخت غرامت به بازماندگان حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر محکوم کرده‌اند و از سوی دیگر اقدامات متعددی برای سرپوش گذاشتن بر نقش عربستان سعودی در حادثه یازدهم سپتامبر انجام داده‌اند. به‌عنوان نمونه سیا در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ گزارش ۴۹۵ صفحه‌ای که حاوی پرونده‌های بسیار محرمانه درباره ارتباط عربستان با حملات ۱۱ سپتامبر بود، منتشر کرد. در این گزارش یک بخش ۳۰ صفحه‌ای با عنوان «موارد مربوط به عربستان سعودی» تقریباً به‌طور کامل مخدوش شده بود، به‌جز سه پاراگراف (Edwards, 2016).

۴-۱- احکام محاکم آمریکا در نقض مصونیت دولت ایران و اموال آن

۴-۱-۱- پرونده پترسون

در ۳۰ مه ۲۰۰۳ (۹ خرداد ۱۳۸۲) در دادگاه فدرال نیویورک پرونده‌ای موسوم به پترسون مطرح شد. این پرونده به مطالبه غرامت به سبب ادعای حمایت ایران از تروریسم توسط

بازماندگان ۲۴۱ نفر از کشته‌شدگان انفجار سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در مقر تفنگ‌داران دریایی آمریکایی در بیروت که ۵۸ نفر نظامی فرانسوی هم جزو کشته‌شدگان مذکور بودند و جهاد اسلامی لبنان مسئولیت آن بمب‌گذاری را بر عهده گرفته بود، مربوط می‌باشد. خواننده دعوی همگی آنان دولت ایران و در برخی موارد نهادهایی چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. دولت ایران مطابق اصل مصونیت دولت‌ها و همسو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر ممنوعیت شرکت در این‌گونه محاکم، از حضور در جلسات رسیدگی در دادگاه‌های آمریکا خودداری کرد و معتقد بود: «بر اساس اصل برابری حاکمیت‌ها و مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت مجاز به رسیدگی این قبیل دعاوی علیه دولت‌های خارجی نیستند» (بوجاری، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵). نهایتاً دادگاه فدرال نیویورک پس از رسیدگی‌های غیابی در ۱۶ شهریور ۱۳۸۶ (۷ سپتامبر ۲۰۰۷) رأی بر محکومیت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار غرامت و دستور بر توقیف اموال ایران برای پرداخت به خانواده‌های قربانیان انفجارهای مذکور صادر کرد. حدود ۹ ماه بعد حکم توقیف بدوی روی اوراق بانک مرکزی ایران که در حوزه آمریکا منتشر شده، صادر شد (Liptak, 2016).

در ۵ فوریه ۲۰۱۲ (بهمن سال ۱۳۹۰) بر اساس حکم اجرایی شماره ۱۳۵۹۹، باراک اوباما رئیس‌جمهوری وقت آمریکا دستور اجرای حکم مسدود کردن دارایی‌های متعلق به نهادهای تحت مالکیت یا تحت کنترل ایران و بانک مرکزی ایران صادر کرد (Katzman, 2017: 2). از همان زمان (۲۰۱۲/۱۳۹۰) بانک مرکزی ایران به پرونده ورود پیدا می‌کند. بعد از ۶ ماه از دستور اجرایی اوباما، طی یک اقدام هماهنگ بین قوه قضائیه، مقننه و دستگاه اجرائی آمریکا، در کنگره آمریکا در اوت ۲۰۱۲ برای توقیف دارایی‌های بانک مرکزی قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» به تصویب رسید. این قانون به محاکم آمریکایی اجازه داد تا برای پرداخت غرامت به خواهان‌های آمریکایی، علیه اموال مسدود شده ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی مانند اوراق منتشر شده متعلق به بانک مرکزی در نزد سیتی بانک نیویورک حکم دهند. این قانون صراحتاً به دادگاه اجازه می‌داد که رأی صادره در پرونده پترسون از محل اموال دارایی‌های مسدود شده بانک مرکزی ایران، پرداخت شود (Liptak, 2016). هدف این قانون بی‌اثر کردن دفاعیات و استدلال‌ات حقوقی بانک مرکزی ایران بود. به استناد این قانون، دولت و بانک مرکزی به یک صورت

قلمداد شد و بر این اساس مصونیت اموال بانک مرکزی برداشته شد. پنج ماه بعد دادگاه فدرال به نفع خواهان‌ها حکم داد. به‌دنبال آن دادگاه تجدیدنظر نیویورک هم در ۹ جولای سال ۲۰۱۴ (۱۸ تیر ۱۳۹۳) با عدم قبول دفاعیات ایران مبنی بر نقض روابط اقتصادی بین ایران و آمریکا بر اساس عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی بین ایران و آمریکا مصوب ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) و با رد درخواست بانک مرکزی ایران مبنی بر رفع توقیف از اموال آن بانک، رأی دادگاه فدرال را تأیید و تأکید کرد در قضیه پترسون و جمهوری اسلامی ایران دادگاه فدرال در صدور حکم از اختیارات قانونی خود عدول نکرده است (Peterson v. Islamic Republic of Iran, 2014).

به‌دنبال توقیف دارایی‌ها، بانک مرکزی ایران با تأکید بر استقلال این بانک از دولت، مصونیت بانک‌های مرکزی، قرار نداشتن محل اوراق در آمریکا، حاکمیتی بودن دارایی مذکور و اختصاص آن برای استیفای بدهی مشخص، منطبق بر قواعد حقوق بین‌الملل درخواست ابطال حکم را کرد. بانک مرکزی با اشاره به قانون ۲۰۱۲ کنگره و مداخله آن به نفع یکی از طرفین دعوا، نقض تفکیک قوا در آمریکا و مغایرت حکم با قانون اساسی آمریکا را مطرح ساخت. اما از آنجا که این پرونده از ابتدا با رویکرد سیاسی تنظیم شده بود، دیوان عالی آمریکا در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ (اول اردیبهشت ۱۳۹۵) اقدام به تأیید آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر این کشور مبنی بر پرداخت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار خسارت نمود. دیوان عالی آمریکا با ۶ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف و یک قاضی غایب، رأی خود را در ۴۴ صفحه صادر و اعلام کرد کنگره با تصویب قانون ۲۰۱۲ به نقش قانونی خود عمل کرده است و به این وسیله امکان دستیابی شاکیان پرونده به غرامت را آسان‌تر ساخته است (Liptak, 2016).

این در شرایطی است که جان رابرتس^۱ رئیس دیوان عالی آمریکا با انتقاد از این قانون، اقدام کنگره را دخالت در امور قضایی و خدشه بر اصل تفکیک قوا خواند و تأکید کرد با این قانون خاص، بازنده و برنده پرونده قضایی توسط کنگره مشخص می‌شود که این می‌تواند به رویه‌ای خطرناک تبدیل شود. اما موافقان مدعی‌اند که قانون مصوب کنگره، بر اساس متون و اسناد تاریخی و قضایی آمریکا، باید به‌عنوان یک قاعده اساسی توسط دادگاه

^۱ John Glover Roberts

اجرا می‌شد و دادگاه نیز در این چارچوب اقدام کرد (Zoldan, 2016). شاکیان آمریکایی برای دریافت غرامت نه تنها به دارایی‌های بانک مرکزی ایران چشم دوخته‌اند بلکه موضوع مصادره و فروش آثار باستانی ایران در آمریکا نیز برای دریافت غرامت در ژوئن ۲۰۱۷ مطرح شد. قربانیان مدعی‌اند که قانون ۲۰۱۲ به آن‌ها اجازه می‌دهد هر نوع دارایی‌های دولت‌های حامی تروریسم را بدون در نظر گرفتن مصونیت آن‌ها و فارغ از اینکه آیا آن‌ها به فعالیت تجاری در ایالات متحده مربوط می‌شوند یا نه، مصادره کنند. این افراد مدعی شده‌اند که ایران آموزش و حمایت لازم را از حماس برای انجام این بمب‌گذاری به عهده داشته است (The New York times, 2017). رأی غیرحقوقی دیوان عالی آمریکا در نقض مصونیت اموال ایران، علاوه بر واکنش تند مقامات عالی‌رتبه تهران، توسط ۱۲۰ کشور عضو جنبش عدم تعهد نیز محکوم شد. در بیانیه جنبش عدم تعهد، این رفتار آمریکا، نقض مصونیت دولت‌ها قلمداد و با لحنی تند هشدار داده شده که این رویه نظم بین‌المللی را آشفته و تبعات خطرناکی خواهد داشت (Associated Press, 2016).

۲-۱-۴- پرونده شکایت تعدادی از قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر

در نهم مارس سال ۲۰۱۶ یک دادگاه در نیویورک در ارتباط با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با صدور حکمی غیابی، ایران را به پرداخت ده و نیم میلیارد دلار غرامت به بازماندگان قربانیان و چند شرکت بیمه محکوم کرد. جرج دانیلز، قاضی دادگاه، ایران را به پرداخت هفت و نیم میلیارد دلار برای جبران خسارات مالی جان‌باختگان حملات به برج‌های تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون و پرداخت سه میلیارد دلار به شرکت‌های بیمه محکوم کرد. بر اساس حکم قاضی، باید به بازمانده هر قربانی مبلغ ۲ میلیون دلار غرامت برای درد و رنج و ۶/۸۸ میلیون دلار نیز برای جبران خسارات تبعی پرداخت شود. همچنین شرکت‌های بیمه از جمله کمپانی CHUBB که در سال‌های گذشته وظیفه جبران خسارات مالی و عدم نفع متضرران از حملات یازدهم سپتامبر را بر عهده داشته‌اند از این حکم منتفع می‌شوند. قاضی صادرکننده این رأی، برخلاف تمامی واقعیات ادعا کرده است که ایران از تروریست‌ها حمایت فعال کرده است که این ادعا حتی در تعارض کامل با اظهارات علنی و یافته‌های آشکار یا طبقه‌بندی شده حاصل از تحقیقات دولت و کنگره آمریکا قرار دارد. قاضی برخلاف شواهد مدعی بود که دولت جمهوری اسلامی با دادن اجازه

عبور به اعضای القاعده از خاک این کشور، در انجام این حمله مسئولیت داشته است (Bloomberg, 2016).

۴-۱-۳- پرونده بنیاد علوی

پنج سال پس از شکایت سال ۲۰۰۸ دولت آمریکا، در سپتامبر ۲۰۱۳ دارایی‌های بنیاد علوی و شرکت آسا (شامل برج ۳۶ طبقه بنیاد علوی در منهن و اموال تابعه آن)^۱ با ادعای همکاری با بانک ملی ایران به حکم قاضی کاترین بورت فارست^۲ از دادگاه فدرال منهن توقیف شد. این حکم اندکی بعد توسط دادگاه تجدیدنظر نیویورک در سال ۲۰۱۶ رد گردید چرا که مشخص نبود که آیا بنیاد علوی واقعاً می‌دانسته که شریک آن (آسا) تحت کنترل ایران است یا خیر؟ (WANG, 2017).

پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، روند مصادره دارایی‌های ایران شدت بیشتری گرفت. در ژوئن ۲۰۱۷ بار دیگر پرونده بنیاد علوی در دادگاه مطرح شد. «جون اچ‌کیم»^۳ وکیل دولت آمریکا ۲۹ ژوئن ۲۰۱۷ (۸ تیر ۱۳۹۶) در بیانیه‌ای از حکم دادگاه برای مصادره املاک بنیاد علوی خبر داد و مدعی شد این برج بیش از یک دهه به صورتی پنهان در خدمت دولت ایران بوده و راهی شده بود برای فرستادن میلیون‌ها دلار به ایران که تخطی آشکار از مفاد تحریم‌های آمریکاست. وی مدعی شد: «در جلسه دادگاه، اسرار این ساختمان برای همه آشکار شد و حکم امروز هیئت منصفه نیز آنچه را ما از سال ۲۰۰۸ فکر می‌کردیم، تأیید کرد» (Ibid). به‌گفته جون اچ‌کیم این حکم، بزرگ‌ترین مصادره مدنی و همچنین بزرگ‌ترین مصادره مربوط به تروریسم در تاریخ آمریکا محسوب می‌شود و دولت آمریکا موافقت کرده است که با درآمد حاصل از فروش ساختمان، که حدود یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شود به خانواده‌های قربانیان تروریسم، از جمله حملات ۱۱ سپتامبر غرامت پرداخت کند. در واکنش به این ادعا «جان گیلسون»^۴ وکیل بنیاد علوی با رد اتهام گفته بود: «این بنیاد یک سازمان خیریه است و تنها به خدمات فرهنگی اشتغال دارد. این بنیاد پس از تحریم‌های ایالات‌متحده در

1. Assa

2. Katherine B. Forrest

3. Joon H. Kim

4. John Gleeson

سال ۱۹۹۵ از ارتباطات شرکت آسا با دولت ایران- که ۴۰ درصد سهام بنیاد را در اختیار دارد- مطلع نبوده است» (Ibid).

۴-۲- اقدامات شاکیان آمریکایی برای شناسایی و اجرای احکام در محاکم کانادا و لوکزامبورگ

۴-۲-۱- محاکم لوکزامبورگ (پرونده هاولیش)

پس از آنکه دادگاه‌های آمریکایی احکامی علیه اموال و دارایی‌های ایران صادر کردند (به‌ویژه پس از حکم نهم مارس سال ۲۰۱۶ دادگاه نیویورک)، برخی از خواهان‌ها برای شناسایی احکام و توقیف اموال ایران به دادگاه لوکزامبورگ مراجعه کردند. به دلیل استقرار بخشی از دارایی‌های بانک مرکزی ایران در نزد کارگزاری به‌نام کلیراستریم^۱ در لوکزامبورگ، برخی از خواهان‌های آمریکایی در پرونده قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر و در رأس آن‌ها شخصی به‌نام «هاولیش»^۲ در ژانویه ۲۰۱۷ م به دادگاه لوکزامبورگ مراجعه و خواهان شناسایی حکم دادگاه نیویورک و اجرای آن شدند. دادگاه لوکزامبورگ علیرغم اینکه در اولین رأی که صادر کرده بود تقاضای خواهان‌های آمریکایی را رد کرده بود، اما در رأی تجدیدنظر در ۲۷ فوریه ۲۰۱۷ به‌طور غیابی و بدون اخذ دفاعیه ایران، حکمی برای توقیف یک میلیارد و ششصد میلیون دلار از دارایی‌های بانک مرکزی ایران صادر کرد. به‌دنبال اعتراض ایران، قاضی دادگاه لوکزامبورگ اعلام کرد دارایی‌های ایران به‌صورت موقت و بدون امکان انتقال به شاکیان، مسدود شده تا بر اساس نتیجه بررسی دادگاه در نهایت تصمیم گرفته شود که آیا بر اساس قوانین لوکزامبورگ، امکان پرداخت دارایی مذکور به‌عنوان غرامت برای شاکیان آمریکایی وجود دارد یا خیر؟ (The Iran Project, 2017).

۴-۲-۲- محاکم کانادا (پرونده بنتس)

تعدادی از محاکم کانادا اقدام به شناسایی احکام دادگاه‌های آمریکا علیه ایران کرده‌اند. همچنین دولت کانادا، به تبعیت از آمریکا در ۱۳ مارس ۲۰۱۲ م با اصلاح قانون ۱۹۸۵

^۱. Clearstream

^۲. hawlish

درباره مصونیت دولت‌ها، قانون جدیدی را تصویب کرد. بر اساس این قانون افراد زیان‌دیده از تروریسم در هر کجای جهان می‌توانند از کشورهایی که از نظر کانادا حامی تروریسم هستند، شکایت کنند. این اقدام کانادا که حدود یک ماه پس از رأی تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دعوی آلمان علیه ایتالیا انجام شد، به‌نوعی بی‌توجهی کانادا به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین عدول این کشور از کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد را نشان داد.

قانون ۱۹۸۵ کانادا درباره مصونیت دولت‌ها سه بار در دسامبر ۲۰۰۲، دسامبر ۲۰۰۴ و مارس ۲۰۱۲ مورد بازنگری قرار گرفته است. در اصلاحاتی که در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ صورت گرفت بحث شکنجه، نقض حقوق بشر، تروریسم یا نقض قواعد آمره به‌عنوان استثنایی بر مصونیت دولت خارجی مطرح نشده است. اما در اصلاحاتی که در ۱۳ مارس ۲۰۱۲ صورت گرفت، به تبعیت از الگوی آمریکا، تبصره‌هایی بر ماده ۶ اضافه شد که بر اساس آن کشورهایی که در فهرست حمایت از تروریسم قرار دارند، در محاکم قضایی کانادا مصونیت ندارند. بر اساس بند ۲ ماده ۶، تعیین فهرست کشورهای پشتیبان تروریسم، توسط وزارت امور خارجه و با مشورت وزارتخانه‌های امنیت عمومی و وضعیت اضطراری صورت می‌گیرد (State Immunity Act, R.S.C., 1985, c. S-18, 2012).

بر اساس این اصلاحات، اگر افراد قربانی اقدام تروریستی حتی در خارج از سرزمین کانادا باشند، دادگاه‌های کانادا به ادعای آن‌ها رسیدگی خواهند کرد. از آنجا که ایران یکی از کشورهای مندرج در فهرست مذکور می‌باشد، به‌ویژه از سال ۲۰۱۶ محاکم کانادا به تبعیت از آراء محاکم آمریکایی، احکامی در نقض مصونیت دولت ایران صادر کرده‌اند.

یکی از پرونده‌ها، شکایت خانواده مارلا بنتس^۱ ۲۴ ساله می‌باشد که در بمب‌گذاری در کافه دانشگاه عبری در ۳۱ جولای ۲۰۰۲ در قدس کشته شد. در سال ۲۰۰۷ دادگاهی در آمریکا حکم داد که حماس مسئول این حمله و برای اجرای آن از پشتیبانی مادی ایران استفاده کرده است. دادگاه ادعا کرد که ایران اعضای حماس را در سوریه، لبنان و سودان آموزش می‌دهد. بر اساس حکم، ایران باید به والدین و خواهر بنتس ۱۳ میلیون دلار غرامت بپردازد. به دنبال مراجعه خانواده بنتس به محاکم کانادا برای شناسایی و اجرای

^۱ . Marla Bennetts

حکم، دیوان عالی ایالت اونتاریو^۱ کانادا در خرداد ۱۳۹۵ (ژوئن ۲۰۱۶) با شناسایی حکم دادگاه آمریکایی، رأی داد که ۱۳ میلیون دلار از دارایی‌های غیردیپلماتیک مسدود شده ایران در این کشور به آن‌ها، به‌عنوان غرامت پرداخت شود. پرونده بنتس اولین شکایت علیه ایران پس از اجرای قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مصوب ۱۳ مارس سال ۲۰۱۲ در کانادا بود (Silverman, 2016).

۵- شکایت ایران از آمریکا به دیوان بین‌المللی دادگستری

مهم‌ترین راهکار حقوقی برای اعتراض به نقض مصونیت اموال ایران توسط آمریکا، شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری است. اولین موضوع مهم در شکایت به دیوان بین‌المللی، لزوم رضایت طرفین به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد. در این راستا ایران به ماده ۲۱ عهدنامه مودت، تجارت و دریانوردی ۱۹۵۵ استناد می‌کند که مقرر می‌دارد اختلافات حقوقی بین دو دولت از طریق ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل گردد (عهدنامه مودت ایران و آمریکا ۱۳۳۶: ۱۱۴۳). پیش از این نیز دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس همین عهدنامه به موضوع انهدام سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس ورود پیدا کرد. همچنین در قضیه تسخیر لانه جاسوسی موسوم به گروگان‌گیری نیز دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت خود را احراز و به موضوع ورود کرده و اقدام به رسیدگی کرد.

دادخواست رسمی ایران علیه آمریکا را نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۶ خرداد ۱۳۹۵) در دیوان دادگستری بین‌المللی در لاهه ثبت کرد (icj-cij, June 15, 2016). به‌موجب این دادخواست ایران از دیوان دادگستری بین‌المللی درخواست نموده که آمریکا باید برای نادیده گرفتن استقلال شخصیت حقوقی مؤسسات و نهادهای دولتی ایرانی و نیز نقض مصونیت بانک مرکزی و نقض حق دسترسی و دفاع آن‌ها برخلاف ماده (۲) (۱) معاهده مذکور، وضع و اجرای قوانین خاص علیه دولت و اموال دولت و مؤسسات و نهادهای دولتی ایرانی از جمله بانک مرکزی، رفتار ناعادلانه، غیرمنطقی و تبعیض‌آمیز با این مؤسسات و نهادهای مستقل دولتی و با اموال آن‌ها در آمریکا، نادیده گرفتن حقوق و منافع مکتسبه و حقوق قراردادی آن‌ها و توقیف و مصادره

^۱. Ontario

اموال آن‌ها در مغایرت با ماده (۱) ۴ و (۲) ۴ معاهده فی‌مابین، و نقض مصونیت دولت ایران و شرکت‌ها و نهادهای مستقل دولتی به‌ویژه بانک مرکزی برخلاف مواد (۱) ۳ و (۴) ۱۱ معاهده و نیز برخلاف الزامات حقوق بین‌الملل، مسئول شناخته شده و محکوم شود. از دیوان خواسته شده که آمریکا باید ملزم شود که مصونیت دولت ایران و نهادهای وابسته به دولت و اموال آن‌ها را تا حدی که در معاهده فی‌مابین و حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، محترم شمارد و حق دسترسی آزادانه به دادگاه‌های ایالات‌متحده و حق دفاع شایسته از حقوق و منافع مکتسبه را تضمین نموده و از هرگونه اقدام بر اساس قوانین و مقررات داخلی و احکام قضایی مغایر با معاهده اجتناب کند. در دادخواست ایران تأکید شده که آمریکا باید خسارات وارده به ایران ناشی از نقض این تعهدات بین‌المللی را جبران نماید (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۹۵/۰۳/۲۹).

علیرغم ایرادات مقدماتی آمریکا در اول می ۲۰۱۷ و ادعای عدم صلاحیت دیوان، دیوان بین‌المللی دادگستری طی دستور مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۹۷ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۸) اعلام نمود که با توجه به ماده ۴۸ اساسنامه دیوان و مواد ۳۱، ۴۴، ۴۵ قواعد رسیدگی دیوان و با در نظر گرفتن درخواست ایران برای صدور دستور موقت که در تاریخ ۲۵ تیر ۹۷ (۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸) ثبت گردید و نیز دستور موقت دیوان در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (۳ اکتبر ۲۰۱۸) مبنی بر صلاحیت اجمالی دیوان برای رسیدگی به دعوا، از آنجایی که در جلسه رئیس دیوان با نمایندگان طرفین در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (۱۳ اکتبر ۲۰۱۸) طبق ماده ۳۱ قواعد دیوان، نماینده رابط مشترک جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که دولت متبوع وی در پرتو فوریت رسیدگی به پرونده درخواست کرده مهلت دو ماهه‌ای برای تهیه لایحه خود به ایران اعطا شود و از آنجایی که معاون نماینده رابط ایالات‌متحده اظهار نمود که با توجه به پیچیدگی پرونده دولت متبوع وی خواهان اعطای مهلت ۱۰ تا ۱۲ ماهه از تاریخ ثبت لایحه ایران، برای آماده‌سازی لایحه متقابل خود می‌باشد، با لحاظ نظرات طرفین، دیوان مقرر می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران لایحه کتبی خود را در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ (۱۰ آوریل ۲۰۱۹) و ایالات‌متحده آمریکا لایحه متقابل کتبی خود را در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۸ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۹) ثبت نماید» (icj-cij, October 16, 2018).

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، قاعده عرفی تثبیت شده می‌باشد. علیرغم تحرکاتی که برای ایجاد استثنائات حقوق بشری بر مصونیت دولت‌ها صورت می‌گیرد، عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، وفاق عام وجود دارد. البته مفاد کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل مؤید این است که مصونیت مطلق دولت‌ها پذیرفته نیست، در واقع یک دولت در اعمال حاکمیتی از مصونیت برخوردار است ولی در مورد ادعاهای ناشی از معاملات تجاری یا اعمال تصدی‌گری دارای مصونیت نیست. دولت‌های خارجی همچنان از مصونیت از اقدامات اجرایی علیه اموالشان به‌طور مطلق برخوردارند.

اگرچه تصویب اساسنامه تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، تصریحی بر این نکته بود که می‌توان افراد را به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی به لحاظ کیفری مسئول شناخت، اما این استثناء شامل مقامات دولتی می‌شود نه دولت‌ها. با وجود این، تحرکات برای ایجاد سه استثناء شامل عدم مصونیت دولت در ارتکاب جنایات بین‌المللی، نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل و تروریسم، از سوی برخی قدرت‌ها ادامه دارد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل و دیوان بین‌المللی دادگستری در مقابل این تحرکات، واقعیت‌ها و عملکرد عموم دولت‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. رویه کمیسیون حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و عملکرد تقنینی و قضایی اغلب کشورها نشان می‌دهند که مصونیت دولت‌ها در اعمال حاکمیتی و مصونیت اموال آن‌ها از اقدامات اجرایی یک قاعده عرفی خدشه‌ناپذیر است. واقعیت این است که محاکم ملی کشورها به علت سیاسی‌کاری و عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در تشخیص کنترل مؤثر دولت‌ها، صلاحیت رسیدگی به قضایای دولت‌های دیگر را ندارند.

علیرغم پذیرش چرخش مصونیت دولت‌ها از مصونیت مطلق به محدود که اوج آن در تصویب کنوانسیون ۲۰۰۴ بود، از نظر دیوان هیچ استثنائی به مصونیت دولت‌ها به بهانه توسل به نقض قواعد آمرانه، تروریسم و نقض حقوق بشر وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری با رأی خود عملاً دکتترین یک‌جانبه برخی قدرت‌ها در ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌ها با استفاده ابزاری از تروریسم یا حقوق بشر را بی‌پایه دانسته و بار دیگر بر نظم

حقوق بین‌الملل و ثبات در آن تأکید کرد. رأی دیوان همچنین گامی در جهت تشویق کشورها به اجرایی کردن کنوانسیون سال ۲۰۰۴ می‌باشد. در دعوی آلمان علیه ایتالیا، دیوان با شناسایی یک قاعده عرفی و معرفی آن به توسعه حقوق بین‌الملل عام کمک کرد. اقدام آمریکا در سال ۱۹۹۶ و اقدام کانادا در سال ۲۰۱۲ در وضع استثناء تروریسم بر مصونیت دولت‌ها تبدیل به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی جدید نشده‌اند و به این دلیل نقض صریح قواعد حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شوند. به همین دلیل در پی مصادره اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا، ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. بررسی دادخواست ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد که ایران با استفاده از تجاربی که از چند دور حضور در دیوان کسب کرده است و نیز بر اساس مفاد معاهده مودت، تجارت و دریانوردی ۱۹۵۵ و با در نظر گرفتن رأی سوم فوریه ۲۰۱۲ دیوان در قضیه آلمان علیه ایتالیا در حمایت از اصل مصونیت دولت‌ها، دادخواست حقوقی منسجمی در دیوان ثبت کرده است. دادخواست ایران در دیوان هم شامل مصادره حدود ۲ میلیارد دلار دارایی‌های دارای پیشوند US و هم شامل سایر دارایی‌هایی می‌شود که به هر نحو از سوی دولت آمریکا برخلاف حقوق بین‌الملل در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرده که اعلام نماید اعمال دولت آمریکا در این خصوص برخلاف حقوق بین‌الملل است و دولت مزبور مکلف به توقف این اعمال و جبران خسارت بابت اعمال غیرقانونی گذشته است.

از منظر کوتاه مدت ثبت این دادخواست در دیوان از دو منظر اهمیت دارد. **اول** اینکه مراجعه خواهان‌های آمریکایی به دادگاه‌های کانادا و لوکزامبورگ برای شناسایی و اجرای احکام محاکم ملی آمریکا علیه ایران، نشان می‌داد که در صورت هرگونه تعلل امکان ایجاد موجی از پرونده‌ها در کشورهای مختلف و مغرض علیه ایران وجود داشت که با شکایت تهران به دیوان از شدت این روند کاسته شد. **دوم** اینکه با ثبت دادخواست ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری و صدور دستور موقت، از برداشت از دارایی‌های توقیف شده ایران جلوگیری به عمل می‌آید. اغلب حقوق‌دانان بر این دیدگاه هستند که دیوان بین‌المللی دادگستری در صورت پایبندی به رویه قبلی خود، توجه به رویه تقنینی، قضایی و عملکردی دولت‌ها، توجه مجدد به مصونیت دولت‌ها به‌عنوان قاعده بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی، تبعیت از کنوانسیون سال ۲۰۰۴ ملل متحد درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها از

صلاحیت محاکم ملی، بر رویه خود در رأی سوم فوریه ۲۰۱۲ تأکید و با محکوم کردن آمریکا گام مهم دیگری در صیانت از حقوق بین‌الملل برخواهد داشت. به‌ویژه اینکه هم ابعاد نقض مصونیت ایران و اموال آن توسط آمریکا به مراتب بیشتر از نقض مصونیت آلمان توسط محاکم ایتالیایی می‌باشد و هم مستندات و ادله ایران در اثبات نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی بین ایران و آمریکا مصوب ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) و نقض قواعد حقوق بین‌الملل عرفی توسط آمریکا، ابعاد گسترده‌تری دارد. به‌ویژه اینکه دست‌اندازی آمریکا بر اموال بانک مرکزی ایران در شرایطی است که در بند ۱۹ کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل تأکید شده است دسته‌های خاصی از اموال یک دولت از جمله اموال بانک مرکزی یا دیگر مرجع مالی دولت؛ نباید مشخصاً به‌عنوان اموال مورد استفاده یا به‌قصد استفاده از سوی آن دولت برای اهداف تجاری دولتی تلقی شود. در واقع کنوانسیون راه هرگونه توجیه برای مصادره این‌گونه اموال و نقض مصونیت آن‌ها را بسته است.

قانون استثناء تروریسم مربوط به سال ۱۹۹۶ که دستاویز محاکم آمریکا برای صدور احکام علیه دولت ایران می‌باشد، نه‌تنها مغایر با قانون اساسی این کشور و اصل تفکیک قوا است بلکه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود راجع به دعوی آلمان علیه ایتالیا به‌صراحت اعلام کرد استثناء تروریسم ایالات‌متحده در هیچ‌یک از قانون‌گذاری‌های کشورهای دیگر همتایی ندارد. در واقع دیوان معتقد است که دکترین بی‌اساس آمریکایی از سوی سایرین مورد شناسایی قرار نگرفته است و بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به شمار نمی‌آید. این یافته دیوان از جهت تأیید مصونیت دولت و بانک مرکزی ایران در دعوی ایران علیه آمریکا نیز می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. دیوان همچنین بیان داشت که اقبال اولیه گروه کاری کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ به استثناء تروریسم و عدم پیشنهاد درج آن در کنوانسیون ۲۰۰۴، مؤید آن است که آن استثناء از پذیرش بالایی در جامعه بین‌المللی برخوردار نیست. ضمن اینکه قانون سال ۲۰۱۲ کنگره آمریکا با عنوان «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» که دخالت آشکار قوه مقننه در پروسه قضایی در آمریکا می‌باشد، با بدیهی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل مغایرت دارد. محاکم آمریکایی در شرایطی با ادعای بی‌اساس تسهیل تردد ایران برای عبور اعضای القاعده احکامی علیه ایران برای پرداخت غرامت به بازماندگان قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر

صادر کرده‌اند که کنترل مؤثر عربستان سعودی بر القاعده و نقش این کشور در حادثه یازدهم سپتامبر حتی از سوی برخی از نهادهای آمریکا نیز تأیید شده است. به این دلیل به نظر می‌رسد صدور این احکام، اقدامی برای انحراف افکار عمومی از نقش عربستان سعودی به‌عنوان دیکتاتوری متحد آمریکا در غرب آسیا در حوادث تروریستی در آمریکا و اروپا می‌باشد. اقدامات آمریکا و برخی از متحدانش نظیر کانادا در ایجاد دکترین‌های بی‌پایه و نقض قواعد حقوق بین‌الملل، در صورت عدم واکنش حقوقی دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند ثبات بین‌المللی را به‌خطر بیندازد و این رویه را ایجاد کند که محاکم کشورها به سهولت، اقدام به محاکمه دولت‌های دیگر و صدور احکام غرامت علیه اموال آن‌ها کنند. بر این اساس رأی دیوان در شکایت ایران علیه آمریکا در پرونده موسوم به برخی از اموال ایران از دید افکار عمومی، رأی تاریخی محسوب خواهد شد که اراده دیوان برای حمایت از نظم حقوق بین‌المللی یا حرکت به سمت بی‌ثباتی بین‌المللی را نشان خواهد داد.

۷- محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

- تولید برنامه‌های مستند و کارشناس محور به‌منظور تبیین وظایف و نحوه فعالیت دیوان بین‌المللی دادگستری، تفاوت آن با سایر محاکم بین‌المللی، ضمانت اجرایی احکام دیوان به‌عنوان مهمترین رکن قضایی سازمان ملل.
- از زبان حقوق‌دانان بین‌المللی تأکید شود که مصونیت دولت به‌عنوان عدم صلاحیت محاکم قضایی دیگر دولت‌ها برای رسیدگی به دعاوی علیه آن دولت یک قاعده الزام‌آور حقوق بین‌المللی عرفی می‌باشد.
- در قالب برنامه‌های مستند و کارشناس محور، با اشاره به رأی تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی آلمان علیه ایتالیا در سوم فوریه ۲۰۱۲ م و محکومیت اقدامات ایتالیا در نقض مصونیت دولت آلمان و اموال آن، مشابهت این پرونده با پرونده شکایت ایران علیه آمریکا از زبان حقوق‌دانان تبیین گردد.
- نشست‌های دیوان بین‌المللی دادگستری درباره دو پرونده جداگانه شکایت ایران از آمریکا و ادله‌های حقوقی محکم ایران در جلسات دادگاه، به‌طور مناسب و برجسته منعکس گردد.

- علل حقوقی شکست آمریکا در طرح «ایرادات مقدماتی» ادعایی خود بر پرونده در اول می ۲۰۱۷ (ادعای تعلیق عهدنامه مودت از زمان حادثه گروگانگیری، ادعای عدم شمول دعوای ایران به عهدنامه مودت و ادعای متناقض بودن مصونیت بانک مرکزی) و همچنین ادعای عدم صلاحیت دیوان، از زبان کارشناسان ذیربط تبیین شود.
- دستور موقت دیوان در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ (صلاحیت اجمالی دیوان برای رسیدگی به دعوا) به‌عنوان اولین پیروزی ایران در این پرونده مورد تأکید قرار گیرد.
- از زبان حقوق‌دانان تأکید شود که دستور موقت ۱۱ مهرماه ۱۳۹۷ دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر صلاحیت اجمالی دیوان به‌معنای صلاحیت کامل دیوان در رسیدگی به این پرونده است.
- تأکید بر لازم‌الاجرا بودن قرارهای موقت دیوان بین‌المللی دادگستری که در سال ۲۰۰۴ در پرونده «برادران لاگرانژ علیه آمریکا» نیز مورد تأکید دیوان قرار گرفت.
- بر اساس تصمیم دیوان، جمهوری اسلامی ایران لایحه کتبی خود را در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۸ و آمریکا لایحه متقابل کتبی خود را در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۸ باید ثبت نماید. اهمیت دارد در این فاصله زمانی برنامه‌ها و گزارش‌هایی در باره ابعاد نقض حقوق بین‌الملل توسط آمریکا، سوابق محکومیت‌های آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری و سوابق رویارویی حقوقی ایران و آمریکا در دیوان تولید گردد.
- مطابق با لایحه دفاعیه ایران، از زبان حقوق‌دانان تأکید شود مقررات عهدنامه مودت ۱۹۵۵ باید در پرتوی حقوق بین‌الملل عرفی تفسیر شود. در واقع قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها در تفسیر مقررات عهدنامه مودت بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.
- در تبیین شکایت ایران از آمریکا به همه ابعاد دادخواست ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله اعلام نقض مقررات عهدنامه مودت، ارائه تضمین از سوی آمریکا برای توقف فعل متخلفانه، برخورداری ایران و شرکت‌های دولتی ایرانی از حق بر مصونیت قضایی، به‌رسمیت شناختن شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های دولتی ایرانی از سوی آمریکا و الزام آمریکا به جبران خسارت و پرداخت غرامت مورد توجه قرار گیرد.

– تأکید بر رویکرد سیاسی آمریکا در دیوان به جای رویکرد حقوقی با استناد به اظهارات سیاسی ریچارد ویسک نماینده رابط ایالات‌متحده آمریکا در دیوان که ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرده است.

– ادله حقوقی و اظهارات مستدل وکلای ایران از جمله لوک فیدال^۱، پروفسو ووا^۲، فیلیپا وب^۳، پروفسو ژان مارک توونن^۴، وردز ورث^۵ و پروفسو آلن پله^۶ در نشست‌های دادگاه به نحو مناسبی پوشش داده شود.

– اقدامات و توجیحات غیرحقوقی نمایندگان و وکلای آمریکا در نشست‌های دادگاه از جمله طرح مباحث سیاسی به جای مسایل حقوقی، طرح موضوعات مربوط به «مرحله ماهوی رسیدگی» در «مرحله صلاحیتی رسیدگی» و موارد مشابه از زبان حقوق‌دانان نقد شود.

– ضمن اشاره به عدم تاثیر خروج آمریکا از عهدنامه مودت بر روند حقوقی پرونده، از زبان حقوق‌دانان تأکید شود که ادعای آمریکا مبنی بر بی اعتباری عهدنامه مودت با عمل دولت ترامپ در فسخ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در تناقض است، چراکه عمل فسخ معاهده خود حاکی از آن است که دولت آمریکا بر این باور بوده است که عهدنامه مودت موافقت‌نامه‌ای کاملاً معتبر و لازم‌الاجرا بوده که این دولت خواسته با عمل فسخ به اعتبار آن پایان دهد.

– در برنامه‌های کارشناس‌محور تأکید شود که استناد به عهدنامه مودت در دیوان بین‌المللی دادگستری تا به حال در پنج مورد اتفاق افتاده است. بعد از انقلاب اسلامی یک بار آمریکا به پیمان دوستی استناد کرده و چهار بار ایران و جالب اینکه در پرونده سکوه‌های نفتی که آمریکا از عدم صلاحیت دفاع می‌کرد، علیه ایران به استناد همین عهدنامه دعوای تقابل طرح کرد.

1. VIDAL

2. LOWE

3. Philippa web

4. Thouvenin

5. Words worth

6. Allain Pellet

- ابعاد نقض مصونیت اجرایی ایران از زبان حقوق‌دانان بین‌المللی از جمله خانم فیلیپا وب به‌ویژه در شبکه پرس‌تی‌وی طرح گردد.
- در برنامه‌های کارشناس محور تأکید شود که احکام محاکم داخلی آمریکا علیه ایران مغایر کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل درباره مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، متضاد با رویه قضایی، تقنینی و عملکردی اکثریت کشورها، مغایر با آراء و رویه محاکم ملی و بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری و اصل بنیادین استقلال و برابری حاکمیت دولت‌ها می‌باشد.
- اقدام سیاسی کنگره آمریکا در ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌ها با تصویب قانون فلاتو در سال ۱۹۹۶ و تصویب قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه» در ۲۰۱۲م، با استناد به نظرات حقوقدانان آمریکایی و غربی مورد نقد قرار گیرد.
- از زبان کارشناسان حقوقی آمریکایی مغایرت قانون فلاتو با قانون اساسی آمریکا تبیین شود چرا که این قانون با انتقال تصمیم‌گیری درباره مصونیت دولت‌ها از قوه قضائیه به قوه مجریه، اصل تفکیک قوا را نقض کرده است.
- تشریح حقوق ایران برای اقدام متقابل با توجه به اینکه که قانون ایران اجازه می‌دهد اتباع ایرانی که ادعایی علیه دولت‌هایی که مصونیت قضائی ایران را به رسمیت نمی‌شناسند (آمریکا، کانادا و آرژانتین) دارند، می‌توانند در دادگاه‌های ایران ادعایشان را طرح کنند.
- با اشاره به احکام‌های بی‌اساس دادگاه‌های آمریکایی علیه ایران به بهانه جبران خسارات بازماندگان حادثه یازدهم سپتامبر، بر علل اجرایی نشدن قانون جاستا (شکایت بازماندگان قربانیان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر از عربستان سعودی)، از زبان حقوق‌دانان و کارشناسان تأکید گردد.
- تبعیت کانادا از رویکردهای سیاسی آمریکا درباره مصونیت دولت‌ها از جمله اصلاحات سال ۲۰۱۲ این کشور در قانون مصونیت دولت‌ها، از زبان حقوقدانان غربی مورد نقد قرار گیرد.
- با توجه به تلاش واشنگتن برای شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های آمریکا علیه ایران در دادگاه‌های دیگر کشورها از جمله کانادا، ایتالیا و لوکزامبورگ، در برنامه‌های کارشناس محور و با استفاده از حقوق‌دانان برجسته بین‌المللی تأکید شود که این موضوع نقض قواعد مسلم حقوق بین‌المللی عرفی و متضمن مسئولیت دولت‌ها می‌باشد.

– به فراخور تحولات و با استناد به اظهارات دکتر محسن محبی رئیس مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری ایران^۱ تأکید شود که دیوان داوری ایران و آمریکا به بیش از ۴۰۰۰ پرونده رسیدگی کرده و تاکنون (۲۰۱۸م) با صدور بیش از ۶۰۰ حکم بالغ بر ۵ میلیارد دلار به طرفین پرداخت کرده است. هم‌اکنون نیز چند دعوا در این دیوان در جریان رسیدگی است که خواسته آن‌ها بالغ بر چندین میلیارد دلار است. علی‌رغم این روند، آمریکا با توسل به محاکم داخلی خود و با نقض قوانین بین‌المللی و مصونیت دولت ایران تا سال ۲۰۱۸ با صدور ۱۰۲ حکم بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار علیه ایران اقدام نموده و هم‌اکنون نیز ۶۶ پرونده دیگر با خواسته‌هایی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران در جریان است که تمام این دعاوی ناقض مفاد عهدنامه مودت ۱۹۵۵ است.

^۱ . اظهارات دکتر محسن محبی نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در دومین جلسه رسیدگی به شکایت ایران از آمریکا در مورد توقیف دارایی‌های بانک مرکزی در تاریخ چهارشنبه، ۹۷/۰۷/۱۸.

منابع

الف) فارسی

مقاله‌ها

- حاتمی، مهدی و سادات حسینی، فرشته (۱۳۹۵)، «مصونیت قضایی دولت با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه آلمان علیه ایتالیا»، **مجله حقوقی دادگستری**، بهار، سال هشتم، شماره ۹۳.
- خضری، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، **پژوهش نامه اندیشه‌های حقوقی**، پاییز، سال اول، شماره ۳.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۲)، «مصونیت قضایی دولت خارجی در دادگاه‌های ملی با عنایت به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال سی‌ام، شماره ۴۸.
- سادات‌میدانی، سیدحسین (۱۳۹۴)، «حق دادخواهی و مصونیت قضایی دولت‌ها»، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف آلمان و ایتالیا، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، بهار، شماره ۶۹.
- عزیزی، ستار (۱۳۹۲)، «تعامل مصونیت دولت‌ها و قواعد آمره در پرتو رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، **فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، پاییز، دوره ۴۳، شماره ۳.
- موسوی، سیدعلی (۱۳۸۵)، «کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیستم، شماره ۴.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۱)، «استثناء تروریسم در آیین رأی ۳ فوریه ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، **فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس**، زمستان، دوره سوم، شماره ۱۲.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۲)، «بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات وستفالی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، پاییز، شماره ۶۵.

منابع اینترنتی

- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۹۵/۰۳/۲۹)، «جزئیات شکایت ایران از آمریکا به دیوان دادگستری بین‌المللی»، تاریخ دسترسی ۱۸ اردیبهشت ۹۶، قابل دسترسی در: <http://dolat.ir/detail/280939>
- عهدنامه مودت ایران و آمریکا (۱۳۳۶ش)، مجموعه قوانین مصوب مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ دسترسی ۲۳ فروردین ۹۶، قابل دسترسی در: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94974>

ب) انگلیسی

Books

- Katzman, Kenneth (2017), “**Iran Sanctions**”, Congressional Research Service, Grs Report Prepared for Members and Committees of Congress, 7-5700, RS20871, US, Library of Congress.
- Krajewski, Markus, Singer, Christopher (2012), “**Should Judges be Front-Runners? The ICJ, State Immunity and the Protection of Fundamental Human Rights**”, Max Planck Yearbook of United Nations Law.
- Yang, Xiaodong (2015), “**State Immunity in International Law**”, July, Cambridge Studies in International and Comparative Law, ISBN: 9781107535831, Cambridge.
- yearbook of the international law commission (1999), **Summary records of the meetings of the fifty-first session 3 May-23 July 1999, Jurisdictional immunities of States and their property (A/CN.4/L.576)** report of the working group, united nations publication, Volume I.
- yearbook of the international law commission (1990), **Summary records of the meetings of the forty-second session 1 May-20 July 1990, Jurisdictional immunities of States and their property (A/CN.4/415,1 A/CN.4/422 and Add.1,2 A/CN.4/431,3 A/CN.4/L.443, sect. E)**, Volume i, united nations publication.

Articles

- De Santis di Nicola, Francesco (2016), “Civil actions for damages caused by war crimes vs. State immunity from jurisdiction and the political act doctrine: ECtHR, ICJ and Italian Courts”, **International Comparative Jurisprudence**, December, Volume 2, Issue 2.
- Donoho, Justin (2009), “Minimalist Interpretation of the Jurisdictional Immunities Convention”, **Chicago Journal of International Law**: Vol. 9: No. 2, Article 12.
- Knuchel, Sevrine (2011), “State Immunity And The Promise Of Jus Cogens”, **Northwestern Journal of International Human Rights**, Volume 9, Issue 2, 2011 Spring
- Nagan, Winston, Root, Joshua (2013), “The Emerging Restrictions on Sovereign Immunity: Peremptory Norms of International Law”, the U.N. Charter, and the Application of Modern Communications Theory, **UF Law Scholarship Repository**.
- Pittrof, Sabine (2001), “Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case”, **German Law Journal**, Vol. 15.
- Stewart, David P (2011), “The Immunity of State Officials Under the UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property”, **vanderbilt journal of transnational law**, Vol. 44.
- Talmon, Stefan (2012), “Jus Cogens after Germany v. Italy: Substantive and Procedural Rules Distinguished”, **Leiden Journal of International Law**, Vol. 25.

Internet Resources

- Charter of the United Nations, accessed September 17, 2016, Available from: <http://www.un.org/en/sections/un-charter/chapter-i/index.html>.
- Dissenting Opinion of Judge Trindade, Jurisdictional Immunities of States, 2012, (2012), paras 40 and 52, accessed September 21,

- 2016, Available from: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-04-EN.pdf>
- Edwards, Jim, (Jul.18,2016), The 'missing' pages of the 9/11 report allege Saudi government links to the World Trade Center hijackers, accessed February 23,2017 Available from: <http://uk.businessinsider.com/911-report-missing-28-pages-allege-saudi-government-links-to-september-11-hijackers-2016-7>
 - Freezing of Iranian assets legal, Luxembourg judge rules, (March 22, 2017), The Iran Project, accessed July 04,2017,Available from: <http://theiranproject.com/blog/2017/03/22/freezing-iranian-assets-legal-luxembourg-judge-rules/>
 - germany v. italy: greece intervening, reports of judgments,advisory opinions and orders, 3 February 2012, Sales number 1031, accessed March 03,2017, Available from: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/143/143-20120203-JUD-01-00-EN.pdf>
 - icj-cij, (June 15, 2016), accessed January 24,2017,Available from: <http://www.icj-cij.org/docket/files/164/19032.pdf>
 - icj-cij, (October 16, 2018), accessed October 23,2018, Available from:<https://www.icj-cij.org/files/case-related/175/175-20181016-PRE-01-00-EN.pdf>
 - iran threat reduction and syria human rights act of 2012, public law 112–158)aug. 10, 2012, accessed March 05,2017, Available from: <https://www.congress.gov/112/plaws/publ158/PLAW-112-publ158.pdf>
 - Iran was ordered by a U.S. judge to pay more than \$10.5 billion in damages to families of people killed in the Sept. 11, 2001, (March9, 2016), Bloomberg, accessed February 02,2017, Available from: <https://www.bloomberg.com/amp/news/articles/2016-03-10/iran-told-to-pay-10-5-billion-to-sept-11-kin-insurers>
 - Iran's World Court Case Against the United States May Impact Investment Arbitration (July, 2016), accessed April 07,2017,Available from: <https://www.bakerlaw.com/alerts/irans->

world-court-case-against-the-united-states-may-impact-investment-arbitration

- Justices to Hear Dispute Over Seizing Iran Artifacts, (JUNE 27, 2017), The New York times, accessed March 02,2017, Available from: <https://www.nytimes.com/aponline/2017/06/27/us/politics/ap-us-supreme-court-iran-us-museums.html>
- liptak, adam (april 20, 2016), Supreme Court Rules Iran Bank Must Pay for Terrorist Attacks,The New York Times, accessed November 03,2016, Available from: https://www.nytimes.com/2016/04/21/business/supreme-court-rules-iran-bank-must-pay-for-terrorist-attacks.html?_r=0
- Peterson v. Islamic Republic of Iran (July 9, 2014), No. 13-2952,2d Cir, accessed March 04,2017, Available from: <http://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/ca2/13-2952/13-2952-2014-07-09.html>
- Report of the International Law Commission on the work of its fifty-first session, (2000), A/RES/54/111, accessed April 03,2017,Available from: <http://legal.un.org/docs/?symbol=A/RES/54/111>
- Silverman, David (June 10, 2016), Court awards Iran’s non-diplomatic assets in Canada to terror victims in \$13-million case, accessed September 17,2016, Available from:<http://nationalpost.com/news/canada/court-awards-irans-non-diplomatic-assets-in-canada-to-terror-victims-in-13-million-case/wcm/05f2d14f-ea4d-4b94-9764-44f64181af09>
- state immunity in Canadian courts (2012), State Immunity Act,R.S.C., 1985, c. S-18, accessed June 04,2017, Available from: <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/S-18/20120313/P1TT3xt3.html>
- state immunity in Canadian courts, (2002),State Immunity Act,R.S.C.1985,c. S-18, accessed June 04,2017,Available from:<http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/S-18/20021231/P1TT3xt3.html>
- State of signatures and ratifications of the UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property and the

- European Convention on State Immunity, (23 September 2011) committee of legal advisers on public international law (cahdi), accessed February 02, 2017, Available from: <http://www.coe.int/en/web/cahdi/meeting-documents?>.
- United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property (2004), accessed March 12, 2017, Available from: https://treaties.un.org/doc/source/Recent_Texts/English_3_13.pdf
 - united states: foreign sovereign immunities act of 1976, (october 21, 1976), sec 1605 to 1607, Public Law 94-583, 94th Congress, accessed November 04, 2016, Available from: <https://www.gpo.gov/fdsys/pkg/USCODE-2011-title28/html/uscode-2011-title28-partIV-chap97.htm>
 - wang, vivian, (june 29, 2017), Manhattan Skyscraper Linked to Iran Can Be Seized by U.S., Jury Finds, The New York times, accessed July 04, 2017, Available from: <https://www.nytimes.com/2017/06/29/nyregion/650-fifth-avenue-iran-terrorism.html>
 - Zoldan, Evan (September 7, 2016), “Bank Markazi and the Undervaluation of Legislative Generality, YALR LAW, accessed April 04, 2017, Available from: http://ylpr.yale.edu/inter_alia/bank-markazi-and-undervaluation-legislative-generality
 - 120 nations accuse US top court of violating law over Iran, (May. 05, 2016), The Daily Star, accessed April 04, 2017, Available from: <https://www.dailystar.com.lb/ArticlePrint.aspx?id=350811&mode=prin>

سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای شبکه هیسپان‌تی‌وی برون‌مرزی

«با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»

جلال غفاری‌قدیر^۱، جمال‌الدین حسینی^۲، معصومه مرادجانی^۳

چکیده

تدوین سیاست‌های کاربردی مطلوب شبکه هیسپان‌تی‌وی، یکی از ملزومات مبتی رسانه آترناتیو مذکور است که در راستای تقویت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در کشورهای اسپانیایی‌زبان ایجاد شده است. کارشناسان معتقدند اگر رسانه مذکور نتواند به درک مشترکی با مخاطب برسد و بر تفاوت‌های بین فرهنگی فائق بیاید، نه تنها نمی‌تواند مؤثر واقع شود، بلکه ممکن است به اقدامی ضدتبلیغی تبدیل شده و موج اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را دامن بزند. لذا محقق، با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد با ۲۰ نفر از نخبگان و متخصصان عرصه دیپلماسی و رسانه، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام داد. در خلال مصاحبه‌ها، ۴۵۷ کد اولیه، ۲۵۶ کد ثانویه، ۶۰ کد مفهومی و ۱۱ مقوله به دست آمد. بر اساس نتایج تحقیق که در قالب ۷ طبقه اهداف و اولویت‌ها، سیاست‌های محتوایی، راهبردهای ساختاری، راهبردهای مدیریتی و توزیعی، محیط‌شناسی و مخاطب‌شناسی احصاء شد، هیسپان‌تی‌وی برای اینکه بتواند نقشی مؤثرتر در دیپلماسی فرهنگی ایفا کند، باید سیاست‌های محتوایی خود را بر اساس اهداف و اولویت‌های رسانه و با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب تدوین کرده و راهبردهای ساختاری، مدیریتی و توزیعی مطلوب و متناسبی را در برنامه‌ها و محیط درون رسانه در پیش بگیرد.

کلید واژه‌ها: سیاست‌های کاربردی رسانه‌ای، هیسپان‌تی‌وی، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مخاطب‌شناسی، نظریه داده‌بنیاد.

۱- نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

Jalalghafari@gmail.com

J.hoseini90@gmail.com

۲- دکترای مدیریت رسانه، مدرس دانشگاه سوره، تهران، ایران.

۳- دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

sienta112@gmail.com

مقدمه

با وجود آنکه فناوری در بسیاری از زمینه‌ها به کمک بشر آمده و ارتباطات انسانی را تسهیل کرده است، اما جوّ حاکم بر ارتباطات بین‌المللی به شدت نگران‌کننده است، زیرا با رشد فناوری، جریان یک‌سویه اطلاعات و ارتباطات از سوی صاحبان فناوری به سوی جامعه جهانی و به‌ویژه کشورهای جنوب روانه شده است. آمریکای لاتین که همواره قربانی توسعه نامتوازن غربی بوده است، با پیشرفت اطلاعات و ارتباطات، بار دیگر متحمل نوعی توسعه نامتقارن شده است که تناسبی با فرهنگ جوامع لاتین نداشته و منجر به تعمیق توسعه‌نیافتگی شده است، به‌گونه‌ای که امروز نه تنها گفتمان رسانه‌ای غرب همچنان یکه‌تازی می‌کند، بلکه فرهنگ و تفکری التقاطی با بن‌مایه غربی بر این جوامع حاکم شده است. از سوی دیگر در این سوی کره خاکی، جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که دارای دو عنصر ایرانیت و اسلامیت است که این دو به طرز عمیقی در فرهنگ عمومی ایران در هم تنیده شده‌اند. ایران اسلامی هیچگاه رابطه شکننده‌ای با لاتین‌ها نداشته و تاکنون به لحاظ تاریخی سابقه تهاجم و تخاصمی از سوی ایران علیه آنان به اثبات نرسیده است. آنچه که تا دهه‌ها قبل وجود داشته است، چهره‌ای خنثی از ایران و اسلام در افکار عمومی آمریکای لاتین بوده است که بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، وجهه ضد امپریالیستی و ظلم‌ستیزی آن را ستوده و از آن الهام گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که شاهد هستیم بسیاری از رهبران و نخبگان چپ‌گرای آمریکای لاتین و برخی از احزاب اسپانیا مواضع مثبتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران داشته و خواستار گسترش روابط سازنده دوجانبه و منطقه‌ای با ایران هستند.

طی چند دهه اخیر با گسترش روزافزون نفوذ رسانه‌های هژمون، شاهد هستیم که موج عظیم ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی در اسپانیا و آمریکای لاتین در حال گسترش است و با وجود انعطاف‌ها و گام‌های اعتمادساز فراوانی که از سوی طرف ایرانی در معادلات بین‌المللی برداشته شده است، اما رسانه‌های هژمون، چهره‌ای منفور و شمشیری در غلاف از ایران نشان می‌دهند. از سوی دیگر، ایران نیز تا پیش از سال ۲۰۱۱ از رسانه قدرتمندی در

حوزه آمریکای لاتین برخوردار نبوده است که این هجمه‌ها را خنثی و چهره حقیقی خود را عیان کند.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در راستای روشنگری وقایع جهان و تقویت دیپلماسی فرهنگی خود، شبکه برون‌مرزی هیسپان‌تی‌وی را در سال ۲۰۱۱ برای مخاطبان اسپانیایی‌زبان خود ایجاد کرده است. شبکه هیسپان‌تی‌وی زمانی قادر به مواجهه با هجمه‌های عظیم رسانه‌ای خواهد بود که گفتمان‌ساز باشد و بتواند رابطه تعاملی موثری را با مخاطبان خود ایجاد کند. اگرچه معدود پژوهش‌هایی از جمله «برنامه‌ریزی راهبردی برای هیسپان‌تی‌وی» بر اساس ماتریس سوات توسط ابوذر خوش‌بیان انجام و تجزیه و تحلیل شده و به ضعف‌ها، قدرت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها پرداخته شده است، اما این پژوهش ورودی به سیاست‌های کاربردی هیسپان‌تی‌وی نداشته است. همچنین پژوهش دیگری تحت عنوان «راهبردهای مطلوب ارتقا دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از طریق هیسپان‌تی‌وی» توسط احمد رامین-فرد انجام شده است و در آن به راهبرد رقابتی به‌عنوان اصلی‌ترین راهبرد رسانه اشاره شده است، اما در این پژوهش نیز به سیاست‌های رسانه‌ای پاسخ داده نشده است. هیسپان‌تی‌وی، برای اثربخشی بیشتر، بهتر است در راستای سیاست‌های صحیح و حساب‌شده‌ای قدم بردارد تا به هدف «جذب، نفوذ و اثرگذاری بر مخاطب»، که غایت دیپلماسی فرهنگی است، دست یابد. در همین راستا محقق درصدد تعیین سیاست‌های کاربردی مطلوب محتوایی، ساختاری و سازمانی برای رسانه مذکور برآمد.

ادبیات نظری

انواع دیپلماسی؛ عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای

دیپلماسی عمومی از روش‌های نوینی است که دولت‌ها در راستای تامین منافع ملی خود با اثرگذاری بر افکار عمومی دیگر کشورها بهره می‌برند. از منظر قدرت نرم، مبانی «دیپلماسی فرهنگی»^۱ شامل عناصر زیر است:

- ۱- شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدأ؛
 - ۲- شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد؛
 - ۳- شناخت فرهنگ به‌عنوان قدرت نرم؛
 - ۴- توجه افکار عمومی به‌عنوان زمینه اعمال قدرت نرم؛
 - ۵- توجه به دیپلماسی نوین (بازیگران غیردولتی، بین دولتی و اهمیت فناوری ارتباطات).
- اگرچه سازوکارهای مطلوب برای دیپلماسی فرهنگی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما نباید به‌صورت مستقیم شکل گرفته و جنبه تبلیغی داشته باشد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۲۳). به‌گونه‌ای که بسیاری از سیاستمداران معتقدند یکی از علل شکست آمریکا در جنگ ویتنام، پوشش منفی تلویزیونی بود (قوام، ۱۳۹۰: ۳۸۰). از سوی دیگر برخی معتقدند که دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به فعالیت‌هایی تسری داد که یک مفهوم فرهنگی را به مخاطب القاء می‌کنند. مطلوب آن است که دیپلماسی فرهنگی تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به‌منظور تقویت تفاهم متقابل باشد. بر این اساس «نفوذ و اثرگذاری» دو هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی در راستای اقناع مخاطب قلمداد می‌شود.

در جهان معاصر به دلیل ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، رسانه‌های جمعی، بخشی از ارتباطات انسانی را شکل می‌دهند. رسانه‌های جدید از آنجایی که واسطه‌ای قدرتمند در انتقال اطلاعات محسوب می‌شوند، قدرت انتقال و تفسیر فرهنگ‌ها را به دست آورده‌اند. بنابراین دولت‌ها به لحاظ حساسیت این موضوع، در فرایند سیاست‌گذاری رسانه‌ها ورود پیدا می‌کنند

^۱ . Cultural Diplomacy

(روشن‌دل‌اربطانی، ۱۳۹۴: ۲۹۳). هر رسانه سیاست‌گذاری خاص خود را دارد که برگرفته از اصول کلی حاکم بر رسانه‌ها در هر کشور است. راما پراساد^۱ محقق آمریکایی، «دیپلماسی رسانه‌ای»^۲ را به‌عنوان نقشی که رسانه‌ها در فعالیت‌های دیپلماتیک میان کشورها بازی می‌کنند، تعریف کرده است (نوابخش، ۱۳۸۷: ۱۴۷). خرازی آذر (۱۳۸۹) معتقد است که دیپلماسی رسانه‌ای در سطوح پایین‌تر جامعه، توانایی بیشتری برای تأثیرگذاری بر مخاطبان دارد. اما دیدگاه‌های دیگری وجود دارد که مبتنی بر آن‌ها، مهم‌ترین مخاطبان دیپلماسی رسانه‌ای، مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند (نوابخش، ۱۳۸۷: ۱۵۴). اسماعیلی (۱۳۸۹) می‌گوید که امنیت و پرستیژ ملی و حل و فصل بحران‌های بین‌المللی مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماسی رسانه‌ای است. به باور نگارنده چون رسانه ماهیتی فرهنگی دارد و حوزه شمول فرهنگ همه جوامع^۳ می‌باشد، بنابراین مخاطب آن همگان هستند و رسانه‌ای در این فضای رقابتی سنگین موفق‌تر است که دارای ابزارهای قدرتمند فنی و زبانی باشد و از طرف دیگر شناخت بالایی نسبت به خلیقات و روحیه مخاطبان خود داشته باشد (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

پیشبرد مضاف رسانه‌ای در مسیر اهداف انقلاب اسلامی، نیازمند طراحی دقیق پیام‌هایی است که باید از طریق رسانه به مخاطب ارائه شود تا افکار عمومی به شکلی شایسته هدایت و فرهنگ عمومی بین‌المللی مدیریت شود. در واقع رسانه ساختاری است که باید روح تعالیم دینی، آرمان‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی را به‌صورت پیام، طراحی و با به‌کارگیری سیاست‌های مطلوب و استفاده حداکثری از امکانات و ظرفیت‌های موجود، آن را به طیف گسترده‌ای از مخاطبان خود عرضه نماید. انتقال پیام باید در جهت هدایت افکار عمومی و مدیریت فرهنگ عمومی در جنگ رسانه‌ای و در مسیر غایت‌ها و آرمان‌های اسلام، انقلاب و نظام اسلامی صورت بگیرد.

^۱ . Rama Prasad

^۲ . Media Diplomacy

^۳ . Stockholder

روش پژوهش

در این پژوهش تلاش بر آن شد تا سیاست‌های مطلوب هیسپان‌تی‌وی با رویکرد دیپلماسی فرهنگی و بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای تعیین شود. مهمترین ویژگی روش داده‌بنیاد روند کدگذاری داده‌هاست. در واقع کد عبارت است از کلمه، مفهوم و یا برجستگی که به یک یا چند واحد عبارتی شامل جمله، گزاره، پاراگراف یا صفحه الصاق می‌شود. فرآیند کدگذاری شامل سه مرحله است؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی است. در این راستا مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با ۲۰ نفر از نخبگان و متخصصان دستگاه دیپلماسی و رسانه انجام شد. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، مراحل کدگذاری اولیه و ثانویه آغاز و بعد از دسته‌بندی، اهم سیاست‌های رسانه‌ای استخراج و در جدول‌هایی مجزا ارائه شد^۱ و با بررسی نتایج و در نهایت پس از کدگذاری محوری بر اساس مدل رهیافت، این پژوهش به الگویی برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای دست یافت. تعداد کل کدهای اولیه، ثانویه، کدهای مفهومی و طبقات در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱- تعداد کدهای اولیه، ثانویه و مفهومی

کدهای اولیه	کدهای ثانویه	کدهای مفهومی	طبقه
۴۵۷	۲۵۶	۶۰	۷

روایت سیاست‌های کاربردی مطلوب هیسپان‌تی‌وی

در روایت و تحلیل داده‌ها به اهم سیاست‌های کاربردی رسانه‌ای مستخرج از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته اشاره و به تفکیک هر حوزه، بندهای سیاستی مرتبط با آن روایت می‌شود:

۱- اهداف و اولویت‌ها

اهداف و اولویت‌ها بیانگر سمت‌وسوی حوزه عمل شبکه در تولید، تأمین و پخش برنامه است (پرسکات، ۱۳۹۳: ۹۳). نتیجه دیدگاه صاحب‌نظران در قالب ۴ کد مفهومی و ۲۲ کد ثانویه در این زمینه است.

^۱. با توجه به حجم گسترده داده‌های مستخرج، فقط کدگذاری نهایی در مقاله آورده شده است.

جدول ۲- اهداف و اولویت‌ها

کد مفهومی	کد ثانویه
تثبیت جایگاه کنشگر برتر تحولات غرب آسیا	۱- تنها مرجع تولید و انتشار دقیق، موثق و گسترده اخبار غرب آسیا به زبان اسپانیایی، ۲- رقابت با شبکه‌های بزرگ رسانه‌ای، ۳- انعکاس صدای جنوب در شمال به‌عنوان هدف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، ۴- ارتباط جنوب-جنوب جهت درک بی‌واسطه حقائق
پلی ارتباطی در جهت ایجاد همبستگی	۱- انعکاس فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، ۲- قرابت و نزدیکی با آمریکای لاتین و اسپانیا، ۳- معرفی و شناساندن همه‌جانبه اسلام و ایران به گزیده‌ترین شکل ممکن، ۴- پل ارتباطی کشورهای آمریکای لاتین با یکدیگر، ۵- رساندن صدای کشورهای جنوب به جنوب به‌عنوان واقعیات جهان، ۶- تسهیل‌کننده همکاری کشورهای مستقل، ۷- فراهم کردن زمینه اتحاد استراتژیک میان غیرمتعهدها (کشورهای عضو جنبش عدم تعهد)
روشنگری علیه اغوای بین‌المللی	۱- روشنگری در مسائل مهم بین‌المللی مانند مسئله فلسطین، فرقه‌های انحرافی اسلامی، ۲- روشنگری در خصوص وقایع سیاسی جهان اسلام، ۳- نگاهی نو و واقع‌گرایانه به دغدغه‌های بین‌المللی از جمله حقوق بشر، زنان، جوانان، جمعیت‌های بومی، محیط‌زیست، نژادپرستی و بیگانه‌هراسی، ۴- تبیین تفاوت بنیادین سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های جهانی، ۵- نمایاندن چهره واقعی غرب به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا
مبارزه با هجمه رسانه‌ای علیه ایران	۱- کنار زدن پرده‌های ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، ۲- مبارزه با اغوای بین‌المللی علیه ایران، ۳- معرفی دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، ۴- داشتن رویکرد تهاجمی و منتقدانه علیه قدرت هژمون و رسانه‌های آن‌ها، ۵- تبیین همکاری همه‌جانبه ایران با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای محور مقاومت، ۶- تبیین اثرگذاری و اقتدار نظامی ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی

۲- سیاست‌های مطلوب محتوایی

اظهارات کارشناسان با لحاظ کردن تسهیل دسترسی برای مجریان در قالب چهار حوزه فرهنگ، جامعه، اقتصادی و سیاست خارجی ارائه شد.

۲-۱- سیاست‌های محتوایی حوزه فرهنگ

این سیاست‌ها در قالب ۵ کد مفهومی و ۲۱ کد ثانویه آمده احصا شده است.

جدول ۳- سیاست‌های مطلوب محتوایی حوزه فرهنگ

کدهای ثانویه	کد مفهومی
۱- انتقاد به بی‌بند و باری، اباحه‌گری و اخلاق ستیزی، ۲- تبیین قبح اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی، مدپرستی و سبک زندگی مصرفی، ۳- تبیین نقد فرهنگی جهانی‌سازی آمریکایی و سیاست‌های فرهنگی غرب	ترویج گفتمان غرب‌ستیزی
۱- تبیین زمینه‌ها و عوامل همبستگی فرهنگی در جامعه بین‌الملل، ۲- توجه ویژه به تفاوت‌ها و ظرفیت‌های دولت‌های اسپانیای زبان به‌ویژه آمریکای لاتین، ۳- اهتمام ویژه به لهجه‌های مختلف اسپانیایی در هیسپان‌تی‌وی، ۴- اهمیت ویژه به قالب‌های فرهنگ بومی	قرابت فرهنگی با آمریکای لاتین
۱- تولید حداکثری محتواهای ارزشی و انقلابی در قالب‌های مختلف، ۲- تقویت روحیه مقاومت و ایستادگی، ۳- روشنگری و مبارزه با رشد فرق ضاله و انحرافی، ۴- ارتباط عمیق فرهنگی با مسلمانان و اعراب در اسپانیا و آمریکای لاتین، ۵- تلاش در جهت گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی، ۶- توسعه و تعمیق گرایش‌ها و تعلقات عمومی نسبت به ادیان الهی	پیشبرد اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۱- تأکید بر تاریخ و تحولات آمریکای لاتین بعد از ۱۴۹۲، ۲- تأکید بر فرهنگ بومی مقهورشده، ۳- تأکید بر عناصر وحدت‌بخش میان بومیان، ۴- تبیین سیاست‌های ضد بومی اروپائیان و آمریکا، ۵- تبیین هویت ازدست‌رفته و بازیابی درونی	پرداختن جدی به تاریخ استعمار
۱- کلیسای کاتولیک: سابقه همکاری با دیکتاتورها، وجود فرق جدید و معنویت‌گرایی نوظهور، فعالیت تبلیغی شدید پروتستان‌ها، کمبود کشیش‌های بومی، گرایش سیاسی کشیش‌ها، ۲- الهیات رهایی‌بخش: پایگاه انقلابیون، ۳- پروتستان‌ها: آزادی مذهب و ایجاد قوانین جدید، سوابق منفی کاتولیک در اذهان عمومی، سیاست‌های آمریکایی، استفاده از کشیش‌های بومی، تبلیغات فراوان، ایجاد دست کم ۶ فرقه پررنگ	توجه به چالش‌های مسیحیت در آمریکای لاتین

۲-۲- سیاست‌هایی محتوایی حوزه اجتماعی

مخاطبان در اسپانیا، جنوب ایالات متحده و جوامع لاتین تا حدودی قرابت فرهنگی با ایران دارند اما در حوزه اجتماعی تفاوت بارز است. سیاست‌هایی بر اساس وضع موجود در قالب ۴ کد مفهومی و ۱۸ کد ثانویه ارائه شد.

جدول ۴- سیاست‌های محتوایی در حوزه اجتماعی

کد مفهومی	کد ثانویه
تشریح و تبیین حقوق بشر غربی	۱- تشریح و تبیین حقوق بشر آمریکایی در قاره آمریکا و جهان، ۲- تدوین و تبیین تبعیض‌های ظالمانه در کشورهای مدعی حقوق بشر به انحاء مختلف، ۳- تقبیح تمسخر مردم، قومیت‌ها، اقشار و مشاغل قانونی و مشروع، ۴- تبیین، بررسی و نقد نهضت‌های هم‌جنس‌گرایی و دیگر انواع انحرافات جنسی
ارائه الگوی مطلوب خانواده در قالب نقد مشکلات اجتماعی	۱- روش‌های پیشگیری از آلودگی به مفاسد اجتماعی و مصون‌سازی جامعه، ۲- انتقاد به سبک‌های نادرست زندگی و تبیین شیوه‌های مبارزه با آن، ۳- بررسی و تبیین آثار زیان‌بار روابط ناسالم جوانان غربی، ۴- ارائه الگوی روابط سالم و ترویج فرهنگ ازدواج آسان
ترویج اخلاق در جوامع منحط	۱- تقویت هویت بومی با رویکردی اصلاح‌گرایانه به روابط اجتماعی غلط نهادینه شده، ۲- بررسی انحطاط فکری و اخلاقی در آمریکای لاتین و ارائه راه‌حل اجتماعی اصلاحی، ۳- ترویج اخلاق اسلامی با الهام از شیوه اثرگذاری پروتستان‌ها، ۴- نفی و تقبیح مدگرایی، ۵- ارائه الگوهای جدید در چارچوب ارزش‌های بومی، ملی و دینی، ۶- پرهیز دادن مردم از خشونت، ارتکاب جرم و تخلفات
برجسته‌سازی ریشه بحران اجتماعی آمریکای لاتین	۱- اطلاع‌رسانی و تشریح مفاسد و گرفتاری‌های مهاجرت به کشورهای غربی به‌ویژه کانادا و ایالات متحده، ۲- تقبیح مفاسد اجتماعی و بررسی، تدوین و تبیین شیوه‌های مبارزه با آن، ۳- پرداختن به مسائل بیکاری، اعتیاد، فقر و طلاق به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات اجتماعی، ۴- تبیین و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بررسی علل، عوامل و زمینه‌های اعتیاد به مواد مخدر در قاره آمریکا

۳-۲- همبستگی، انگاره مطلوب حوزه سیاست خارجی

افزایش عمق استراتژیک ایران در کشورهای اسپانیایی‌زبان از محورهای همبستگی نخبگان است که زمینه‌سازی رسانه‌ای گسترده‌ای را می‌طلبد. در این حوزه ۲ کد مفهومی و ۱۳ کد ثانویه مورد توجه است.

جدول ۵- سیاست‌های مطلوب حوزه بین‌الملل

کد مفهومی	کد ثانویه
همبستگی سیاسی با کشورهای مستقل	۱- تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی و مبارزه و تقابل با یکجانبه‌گرایی آمریکایی، ۲- حفظ، تقویت و افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین، ۳- تهدید زدایی از پیرامون نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد روندهای نوین تأثیرگذار بین‌المللی
ضدیت با نظام سلطه	۱- خیزش علیه نظم نوین جهانی (نظام سلطه)، ۲- تبیین تعارضات آشکار و پنهان اردوگاه استکباری مانند تعارضات اروپا و آمریکا، ۳- تشریح، تبیین دیدگاه و نگرش مردم، انقلابیون و فرهیختگان جهان در مورد آمریکا، ۴- طرح ناتوانی و تزویر اغلب سازمان‌های بین‌المللی در حل مشکلات جهانی و خدمت آن‌ها به سلطه استکبار، ۵- تقویت حرکت‌های ضد استکباری و ترویج وحدت در آمریکای لاتین، ۶- القای شکست‌پذیری آمریکا و رژیم صهیونیستی، ۷- وحدت با جنبش عدم تعهد، ۸- دفاع از مظلومان جهان به‌ویژه مسلمانان فلسطین، میانمار، یمن، سوریه، عراق و لبنان و... ۹- برندسازی ایران و معرفی به‌عنوان الگوی موفق مقاومت و استقلال، ۱۰- برندسازی رهبران انقلابی

۲-۴- سیاست‌های مطلوب حوزه اقتصاد

از محورهای مورد مذاقه برای برون‌رفت ج.ا.ایران از انزوایی که غرب با اعمال تحریم‌های همه‌جانبه ایجاد کرده، اقتصاد است. ایران و آمریکای لاتین از پتانسیل بالایی برای همکاری در زمینه فناوری، صنعت، معدن و انرژی برخوردارند. در همین راستا ۳ کد مفهومی و ۱۴ کد ثانویه به‌عنوان محورهای اصلی جریان سازی احصاء شد.

جدول ۶- سیاست‌های پیشنهادی حوزه اقتصاد

کدهای ثانویه	کد مفهومی
۱- تأکید بر رویکرد استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه جمهوری اسلامی ایران و اعضای آلبا ^۱ در سیاست خارجی به‌عنوان عامل توسعه روابط، ۲- تأکید بر همگرایی کشورهای آلبا و ایران، ۳- شناساندن نیروی انسانی متخصص ایرانی برای همکاری با بخش‌های مختلف صنعتی آمریکای لاتین، ۴- فراهم‌سازی بستر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای مستعد بر اساس نیازهای طرفین مبنی بر اقتصادهای مکمل، ۵- تبیین و تشریح راهکارهای دستیابی به خودکفایی در محصولات استراتژیک و ضروری و ترغیب و تشویق به آن، ۶- طرح، تبیین و تشریح دستاوردهای اقتصادی کشورهای آلبا و جمهوری اسلامی ایران و زمینه‌سازی برای توسعه آن با تأکید بر اقتصاد مقاومتی	همکاری دوجانبه و منطقه‌ای با ایران
۱- فراهم‌سازی بستر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای مستعد بر اساس نیازهای طرفین، ۲- حمایت همه‌جانبه از گروه‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی قدرتمند مانند اتحادیه آلبا، بریکس و مرکوسور ^۲ ، ۳- انعکاس توانمندی‌های دیگر قدرت‌های اقتصادی مانند بریکس، ۴- تأکید بر خوداتکایی برای حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی آمریکای لاتین، ۵- طرح شاخصه‌های طرح اقتصاد مقاومتی به‌صورت غیرمستقیم برای توسعه کشورهای مستقل و دوست، ۶- تشویق به اتخاذ سیاست اصلاح از پایین برای داشتن اقتصادی مولد	تأکید بر همکاری درون منطقه‌ای
۱- تبیین و ترویج روش‌های حصول، حفظ و توسعه استقلال اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و خوداتکایی در عرصه‌های محوری اقتصاد، ۲- معرفی فرمول‌ها و راهکارهای موجود در «اقتصاد سرمایه‌داری» و نقد تأثیر نامطلوب آن بر فقر و تشدید بیکاری در آمریکای لاتین	همکاری قطب‌های اقتصادی ضد امپریالیست

۳- سیاست‌های برنامه‌سازی

در مقاله حاضر، سیاست‌های برنامه‌سازی در شش قالب فیلم و سریال، میزگرد، مستند، موسیقی و نم‌هنگ، عکس و خبر و گزارش خبری آورده شده‌اند.

^۱ . Bolivarian Alliance for the People of Our America

^۲ . Southern Common Market

۳-۱- سیاست‌های تولید برنامه‌های گفتگومحور (میزگرد)

برنامه‌های گفتگو محور با وجود دارا بودن پتانسیل جذب نخبگان، عمومیت ندارند. بنابراین حرفه‌ای‌تر شدن فضای گفتگوها حائز اهمیت است که سیاست‌های آن در قالب ۳ کد مفهومی و ۱۵ کد ثانویه قابل بررسی است.

جدول ۷- سیاست‌های فرمی مطلوب برنامه‌های گفتگو محور

کد ثانویه	کد مفهومی
۱- دغدغه محور بودن و از جنس خواست، نیازها و اولویت‌های رسانه و مخاطب، ۲- عدم تقلیل و تحقیر ارزش‌های دینی، ملی و آرمان‌های انقلابی ایران و مخاطبان، ۳- آموزنده، بیدارکننده و هشیار آفرین بودن جهت‌گیری مخاطبان، ۴- اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران در قالب نقد و یا مدح سیاست‌های دیگر کشورها و حاکمیت‌ها ۵- پرداختن به مباحث و موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جهان به‌ویژه غرب آسیا، ۶- معرفی نظام مردم‌سالاری دینی ایران در قالب برنامه‌های ثابت با موضوع تحلیل سیاسی مسائل ایران، ۷- نقد نظام سلطه بر اساس موضوعات روز، ۸- زیرسوال بردن مواضع غیرمنطقی سازمان‌های بین‌المللی علیه دولت‌های مستقل و اسلامی، ۹- تولید برنامه‌های گفتگو محور با پشتوانه تحقیق و پژوهش.	بایسته‌های موضوعی برنامه‌های گفتگو محور
۱- بانوان همکار مسلمان باید حدود شرعی اسلام را رعایت کنند، ۲- بانوان پیرو دیگر ادیانی که در ایران هستند، ملزم به رعایت حجاب اسلامی هستند، ۳- حدود پوشش بانوان پیرو دیگر ادیانی که در خارج از ایران هستند، برای قرار گرفتن در قالب فرهنگی مخاطب، بررسی شود.	بررسی حدود پوشش بانوان همکار
۱- با توجه به اینکه بیشتر مخاطبان از سواد رسانه‌ای کمی برخوردارند، بهتر است که محتوای غنی در قالب بیانی ساده ارائه شود، ۲- اکثر مخاطبان هیسپان‌تی‌وی از سواد گفتمانی و سواد رسانه‌ای بالایی برخوردار نیستند، ۳- مخاطبان اسپانیایی و لاتینو کمتری قادر به درک سواد گفتمانی هستند.	تولید برنامه‌های پرمغز اما عامه فهم

۳-۲- سیاست‌های مختص به تولید موسیقی و نماهنگ

ذائقه مخاطب، موسیقایی است. فرهنگ لاتین با موسیقی عجین شده و بیش از نیمی از رسانه‌های او را در برمی‌گیرد. هدایت این عنصر هنری به سمت برنامه‌های ترکیبی در محتوا روح دمیده و اثرگذاری آن را بیشتر می‌کند. خونگرمی، شاد زیستی، هیجانی، شجاعت و نترس بودن و دارای روحیه بالای انقلابی از خصوصیات بارز مخاطبان لاتینو است که در قالب ۴ کد مفهومی و ۱۹ کد ثانویه آمده است.

جدول ۸- سیاست‌های مطلوب پخش موسیقی و نماهنگ

کدهای ثانویه	کد مفهومی
۱- دربرداشتن نمادها و جنبه‌های ارزشی، ملی، بومی، سوسیالیستی و انقلابی موسیقی بومیان، ۲- تولید و تأمین موسیقی‌های انقلابی و تمرکز بر اشتراکات انقلاب‌های ایران و کشورهای آمریکای لاتین، ۳- ضرورت ارتباط گرفتن با روح حماسی و ایثارگری جامعه و انگیزه‌های مقابله با ظلم و استکبار	تولید موسیقی و نماهنگ کوتاه و پرمغز سیاسی
۱- تولید بر اساس مناسبت‌های بومی مخاطب، ۲- عامل پویایی جوامع و اشاعه ارزش‌های متعالی انسانی، ۳- تأکید بر عدم تضعیف همبستگی جهانی و تضعیف انزواگرایی، ۴- تأکید بر تولید منطبق و سازگار با حساسیت مخاطب	تولید نماهنگ-های تاریخی
۱- دربرداشتن نمادها و جنبه‌های ارزشی، اسلامی، ملی و انقلابی موسیقی ایران	موسیقی سنتی ایرانی
۱- کیفیت بالای هنری و ساختاری نماهنگ‌ها و موسیقی‌ها، ۲- نماهنگ‌های تولیدی ویژه ایران، باید دربرگیرنده نمادها و جنبه‌های ارزشی، اسلامی، ملی و انقلابی باشد، اما در عین حال باید حساسیت‌های مخاطب را نیز در نظر گرفت، ۳- نماهنگ‌های تولیدی ویژه اسپانیا و آمریکای لاتین، باید دربرگیرنده نمادها و جنبه‌های ارزشی، ملی، بومی، سوسیالیستی و انقلابی آن‌ها باشد، ۴- نماهنگ‌های تولیدی و تأمین باید موجب پویایی جوامع هدف شود و ارزش‌های متعالی انسانی را اشاعه دهد، ۵- نماهنگ‌های تولیدی و تأمین باید بتواند با روح حماسی و ایثارگری مخاطب لاتین زبان ارتباط و انگیزه‌های مقابله با ظلم و استکبار را در او زنده کند، ۶- نماهنگ‌های تولیدی نباید موجب تضعیف همبستگی کشورهای مستقل و دوست جمهوری اسلامی ایران گردد، ۷- نماهنگ‌های تولیدی نباید موجب غفلت مخاطبان نسبت به میراث تاریخی و هویت دینی و ملی آن‌ها گردد، ۸- پخش نماهنگ‌های تأمین، به مناسبت‌های بومی مخاطب، ۹- در نماهنگ‌های تولیدی باید از ارزش‌های مشترک استفاده و تضعیف انزوای دولت‌های مستقل در دستور کار قرار	بایسته‌های تولید، تأمین و پخش موسیقی

<p>بگیرد، ۱۰- در نمانگ‌های تولیدی به زبان اسپانیایی نباید مطالب دال بر توهین به «قاره آمریکا» وجود داشته باشد، چون همه لاتین‌ها خود را آمریکایی می‌دانند، بلکه برای خطاب قرار دادن آمریکا باید از الفاظ «ایالات متحده» یا «آمریکای شمالی» مورد نقد قرار گیرد، ۱۱- ضرورت تبیین شعار ضداستکباری به انحاء مختلف</p>	
--	--

۳-۳- سیاست‌های خبر و گزارش خبری

خبر، بهترین و جامع‌ترین قالب برای انعکاس خبرهای ایران، منطقه و جهان، اعلام مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران و نشر گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. برای قدرتمندتر کردن این بخش از رسانه، سیاست‌هایی در قالب ۳ کد مفهومی و ۱۱ کد ثانویه قابل بررسی است.

جدول ۹- سیاست‌های مطلوب خبر و گزارش خبری

کد ثانویه	کد مفهومی
<p>۱- عدم مغایرت با مصالح ملی و اسلامی، وحدت عمومی و قوانین کشور، ۲- عدم القای وابستگی رسانه به رسانه‌های دیگر، ۳- لحاظ نمودن ضرورت تضعیف دشمنان، تقویت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، ۴- صحت و دقت، بهنگام بودن و سرعت در اخبار و گزارش‌های خبری، ۵- ممنوعیت ترویج فرهنگ و عقاید باطل، الگوبرداری‌های غلط و غیرمتعارف از دیگر رسانه‌ها و فرهنگ‌ها، ۶- تقویت دولت- ملت‌های دوست ایران</p>	<p>بایسته‌های خبر و گزارش خبری</p>
<p>۱- حالات مطلوب گویش، لهجه و لحن مجری خبر، ۲- ممنوعیت هتک حیثیت قومیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی، اشخاص حقیقی و حقوقی و مشاغل اجتماعی</p>	<p>تنوع در چینش گوینده با لهجه بومی</p>
<p>۱- عدم تحریک تعصبات گروهی مخاطبان و ایجاد اغتشاش در جامعه، ۲- عدم مغایرت پخش خبر و گزارش‌ها با اصول و موازین شرعی، شئون فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی، ۳- بررسی سیاست پوشش بانوان پیرو دیگر ادیان در پخش برنامه‌ها در راستای همسویی با فرهنگ مخاطب</p>	<p>عدم تحریک و توهین به تعصبات مخاطب</p>

۳-۴- سیاست‌های مطلوب فیلم و سریال

دارا بودن سیاستی مدون برای انتخاب موضوع، کیفیت، محبوبیت و اثربخشی، اصلی اساسی است. همدلی و ایجاد ارتباط گسترده، برانگیختن تفکر و احساس مخاطب، عبرت‌آموز بودن، مفرح و لذت بخشی، سرگرم‌کنندگی، قابلیت باورپذیری و قریب به واقع بودن از شاخصه‌های

اصلی یک فیلم مؤثر است. این قبیل فیلم‌ها، باید از خصایصی از جمله انعکاسی مثبت از جامعه ایران و پیشرفت‌های آن، ایجاد انگیزه و علاقه برای ارتباط با فرهنگ ایرانی، تقویت کانون خانواده، دارا بودن پیامی نویدبخش و ارائه کننده یک راه‌حل برای نابسامانی‌های محیط اجتماعی مخاطب برخوردار باشد. این بخش شامل ۳ کد مفهومی و ۷ کد ثانویه است.

جدول ۱۰-سیاست‌های مطلوب فیلم و سریال

کد ثانویه	کد مفهومی
۱- ترجمه، دوبله و تولید فیلم‌های فاخر ایرانی، ۲- ترجیح فیلم‌های جدید و پرمضمون	ترجیح فیلم‌های جدید بر قدیمی به لحاظ سبک هنری
۱- ترجمه، دوبله و تولید سینمایی‌هایی با ژانر اجتماعی، ۲- ترجمه، دوبله و تولید فیلم‌های سینمایی حاوی پیام مفید و آموزنده، ۳- ترجمه، دوبله و تولید فیلم‌های سینمایی مروج فرهنگ صحیح خانواده	توجه به گزینش فیلم‌ها و سریال‌هایی با ژانر اجتماعی
۱- ترجمه، دوبله و تولید فیلم و سریال‌های سینمای مقاومت، ۲- ترجمه، دوبله و تولید فیلم‌های حماسی و اسلامی	ترویج حداکثری فیلم‌های سینمایی مقاومت و ژانر سیاسی

۳-۵-سیاست‌های مطلوب فیلم مستند

مستند به آثاری اطلاق می‌شود که مضمون، محتوا، عناصر و شخصیت‌های آن واقعی باشد تا بتوان از آن به‌عنوان سند برای اثبات واقعیات بهره گرفت. سیاست ارائه مستند در قالب ۴ کد مفهومی و ۱۰ کد ثانویه آمده است.

جدول ۱۱-سیاست‌های مطلوب برنامه‌های مستند

کدهای ثانویه	کد مفهومی
۱- طرح و تشریح دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی و ابهام‌زدایی از اقتصاد مقاومتی در نزد مخاطبان، ۲- تبیین و ترویج ضرورت و کیفیت تحقق عدالت اقتصادی، ۳- زمینه‌سازی و حمایت از برنامه مبارزه مستمر با مفاسد اقتصادی	ترجیح عدالت اقتصادی بر دیگر موضوعات

<p>۱- ساخت مستندهای تاریخی در جهت معرفی ایران و فرهنگ اصیل آن قبل و بعد از اسلام، ۲- معرفی نوع پوشش اقوام ایرانی، ۳- ترویج آداب، فرهنگ و رسوم اسلامی و ایرانی</p>	<p>ترجیح معرفی آداب و سنن ایرانی</p>
<p>۱- ساخت مستندهای دفاع مقدس و مدافعان حرم بر اساس ارزش‌های دفاع مقدس، ۲- ساخت مستندهای اردوهای جهادی برای بازسازی مناطق محروم با هدف انتقال تجربه، ۳- ساخت مستند از مبارزات ایران و محور مقاومت علیه تروریسم تکفیری</p>	<p>ترجیح و ساخت مستندهای جهادی</p>
<p>۱- پرده برداشتن از چهره نفاق غرب با ساخت مستندهای روشنگر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی</p>	<p>ساخت مستند روشنگر سیاسی- اقتصادی</p>

۳-۶- سیاست‌های مطلوب عکس خبری

ترکیب مناسب محتوا و عکس به عنوان دو رکن اساسی مطبوعات برای ثبت و انتقال بهتر پیام به مخاطبان، مؤثر است. از ویژگی خاص یک عکس خبری می‌توان به روایی بودن، لحظه‌ای بودن، درگیری با موضوع، عینی بودن و تحرک اشاره کرد. سیاست‌های عکس خبری در قالب ۳ کد مفهومی و ۸ کد ثانویه آمده است.

جدول ۱۲- سیاست‌های مطلوب عکس خبری هیسپان تی‌وی

کد ثانویه	کد مفهومی
<p>۱- عدم دخل و تصرف در عکس، ۲- عدم جانبداری و تعصبات شخصی، ۳- ملاحظه ویژه نسبت به سوژه‌های آسیب‌پذیر، ۴- عدم مداخله در واقعیت</p>	<p>رعایت اخلاق حرفه‌ای خبرنگاری</p>
<p>۱- نباید دربرگیرنده توهین به اصول دینی و اعتقادی، آداب و سنن فرهنگ‌های دیگر باشد.</p>	<p>روشگری به دور از توهین و تحقیر</p>

دارا بودن ارزش‌های خبری	۱- ارزش‌های خبری در عکس خبری نیز لحاظ شده باشد، ۲- عکاس خبری باید در جهت حق دسترسی همگان به حقائق، عکس صحیح، دقیق و منصفانه منتشر کند، ۳- عکس خبری باید از درگیری موضوعی، عینی بودن و حرکت برخوردار باشد.
-------------------------	---

۴- سیاست‌های کاربردی مطلوب توزیعی

رسانه‌های اجتماعی گروهی از انواع جدید رسانه‌های آنلاین هستند که امکان مشارکت کردن، دسترسی باز، ارتباط دوسویه، شکل‌گیری گروه‌های آنلاین و توانایی برقراری ارتباط با مخاطب را به سهولت ایجاد می‌کنند (علی‌عسکری، ۱۳۹۰: ۱۳۵). پویایی بیشتر مستلزم شناخت وضعیت کاربران است که در قالب ۳ کد مفهومی و ۱۲ کد ثانویه آمده است.

جدول ۱۳- سیاست‌های مطلوب توزیعی هیسپان تی‌وی

کد مفهومی	کد ثانویه
سیاست‌های توزیعی در تولید	۱- کاهش حجم دانلود محتواها به‌ویژه محتواهای وب‌سایت، ۲- تعامل محتوایی با رسانه-های چاپ‌گرای محلی در آمریکای لاتین
حضور جدی در شبکه‌های اجتماعی	۱- ظهور و فعالیت جدی حداکثری رسانه در شبکه‌های مجازی پرمخاطب در اسپانیا و آمریکای لاتین به‌ویژه فیسبوک، ۲- حضور جدی در توئیتر ^۱ ، لینکداین ^۳ و اینستاگرام ^۴ ، ۳- حضور هدفمند در ردیت ^۵ ، ۴- استفاده از اپلیکیشن‌های موبایل محور به‌ویژه واتس‌آپ ^۶
برندسازی رسانه	۱- برجسته‌سازی عدم چاپ‌گرایی یا راست‌گرایی رسانه از راه‌های جلب اعتماد اکثریت خاموش است، ۲- افزایش حداکثری راه‌های ارتباط‌گیری با مخاطب، ۳- تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد، ۴- تکرار حداکثری نام رسانه‌های مطرح چاپ‌گرا در رسانه با دقت در استقلال رسانه، ۵- حضور حداکثری خبرنگاران هیسپان تی‌وی در جهان، ۶- ضرورت پخش هیسپان تی‌وی در شبکه‌های داخلی (تلویزیونی) رسانه‌های آمریکای لاتین

۱. Face book

۲. Twitter

۳. LinkedIn

۴. Instagram

۵. Reddit

۶. Whatsapp

۵- سیاست‌های کاربردی مطلوب مدیریتی

«مدیریت توانمند» در درون سازمان از اصول اولیه عملکرد صحیح رسانه‌ای است که سیاست‌هایی در قالب ۵ کد مفهومی و ۱۷ کد ثانویه برای آن مطرح گردید.

جدول ۱۴- سیاست‌های مدیریتی هیسپان تی‌وی

کد ثانویه	کد مفهومی
۱- جذب نیروهای متخصص و متعهد، ۲- جذب شخصیت‌های رسانه‌ای و ارتباطاتی، ۳- جذب شخصیت‌های تحلیگر خوش فکر در حوزه‌های مختلف، ۴- تشکیل نشست‌های همنشینی	تشکیل کارگروه گفتمانی
۱- اعمال سیاست‌های اخلاق حرفه‌ای، ۲- تقویت احساس تعلق به سازمان در کارکنان، ۳- توانمندسازی نیروی انسانی، ۴- رفع موانع بین‌المللی شدن روزنامه‌نگاران ایرانی	توانمندسازی نیروی انسانی متعهد
۱- ضرورت ارتباط‌گیری با انجمن‌های مردم نهاد، ۲- ضرورت جذب مخاطبان خاص با هدف اثرگذاری بر رهبران افکار عمومی، ۳- تعامل سازنده با رسانه‌های همسو، ۴- ترغیب وزارت امور خارجه به رایزنی‌های دیپلماتیک با کشورهای آمریکای لاتین برای گسترش راه‌های ارتباط‌گیری با مخاطب، ۵- پیگیری جدی جهت رفع مشکلات مالی	روابط عمومی مؤثر و کارآ
۱- ضرورت همکاری همه جانبه در تعیین، تولید، تأمین و توزیع پیام	هماهنگی همه‌جانبه درون سازمانی
۱- تقویت روحیه مسئولانه و خودناظری نیروهای سازمان، ۲- ضرورت ارزیابی بازخورد مخاطب، ۳- ضرورت برخورد با محتواهای خلاف اهداف رسانه	اعمال نظارت سه‌گانه فرد، مخاطب و سازمان

۶- ویژگی‌های عمومی محیط رسانه

محیط رسانه‌ای با هویت مخاطبان آن گره خورده است. هویت به لحاظ هستی‌شناسی یک واقعیت اجتماعی و به لحاظ معرفت‌شناسی قابل شناخت است (پولیوت^۱، ۲۰۰۷: ۳۵۹). هویت

^۱- Pouliot

یک بخش جدانشدنی از شناخت است که زندگی را قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند از سوی دیگر تکوین هویت یک کنشگر مستلزم قائل شدن به مرزهایی میان خود و دیگری است. پس هویت‌ها به اعتباری مستلزم تفاوت نیز هستند (گلوبسبرگ^۱، ۱۹۹۶: ۹۳).

برای اینکه بتوان به اهداف دیپلماسی عمومی که جذب، نفوذ و اثرگذاری بر مخاطبان است (زهره‌ای و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱۰) دست یافت، باید شناخت دقیقی از ویژگی‌های هویتی مخاطب داشت (صادقی: ۱۳۸۴: ۶۲). در جدول زیر ۷ کد مفهومی و ۳۸ کد ثانویه حائز اهمیت است.

جدول ۱۵- محیط‌شناسی شبکه هیسپان تی‌وی

کد مفهومی	کد ثانویه (توصیف محیط رسانه)
عدم یکپارچگی جامعه هدف به لحاظ تنوع نژادی	۱- اسپانیا جامعه‌ای مهاجرپذیر با فرهنگ‌های مختلف است اگرچه فرهنگ غالب، غربی و اسپانیایی است، ۲- مشابهت‌های فرهنگی زیادی بین ایران و اسپانیا وجود دارد، ۳- آمریکای لاتین جامعه‌ای یکدست نیست، ۴- بولیوی، پرو و اکوادور، تقریباً سرخپوست و تا حدودی گرایش قبیله‌گرایی دارند و اشتراکات تمدنی زیادی با هم دارند، ۵- آرژانتین، شیلی و اروگوئه تا حدودی فرهنگ واحدی دارند و تقریباً غربی هستند، ۶- مکزیکی‌ها به لحاظ فرهنگی، تقریباً غربی اما سرخپوست هستند، ۷- کشورهای حوزه کارائیب غالباً سیاه‌پوست هستند. مردم پاناما سیاه‌پوست هستند؛ ولی غالباً غربی زندگی می‌کنند، ۸- هندوراس، السالوادور، کاستاریکا، نیکاراگوئه و پاناما تقریباً بین نیمه سرخ‌پوستی و نیمه سیاه‌پوستی هستند، ۹- در سه کشور برزیل، کلمبیا و ونزوئلا تنوع نژادی به وفور دیده می‌شود؛ اگرچه غالباً سیاه‌پوست هستند، ۱۰- اعراب تقریباً در برخی از کشورهای جنوبی مانند برزیل، آرژانتین و شیلی متمرکز هستند و در بقیه کشورها هم به صورت پراکنده وجود دارند، ۱۱- دیگر نژادها از چینی و ایتالیایی و فرانسوی گرفته تا نژادهای آفریقایی هم طی چند سال اخیر به آمریکای لاتین آمده‌اند.
اهتمام ویژه به دین علی-رغم ترویج سکولاریسم	۱- دین حاکم بر کل آمریکای لاتین مسیحیت کاتولیک است، ۲- جامعه لاتین جامعه‌ای مذهبی است اگرچه اعتقادات از عمق کمی برخوردار است، ۳- ادیان و فرق ضالعه‌ای مثل بهائیت و سلفی-گری به طرز عجیبی رشد قارچ‌گونه دارند، ۴- مسیحیت پروتستان در حال فعالیت است و بسیار مؤثر واقع شده است، ۵- اسلام حضور چشمگیری ندارد اگرچه برخی از مقامات از مسلمانان و اعراب هستند.

^۱ - Grossberg

<p>۱- زبان رسمی مردم اسپانیا، اسپانیایی است؛ اگرچه زبان‌های دیگری هم وجود دارد، ۲- زبان رسمی اغلب مردم اسپانیایی است؛ البته برخی از کشورها، زبان بومی خود را دارند، ۳- زبان‌های ایتالیایی، عربی و... هم به‌ندرت در شیلی و برزیل وجود دارد، ۴- زبان رسمی کشور برزیل، پرتغالی است؛ البته بسیاری از آنان اسپانیایی می‌دانند.</p>	<p>جایگاه ویژه زبان اسپانیایی در جوامع لاتین</p>
<p>۱- بر اساس محورهای مشترک و اصول آلبا در درون وحدت دارند ۲- آلتکا و سازمان کشورهای آمریکایی با روی کار آمدن دولت‌های راستگرا قوت بیشتری گرفته‌اند اگرچه به معنای افول چپ-گرایی نیست ۳- با کشورهای ضدامپریالیست از جمله ایران تمایل به همبستگی دارند ۴- تفکر سوسیالیستی مبنای همبستگی‌شان با برخی از کشورهاست ۵- مسیحیت و دورگه بودن لاتین‌ها، محور مشترک‌شان با اروپاست و آن را شاخصه‌ای مهم برای همکاری می‌دانند.</p>	<p>توجه به محورهای وحدت‌بخش</p>
<p>۱- احساس تعلق شدید به آمریکا به‌عنوان سرزمین مادری؛ باید به کشور آمریکا، ایالات متحده گفت، ۲- حساسیت خاصی به فرهنگ‌های کاملاً بیگانه دارند و زمان زیادی طول می‌کشد تا با فرهنگ خارجی اخت پیدا کنند، ۳- نفوذ فرهنگی در آمریکای لاتین به دلیل خصوصیات شخصیتی‌شان اگرچه ممکن اما زمان‌بر است، ۴- یک لاتینی شخصیتی گمنام در جستجوی هویت واقعی خود است.</p>	<p>در نظر گرفتن حساسیت-های مخاطب</p>
<p>۱- آشفتگی نظام خانواده در آمریکای لاتین، ۲- علاقه به پابندی به هویت بومی، ۳- جدی بودن شیوع چشمگیر انحطاط اخلاقی، ۴- چشمگیری آمار طلاق، ۵- مرسوم بودن اشکال مختلف زندگی غربی مثل مادران مجرد، تنها زیستن و...، ۶- نتیجه بخش بودن فعالیت بر روی نظام خانواده در جوامع لاتین</p>	<p>توجه به خصیصه‌های مهم نظام خانواده</p>
<p>۱- سبک زندگی غالباً غربی است و اثرپذیری شدیدی از سبک زندگی غربی دارند، ۲- به دلیل استعمارزدگی طی قرون اخیر، به برخی از مسائل حساسیت ویژه‌ای دارند و هویت لاتینی ظاهراً برایشان بسیار اهمیت دارد اگرچه عملاً خیلی هم پایبند به هویت بومی نیستند، ۳- توجه به اثرپذیری بسیار شدید لاتینوها از رسانه.</p>	<p>غربی شدن سبک زندگی</p>

۷- شاخصه‌های مهم مخاطبان رسانه

رشد کاربران شبکه‌های اجتماعی در آمریکای لاتین بسیار چشمگیر است (فونزالیدا، ۲۰۱۱: ۳۵). بیشتر مخاطبان رسانه زنان، نوجوانان و جوانان هستند (دوناس بوراک، ۲۰۰۱: ۲۳). در فرایند مخاطب‌شناسی، از صاحب‌نظرانی که مدت زیادی در غرب اروپا و آمریکای

لاتین اقامت داشته و یا مسئولیت‌های سیاسی- فرهنگی داشته‌اند، مصاحبه به عمل آمده و نتیجه آن در ۷ کد مفهومی و ۳۲ کد ثانویه آمده است.

جدول ۱۶- بررسی وضعیت مخاطبان جامعه هدف

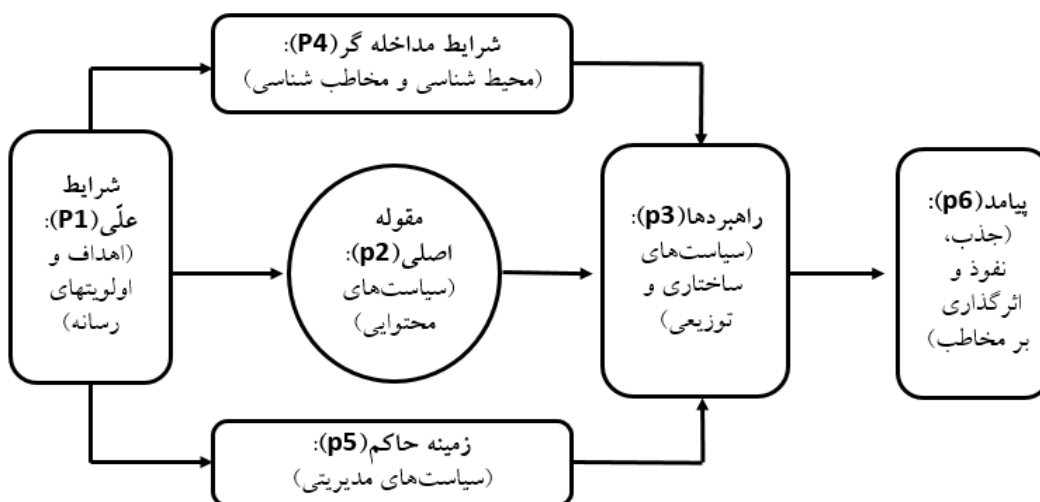
کد ثانویه (توصیف شرایط مخاطب)	کد مفهومی (سیاست)
۱- عدم دسترسی عمومی مخاطبان به اینترنت، ۲- رادیو و تلویزیون؛ تنها منبع رسانه- ای برخی از جامعه هدف است، ۳- رشد روزافزون فراگیری اینترنت در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌شود، ۴- دسترسی راحت مخاطبان اسپانیایی به اینترنت، ۵- تأمین اعتبار مالی دسترسی مخاطبان به اینترنت فرایند ساده‌ای نیست	توجه به کیفیت دسترسی مخاطبان به اینترنت و رسانه‌ها
۱- تمایل شدید نسل جوان و زنان کم بضاعت به رسانه، ۲- بروز شدید توسعه نامتقارن و احساس ضرورت همگانی برای دسترسی به اینترنت و تلفن هوشمند	هدف‌گذاری بر دغدغه فقرا
۱- ترجیح اعتبار منبع خبر بر درک و سواد رسانه‌ای افراد، ۲- گزینش حزبی در انتخاب و پذیرش محتوای رسانه‌های خودی و رقیب، ۳- چالشی به نام تعدد رسانه- های راستگرا، ۴- تعصب؛ عاملی بازدارنده در مواجهه با رسانه‌ها، ۵- ارجحیت مردم بر دولت‌ها در اسپانیا، ۶- آمریکا، عامل محل تحولات غرب آسیا	بکارگیری شیوه‌های جذب مخاطبانی با سواد کم رسانه‌ای
۱- عدم توانایی درک گفتمانی رسانه‌ها، ۲- عدم سواد رسانه‌ای مطلوب مردم لاتین، ۳- وضعیت مطلوب نسبی سواد رسانه‌ای اسپانیایی‌ها، ۴- توانایی درک تفاوت گفتمانی توسط مردم و نخبگان در مواردی خاص	جهت‌دهی اقلیت‌ها از نظر گفتمانی
۱- سرگرمی، بیشترین مصرف رسانه‌ای، ۲- عرضه حداکثری تولیدات جنسی و موسیقی رسانه‌های بومی و غربی به مخاطبان، ۳- سرگرمی؛ ذائقه قالب مخاطب، ۴- تخصیص مخاطبان خاص به میزگردها و برنامه‌های جدی، ۵- ترجیح محتوای شاد و هیجانی بر دیگر محتواها، ۶- تصویری بودن مخاطب و علاقه‌مند به متون کوتاه	حرکت حساب‌شده و نظام‌مند بر اساس سلائق مخاطب
۱- اهتمام ویژه به دگرگونی ذهنیت جوامع لاتین، ۲- تأثیرپذیری زیاد مخاطب از رسانه، ۳- اثربخشی گرایش غرب‌گرایانه بر ذائقه مردم، ۴- اثرپذیری مخاطب از محتواهای غیراخلاقی	بررسی متناوب تغییرات محیط مخاطب

<p>توجه به ترجیحات مخاطبان بر اساس تئوری مازلو</p>	<p>۵- ارزیابی نیازهای مخاطب طبق تئوری مازلو به تفکیک در اسپانیا: ۱- نیازهای مادی ۲- نیاز به امنیت و ایمنی ۳- نیاز به مشارکت و خودیابی ۴- نیاز به تکریم و احترام ۵- نیازهای اجتماعی. در آمریکای لاتین: ۱- نیازهای اجتماعی ۲- نیازهای مادی ۳- نیاز به امنیت و ایمنی ۴- نیاز به تکریم و احترام ۵- نیاز به مشارکت و خودیابی</p>
--	---

نتیجه‌گیری

هیسپان‌تی‌وی یکی از ابزارهای اثربخش دیپلماسی فرهنگی است که وظیفه پیام‌رسانی به جامعه هدف را برعهده دارد. مدیریت پیام در رسانه مذکور از سه بخش تعیین پیام، تولید برنامه و توزیع پیام (پخش و توزیع) تشکیل می‌شود. در مقاله حاضر تلاش شده است با نظریه داده‌بنیاد و با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان مربوطه به ابعاد مختلف آن‌ها پرداخته و سیاست‌های رسانه‌ای پیشنهادی نخبگان تعیین گردد که در قالب مدل زیر ارائه گردید.

شکل ۱: مدل سیاست‌های کاربردی رسانه‌ای شبکه هیسپان‌تی‌وی



نتایج کدگذاری محوری بر اساس مدل رهیافت که مشتمل بر شرایط علی، پدیده اصلی، راهبردها، شرایط مداخله‌گر، بستر حاکم و پیامد است، به شرح زیر تشریح می‌گردد:

قضیه ۱ (p1): اهداف و اولویت‌های رسانه مانند چراغ راهی است که مسیر حرکت رسانه را نشان می‌دهد که به‌عنوان **متغیر علی** شناخته شد. در این زمینه چهار محور کلی تثبیت جایگاه کنشگر برتر تحولات غرب آسیا در جهان، پلی ارتباطی در جهت ایجاد همبستگی با کشورهای اسپانیایی‌زبان، مواجهه روشنگرانه با اغوای بین‌المللی و مبارزه با هجمه رسانه‌ای علیه ایران به‌عنوان اصلی‌ترین سیاست‌های کلان رسانه تعیین شد.

قضیه ۲ (P2): «سیاست‌های محتوایی»، **طبقه محوری** پژوهش حاضر شناخته شد که در همین راستا بر اساس اشباع نظری محقق از برابند دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، سیاست‌هایی در چهار حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دیپلماسی رسمی بر اساس محیط‌شناسی و مخاطب‌شناسی جامعه هدف تعیین گردید.

قضیه ۳ (P3): به‌کارگیری مجدد سیاست‌های ساختاری و توزیعی، **راهبردهای کلیدی** تعیین شده توسط نخبگان در بخش تولید پیام است که سازمان هیسپان تی‌وی وظیفه خطیر «تبدیل پیام‌های تعیین شده به برنامه» و توزیع آن را عهده‌دار است. اتخاذ سیاست‌های مطلوب تعیین شده برای ۶ قالب موسیقی، خبر، گزارش خبری، عکس خبری، فیلم و سریال و مستند از ضروریاتی است که رسانه در حال حاضر بهتر است با استناد به آن‌ها عمل کند. اهمیت‌دادن به **سیاست‌های توزیع پیام** به‌عنوان آخرین مرحله از مدیریت پیام، نه تنها اثرات آتی و آتی بر فعالیت رسانه دارد، بلکه فرایند اثرگذاری بر مخاطب، تا حدود زیادی متأثر از آن است. اتخاذ سیاست‌های مطلوب توزیعی در بخش تولید، انتشار به‌موقع پیام، حضور جدی، چشمگیر و جریان‌ساز در شبکه‌های اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های لازم جهت برندسازی رسانه به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای رسانه معرفی شد.

قضیه ۴ (p4): چارچوب مخاطب‌شناسی **عامل مداخله‌گر** بر تعیین سیاست‌های محتوایی، فرمی و توزیعی معرفی شد. در چارچوب مذکور، محیط‌شناسی (خصوصیات بارز جوامع لاتین)

و مخاطب‌شناسی (خصوصیات و شرایط مخاطبان رسانه) به طور مجزا بررسی شده است که اهتمام به آنان حائز اهمیت است.

قضیه ۵ (p5): سیاست‌های مدیریتی، **شرایط زمینه‌ای** پژوهش حاضر هستند که باید در مجموعه رسانه‌ای اعمال شود تا بتوان تولیدات جریان‌ساز را در دستور کار قرار داد. تولید محتوای جریان‌ساز، اصلی‌ترین مطالبه دیپلماسی فرهنگی از رسانه است. از جمله مهمترین راهبردها، تشکیل کارگروه گفتگویی در درون سازمان، توانمندسازی نیروی انسانی متعهد، ایجاد روابط عمومی مؤثر و کارآ، ضرورت هماهنگی همه‌جانبه درون سازمانی و ضرورت اعمال نظارت سه‌گانه فرد، مخاطب و سازمان اشاره کرد.

قضیه ۶ (P6): پیامد پژوهش حاضر درک ضرورت سیاست‌گذاری رسانه‌ای، آماده کردن سازمان برای استقرار فرایند سیاست‌های رسانه‌ای و بازبینی و طراحی مجدد فرایندهای اجرایی است که اگر این امر محقق شود، رسانه مذکور می‌تواند به هدف جذب و اثرگذاری بر مخاطب دست‌یابد.

کدگذاری انتخابی (نظریه‌پردازی)

«شبکه برون‌مرزی هیسپان‌تی‌وی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اسپانیایی‌زبان قاره آمریکا و غرب اروپاست که اهمیت دارد همچنان با تمرکز بر اهداف و اولویت‌ها و با در نظر گرفتن روحیات و شرایط مخاطب و وضعیت اجتماعی جوامع لاتین، سیاست‌های رسانه‌ای مطلوبی را اتخاذ کند که بتواند مؤثر واقع شود. اگر رسانه مذکور به درک مشترکی با مخاطب نرسد و بر تفاوت‌های گفتگویی و بین‌فرهنگی فائق نیاید، نه تنها نمی‌تواند مؤثر واقع شود، بلکه ممکن است به اقدامی ضدتبلیغ تبدیل و بر موج اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی بیش از پیش دامن زند.

تعیین سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای در قالب ۷ طبقه اهداف و اولویت‌ها، سیاست‌های محتوایی، راهبردهای ساختاری، راهبردهای مدیریتی، راهبردهای توزیعی، محیط‌شناسی و مخاطب‌شناسی، نشان داد هیسپان‌تی‌وی برای اینکه بتواند نقشی مؤثر در دیپلماسی فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران ایفا کند، باید سیاست‌های محتوایی خود را بر اساس اهداف و اولویت‌های رسانه و با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب تدوین کند. رسانه مذکور لازم است اقدامات مدیریتی تعیین‌شده را درون سازمان رسانه‌ای اجرایی کند تا بتواند راهبردهای تعیین‌شده ساختاری و توزیعی را به خوبی اجرا و بیشترین دستاورد را که همان جذب، نفوذ و اثرگذاری بر مخاطب است، داشته باشد».

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

هیسپان تی‌وی، از معدود رسانه‌هایی است که با توجه به اقتضات موجود توانسته است جایگاه خاصی در بین رسانه‌های مطرح اسپانیایی‌زبان و مخاطبان فعال جامعه هدف پیدا کند. این رسانه توانمندی جریان‌سازی و معتبر شدن در بین رسانه‌های رقیب را دارد. در همین راستا لازم است، اقداماتی کلیدی را در دستور کار قرار دهد.

۱. تخصصی‌شدن درون سازمان رسانه‌ای امری بسیار مهم است و از الزامات آن ایجاد کارگروه‌گفتمانی در راستای تبدیل سیاست‌های کلان رسانه به سیاست‌های کاربردی است که این اقدام تولیدات رسانه‌ای را فرایندمدار و امر جریان‌سازی را تسهیل می‌کند.

۲. صدور گفتمان انقلاب و برند کردن تحلیلگران ایرانی آگاه و متخصص به امور منطقه‌ای و بین‌المللی حائز اهمیت است که حضور مترجم همزمان می‌تواند مشکل عدم آشنایی برخی از کارشناسان به زبان مقصد را حل کند.

۳. اگرچه رسانه باید استقلال خود را حفظ کند اما تعامل آن با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، دانشگاه‌ها، مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی و وزارت امور خارجه به‌عنوان مراکز تولید محتوا، باید سازنده‌تر شود.

۴. جذب خبرنگاران متعهد و متخصص یکی از راهکارهای برون‌رفت از روزمرگی و نویدبخش فضایی پویا در محیط رسانه است که این امر تعهد سازمانی، بهبود عملکرد و جدیت در پیشبرد اهداف رسانه را به همراه خواهد آورد.

۵. روابط عمومی باید ارتباط‌گیری مؤثر با جوامع پیرامون را به درستی مدیریت کند. ارتباط گسترده با رسانه‌های همسو و مستقل، سازمان‌های مردم‌نهاد، کمپین‌های فعال، نخبگان رسانه‌ای در فضای مجازی و... امری مهم است و جلب حمایت آنان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

۶. سازمان برای تسهیل هر چه سریعتر امور و عدم توقف در یک حالت مانا، باید برون‌سپاری کند؛ بدین معنا که برخی از محتواهای هیسپان‌تی‌وی در بیرون از سازمان اما زیر نظر مستقیم شبکه تولید شوند.

۷. تقریب ادیان الهی یکی از سیاست‌های رسانه‌های بسیار مؤثر است، زیرا علی‌رغم ترویج سکولاریسم، ادیان الهی هم‌چنان امری مقدس هستند. انتقال اثربخش فرهنگ اسلامی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، اگرچه امری لازم اما بسیار سخت و تخصصی است، لذا ضروری است برای تولید برنامه‌های اعتقادی-دینی از دین‌پژوهان متعهد مشورت گرفت.

۸. اگرچه زبان اسپانیایی، زبان رسمی مخاطبان است اما یکی از حساسیت‌های مخاطب لاتینو، لهجه اسپانیایی است که بهتر است تنوع، تکثر و تعدد لهجه‌های بومی را در برنامه‌های تولیدی خود لحاظ کنند.

۹. با توجه به عدم فراگیری اینترنت و ماهواره در کشورهای لاتین به‌ویژه برای اقشار کم بضاعت، همکاری وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با هیسپان‌تی‌وی، در راستای توسعه فرصت‌های پخش کابلی شبکه، امری ضروری است.

۱۰. قرارگرفتن در قالب فرهنگی مخاطب، یکی از راه‌های تسهیل اثرگذاری است. پوشش اسلامی مجریان شبکه نوعی تبلیغ فرهنگی است، اما اگر پوشش همکاران غیرایرانی و غیرمسلمانی که پیرو دیگر ادیان الهی هستند، بر اساس نظرات کارشناسی مورد بررسی قرار بگیرد شبکه می‌تواند موثرتر عمل کند.

۱۱. هیسپان‌تی‌وی تنها منبع معتبری است که اخبار و رویدادهای آمریکای لاتین و اسپانیا را به صورت تخصصی رصد و منبع دست اول محسوب می‌شود؛ فلذا ضرورت دارد که اهم رویدادهای آمریکای لاتین به صورت روزانه با ذکر منبع هیسپان‌تی‌وی به فارسی برگردانده شده و در اختیار خبرگزاری‌های داخلی مرجع قرار بگیرد.

۱۲. کاربست سیاست‌های ارائه شده در این مقاله در سطوح مختلف سیاست‌گذاری هیسپان تی‌وی متناسب با تحولات روز محیط مخاطب در اثربخشی و نقش‌آفرینی این شبکه تأثیر مطلوبی خواهد داشت.

منابع فارسی

- اسماعیلی، علی محمد (۱۳۸۹)، *دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر نقش صداوسیما*، تهران: موسسه جام جم.
- پرسکات، جان (۱۳۹۳)، *راهنمای مدیریت رسانه برای کشورهای در حال گذار*، ترجمه محمدقلی میناوند و مسعود مقصودی، تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما
- خرازی‌آذر، رها (۱۳۸۹)، *رویکرد پسامدرنیسم به دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- خوش‌بیان، ابودر (۱۳۹۴)، *برنامه‌ریزی راهبردی برای هیسپان تی‌وی*، دانشگاه صداوسیما: پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- داداندیش، پروین، احدی، افسانه (۱۳۹۰)، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره اول، بهار ۹۰، صص ۱۷۳-۱۴۳
- رامین‌فرد، احمد (۱۳۹۵)، «*راهبردهای مطلوب ارتقاء دیپلماسی عمومی از طریق شبکه هیسپان تی‌وی*»، *نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۳)، *سیاست‌گذاری رسانه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زهره‌ای، محمدعلی، رضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *دیپلماسی فرهنگی (نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی)*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

- صادقی، عبدالمجید (۱۳۸۴)، **اصول مخاطب‌شناسی تبلیغی**، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- علی‌عسکری، عبدالعلی (۱۳۹۴)، **سپهر جهانی رسانه**، تهران: دانشگاه صداوسیما.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: انتشارات سمت.
- نوابخش، مرداد (۱۳۸۷)، **دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی**، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- وردی‌نژاد، فریدون و بهرامی‌رشتیانی، شهلا (۱۳۹۴)، **سیاست‌گذاری و مدیریت رسانه**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

- Grossberg, L (1996), **Identity and Cultural Studies- Is That All There Is? in Stuart - Hall**, Questions of Cultural Identity. London: Sage, 78-108.
- Nilda Jacks et al. (2009), **Audiencias televisivas latinoamericanas: 15 años de investigación empírica**, Revista Matrices, México: Tecnológico de Monterrey.
- Pouliot, V (2007), “**Subjectivism: Toward a Constructivist Methodology**”, International Studies, Vol 57,359-384.
- Solim Donas Burak (2001), **Adolescencia y Juventud en América Latina**, Costa Rica: Editorial Tecnológica de LUR.
- Valerio Fuenzalida (2011), **Situación de la televisión pública en América Latina**, Revista Académica de la Federación Latinoamericana de Facultades de Comunicación Social.

شناخت زمینه‌های ارائه طرح معامله قرن، امکان‌سنجی تحقق آن و رسالت شبکه‌های برون‌مرزی حسن مجیدی^۱، جبار شجاعی^۲

چکیده

شکست طرح‌های پیشین برای سازش بین دو طرف صهیونیستی - فلسطینی، سران رژیم - صهیونیستی و آمریکا را بر آن داشت تا طرحی نو برای تحقق اهداف پیشین ارائه کنند که امروزه از آن به «معامله قرن» یاد می‌شود. لذا پرسش اصلی مقاله پیش‌رو عبارت است از: «چه زمینه‌هایی موجب طرح چنین معامله‌ای شده است؟» واکاوی ماهیت طرح یاد شده و رفتار سیاسی طراحان و بازیگران آن در چارچوب ابعاد ۵ گانه مکتب کپنهاگ و به روش توصیفی - تحلیلی، نگارندگان را به این نتیجه رساند که طرح مزبور، با توجه به زمینه‌هایی چون تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، وجود نزاع سیاسی بین گروه‌های فلسطینی، تحولات قدرت در عربستان سعودی، کند شدن روند بیداری اسلامی، گسترش مقبولیت منطقه‌ای ایران به دنبال پیروزی‌های محور مقاومت، توسعه روابط آشکار و پنهان عربی - صهیونیستی، افزایش بحران اقتصادی در غرب آسیا و اهمیت انرژی در معادلات قدرت، در کنار جایگاه محوری مسجدالاقصی، صحرای سینا و کرانه باختری از منظر فرهنگی و ژئوپلیتیک، ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: آمریکا، معامله قرن، فلسطین، رژیم صهیونیستی، قدس.

majadi118@yahoo.com

^۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

jabarshojaei@yahoo.com

^۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مقدمه

پس از شکل‌گیری صهیونیسم و بعدها ارائه طرح تشکیل دولتی برای اسکان یهودیان جهان، تلاش‌های غرب به سرکردگی انگلیس و بعدها آمریکا در راستای نیل به تحقق هدف مذکور، در قالب «اعلامیه بالفور»^۱ و «قرارداد سایس پیکو»^۲ عملی شد. پس از جنگ جهانی اول، غرب از هیچ کوششی برای تجزیه جهان اسلام و به‌طور خاص تجزیه مناطق تحت سلطه امپراتوری عثمانی و تغییر نقشه سیاسی آن، دریغ نورزید. به‌گونه‌ای که می‌توان از عمق یافتن علقه امپریالیسم با صهیونیسم در تأسیس حکومتی صهیونیستی در قلب کشورهای اسلامی سخن گفت.

همزمان با افزایش اقدامات تجاوزی و اشغال‌گرانه صهیونیست‌ها، رفته‌رفته مبارزان فلسطینی، گستره تقابل خود را به فراسوی مرزها هدایت کرده و تلاش کردند تا به مبارزات خود بُعدی بین‌المللی ببخشند و از این طریق، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را درگیر واکنش نسبت به اقدامات تهاجمی صهیونیست‌ها یا فعالیت‌های دفاعی فلسطینیان کنند (خسروشاهی، ۱۳۷۰: ۵۴).

در دهه هشتاد میلادی و همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، روند مبارزاتی هم متفاوت گشت. با ظهور مفهوم انتفاضه در اندیشه مقاومت، تحولات قرن بیستم شکل و نمودی جدید یافتند. این مفهوم علی‌رغم سادگی خود، تأثیری ژرف در روح و جان مردم فلسطین بر جای گذاشت. انتفاضه به دلیل تأسیس سرفصلی نوین در صفحه مبارزه فلسطینیان، دارای تأثیرات زیادی در حال و آینده است. به دنبال شکل‌گیری انتفاضه اول، دایره تأثیر مقاومت مردمی در فلسطین به آنسوی مرزهای عربی و اسلامی نیز رفت و ساکنان اروپا را درباره اقدامات خبثت‌آمیز آمریکا و رژیم صهیونیستی در حق فلسطینیان، آگاه کرد. انتفاضه، انسجام درونی فلسطینی‌ها را برای این تقابل افزایش داد تا اندازه‌ای که صهیونیست‌ها تمام تلاش خود را برای توقف این حرکت و به انحراف کشاندن آن، مصروف داشتند. از این رو، در قالب توافقنامه‌های سازش و وعده‌ی تشکیل دولتی فلسطینی، گمان کردند که نزاع فلسطینی- صهیونیستی را به نزاع فلسطینی- فلسطینی، تغییر داده‌اند اما پس از اینکه مردم از اجابت نشدن خواسته‌های خود آگاه شدند، انتفاضه دوم آغاز شد تا

¹. Balfour Declaration

². Sykes-Picot Agreement

صهیونیست‌ها را مجبور به تقابلی جدید و گسترده‌تر کنند. لذا صهیونیست‌ها برای مقابله با انتفاضه جدید از سلاح‌های مدرن برای ترور، تخریب و ایجاد وحشت در بین فلسطینی‌ها بهره بردند.

پس از مقاومت گسترده فلسطینی‌ها، این رژیم، طرح‌های متعددی چون طرح صلح، دیوار حائل، طرح ژنو، شارون و طرح آمریکایی خاورمیانه بزرگ را برای خروج سودمندان خود از مخمصه رشد گروه‌های جهادی و فشارهای بین‌المللی در کنار ذلت‌های روزافزون منطقه‌ای، پیگیری می‌کند که عموماً به دلیل خوی ددمنشانه و استعمارگونه صهیونیست‌ها از دنباله‌روی چنین طرح‌هایی، نتیجه‌ای بر آن‌ها مترتب نشده است (الکعکی، ۲۰۰۵: ۲۲۶-۱۹۰).

صهیونیست‌ها که در طرح‌های قبلی شکست خوردند، در رویکرد جدید خود، مهمترین کشور حامی خود یعنی آمریکا را جلودار ارائه طرح و ایجاد شکاف داخلی در بین نیروها و جریان‌های داخلی فلسطین کردند تا از این طریق، اندیشه‌های یهودی‌سازی فلسطین را به پیش ببرند. از این رو، شاهد پیشنهاد طرح‌هایی آمریکایی با عناوین «صلح‌طلبانه و دعوت به سازش و مذاکره طرف‌های درگیر» هستیم؛ اما روند شکست طرح‌های یاد شده از سوی آمریکا و دیگر حامیان صهیونیسم، آن‌ها را واداشت تا طی پروژه‌های کلان و فرامنطقه‌ای، ضمن همراه‌سازی کشورهای مؤثر و جریان‌ها و دولت‌های منطقه و البته فراهم آوردن زمینه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن، طرحی نوین ارائه کند تا از این طریق آرمان مطلوب صهیونیست‌ها را محقق سازد.

طرح جدید آمریکا که به دلیل شکست پروژه‌ای قدیمی تحت عنوان «دو دولت برای دو ملت»، گستره‌ای بیشتر و عمیق‌تر را شامل می‌شود، قرار است با همراهی احتمالی برخی از کشورهای منطقه به سرکردگی سعودی‌ها و حضور امارات، مصر و اردن، به اجرا درآید. به گونه‌ای که در صورت تحقق موفق‌آمیز آن، دیگر قرار نیست عملاً دولتی تحت عنوان «فلسطین» در عرصه سیاسی حضور داشته باشد که جوامع بین‌المللی و مردم منطقه و جهان از حق فلسطین و هتک حقوق آن‌ها سخنی به میان آورند.

آغاز توافق جدید که امروزه تحت عنوان «معامله قرن»^۱ از آن یاد می‌شود به جلسه سری سران اردن، مصر و رژیم صهیونیستی در عقبه^۲ اردن در تاریخ آوریل ۲۰۱۶ بازمی‌گردد. در این تقسیم‌بندی، نوار غزه به مصر ملحق شده و بخش‌هایی از کرانه‌ی باختری تحت تصرف اردن قرار خواهد گرفت و باقی‌اجزای کرانه باختری - که در آن شهرک‌های متعدد صهیونیستی احداث شده است - به رژیم صهیونیستی ملحق می‌گردد (حمامی، ۲۰۱۸: ۲۶).

افزون بر این، دولت ترامپ در تاریخ ۱۴ می ۲۰۱۸ با انتقال سفارت خود از تل‌آویو به قدس، به زعم خود اولین گام جدی را برای اجرای طرح معامله قرن برداشت. معامله قرن، جامعه علمی را با پرسش از زمینه‌های ارائه، اجرا و سنجش امکان آن روبرو ساخته است که در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن توصیف زمینه‌های طرح چنین معامله‌ای، تحقق آمال آمریکایی - صهیونیستی امکان‌سنجی گردد.

۱- چارچوب مفهومی - نظری

۱-۱- مفاهیم

۱-۱-۱- معامله قرن

جان بولتون - مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ - طرحی برای سازش بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها ارائه کرد که مشکلات طرح پیشین «دو دولت برای دو ملت» را ندارد. از این رو، سردمداران آمریکا به آماده‌سازی زمینه‌های از سرگیری چنین پروژه‌ای مباردت ورزیدند. لذا طی نشست‌های در می ۲۰۱۷ در ریاض که سران کشورهای عربی در آن بودند، همراهی آن‌ها برای طرح تقسیم فلسطین به سه بخش تحت نظارت مصر، اردن و رژیم صهیونیستی را نهایی کردند تا از این طریق و طی بازه‌ی زمانی طولانی، دولت فلسطین وجود نداشته باشد.

۱-۱-۲- امنیت

امنیت وضعیتی از تعادل بین خواسته‌ها و داشته‌ها در چارچوب ضریب ایدئولوژیک است که موجب رضایتمندی در یک واحد سیاسی می‌شود. از این رو، می‌توان گفت امنیت، نبود

^۱ Deal of the Century

^۲ Aqaba

تهدید نسبت به ارزش‌هایی است که کسب شده‌اند و در عرصه‌ی ذهنی هم به معنی فقدان هراس نسبت به مورد حمله واقع شدن این ارزش‌هاست (افتخاری، ۱۳۹۲: ۷۶-۸۳).

۳-۱-۱- ژئوپلیتیک

تأثیر متقابل سه حوزه جغرافیا، سیاست و قدرت بر یکدیگر را ژئوپلیتیک می‌گویند. در این حوزه، تأثیر و تأثر سه حوزه یاد شده بر یکدیگر و انعکاس آن در روابط کشورها با یکدیگر و حضور سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی، بررسی می‌شود (عزتی، ۱۳۹۴: ۲۴).

۴-۱-۱- نئواستعمار

سیاست دولت‌های امپریالیستی برای تحت سلطه درآوردن کشورهای کوچک به بهانه‌ی آبادی و سازندگی و به تاراج بردن دارایی آن‌ها البته با شعار دموکراسی و آزادی‌خواهی را نئواستعمار گویند.

۴-۱-۱- مقاومت

مقاومت رویکردی اجتماعی مبتنی بر مؤلفه‌هایی چون اسلام‌خواهی، استبدادگریزی و استعمارستیزی، حمایت از مستضعفین و استقلال‌طلبی در کنار صلح‌گرایی است که راه برون‌رفت از مشکلات داخلی هر کشور و پیشرفت پایدار را در تمسک به داشته‌های خود و بهره‌مندی عزت‌مندانه از توانمندی دیگر کشورها می‌داند.

۲- مبانی نظری

کارشناسان امنیت، این مقوله را با دو بعد ذهنی و عینی تعریف کرده و تبیین می‌نمایند؛ لذا از بُعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای افراد جامعه و از بُعد ذهنی، امنیت به معنی احساس امنیت می‌باشد. در این بین، مکتب کپنهاگ^۱ امنیت را شرایط فقدان تهدید تعریف می‌کند. اندیشمندان این مکتب، بر این باورند که نمی‌توان برای تمامی کشورها سیستم امنیتی یکسانی قائل بود. این مکتب، در مقابل دیدگاه‌هایی که «تفسیر مضیق» از امنیت ارائه می‌کنند، «تفسیری موسع» از امنیت دارد.

^۱. Copenhagen School

باری بوزان^۱ به‌عنوان موسس مکتب کپنهاگ، ضمن رد دیدگاه‌های رئالیستی و آرمان-گرایانه به‌عنوان دو رویکرد تک‌بعدی در خصوص کسب امنیت، دیدگاهی میانه را که هر دو بُعد قدرت و صلح را در نظر بگیرد، ارائه می‌کند (بوزان، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۷۰).

بوزان پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی را برای امنیت در نظر می‌گیرد. وی برخلاف دیدگاه‌های پیشین که امنیت را امری عینی و واقعی به شمار می‌آورند، معتقد است که امنیت مسئله‌ای بین‌ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران است. طبق این نگاه، ممکن است یک اقدام در نگاه کشوری، تهدیدی امنیتی تلقی (تعریف) شود در حالی که کشور دیگر، آن را مسئله‌ای عادی به حساب می‌آورد. همین رویکرد را در روابط بین کشورها شاهد هستیم که ممکن است مسئله‌ای نظامی برای یک کشور، امری حیاتی تلقی گردد در حالی که برای کشور یا کشورهای دیگر، ضد امنیت بوده و به‌عنوان تهدید حساب شود (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۰۹).

آنچه همیشه و از دیرباز موجب ایجاد ناامنی در منطقه غرب آسیا شده است، نه صرفاً رقابت‌های نظامی بلکه بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی بوده که در محدوده منطقه و نه خارج از آن روی داده است. این ناامنی‌زایی را می‌توان در ظهور و بروز جریان‌های تروریستی- تکفیری و مسائل قومی- قبیله‌ای تا طرح‌های شوم استعماری شاهد بود. از این رو، با همین نگرش چندبعدی و موسع به مقوله امنیت، تلاش می‌شود تا زمینه‌های طرح و ارائه چنین نقشه‌ی شومی از سوی آمریکا و با لابی صهیونیست‌ها بررسی و امکان تحقق آن با عنایت به زمینه‌های ارائه‌ی چنین طرحی ارزیابی شود.

۳- بسترهای شکل‌گیری طرح معامله قرن

پروژه معامله قرن به‌عنوان توطئه‌ای بین‌المللی به سردمداری آمریکا و لابی صهیونیسم و نمایندگی رژیم صهیونیستی در منطقه، بر اساس زمینه‌هایی که احتمال به ثمر نشستن چنین تفکری را بالا می‌برد، ارائه شده است. بررسی دقیق ابعاد این طرح، زمان ارائه و گام‌های اولیه اجرای آن، نشان می‌دهد که سه عامل سیاست، جغرافیا و اقتصاد، زمینه لازم را فراهم آورده است که در ادامه تبیین می‌گردند.

^۱ Barry Gordon Buzan

۳-۱- زمینه‌های سیاسی

زمینه‌های سیاسی طرح معامله قرن، در ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف می‌شوند که وزن اثرگذاری هر کدام در روند تدوین و اجرای طرح، متفاوت است. این زمینه‌ها در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳-۱-۱- شکست طرح‌های پیشین و ضرورت تأمین امنیت رژیم صهیونیستی

به‌طور کلی رفتار سیاسی آمریکا در قبال فلسطین، نتیجه فشار رژیم صهیونیستی و لابی‌های آن در آمریکا، سازش‌گری حکام مرتجع عربی و خوی استعماری رژیم اسرائیل است. از آنجایی که رژیم صهیونیستی نماینده انحصاری آمریکا در منطقه است، واشنگتن در تلاش است تا مواضع خود را با رویکردهای این رژیم همسو سازد. یکی از مهم‌ترین این مواضع، موضوع تثبیت اشغال فلسطین به‌عنوان (باصطلاح) ملک یهودیان است که این روند باید طبق شرایط خاصی صورت پذیرد. در این مورد، آمریکا باید فعالیت دیپلماتیک خود را برای پذیرش روند سازش در منطقه افزایش دهد. اقدامات آمریکا به‌طور خاص با فریبکاری و فشار بر اعراب و تشکیلات خودگردان طبق مفاد توافق اسلو^۱ انجام می‌شود (قرنی، ۲۰۱۱: ۲۶۸).

آمریکا علی‌رغم مخالفت‌های نمایی خود با اشغالگری تا سال ۲۰۰۴ تلاش کرده بود تا با طرح‌های موسوم به سازش، (از سال ۱۹۷۰ تا آخرین طرح «مذاکرات ۲۰۱۳»)، رژیم اسرائیل را از مخمصه تهدید «وجودی» نجات بخشیده و اشغال فلسطین را با موافقت فلسطینی‌ها و همسویی حکام مرتجع عرب، قانونی سازد؛ اما با شکست آخرین مذاکرات صلح، در پی ارائه طرح فراگیر، مؤثر و گسترده‌تر است. از این رو و با عنایت به نفوذ صهیونیست‌ها در دولت ترامپ و همسویی سیاست‌های او با یهودی‌سازی قدس، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در این دوره، مبتنی بر تلاش بیشتر برای تأمین امنیت پایدار این رژیم قرار گرفت. در صورت پیروزی هرچند حداقلی در این سیاست، مرحله‌ی بعد، آمریکا برای مشروع ساختن سلطه صهیونیست‌ها بر اراضی اشغالی، سیاست تغییر اسناد و مصوبات بین‌المللی ذی‌ربط را در دستور کار قرار خواهد داد.

^۱. Oslo

۲-۱-۳- نزاع سیاسی فلسطینی - فلسطینی

از آن جا که ورود حماس به عرصه سیاسی چندان خوشایند صهیونیست‌ها و هواداران فتح نبود، اختلافات فتح و حماس بر سر هویت دولت تشکیل شده به ریاست اسماعیل هنیه در سال ۲۰۱۷ عمیق تر شد. این اختلاف ابتدا با وساطت برخی از کشورهای منطقه و طی قرارداد تشکیل دولت وحدت ملی تا حدودی کاهش یافت؛ اما بعد از آنکه حماس، کنترل مراکز امنیتی فتح را به دلیل «احتمال کودتای فتح علیه دولت هنیه»، به دست گرفت؛ رابطه دو گروه به شبه‌دشمنی تبدیل شد. در نتیجه تشکیلات خودگردان مقرر خود را به کرانه‌ی باختری منتقل کرد و با تشکیل دولتی مستقل، دولت هنیه را به رسمیت نشناخت. اختلاف این دو جریان روز به روز به دلیل عمق یافتن تضاد رفتاری و نگرشی در خصوص به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، مقاومت سیاسی- نظامی و تعاملات اقتصادی و انرژی افزایش یافت. این اختلاف، امروز به ابزاری برای غارت منابع فلسطین و انحراف افکار عمومی جهان اسلام از آرمان قدس و در نهایت سلطه رژیم صهیونیستی بر فلسطینیان تبدیل شده است. همچنین پس از شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ م، اختلافاتی در درون جنبش حماس و بین حماس و جهاد اسلامی در خصوص تعامل یا تقابل با نظام سیاسی سوریه، بروز یافت تا یکپارچگی پیشین دفتر سیاسی حماس متزلزل گردد. این نزاع سیاسی افزون بر اینکه بستری برای نفوذ کشورهای حاشیه خلیج فارس، مصر و اردن فراهم کرد، زمینه را برای ارائه طرح معامله قرن فراهم نمود. طرح مذکور اگرچه می‌تواند بر مشکلات اقتصادی غزه و کرانه باختری تأثیراتی بگذارد، اما در نتیجه آن دیگر هویتی تحت عنوان فلسطین و قدس شریف که اساس محور اتحاد فلسطینیان و جهان اسلام می‌باشد، وجود نخواهد داشت و حقوق آوارگان فلسطینی نیز تضییع خواهد شد.

۳-۱-۳- تحولات قدرت در عربستان سعودی

نزاع بر سر قدرت در عربستان سعودی، اگرچه ریشه‌ای تاریخی دارد ولی طی سال‌های اخیر و با اقدامات بی‌پروای محمد بن سلمان ولیعهد سعودی و حبس تعدادی از شاهزادگان و مخالفان آل سعود، وارد مرحله‌ی جدید و البته خطرناکی شد. این نزاع که امروزه مرزهای سیاسی داخل عربستان سعودی را درنوردیده و به آن سوی منطقه هم رسیده است، به گونه‌ای شعله‌ور گشته که شراره‌های آتش آن دامن مردم بی‌گناه فلسطین را هم گرفته است.

محمد بن سلمان به‌عنوان یکی از مدعیان پادشاهی، تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از نفوذ اطلاعاتی - امنیتی قدرت‌های فراسرزمینی به‌خصوص رژیم صهیونیستی و آمریکا، راه رسیدن به پادشاهی را برای خود هموار سازد. به همین دلیل، ضمن پیروی از سیاست‌های این رژیم در منطقه، عملاً به ابزار سران رژیم صهیونیستی برای نیل به آرزوهای چندین ساله‌ی خود تبدیل شده است. ولیعهد عربستان سعودی به‌دلیل تعقیب و قتل وحشیانه منتقدان سعودی از جمله جمال خاشقچی و نگرانی از احتمال شورش داخلی، بیش از گذشته به نیروهای امنیتی این رژیم نیاز دارد.

عربستان سعودی اگرچه تا قبل از قبح‌شکنی مصر در صلح با رژیم صهیونیستی، سیاست اعلامی و تا حدودی اعمالی خود را بر تقابل با این رژیم تعریف کرده بود، اما از دهه‌ی ۷۰ میلادی تاکنون، سیاست مصالحت‌جویی با صهیونیست‌ها را برگزیده است که این سیاست سرانجام در طرح صلح ۱۹۸۲ موسوم به «طرح ملک فهد»^۱ و کنفرانس آنابولیس^۲ مصداق یافت (اللدای، ۲۰۱۶: ۳۱۷-۳۲۷). سلسله طرح‌های سعودی‌ها برای سازش فلسطینی - صهیونیستی و رفع ممنوعیت تعامل با رژیم صهیونیستی، به‌خصوص پس از شکل‌گیری بیداری اسلامی در منطقه، وارد مرحله‌ی نوینی شد. عربستان سعودی با توجه به همراهی نکردن قدرت‌های منطقه‌ای با طرح‌های سازش‌گرایانه و نفوذ و مقبولیت بالای ایران در منطقه و به‌طور خاص فلسطین، تلاش خود برای تحقق سازش را از طریق همراهی با سیاست‌های آمریکایی-صهیونیستی، دنبال می‌کند؛ بنابراین نزاع قدرت در داخل عربستان سعودی و نیاز بن سلمان به حمایت سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و آمریکا، سبب همکاری سران عربستان سعودی با طرح صلح آمریکا تحت عنوان «معامله قرن» شده است (أبوسعدة، ۲۰۱۸: ۲۳). البته فشارهایی که برخی از گروه‌های پرنفوذ داخل کشور عربستان از جمله «شورای بیعت» به بن سلمان وارد آوردند، باعث شده که وی با شک و تردید به همراهی با واشنگتن و تل آویو در این زمینه بپردازد.

1. THE FAHD PEACE PLAN

2. The Annapolis Conference

۴-۱-۳- کند شدن روند بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا، نه تنها سیاست‌های آمریکا در منطقه را با شکست روبرو ساخت، بلکه دارای آثار فرامنطقه‌ای نیز بود. در فراسوی مرزهای منطقه، ظهور آن در شکل‌دهی به تقابل گفتمانی و تعمیق آن به حوزه نزاع خرده‌گفتمانی بین اسلام‌گرایان و سکولارها قابل مشاهده بود (بلقزیز، ۲۰۱۲، ۲۲-۱۸). یکی از مهم‌ترین آثار بیداری اسلامی، تضعیف گفتمان مصالحه و تساهل که به‌طور خاص در تعامل با جریان غرب‌گرا و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نمود می‌یافت، بوده است. نمود دیگر بیداری اسلامی در تقویت جریان مقاومت و رویکردهای انقلابی منطقه و تنزل جایگاه سیاسی رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی و به خصوص منطقه‌ای است.

پیامدهای بیداری اسلامی بر خلاف منافع جریان سعودی-عبری و سکولارهای اقتدارگرا و برخی از جریان‌های سکولار مدعی دموکراسی‌خواهی بود. لذا آن‌ها از هیچ اقدامی برای شکست آن، فروگذار نکردند. از این رو، بیداری اسلامی که رفته‌رفته بستر را برای همسویی هرچه بیشتر کشورهای عربی و اسلامی با آرمان فلسطین و شکست طرح‌های صهیونیستی فراهم می‌کرد، سرانجام با توطئه صهیونیستی-سعودی و بی‌تجربگی اسلام‌گرایان اخوانی در مدیریت بحران، زمینه را برای انتقام‌گیری جریان‌های مخالف رشد مقاومت در منطقه، فراهم آورد. بدین ترتیب و با کند شدن روند بیداری اسلامی، کشورهایی که رشد و گسترش آن را برای حیات سیاسی خود خطرناک می‌دیدند، گام در مسیر بسترسازی برای محو عوامل احیای دوباره‌ی آن نهادند. به همین دلیل، برنامه‌ی لابی یهودی و سران رژیم اشغال‌گر قدس اینگونه شد که ارتباط کشورهای عربی با این رژیم را عادی جلوه دهند و از سوی دیگر، قدس و فلسطین را برای مردم منطقه و سران نظام‌های سیاسی آن، تهدید به شمار آورند.

۵-۱-۳- پیروزی‌های محور مقاومت

از جمله مهم‌ترین دستاوردهای پیروزی‌های محور مقاومت که بیش از پیش نظام سلطه و متحدان منطقه‌ای آن را به واگم واداشت، گسترش و تقویت روحیه مقاومت در بین مردم مسلمان و غیرمسلمان از طریق شکل‌گیری هسته‌های جدید مقاومت در کشورهای عراق، سوریه، بحرین، افغانستان، پاکستان و یمن است. دفاع از آرمان قدس و تقابل با

سلطه‌طلبی غربی و اشغال‌گری عبری، محور کنش جهادی و اساس اتحاد هسته‌های مقاومت است. این پیروزی‌ها بیش از پیش موجب شد تا یکبار دیگر فلسطین به سرفصل تحولات جهان اسلام بازگردد. این در حالی بود که جریان‌های تکفیری آن را به حاشیه برده بودند.

شبکه‌ای شدن مقاومت در منطقه، سبب شد تا کشورهایی که با خَلق داعش و دیگر گروه‌های تروریستی-تکفیری، نظیر جبهه النصره (فتح‌الشام) بیداری اسلامی را به انحراف کشاندند، از ترس تسری آن به داخل کشورهای خود (عربستان سعودی، امارات، بحرین و ...) یا اتحاد بیشتر مسلمانان در راستای تقابل با موجودیت آن‌ها، کوشیدند تا مقابله خود با رشد مقاومت را در دو عرصه نظامی و سیاسی، بیش از گذشته، توسعه بخشند. آن‌ها چون توانایی رویارویی نبرد نظامی طولانی با این محور را در خود ندیده و نمی‌بینند، عمدتاً اهرم‌های نرم خود را به کار انداختند.

۳-۱-۶- افزایش قدرت و مقبولیت منطقه‌ای ایران

جمهوری اسلامی ایران با رویکرد انسان‌دوستان و دیدگاه مکتبی و با تأکید بر وحدت جهان اسلام، نسبت به ستم سلطه‌طلبان بر مردم منطقه بی‌تفاوت نبوده و از هیچ تلاشی برای کمک به آنها، دریغ نورزیده است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت ملی خود، با تهدیدهایی که خارج از مرزهای جغرافیایی ایران ظهور یافتند، به مقابله پرداخته و می‌پردازد. از این رو و با عنایت به اینکه ایران برای انقلاب اسلامی مرزی جغرافیایی قائل نیست، از مقبولیت نسبی در بین مردم منطقه و تمایل کشورهای منطقه و دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای همکاری و ائتلاف با ایران، در راستای تشکیل ائتلاف-های منطقه‌ای بهره برده است تا بتواند بهتر و سریعتر آرمان‌های ایدئولوژیک خود در حمایت از مستضعفان و یاری مظلومان را محقق سازد. با تداوم حمایت‌های ایران از آرمان فلسطین، پیروزی ائتلاف محور مقاومت به رهبری ایران بر سلطه‌طلبی غربی-عبری و اشغال‌گری‌های برخی کشورهای مرتجع عربی، گستره مقبولیت ایران در منطقه بیش از پیش افزایش یافت. این مقبولیت سبب شد تا جریان‌ها و کشورهای مخالف محور مقاومت و به‌طور خاص انقلاب اسلامی، در پی محدودسازی رشد نفوذ ایران برآیند. از این رو، نه تنها اندیشکده‌های آمریکایی-صهیونیستی که سران نظامی-امنیتی آنها نیز بر مقابله با نفوذ ایران در منطقه تأکید داشته و دارند.

۷-۱-۳- روابط آشکار و پنهان کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی

از دیرباز، یکی از موانع جدی ارتباط شفاف کشورهای عربی و اسلامی با رژیم اشغال‌گر، مسئله‌ی فلسطین بود. از این رو، صهیونیست‌ها از هر حربه‌ای برای اینکه مسئله فلسطین را از اولویت مردم و سران این کشورها خارج کنند، بهره می‌گیرند. در این میان، رهبران وابسته برخی کشورها چون امارات، مصر، اردن و عربستان سعودی، به صورت علنی و برخی نیز به شکل پنهانی، ارتباط خود با این رژیم را نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در عرصه سیاسی-امنیتی نیز از سر گرفتند. البته کشورهایی چون مصر و اردن، از سال‌ها قبل با صهیونیست‌ها ارتباط داشتند که پس از کودتای ژنرال سیسی در سال ۲۰۱۳ م، این روابط گسترش بیشتری پیدا کرد.

تلاش نظام‌های اقتدارگرای عرب برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و نیازمندی این رژیم به ارتباط رسمی با آن‌ها برای کسب مشروعیت، سبب شد تا صهیونیست‌ها از فضای نیازمندی کشورهایی چون عربستان سعودی و نفوذ خود در کشورهای دیگر همچون امارات، اردن و مصر، برای همسوسازی با سیاست‌های اشغال‌گرایانه خود در راستای محو آرمان فلسطین یا به حاشیه‌رانی آن، تلاش کنند. رژیم اسرائیل از روابط خود با مصر، عربستان سعودی، اردن و امارات به خوبی بهره برده و نگرش آن‌ها را به ضرورت تحقق طرحی جهت پایان‌بخشی به مسئله فلسطین به‌عنوان مسئله‌ای که از ابتدا تاکنون چالش‌های بسیاری برای کشورهای عربی ایجاد کرده است، مدیریت کرد (الصفاری، ۲۰۱۸: ۱۷).

۲-۳- زمینه‌های اقتصادی

۱-۲-۳- بحران اقتصادی کشورهای منطقه

نوسانات قیمت انرژی و ارز در بازارهای جهانی پیامدهای منفی بسیاری برای ساختارهای اقتصادی به خصوص منطقه غرب آسیا و به‌طور ویژه بازار بورس عربستان سعودی و اقتصاد امارات داشت.

از سوی دیگر، کشورهایی چون مصر که همیشه از مشکلات اقتصادی رنج می‌برد، به دلیل درگیری‌های داخلی و ناامنی، از صنعت گردشگری نیز محروم شدند و معضلات اقتصادی آن‌ها، دوچندان شد (فؤاد، ۲۰۱۸: ۱۳). در این میان، گسترش جریان‌های

تروریستی- تکفیری و افزایش منازعات داخلی در این کشورها و جنگ‌های تحمیلی بر مردم منطقه، نه تنها منابع اقتصادی کشورهای منطقه را نابود کرد که موجب افزایش تعداد بیکاران و گسترش فقر شد. همین زایش بی‌سابقه‌ی فقر و نابودی شریان‌های خروج از بحران‌های مالی، سبب شد تا حکام عرب برای برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی و جلوگیری از تعمیق اعتراضات و نارضایتی‌های مردم، حاضر به پذیرش توافقنامه‌ها و طرح‌هایی شوند که تا قبل از این، مقابله با چنین پیشنهادهایی را هويت سیاسی خود به شمار می‌آوردند. از جمله‌ی این طرح‌ها واگذاری دو جزیره‌ی راهبردی تیران^۱ و صنافیر^۲ به عربستان سعودی توسط مصر و همسویی برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس برای مطامع آمریکا و رژیم صهیونیستی بود.

۲-۲-۳- اهمیت ذخایر انرژی در معادلات قدرت

سرزمین فلسطین و به‌طور خاص باریکه غزه و کرانه باختری، سرشار از منابع نفتی و گازی است که بخش چشم‌گیری از این منابع، امروزه تحت سیطره صهیونیست‌هاست و فلسطینی‌ها هیچ سهمی از آن ندارند (سنخینی، ۲۰۰۳: ۴۱-۲۳). به دلیل اکتشاف‌های جدید در منطقه‌ی رنتیس^۳ رام‌الله و سواحل باریکه غزه توسط صهیونیست‌ها و سود بسیار زیاد ناشی از فروش آن به مردم فلسطین و صادرات آن، نه تنها رژیم صهیونیستی که برخی کشورهای منطقه چون مصر هم به دنبال این هستند که اگر امکان بهره‌برداری بیشتر از این منابع نیست، با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک غزه و راه ارتباطی مدیترانه، ضمن ترانزیت کالاهای اساسی خود، روابط اقتصادی با کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و عراق را تقویت کنند. به همین دلیل مصر و تا حدودی اردن، پیوستن و حمایت از معامله قرن از منظر آورده‌های مالی احتمالی که برای آنها دارد، می‌نگرند.

نیازمندی مالی کشورهای منطقه و وجود پتانسیل‌های حاصل از پذیرش و اجرای معامله قرن، محدود به غزه و کرانه باختری نمی‌شود، بلکه تبادل اراضی بین رژیم صهیونیستی و مصر در موضوع معاوضه ۷۲۰ کیلومتر از صحرای سینا در مقابل همین مساحت از صحرای نقب^۴ رژیم اشغال‌گر و پروژه‌های عمرانی بن سلمان در شمال صحرای

1. Tiran

2. Sanafir

3. Rantis

4. Negev

سینا را نیز شامل می‌شود. در واقع به هنگام تحقق چنین پروژه‌ای، با احداث بندر آبی، تأسیس ایستگاه‌های آب‌شیرین کن و انتقال انرژی، سود هنگفتی به برخی کشورها چون عربستان سعودی، مصر، اردن و حتی کویت و عمان (از طریق گسترش مبادلات تجاری خود) و در نهایت رژیم صهیونیستی خواهد رسید.

۳-۲-۳- بحران مالی فلسطین

فلسطین و به‌طور خاص غزه، در حالی که منابع اقتصادی بسیاری را در خود جای داده که موجب طمع نواستعمارگران و صهیونیست‌ها شده است، به دلیل کارشکنی‌های داخلی، منطقه‌ای و انفعال سازمان‌های بین‌المللی، امروز از مشکلات جدی مالی رنج می‌برد به گونه‌ای که بانک جهانی وضعیت اقتصادی غزه را وخیم گزارش می‌کند. از این رو، طبق گزارش‌های این سایت، نرخ بیکاری در غزه ۷۰ درصد بوده و از هر دو فلسطینی، یک نفر با فقر دست و پنجه نرم می‌کند.

اگرچه مردم غزه با حفر تونل به صحرای سینا توانستند محاصره را دور بزنند، ولی بعد از شکست انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م مصر (روی کار آمدن محمد مرسی) و کودتای عبدالفتاح السیسی، کار تخریب تونل‌ها و رهاسازی آب‌های شور دریای سرخ و تأسیس دیوار فولادین در مرز سینا و غزه از سوی دولت کنونی مصر، آغاز شده است. امروزه (۲۰۱۸ م) بیش از ۸۰ درصد تونل‌ها تخریب شده است و مابقی تونل‌ها هم با ساخت دیوار یاد شده، بی‌کاربرد شدند (أبوسعدة، ۲۰۱۸: ۹-۷) افزون بر این، عبدالفتاح السیسی، به بهانه جلوگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی به صحرای سینا، گذرگاه رفح را هم غالباً بسته نگه می‌دارد که این امر، نه تنها مانع انتقال کالاهای اساسی به غزه شد، بلکه با اقدامات غیرانسانی رژیم صهیونیستی و محمود عباس (ابومازن) رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در جلوگیری از انتقال دارو و تجهیزات درمانی به غزه، بحران مالی و انسانی غزه را دوچندان کرد.

در کنار وضعیت خطرناک انسانی غزه در نتیجه سیاست‌های خصمانه محمود عباس علیه حماس، تشکیلات خودگردان هم با مشکلات مالی جدی روبروست. به خصوص که در مواردی حاضر به همکاری با صهیونیست‌ها در مسائل انرژی نشده است. تشکیلات خودگردان که به کشورهای منطقه‌ای و اروپایی-آمریکایی وابستگی اقتصادی جدی دارد، تلاش می‌کند رفتار سیاسی خود را نیز مطابق نگرش مطلوب آنها تنظیم کند. تشکیلات

خودگردان به دلیل کاهش یا قطع کمک‌های مالی کشورهای حاشیه خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی و همچنین کاهش کمک‌های اروپا و تأثیر بحران‌های اقتصادی جهانی، از مشکلات جدی مالی رنج می‌برد به طوری که به سختی می‌تواند حقوق کارکنان خود را بپردازد. حال با چنین وضعیتی، آمریکا به عباس پیشنهاد کمک ۵ میلیارد دلاری می‌دهد تا معامله قرن را قبول کند (أبوکریم، ۲۰۱۸) و طرف‌های همراه با معامله نیز تلاش می‌کنند تا فواید اقتصادی موقت اجرای معامله را برای مردم غزه و کرانه‌ی باختری، تشریح کنند. به نظر می‌رسد که طراحان و مجریان معامله قرن، به هنگام طراحی ابعاد چنین طرحی، بی‌شک به وجود چنین معضلاتی آگاه بوده و آنها را به‌عنوان پتانسیل و عاملی برای پذیرش هرچه زودتر و کاملتر طرح خود در نظر داشتند.

۳-۳- زمینه‌های ژئوپلیتیک

۳-۳-۱- اهمیت جغرافیایی کرانه باختری

جایگاه کرانه باختری در معامله قرن، به گونه‌ای است که در صورت اجرای آن، عملاً نبض راهبردی مقاومت در فلسطین در دستان صهیونیست‌ها قرار خواهد گرفت. دشت کرانه باختری از نظر وسعت، مساحتی بالغ بر ۵۶۰۰ کیلومتر مربع و از لحاظ جمعیت، دو میلیون و ششصد هزار نفر دارد و در موقعیتی قرار گرفته است که اولاً فاصله اندکی با شهرهای مهم رژیم صهیونیستی دارد و ثانیاً به دلیل قرار گرفتن در مرکزیت فلسطین، با بسیاری از شهرهای خود فلسطین هم ارتباط جغرافیایی دارد (حواتمء، ۲۰۰۰: ۱۱-۹). از منظر استراتژیک، این منطقه به دلیل انفعال تشکیلات خودگردان، نفوذ بالای صهیونیست‌ها در آن و خلع سلاح شدن مردم، عملاً جز اراضی تحت نظارت صهیونیستی است.

کرانه باختری با سرزمین‌های اشغالی ارتباط بسیار نزدیکی دارد، به گونه‌ای که اگر قرار باشد موشکی از کرانه باختری به تل‌اوو ارسال شود، نیازی به موشک‌هایی با برد بالا نیست؛ بلکه موشک‌های با برد ۲۰ کیلومتر نیز کفایت می‌کند. به همین دلیل است که تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم تسلیح کرانه باختری (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۹/۴)، موجب هراس مسئولان صهیونیستی شد. حضور تعداد زیادی از جمعیت فلسطینیان در این منطقه و تعداد بالای شهرک‌نشین، کرانه را برای هر دو طرف فلسطینی و صهیونیستی، با اهمیت کرده است. از این روست که در طرح‌های پیشین آمریکایی- صهیونیستی و به‌طور خاص طرح معامله قرن، تقسیم‌بندی اراضی فلسطین‌نشین به سه منطقه «الف»،

«ب» و «ج» و واگذاری آن به کشورهای مختلف، مورد توجه است. طبق طرح معامله قرن، بخش غالب کرانه باختری تحت اشراف صهیونیست‌ها قرار می‌گیرد و بقیه نیز از نظر نظامی - امنیتی تحت تسلط صهیونیست‌ها و از منظر مدنی زیر نظر فلسطینیان خواهد بود (طیب، ۲۰۱۷).

با توجه به اهمیت استراتژیک کرانه باختری، در صورت حمایت از فلسطینیان همسو با مقاومت در این منطقه، امکان استمرار و تقویت مقاومت در تقابل با صهیونیست‌ها و وارد آوردن ضربات مهلک بر پیکره رژیم صهیونیستی، بیشتر خواهد بود. بالعکس در صورت تسلط بیش از پیش صهیونیست‌ها بر کرانه باختری، سودهای هنگفت مالی به رژیم اشغال‌گر خواهد رسید. این عوامل، حکایت از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این منطقه دارد.

۲-۳-۳- جایگاه امنیتی - استراتژیکی صحرای سینا

افزون بر جایگاه تمدنی سعودی سینا و اهمیت شهر العریش^۱ در کمک‌رسانی به نوار غزه، صحرای سینا به دلیل موقعیت استراتژیک، از دیرباز مورد توجه صهیونیست‌ها بود تا از هر فرصتی برای جداسازی آن از مصر بهره بگیرند. لذا در معاهده کمپ دیوید نیز صحرای سینا مهم ارزیابی شده است. این صحرا که تا سال ۱۹۵۶ تحت اشغال صهیونیست‌ها بود، با قطعنامه‌ی سال ۱۹۵۶ سازمان ملل بازپس گرفته شد، ولی در سال ۱۹۶۷ برای بار دوم تحت اشغال آن‌ها قرار گرفت؛ اما از سال ۱۹۸۲ م، نظامیان صهیونیست، منطقه را ترک کردند (دهقانی‌پوده، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۵).

نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی امروزه و علیرغم گذشت بیش از ۳۵ سال از خروج رسمی این رژیم از منطقه یاد شده، به گونه‌ای نفوذ دارند که بیشتر مسافران این منطقه، غالباً از طریق شرکت‌های سیاحتی صهیونیستی اجازه ورود می‌گیرند. همچنین نمود جدی‌تر نفوذ رژیم اسرائیل را می‌توان در شرایط امنیتی حاکم بر فضای عمومی زندگی مردم این منطقه حتی بادیه‌نشینان شاهد بود. به طوری که مردم شرم‌الشیخ همه گردن-آویزی برای شناخته شدن بر گردن دارند تا از سوی پلیس مورد ضرب و شتم قرار نگیرند (أبوسعدة، ۲۰۱۸: ۴).

^۱ El Arīsh

صحرای سینا به دلیل گسترش حضور جریان‌های تکفیری و افراطی در آن، امروزه بیش از گذشته محل جولان امنیتی- نظامی ارتش مصر و رژیم صهیونیستی شده است. صهیونیست‌ها برای اینکه حضور خود در صحرای سینا را امری ضروری جلوه دهند، به صورت پنهانی از جریان‌های تکفیری و افراطی در آن منطقه حمایت می‌کنند تا نظام سیاسی مصر را در اداره چنین بحرانی ناتوان نشان دهند و از این طریق، حضور خود را بیشتر کنند. از سوی دیگر، طبق طرح معامله قرن، می‌بایست ۷۲۰ کیلومتر از صحرای سینا در ازای ۷۲۰ کیلومتر از صحرای نقب، بین مصر و رژیم صهیونیستی معاوضه شود. این بند و تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی دیگر در همین معامله، رسماً بستر نفوذ بالای صهیونیست‌ها بر سینا را فراهم می‌کند تا از سویی امنیت خود را تضمین کنند و از سوی دیگر از موقعیت ژئوپلیتیکی آن به خوبی بهره ببرند (أبوسعده، ۲۰۱۸: ۶).

۳-۳-۳- اهمیت فرهنگی مسجدالاقصی

مسجدالاقصی که از دیرباز قبله‌گاه و مرکز اتحاد سیاسی مسلمانان در حمایت از آرمان فلسطین بوده است، امروزه و به دلیل موقعیت استراتژیک سیاسی و فرهنگی آن در جهان اسلام، به نشانه‌ای برای تقابل با اشغال‌گری رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. به همین دلیل، بیش از گذشته در تیررس صهیونیست‌ها برای رسمی‌سازی سلطه خود بر شهر بیت‌المقدس قرار گرفته است.

در کنار تلاش‌های دیپلماتیک صهیونیست‌ها، برخی از نظریه‌پردازان یهودی که موافق تشکیل دولت صهیونیستی هستند، از سال‌های گذشته به نظریه‌پردازی‌های مجعول در خصوص تعلق مسجدالاقصی به یهود می‌پردازند. در همین زمینه، آن‌ها بر تأسیس سومین معبد یهودیان در این مسجد تأکید می‌کنند. همین موضوع باعث شده است تا برخی از خاخام‌های یهودی، نه تنها اقدامات رژیم صهیونیستی را در اشغال مسجدالاقصی تأیید کنند، بلکه آن را احیای دین یهود بدانند (أبو حاکمه، ۲۰۰۸: ۵۳-۴۶). از آنجایی که صهیونیست‌ها معتقدند بقایای مهم‌ترین معابد دین یهود در زیر حرم شریف قرار دارد، خاخام‌های افراطی و نظامیان رژیم اشغال‌گر، مانع عبادت مسلمانان در مسجدالاقصی می‌شوند، چرا که آنها معتقدند این مکان بسیار مقدس است. این موضوع به همراه تاثیراتی که مسجدالاقصی از نظر مذهبی و سیاسی در حمایت مسلمانان از فلسطین و اجماع آنها

بر تقابل با اشغال‌گری صهیونیست‌ها می‌گذارد، موجب شده است تا صهیونیست‌ها با روی-کار آمدن دولت ترامپ، هرچه بیشتر به دنبال رسمیت‌بخشی به تسلط نامشروع خود بر قدس از طریق طرح معامله قرن شوند.

۴- امکان‌سنجی تحقق طرح معامله قرن

موانع تحقق نهایی و البته پایدار طرح معامله قرن را می‌توان به سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم کرد.

۴-۱- سطح ملی

۴-۱-۱- افکار عمومی فلسطین

با عنایت به ابعاد متعدّد طرح و پیامدهای آن برای مردم فلسطین و به‌طور خاص ساکنین غزه و کرانه باختری، ضروری است که مردم این منطقه حاضر به پذیرش آن شوند. در واقع برای اجرای مفاد سرزمینی معامله، فضای آرام و امنیتی مورد نیاز است که مخالفت نکردن عموم مردم این مناطق، از اصلی‌ترین لوازم آن می‌باشد. روحیه جهادگرایانه فلسطینیان به خصوص اهالی غزه، نشان می‌دهد که افکار عمومی این منطقه، به راحتی حاضر به پذیرش چنین طرحی نخواهند شد. اما تغییر روحیه مردم در کرانه باختری که با تغییر بافت جمعیتی و فرهنگی آنها طی سال‌های اخیر، تشدید هم شده است، احتمال سکوت آنها در مقابل طرح معامله قرن را منعکس می‌سازد. اما از آنجایی که تشکیلات خودگردان نیز حاضر به پذیرش مفاد طرح نشده است، به نظر نمی‌رسد که ساکنان کرانه حاضر به پذیرش بی‌قید و شرط آن گردند.

۴-۱-۲- گروه‌های سیاسی فلسطینی

اگرچه تاکنون تمامی جریان‌های سیاسی فلسطین حاضر به پذیرش معامله نشدند، اما اختلاف و شکاف جدی بین فتح و حماس و تا حدودی جهاد اسلامی و حماس در مسائل ملی و فراملی، می‌تواند منجر به ایجاد تزلزل در مواضع برخی گروه‌ها و در نتیجه پذیرش معامله قرن شود. نفوذ بازیگران منطقه‌ای مانند مصر، اردن، امارات و عربستان سعودی در میان گروه‌های فلسطینی به خصوص جنبش فتح و رایزنی‌های دیپلماتیک بازیگران آنها با هر کدام از طرف‌های فلسطینی درگیر، احتمال عقب‌نشینی برخی گروه‌های فلسطینی به‌ویژه فتح را به همراه خواهد داشت. هرچند در نهایت اجماع ملی در پذیرش طرح،

حاصل نخواهد شد. ضمناً به نظر نمی‌رسد تشکیلات خودگردان و فتح نیز به راحتی حاضر شوند اجازه اجرای طرح را بدهند. به گونه‌ای که حماس در بیانیه‌ی هفتاد و یکم خود، ضمن تأکید بر حق مسلم فلسطینی‌ها، بر شکست این طرح تأکید کرد (پایگاه خبری رسمی حماس، ۲۰۱۸). همچنین جنبش فتح نیز آمادگی خود را برای روبرویی هر طرحی که خواهان تسویه‌ی فلسطین است، اعلام داشت (سماالإخباریة، ۲۰۱۷).

۲-۴- سطح منطقه‌ای

۱-۲-۴- افکار عمومی جهان اسلام

تحقق طرحی اینچنینی آن هم در رابطه با نخستین قبله‌گاه مسلمانان، بی‌تردید نیاز به همراهی افکار عمومی و فضای اجتماعی جهان اسلام دارد. اگر مردم منطقه حاضر به همراهی با آن نشوند، نه تنها کشورهای بازیگر چون مصر، اردن، عربستان سعودی و تا حدودی امارات بلکه کشورهای دیگر نیز با چالش‌های جدی نارضایتی داخلی و بالا گرفتن تضادهای ملی روبرو خواهند شد. از این رو، به نظر می‌رسد که نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورهای منطقه نیز تا جایی که کار به نزاع ملی نکشد، با اجرای معامله قرن همسو و همراه خواهند بود؛ بنابراین و با توجه به تصویر منفی رژیم صهیونیستی در منظر عمومی مردم و اقدامات مودیانه فرهنگی، امنیتی و سیاسی این رژیم (با هدف حاشیه‌رانی بیت‌المقدس) به نظر نمی‌رسد که افکار عمومی جهان اسلام حاضر به پذیرش چنین طرحی شود.

۲-۲-۴- مواضع جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با کمک‌های انسان‌دوستانه خود به مردم منطقه، مبارزه واقعی با تروریسم و حمایت همه‌جانبه از آرمان فلسطین، بیش از پیش وجهه‌ای مثبت و مردمی در منطقه دارد. چنین وجهه‌کاریزما در کنار قدرت نظامی آن، گستره نفوذ و اثرگذاری آن نه تنها در بین مردم که حتی بین مسئولان کشورهای منطقه را افزایش داده است. به همین دلیل، موضع‌گیری‌های آن در قبال مسائل منطقه، امروزه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. با مخالفت رسمی و قطعی جمهوری اسلامی ایران با این معامله، به نظر می‌رسد تحقق نهایی و کامل معامله، ممکن نیست. کما اینکه مقام معظم رهبری درباره طرح

معامله قرن فرمودند: «البته بدانند که این معامله‌ی قرن‌ی که آنها فکر کرده‌اند، به توفیق الهی هرگز تحقق نخواهد یافت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۴/۲۴).

۳-۲-۴- مواضع جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا

جریان‌های اسلام‌گرای منطقه به خصوص اخوان‌المسلمین به دلیل همراهی مصر، در مقابل اجرای این معامله سکوت نخواهند کرد و از نفوذ خود در بین عموم مردم برای تقابل‌سازی با نظام‌های سیاسی بازیگر در معامله، بیشترین استفاده را خواهند کرد. اما به نظر نمی‌رسد که جریان‌های تکفیری- جهادی و تا حدودی القاعده، واکنش مؤثری داشته باشند.

۲-۴-۴- چالش‌های داخلی نظام‌های سیاسی

نزاع سیاسی حاکم بر فضای داخلی بسیاری از نظام‌های سیاسی منطقه، امروزه به اندازه‌ای عمق پیدا کرده است که در برخی کشورها چون لیبی، سودان، بحرین، امارات و عربستان سعودی، ظهور و بروز ملموس دارد و در دیگر کشورها همچون تونس، مصر و ترکیه، آتشفشان خاموشی است که اجازه‌ی مشارکت فعال نظام حاکم بر این کشورها در طرح‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که با هدف خیانت به آرمان فلسطین شکل گرفته است، نمی‌دهد.

۳-۴-۳- سطح فرامنطقه‌ای

اجرای معامله قرن در عرصه فرامنطقه‌ای با دو مشکل جدی روبروست که یکی به مقبولیت شکننده دونالد ترامپ در محافل سیاسی آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی برمی‌گردد و دیگری هم به تقابل سیاسی و راهبردی روسیه، آمریکا و اروپا در مسائل مربوط به غرب آسیا مربوط می‌شود. از آن جایی که این طرح به حضور ترامپ و نفوذ بالای صهیونیست‌ها در دولت و کنگره آمریکا ارتباط دارد، در صورت پایان یافتن عمر دولت کنونی آمریکا، اگر این معامله لغو نشود، حداقل معلق خواهد شد. از سوی دیگر، به نظر نمی‌رسد که روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران فعال در فضای کنونی غرب آسیا، به این طرح بی‌توجه باشد. لذا نمی‌توان گفت که معامله قرن با موانع بین‌المللی روبرو نیست و همه چیز بسته به پذیرش و اجماع منطقه‌ای است.

به این عوامل باید نابسامانی‌های داخلی در رژیم صهیونیستی و تزلزل دولت نتانیا هو پس از شکست مفتضحانه این رژیم در نبرد ۲ روزه در مقابل غزه در ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ م را نیز افزود.

نتیجه‌گیری

طرح موسوم به معامله قرن که از سوی آمریکا و با نگرش صهیونیستی دنبال می‌شود، با امید به پتانسیل‌هایی ارائه شده است که در عرصه سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، ژئوپلیتیک و اقتصادی، بسترساز تحقق آن خواهند بود. از این رو، پرسشی که این تحقیق دنبال کرد، رمزگشایی از این بسترها و در مرحله‌ی بعد، امکان‌سنجی تحقق آن بوده است. واکاوی رفتار سیاسی-امنیتی رژیم صهیونیستی و ترامپ از زمان روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، نشان می‌دهد که این طرح، با توجه به زمینه‌هایی چون ضرورت تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در شرایطی که تمامی طرح‌های پیشین برای تحقق چنین هدفی شکست خورده است، وجود منازعه سیاسی بین گروه‌های فلسطینی، تلاش بن سلمان برای قبضه قدرت در عربستان سعودی و نیاز جدی او به حمایت و همراهی صهیونیست‌ها، تزلزل در روند بیداری اسلامی و پیروزی‌های پی در پی محور مقاومت، افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در کنار گسترش مقبولیت آن در بین مردم منطقه و هم‌ینطور آشکار شدن روابط پنهان برخی از کشورهای عربی با رژیم اشغال‌گر قدس، تدوین و ارائه شده است.

از سوی دیگر، افزایش روزافزون بحران اقتصادی در کشورهای منطقه، گسترش بحران مالی در فلسطین به خصوص در غزه و تا حدودی کرانه باختری، اهمیت بالای ذخایر تازه اکتشاف انرژی در معادلات قدرت، بسترهای مالی لازم را بیش از پیش آماده کرده است. در کنار دو زمینه کلان اقتصادی و سیاسی، اهمیت بالای مسجدالاقصی به‌عنوان مرکزی فرهنگی و محوری در جهان اسلام، جایگاه استراتژیک و محوری صحرای سینا و کرانه باختری رود اردن در معادلات منطقه‌ای و به‌طور خاص جغرافیای سیاسی رژیم صهیونیستی، صهیونیست‌ها را بر آن داشت تا از اهرم فشار دولت کنونی آمریکا برای پیشبرد طرحی جدید استفاده و اهداف اشغال‌گرایانه خود را دنبال کنند تا از این طریق به زعم خود به این رژیم، مشروعیت ببخشند.

بررسی ظرفیت هر کدام از زمینه‌هایی که به‌مثابه محرکی برای ارائه و طرح معامله عمل می‌کنند، نشان می‌دهد که تحقق نهایی آن به سادگی امکان‌پذیر نیست. همراه نشدن افکار عمومی جهان عرب و ساکنان کرانه باختری و غزه و همینطور ناتوانی بازیگران طرح در مدیریت بحران‌های ناشی از اجرای احتمالی طرح، از جمله موانع می‌باشد ضمن اینکه مانعی بزرگ چون جریان مقاومت وجود دارد که روز به روز به دلیل ایثار و فداکاری-های خالصانه در دفاع از قدس شریف و مردم فلسطین، مقبولیت بیشتری بین جهان اسلام پیدا می‌کند. لذا مجموع عوامل و متغیرهای تاثیرگذار ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترسیم‌گر نامحتمل بودن اجرای طرح معامله قرن می‌باشد.

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

شبکه‌های برون مرزی صداوسیما که جامعه هدف آنها در سطوح مختلف داخل فلسطین (رادیو فلسطین)، منطقه (تلویزیون‌های العالم، الکوثر و سحر و رادیو عربی- آفریقایی) و فرامنطقه (پرس تی‌وی) تعریف شده است، متناسب با مباحثی که در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیرامون طرح معامله قرن در مقاله تبیین شد، اهمیت دارد هرچه بیشتر برنامه‌هایی برای تنویر افکار مخاطبان و کنشگران اجتماعی و سیاسی درباره این معامله و پیامدهای آن تهیه و پخش کنند. در ادامه تعدادی از محورهای رسانه‌ای ارائه می‌شود:

۱. ساخت فیلم‌های مستند کوتاه برای توصیف ماهیت و اهداف آشکار و پنهان معامله قرن با تمرکز بر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک مطروح در این مقاله.
۲. تهیه مجموعه برنامه‌هایی از رویکردهای تحقیق‌آمیز آمریکا و رژیم صهیونیستی به مسلمانان، اعراب و تحقیر هویت عربی و اسلامی در طول تاریخ.
۳. تبیین پیامدهای مخرب طرح‌های آمریکایی- صهیونیستی برای جهان اسلام در برنامه‌های کارشناس محور.
۴. تأکید بر جایگاه تاریخی و اهمیت وحدت‌بخش مسجدالاقصی و اماکن مذهبی سرزمین فلسطین برای کل جهان اسلام.

۵. تبیین مواضع پایدار و مستحکم جمهوری اسلامی ایران در حمایت از آرمان فلسطین با محوریت آراء و بیانات امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و سایر مسئولان و مردم ایران.
۶. بررسی انتقادی مواضع چندگانه کشورهای مختلف عربی در خصوص طرح معامله قرن و تأکید بر لزوم وحدت رویه برای به حاشیه رانی و طرد آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دو کنشگر غیرمنطقه‌ای و نامشروع.
۷. تهیه گزارش‌های مستمر مبنی بر نارضایتی مسلمانان از طرح معامله قرن؛ انعکاس پرننگ راهپیمایی فلسطینیان با عنوان «بازگشت».
۸. تهیه برنامه‌های کارشناس محور درباره همکاری عربستان سعودی، امارات و مصر با طرح معامله قرن و ابعاد خیانت آنها به آرمان فلسطین از زبان کارشناسان.
۹. تأکید بر لزوم وحدت گروه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی در فلسطین برای مقابله با طرح‌های آمریکایی - صهیونیستی در برنامه‌های خبری و غیرخبری.
۱۰. تشریح علل شکست طرح‌های قبلی سازش و تبیین ضعیف بودن امکان تحقق طرح معامله قرن بر اساس دلایلی که در سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مقاله بررسی شد.

منابع

قرآن کریم

فارسی

- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۲)، امنیت اجتماعی شده: رویکردی اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- بوزان، باری (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، (ترجمه علیرضا طیب)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۷/۴/۲۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۳)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، ۱۳۹۳/۹/۴.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۰)، اسرائیل پایگاه امپریالیسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جدیدبناب، علی (۱۳۸۲)، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم: مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی (ره).
- دهقانی پوده، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر مذاکرات فلسطینی-اسرائیلی: چشم‌انداز آینده، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- عزّتی، عزّت‌الله (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک، تهران: سمت.
- کارتر، جیمی (۱۳۸۶)، فلسطین صلح نه، تبعیض، (ترجمه مهران قاسمی)، تهران: نشر ثالث.
- کوئیگی، جان (۱۳۷۲)، فلسطین و اسرائیل: رویارویی عدالت، (ترجمه سهیلا ناصری)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۳۴-۱۰۵.
- واحدی، سیدمحمد رضا (۱۳۹۵)، حکومت جهانی: روش‌شناسی صهیونیسم، تهران: انتشارات خرسندی.

عربی

- أبوأصبح، صلاح (۲۰۰۶)، ثقافته المقاومة في الآداب والفنون، فيلادلفيا: جامعه فيلادلفيا.
- أبو حاكمه، هشام (۲۰۰۸)، مسجد داوود... وليس هیکل سليمان، عمان: دارالجليل.
- أبو سعده، محمد (۲۰۱۸)، صفة القرن: قراءة في الأبعاد والمسارات، تركيا: المعهد المصري للدراسات.
- أبوكریم، منصور، (۲۰۱۸)، ملامح وبنود صفة القرن الأمريكية، قطر: الجزيرة
- بلقزیز، عبدالإله (۲۰۱۲)، الربيع العربي... إلى أين؟: أفق جديد للتغيير الديمقراطي، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
- البنفلاح، عبدالرحمن علي (۲۰۰۳)، أمريكا من القمة إلى القاع، الإسكندرية: دارالسلام.
- حسين، عدنان السيد (۱۹۹۰)، عصر التسوية: سياسة كامب ديويدي و أبعادها الإقليمية والدولية، بيروت: دارالنفاس.
- حواتمة، نايف (۲۰۰۰)، أبعد من أسلو: فلسطين إلى أين، بيروت: بيسان.
- سماالإخباریة (۲۰۱۷)، صفة القرن.. ما هي بنودها وما مصير حماس وإيران؟.
- سنخینی، عصام (۲۰۰۳)، فلسطين والفلسطينيون: صيرورة تكوين الإسم والوطن والشعب والهوية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- الشريف، ماهر (۲۰۱۶)، فلسطين في الكتاب التاريخي العربي، بيروت: دارالفارابي.

-
- الصفارى، مطهر (٢٠١٨)، فلسطين... صفة القرن: التحديات والفرص، القاهرة: مركز الفكر الإستراتيجى للدراسات.
 - طيب، حمد، (٢٠١٧)، صفة القرن تبدأ بصفة القدس، جريدة الراية.
 - حمامى، إبراهيم، (٢٠١٨)، صفة القرن، تركيا: المعهد المصرى للدراسات.
 - فؤاد، خالد (٢٠١٨)، ترسيخ الإستبداد: عسكره الأحزاب السياسية فى مصر، تركيا: المعهد المصرى للدراسات.
 - قرنى، بهجت (٢٠١١)، الشرق الأوسط المتغير: نظره جديده إلى الديناميكيات العربية، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
 - اللداوى، مصطفى يوسف (٢٠١٦)، الإرهاب الصهيونى: عقيدة مجتمع وتاريخ دولة، بيروت: مركز دراسات الوحدة الإسلاميه.
 - الكعكى، يحيى أحمد (٢٠٠٥)، فى الأصوليه الصهيونيه، بيروت: دارالنهضة العربى.
 - مسلم، طلعت أحمد (١٩٩٨)، الوجود العسكرى الأجنبى فى الوطن العربى، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.

مسئولیت بین‌المللی قطع پخش ماهواره‌ای شبکه‌های

تلویزیونی ایران از منظر حقوق بین‌الملل

حسین رستم‌زاد^۱، مجتبی ابراهیمی^۲

چکیده

قطع‌کنندگان پخش ماهواره‌ای برخی از شبکه‌های جمهوری اسلامی ایران، با عناوین ادعایی همچون اقدامات متقابل، اقتضائات تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و نقض حقوق بشر توسط ایران تلاش دارند عمل خود را از لحاظ حقوقی مشروع جلوه دهند. تحریم شبکه‌های تلویزیونی ایران که خارج از رویه قطعنامه‌های سازمان ملل و به‌طور چندجانبه و یا یکجانبه، اعمال گردیده است منجر به نقض برخی اصول حقوق بین‌الملل همچون اصل آزادی اطلاعات و حق بر دریافت اطلاعات و حقوق معاهدات است. علاوه بر این، اقدام تعدادی از شرکت‌های ماهواره‌ای در برخی از مقاطع، در تحریم رسانه‌ای ایران بدون استناد معتبر به نقض شرایط پخش محتوای برنامه‌ها، نقض اصول «آزادی مشروط پخش برنامه‌های ماهواره‌ای» و «ممنوعیت انحصار در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای» محسوب می‌شود. ضمن اینکه، این تحریم‌ها مغایر دکتترین تحریم هوشمند هستند؛ طبق این دکتترین، تحریم‌ها باید نهاد متخلف را که قاعدتاً نهادی دولتی است، هدف قرار دهند. نقض اصول حقوق بین‌الملل و تعهدات بین‌المللی در این خصوص، موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و تحریم‌کنندگان رسانه‌ای را فراهم می‌آورد و دولت جمهوری اسلامی ایران را نیز مجاز به اقدام متقابل و شکایت به مراجع قضایی بین‌المللی می‌کند.

کلید واژه‌ها: قطع پخش ماهواره‌ای شبکه‌های تلویزیونی، ایران، تحریم، اصل آزادی اطلاعات، مسئولیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل.

^۱. نویسنده مسئول: استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

rostamzad34@yahoo.com

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mj.ebrahimi@chmail.ir

مقدمه

حدود ۱۰۰ ماهواره یا قمر مصنوعی فعال در فضای ماورای جو وجود دارد که از این تعداد، حدود ۴۰ ماهواره مخابراتی هستند، به طوری که از بین آن‌ها حدود ۲۰ ماهواره به پوشش نظام‌های ماهواره‌ای اقدام می‌کنند. ۴۷ نظام ماهواره‌ای در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به ثبت رسیده‌اند که میزبان شبکه‌های ماهواره‌ای هستند (ضیایی و طباحی‌مقانی، ۱۳۹۰: ۳۱۶). ایستگاه‌های رادیویی - تلویزیونی برای فعالیت باید یکی از این نظام‌های ماهواره‌ای را اجاره کنند. از آنجا که هر یک از ماهواره‌های مخابراتی در اختیار یک کشور و یا شرکتی متعلق به یک کشور است، بسیار اتفاق افتاده که با شروع یک اختلاف سیاسی، روند پخش برنامه از برخی شبکه‌های ماهواره‌ای قطع شده است. توقف پخش ماهواره‌ای یا تحریم رسانه‌ای یکی از اشکال نوین تحریم‌های بین‌المللی است که محروم کردن مخاطبان از دریافت دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از جمله اهداف آن است؛ هرچند ماده ۴۱ منشور ملل متحد از امکان قطع ارتباطات رادیویی به‌عنوان یکی از اشکال تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد سخن به میان آورده؛ اما تحریم ارتباطی، هیچ‌گاه از سوی سازمان ملل علیه دولتی اعمال نشده است. با این حال در سال‌های اخیر، اتحادیه اروپا از جمله اعمال کنندگان تحریم‌های رسانه‌ای چندجانبه بوده و کشورهای انگلستان، آمریکا و فرانسه نیز تحریم‌های رسانه‌ای یکجانبه‌ای را به‌ویژه علیه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اعمال کرده‌اند.

البته، پخش مجدد ماهواره‌ای تعدادی از شبکه‌های ایران پس از موافقت‌نامه ژنو (بین ایران و گروه ۵+۱) آغاز شده است؛ اما احتمال قطع دوباره آن‌ها به دنبال تحریم‌های یکجانبه آمریکا که از نوامبر ۲۰۱۸م (آبان ۱۳۹۷) شروع شده است، وجود دارد. در این میان، پیگیری ناکافی حقوقی و جریان‌سازی کم رسانه‌ای در خصوص قطع شبکه‌های تلویزیونی از ماهواره‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل موجب شده است رسانه‌های وابسته به دولت‌ها و شرکت‌های ماهواره‌ای به‌نوعی این اقدامات غیرقانونی خود را مشروع جلوه داده و روند گذشته خود را ادامه دهند. همچنین ضمن نپذیرفتن پیامدهای حقوقی، از پرداخت خسارات وارد شده به شبکه‌های قطع شده، امتناع ورزند، به طوری که توانسته‌اند افکار عمومی به‌ویژه غرب را تقریباً با خود همراه سازند. بنابراین ضرورت دارد با پشتوانه پژوهش‌های حقوقی و کاربردی رسانه‌ای با این جریان مقابله و از تضییع حقوق شبکه‌های

تلویزیونی جلوگیری کرد و از سوی دیگر حقوق مخاطبان را نیز برای دسترسی آزادانه به اطلاعات و اخبار مطالبه نمود.

قطع پخش شبکه‌های برون‌مرزی از ماهواره‌ها

۱- شبکه سحر

در سال ۲۰۰۵م پخش مجموعه «چشمان آبی زهرا» و سخنان رابرت فوریسون^۱ منتقد فرانسوی علیه هولوکاست در برنامه زنده تلویزیونی شبکه سحر، منجر به ممنوعیت پخش شبکه تلویزیونی ایرانی سحر ۱ از هاتبرد گردید (مقدم، ۱۳۹۲). علت قطع برنامه‌های سحر، لابی صهیونیستی فعال در دولت فرانسه بود که از این کشور خواسته بودند تا پخش برنامه‌های ضدصهیونیستی شبکه ماهواره‌ای سحر ایران را در ماهواره و کانال‌های تلویزیونی فرانسه قطع کند (علایی، ۱۳۸۷). شورای عالی سمعی و بصری فرانسه در رأی صادره ۱۰ فوریه ۲۰۰۵م اعلام کرد در مجموعه «چشمان آبی زهرا»، «صهیونیست‌ها و یهودیان در قالب شخصیت‌هایی که بدون عذاب وجدان می‌خواهند چشمان یک کودک را از او بگیرند، به‌صورت رسواکننده‌ای نشان داده شده‌اند». درحالی‌که در این مجموعه چهره شخصیت‌های معرفی شده یهودیان از برخی جهات منفی و از برخی جهات نیز مثبت است اما چون دادگاه تشکیل نشده و از ایران دفاعیه‌ای گرفته نشده است، شورای مذکور صرفاً بنا به سیاست‌های خود حکم را صادر کرد (جعفری، ۱۳۸۳: ۳۵-۲۶).

طبق حقوق فرانسه، نقض مقررات شورای سمعی و بصری این مجازات‌ها را (به ترتیب) در پی دارد: اخطار، جریمه مالی، تعویق تا تعطیلی موقت پخش برنامه تلویزیونی، تعطیلی موقت پخش برنامه‌های ماهواره‌ای و در نهایت توقف دائم (همان). لذا توقف ناگهانی پخش برنامه‌های ماهواره‌ای مغایر با نظام حقوقی خودبسنده و شرط تناسب است.

از سوی دیگر، قواعد بین‌المللی استاپل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در خصوص قطع شبکه سحر قابل بررسی است. در فرهنگ حقوقی، استاپل به این شرح تعریف شده است: «دکترینی که به‌موجب آن، ممکن است شخص به‌وسیله اقدام یا رفتار یا سکوت خود در جایی که وظیفه بیان دارد، از ادعای حقی که وی در غیر این صورت از آن برخوردار بود، ممنوع شود» (زمانی، ۱۳۸۴). طبق قاعده استاپل، اگر پخش مستقیم برنامه‌های

^۱ Robert Faurisson

تلویزیونی از طریق ماهواره برای مخاطبان واقع در کشورهای دیگر طبق مقررات حقوق بین‌الملل ممنوع باشد، طبیعی است که چنانچه کشوری اقدام به پخش مستقیم ماهواره‌ای به‌منظور دریافت آن امواج در کشور یا کشورهای دیگر کند، مستوجب مسئولیت بین‌المللی برای آن خواهد بود، لکن اگر کشوری که قلمرو آن مورد هجوم امواج تلویزیونی ماهواره‌ای قرار گرفته است، خود نیز قبلاً به اقدام مشابهی دست زده باشد، نمی‌تواند به اقدام آن کشور اعتراض کند. بنابراین از منظر قاعده استاپل کشورهای دارای پخش مستقیم نمی‌توانند به جمهوری اسلامی ایران برای پخش برنامه‌های ماهواره‌ای اعتراض کنند و همچنین ایران نیز مجاز به اعتراض علیه کشورها یا دارندگان شبکه‌های ماهواره‌ای برای نفس پخش مستقیم ماهواره‌ای نخواهد بود (آذری، ۱۳۸۹).

۲- شبکه العالم

پس از قطع پخش ماهواره‌ای شبکه العالم در اکتبر ۲۰۰۹، یک بار دیگر در مارس ۲۰۱۰، پخش آن از عرب‌ست و نایل‌ست متوقف شد. عرب‌ست (مستقر در ریاض) در تملک اتحادیه عرب است و مصر نیز مالک ماهواره نایل‌ست هستند. توقف پخش العالم از دو ماهواره عرب‌زبان به دنبال نشست وزیران اطلاع‌رسانی کشورهای عربی در عربستان سعودی صورت گرفت. مسئولان این دو ماهواره پس از ساعت‌ها سکوت درباره دلیل اقدام خود، در پیامی مهم‌ترین علت قطع العالم را انتقادهای این شبکه از سران عرب ذکر و العالم را متهم کردند که سنت‌ها را زیر پا گذاشته و از برخی مسئولان عربی انتقاد کرده است. ماهواره‌های یاد شده مدعی‌اند که شکایت‌هایی از برخی مراکز و نهادهای رسمی دریافت کرده‌اند که در آن‌ها شبکه العالم به پخش برنامه‌ها و اخبار مغایر با مسائل دینی و سیاسی متهم شده است (شکرالهی، ۱۳۸۸). این در حالی است که گردش آزاد اطلاعات و اخبار، از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و قوانین اساسی برخی کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز از آن حمایت می‌کند. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی حفظ عقاید، مصون از تعرض و جستجو، کسب اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از هر طریق و بدون توجه به مرزهاست» (جباری، ۱۳۷۹).

در شانزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۷۰م نیز دو موضوع ضرورت برابری ارتباطات در دنیا و جریان آزاد اطلاعات مبتنی بر ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت و موجب شد فکر ایجاد نظم نوین جهانی اطلاعات و

ارتباطات در یونسکو پدید آید و هدف این نظم، یعنی برابری ارتباطات در جهان تأمین شود (معمدنزاد، ۱۳۹۰).

در اولین اجلاس جهانی «سران درباره جامعه اطلاعاتی» که در دسامبر ۲۰۰۳م در ژنو برگزار شد، سران کشورهای جهان با امضای بیانیه اصول، متعهد به ایجاد جامعه اطلاعاتی در هزاره جدید شدند. در سند دبیرخانه اجرایی «اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی»، روسای کشورهای جهان در اعلامیه آغاز هزاره جدید تعهد کردند که به منظور احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده در سطح بین‌المللی، دولت مبتنی بر حقوق را تقویت و برای رسانه‌ها حق ایفای نقش اساسی را تأمین و حق همگان برای برخورداری از اطلاعات را تضمین کنند (معمدنزاد، ۱۳۸۲: ۲۱۹-۱۸۰).

علاوه بر این، مبانی حقوقی مصرح جریان آزاد اطلاعات و اخبار و قواعد ناظر به پخش برنامه‌های ماهواره‌ای نیز بر حقوق جامعه جهانی از حق استفاده از فضای ماورای جو دلالت دارد (کدخدایی، ۱۳۸۰). بر اساس اصول حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای که در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی تدوین شده است فضای ماورای جو باید به‌طور مساوی و آزادانه قابل بهره‌برداری بوده و استفاده از آن تابع مقررات حقوق بین‌الملل باشد. هیچ دولتی به استناد اصل آزادی ارتباطات و اطلاع‌رسانی که در حقوق بین‌الملل از اصول اساسی پذیرفته شده ملت‌هاست، حق ندارد حقوق یک کشور عضو کنوانسیون‌های مربوطه در استفاده از فضای ماورای جو را که اصول استفاده صلح‌آمیز از فضا را مدنظر دارد، محدود کند (ژوکف، ۱۳۵۱ و موسی‌زاده، ۱۳۸۹).

۳- شبکه پرس‌تی‌وی

قطع پخش شبکه پرس‌تی‌وی از ماهواره مربوط به شکایت مازیار بهاری، خبرنگار مجله نیوزویک از این شبکه، در انگلیس است که ادعا کرد به دنبال حوادث پس از انتخابات ایران در سال ۲۰۰۹ و بازداشت وی، تحت فشارهای شدید روحی مجبور به «اعتراف تلویزیونی» شده و از شبکه پرس‌تی‌وی به دلیل فرستادن خبرنگاری به زندان اوین برای «مصاحبه» با او شکایت کرد. در تاریخ ۴ مارس ۲۰۱۲م، پرس‌تی‌وی، با پخش فیلمی مستند به نام «چشم روباه» بخشی از سخنان دو زن و یک مرد را پخش کرد که به همکاری با بی‌بی‌سی فارسی متهم شده بودند. پس از محکوم شدن شبکه پرس‌تی‌وی با رأی سیاسی در دادگاه بریتانیا، «آفکام»، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌ای بریتانیا رأی به لغو پروانه فعالیت تولیدی و قطع

فرکانس پخش شبکه خبری پرس‌تی‌وی از ماهواره اسکای داد. آفکام، همچنین شبکه «پرس‌تی‌وی» را ۱۰۰ هزار پوند جریمه کرد (DW, 2012).

سازمان آفکام که عملکرد رسانه‌های بین‌المللی را در بریتانیا زیر نظر دارد، در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲ اعلام کرد که نتوانسته متقاعد شود پرس‌تی‌وی در مورد برنامه‌هایی که پخش می‌کند، کنترل کامل دارد. پس از انگلیس، دولت آلمان نیز تصمیم گرفت برنامه‌های شبکه پرس‌تی‌وی را در این کشور قطع کند. اداره رسانه‌های مونیخ موسوم به «بی ال ام»^۱ از تصمیم خود برای قطع پخش برنامه‌های شبکه انگلیسی‌زبان پرس‌تی‌وی از ماهواره «سس آسترا»^۲ خبر داد. در نتیجه، استفن گوپل^۳ معاون رئیس سرویس ماهواره‌های سس آسترا، با ارسال پیام الکترونیکی به مقامات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «اداره رسانه‌های مونیخ یک درخواست رسمی برای ما ارسال نموده تا فوراً خدمات شبکه ذکر شده (پرس‌تی‌وی) را قطع کنیم. این شرکت دیگر نمی‌تواند سیگنال‌های پرس‌تی‌وی را پخش کند و تا اطلاع ثانوی خدماتش را قطع می‌کند» (DW, 2012).

قطع گسترده پخش ماهواره‌ای شبکه‌های ایران در اثر تحریم‌های بین‌المللی

جریان تحریم ماهواره‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از سوی کشورهای غربی و شرکت‌های وابسته به صورت جدی و گسترده از اکتبر ۲۰۱۲م (مهر ۱۳۹۱) آغاز شد که در دور اول این تحریم‌ها، شبکه‌های پرس‌تی‌وی، شبکه خبر، شبکه العالم، کوثر، شبکه قرآن، سحر ۱ و ۲ و جام جم ۱ و ۲ مشمول این محدودیت‌ها قرار گرفتند. به فاصله حدود ۳ ماه بعد در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲م، شرکت ماهواره‌ای هیسپاست^۴ به شرکت خدمات ماهواره‌ای اوراون^۵ دستور داد تا شبکه‌های ایرانی پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی را از فهرست پخش ماهواره‌های خود در اسپانیا و آمریکای لاتین حذف کند (ایوبی، ۱۳۹۱). این اعمال تحریم‌ها در حالی انجام شد که شبکه ایرانی هیسپان‌تی‌وی، به‌طور رسمی در کشور اسپانیا به ثبت رسیده و تاکنون تحت قوانین رسانه‌های این کشور و اتحادیه اروپا فعالیت کرده

^۱. BLM

^۲. SES Astra

^۳. Stephen Goebel

^۴. Hispasat

^۵. Oraun

است و این شبکه تلویزیونی هیچ‌گونه اختطاری مبنی بر تخلف و یا قطع پخش برنامه دریافت نکرده بود.

شرکت خدمات ماهواره‌ای «اوراون» اعلام کرد: «قطع شبکه‌های پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی به دنبال اقدام مشابه شرکت فرانسوی یوتل‌ست صورت می‌گیرد که پیشتر پخش ماهواره‌ای چندین شبکه و ایستگاه رادیویی ایرانی را متوقف کرده است». شرکت «اوراون» همچنین اعلام کرد: «این شبکه‌ها «به‌دلیل تعبیر گسترده از قوانین اتحادیه اروپا» از ماهواره حذف می‌شوند و شرکت مادر هیسپاست، این دستور را به دنبال تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه رادیو و تلویزیون ایران و قرار گرفتن نام رئیس صداوسیما ایران در لیست سیاه اتحادیه اروپا صادر کرده است و هیسپاست نیز صدور دستور از جانب این شرکت را تأیید کرده است» (اسلامی، ۱۳۹۲).

در ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ م شرکت‌های ماهواره‌ای «گلف‌ست»^۱ تحت فشار شرکت یوتل‌ست که توسط «میشل دی روزن»^۲ تبعه فرانسوی - صهیونیستی اداره می‌شود پخش دو شبکه آی‌فیلم و الکوثر ایران را متوقف کرد. یک روز بعد نیز این شرکت از نایل‌ست درخواست کرد تا پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی را متوقف کند. در فوریه ۲۰۱۳ م (۶ اسفند ۱۳۹۱) شرکت یوتل‌ست، شرکت ماهواره‌ای «اس تی ان»^۳ را تهدید نمود تا پخش شبکه خبری العالم ایران را از این ماهواره در مدت ۴۸ ساعت متوقف سازد، در غیر این صورت مشمول اقدامات تنبیهی خواهد گردید (Presstv, 2013). در ۸ آوریل ۲۰۱۳ م نیز گلوب‌کست^۴ پخش هیسپان‌تی‌وی را متوقف کرد و پخش این شبکه از ماهواره‌های «سس»^۵ نیز متوقف شد. شرکت خدمات ماهواره‌ای گلوب‌کست، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «گلوب‌کست از شرکت خدمات ماهواره‌ای «سس» نامه‌ای دریافت کرده که در آن از این شرکت خواسته شده، پخش ماهواره‌ای تمام شبکه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را حداکثر از تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۳ م متوقف کند». در ادامه این بیانیه آمده است: «این تصمیم بعد از آن گرفته شد که دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا، سازمان صداوسیما

1. Golf sat

2. Michel de Rosen.

3. Satellite Telecommunications Network (STN)

4. Globe Caste

5. Ses

و ریاست (وقت) آن عزت‌الله ضرغامی را به فهرست تحریم‌های خود افزود که بر اساس آن هرگونه حمایت از جمله ارائه خدمات به مشمولین این فهرست ممنوع می‌باشد» (Inter American Security Watch, 2013). این تحریم به دلیل ادعاهای کشورهای غربی مبنی بر نقض حقوق بشر از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در حوادث ۲۰۰۹ م (۱۳۸۸) اعمال شد.

در اکتبر سال ۲۰۱۲ م هم شرکت آرکیوا^۱، سرویس دهنده پخش ماهواره‌های هات‌برد، فرانسی را که ۱۹ شبکه رادیویی و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران شامل ۹ شبکه تلویزیونی پرس‌تی‌وی، العالم، شبکه الکوثر، جام جم ۱ و ۲، سحر ۱ و ۲، شبکه خبر، شبکه قرآن و ۱۰ شبکه رادیویی بر روی آن پخش می‌شدند، قطع کرد (اسلامی، ۱۳۹۲). البته قطع شبکه‌های ماهواره‌ای ایران، برای مدتی به تعلیق پخش تغییر نمود (Forrester, 2014).

بر اساس اخبار منتشر شده از سوی یوتل‌ست، شرکت آرکیوا و یوتل‌ست توافق کردند که پخش برنامه از طریق ماهواره‌های هات‌برد برای برنامه‌های متعلق به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران متوقف شود. این تصمیم برای اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا و مصوبه شورای سمعی و بصری فرانسه اتخاذ گردید که متضمن توقف فعالیت شبکه سحر ۱ بوده است (Eutelsat Communications, 2012). آرکیوا در نامه جداگانه‌ای که به شبکه پرس‌تی‌وی فرستاد اعلام کرد: «شورای اروپا این تصمیم را گرفته است». گری فالوز^۲ رییس روابط عمومی شرکت آرکیوا به پرس‌تی‌وی گفت: «در پی تحریم‌های لازم‌الاجرای اتحادیه اروپا و درخواست‌های مکرر موسسه پخش رسانه‌ای فرانسه (یوتل‌ست) مبنی بر قطع همیشگی برنامه‌های شبکه سحر ۱ که از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، پخش برنامه‌های این سازمان از ماهواره یوتل‌ست و هات‌برد متوقف شده است». کارن بادالوف^۳، مدیر منطقه‌ای شرکت یوتل‌ست گفت: «ما قراردادهای فسخ کردیم زیرا دستور اتحادیه اروپا بود. ما ناچاریم از آن پیروی کنیم» (العالم، ۱۳۹۱).

1. Arqiva

2. Gary Fallous

3. Karen Badalov

با وجود اینکه، شرکت‌های ماهواره‌ای، قطع پخش شبکه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را با استناد به تصمیمات اتحادیه اروپا اعلام کردند اما «مایا کوچیانچیک»^۱ سخنگوی اتحادیه اروپا اعلام کرد: «این تصمیمی است که از سوی یوتل‌ست گرفته شده است. تصمیمی که اتحادیه اروپا اتخاذ نموده است شامل تدابیر محدود کننده‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در خصوص امور مالی، انرژی، تجارت و حمل‌ونقل است و شامل ارتباطات نمی‌شود» (Rt, 2012). همچنین مایا کاسیانچ^۲ سخنگوی رسمی هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در گفت‌وگو با العالم اظهار کرد: «اتحادیه اروپا، زمانی از اقدام شرکت «یوتل‌ست» مطلع شد که این شرکت، تصمیم خود را علنی کرد، این تصمیم ارتباطی به اتحادیه اروپا ندارد». همچنین مایکل مان^۳، سخنگوی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به پرس‌تی‌وی گفت: «این تحریم‌ها مشمول رسانه‌های ایرانی نمی‌شوند». در آن مقطع، پخش شبکه‌های ماهواره‌ای برون‌مرزی در حالی از سوی شرکت‌های ماهواره‌ای قطع شده‌اند که استناد آن‌ها به تصمیمات اتحادیه اروپا و ارکان آن می‌باشد؛ موضوعی که از سوی مسئولان مربوطه اتحادیه اروپا رد شد. در این خصوص می‌توان دیدگاه‌های سیاسی را که با سیاست‌های اعلام شده در این مورد همخوانی ندارد، به وضوح مشاهده کرد. در واقع اتحادیه اروپا با اتخاذ مواضع دوپهلوی و ابهام‌آمیز، برخلاف اصول و قواعد بین‌المللی عمل کرده است. در هر صورت اقدام اتحادیه اروپا در خصوص گسترش قلمروی تحریم‌ها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی نقض ماده ۵۳ منشور است (حدادی، ۱۳۸۲). در این ماده آمده است که «شورای امنیت در موارد مقتضی از قراردادهای یا نهادهای منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد ولی هیچ‌گونه عملیات اجرایی به‌موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط مؤسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت» (Dupont, 2012).

1. Maya Kuchian Chick

2. Maya Kasianich

3. Michael Mann

روند تحریم‌های رسانه‌ای یکجانبه آمریکا علیه سازمان صداوسیما و به‌ویژه شبکه‌های برون‌مرزی آن

نهادهای و مسئولان ایران در قالب تحریم‌های رسانه‌ای یکجانبه تاکنون مشمول تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند. در سال ۱۹۹۷م، طبق فرمان اجرایی بیل کلینتون، افراد و نهادهای آمریکایی از فراهم کردن محصولات، تکنولوژی‌ها و خدمات برای ایران منع شدند (Presidential Documents, Federal Register, 1997). این دستورالعمل، نتایجی مانند عدم دسترسی کاربران اینترنتی به سایت‌های مختلف نرم‌افزار و دیگر خدمات اینترنتی را نیز در برداشت. به‌طور مثال گوگل دسترسی ایرانیان به بازار اندروید را که در حال حاضر با نام Google play فعالیت می‌کند، محدود کرد (Declan McCllagh, 2012). دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا، اعمال تحریم را بر عهده دارد. تحریم حوزه ارتباطات و رسانه‌ای مربوط به ایران، پس از فرمان اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا، در سال ۲۰۰۷م، وضع گردید (Presidential Documents, Federal Register, 1997).

طبق ماده ۴۰۳ قانون «کاهش تهدیدات حقوق بشری ایران و سوریه» مصوب ۲۰۱۲م در کنگره آمریکا، تمامی ارائه‌دهندگان خدمات ماهواره‌ای و دیگر نهادها که قرارداد مستقیم پخش ماهواره‌ای با دولت ایران یا نهادهای دولتی یا تحت کنترل دولت دارند، باید از ارائه خدمات ماهواره‌ای به آن‌ها خودداری کنند؛ تا زمانی که دولت ایران فعالیت‌هایش در ارتباط با ارسال پرازیت و محدود نمودن سیگنال‌های ماهواره‌ای را متوقف سازد (The Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act, 2012). طبق این قانون، «مرکز فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات» ایران در جولای ۲۰۱۲م تحریم گردید (Presidential Documents, Federal Register, & OFAC SDN 15098, 2012).

در ادامه عزت‌الله ضرغامی رئیس وقت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، در فوریه ۲۰۱۳م، به دلیل نادیده گرفتن اصل جریان آزاد اطلاعات (OFAC SDN:15553&Presidential Documents, Federal Register, 2013) و «صنایع ارتباطی» ایران به دلیل نادیده گرفتن اصل جریان آزاد اطلاعات و ارائه خدمات مربوط به ارسال پرازیت مشمول تحریم قرار گرفت (OFAC SDN:11181, 2013). در سال ۲۰۱۴م وزارت خزانه‌داری با صدور مجوزی عمومی، صادرات برخی کالاها و خدمات هزینه‌بر را به ایران به‌منظور استفاده افراد، از شمول تحریم خارج ساخت. از جمله این خدمات و کالاها

می‌توان به ارتباطات شخصی اینترنتی مبتنی بر هزینه، برخی از نرم‌افزارها و سخت‌افزارها مانند تلفن همراه، تلفن‌های هوشمند، سیم‌کارت، مودم، تلفن‌های ماهواره‌ای، لب‌تاپ و نرم‌افزارهای ضد ویروس اشاره کرد. البته دولت و افرادی که قبلاً نامشان در لیست تحریم‌ها بیان شده از شمول این مجوز خارج گردیده‌اند (OFAC, General License D-1, 2014). از زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ و به ویژه بعد از حوادث ساختگی دسامبر ۲۰۱۷ (در ۱۳۹۶) در ایران، سازمان صداوسیما، یکی از اهداف تازه احتمالی بود که مقامات دولت آمریکا از تحریم آن سخن به میان می‌آورند که حذف سیگنال‌های شبکه ماهواره‌ای ایران از روی ماهواره‌ها و ممنوعیت فروش تجهیزات به صداوسیما از جمله آن‌ها بود که البته تاکنون (دسامبر ۲۰۱۸) اعمال نشده است. با توجه به اینکه عمده شرکت‌های ارائه دهنده خدمات ماهواره‌ای اروپایی و تحت قوانین کشورهای مربوط به خود هستند به نظر می‌رسد مواضع فعلی اتحادیه اروپا در قبال حفظ برجام که مخالف مواضع آمریکا هستند بر روند اجرای تحریم ایران حداقل در بخش رسانه‌ای از سوی آمریکا تاثیرگذار بوده است.

در این میان، رسانه ملی در صورت قرار گرفتن در فهرست تحریم‌های یکجانبه آمریکا و همراهی برخی کشورهای اروپایی و عربی در راستای عملیاتی شدن این تحریم‌ها، در معرض آسیب خواهد بود که دسترسی صداوسیما به ماهواره‌ها و به ویژه پخش شبکه‌های برون‌مرزی آن با چالش مواجه خواهد شد. از سوی دیگر، با تحریم صداوسیما، فروش تجهیزات فنی و یا تعمیر تجهیزات قدیمی با مشکل روبرو خواهد شد و همچنین به نظر می‌رسد امکان فعالیت دفاتر صدا و سیما در نقاط مختلف جهان با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد (euronews, 2018).

حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کشورهایی همچون آمریکا اختیار وضع قوانینی را دارند که محدود کننده قراردادهای بین‌المللی در حوزه پخش شبکه‌های ماهواره باشند و می‌توانند صداوسیما را به‌عنوان اجزای دولت ایران (به معنای عام) مورد تعقیب و تحریم قرار دهند؟ در پاسخ باید گفت که «قراردادهای پخش برنامه ماهواره‌ای که با شرکت‌های پخش ماهواره‌ای منعقد می‌شود تابع مقررات داخلی کشور متبوع خود هستند. حتی برخی از آن‌ها مانند یوتل‌ست، مالک سهام شرکت‌هایی چون اس‌تی‌ان و هیسپاست نیز هستند و می‌توانند در تصمیم‌گیری آن‌ها نیز مداخله نمایند. لذا طبیعی است که این شرکت‌ها از دستورهای دولت متبوع خود تبعیت نمایند. با این حال نباید مقررات حقوق بین‌الملل مانند

حقوق بشر و حقوق ارتباطات را نقض نمایند که در این صورت شرکت و کشور متبوع می‌توانند مسئول قلمداد شوند؛ اما تحریم یکجانبه اگر بدون شرایط اقدام متقابل انجام گیرد، نامشروع است. این تحریم می‌تواند اصل آزادی پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، اصل آزادی ارتباطات، اصل مصونیت اموال دولتی، اصول اقدام متقابل و تعهدات قراردادی را نقض نماید» (ضیایی، ۱۳۹۶). تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه سازمان صداوسیما همچنین می‌تواند منجر به نقض معاهده مودت ایران و آمریکا و مسئولیت بین‌المللی این کشور شود.

در این میان، با تصویب قطعنامه‌ای به نام «سیاست‌ها و فعالیت‌های اطلاعات عمومی»^۱ در سال ۲۰۱۳م در کمیته اطلاعات سازمان ملل متحد (A/RES/67, 2013)، بر ضرورت پیگیری نقض قوانین بین‌المللی ناظر بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، تلویزیونی و رادیویی تأکید شد. این سند رسمی سازمان ملل متحد ضمن اینکه می‌تواند در کارزار تحریم صداوسیما از سوی آمریکا نقش‌آفرینی کند، مبنای قانونی مفیدی نیز برای پیگیری‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران درباره قطع یکجانبه شبکه‌های تلویزیونی از ماهواره‌ها خواهد بود.

در متن این قطعنامه که نمایندگی کشورمان در سازمان ملل نیز بندهای مؤثری را در آن گنجانده، هرگونه تلاش کشورهای غربی در تسلط و اثرگذاری رسانه‌ای بر دیگر جوامع محکوم شده است. رسیدگی جدی به نقض مقررات و قوانین بین‌المللی ناظر بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، تلویزیونی و رادیویی، دیگر بند مهم این قطعنامه است که با وجود مخالفت غربی‌ها به تصویب رسید. دیوید سینوامبا^۲، گزارشگر و عضو هیئت‌رئیس کمیته اطلاعات سازمان ملل متحد در گزارش رسمی خود گفت: «کشورهای غربی، پخش چندین شبکه تلویزیونی ایرانی را به‌طور یکجانبه قطع کرده‌اند و در تلاشند با سلطه رسانه‌ای، دیدگاه‌های خود را به جهانیان تحمیل کنند». نماینده فرانسه در این کمیته با حمایت از کشورهای غربی تلاش کرد عبارت کشورهای غربی را از متن گزارش رسمی گزارشگر این کمیته که به‌عنوان سند رسمی سازمان ملل منتشر می‌شود، حذف کند ولی با مخالفت جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چند کشور دیگر، موفق به این کار نشد (ستاد حقوق بشر، ۲۰۱۳).

1. Public Information Policies and Activities

2. David Sinowamba

مسئولیت بین‌المللی قطع پخش شبکه‌های تلویزیونی ایران

۱- مسئولیت بین‌المللی شبکه‌های ماهواره‌ای

هرگونه عمل متخلفانه در حقوق بین‌الملل متضمن مسئولیت بین‌المللی است که متخلف را با چند تعهد ثانوی مواجه می‌کند: «توقف عمل متخلفانه، اجرای تعهد بین‌المللی و جبران خسارت (شامل اعاده وضع به حالت سابق، پرداخت غرامت، اقرار به تخلف، اظهار تأسف و یا عذرخواهی رسمی)». چنانچه عمل متخلفانه نقض یک قاعده آمره باشد مانند تحریک به نسل‌زدایی و یا تجاوز از طریق رسانه، سایر کشورها متعهد به عدم شناسایی وضعیت نامشروع، عدم کمک به استمرار وضعیت و همکاری برای پایان بخشیدن به این وضعیت می‌شوند (Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001). در خصوص شبکه بین‌المللی می‌توان این تعهد را به تقبیح اقدام صورت گرفته و عدم کمک مالی و قطع کمک‌های مادی و معنوی به رسانه مربوطه تفسیر نمود.

زمانی که با یک تعهد بین‌المللی عام مواجه باشیم به نظر می‌رسد امکان طرح مسئولیت بین‌المللی رسانه فراملی مستقل وجود دارد. حقوق بین‌الملل موجود به دلیل فقدان سازوکارهای مناسب برای طرح مسئولیت بازیگران غیردولتی، به این امکان کمتر توجه کرده است و کشورها سعی می‌کنند تا مسئولیت رسانه‌ها را در سیستم قضایی داخلی پیگیری نمایند که در این حالت مسئولیت مدنی و کیفری رسانه مطرح خواهد بود (Hemmings, 2000) و نه مسئولیت بین‌المللی رسانه متخلف. به همین دلیل در عمل تلاش می‌شود تا اقدام متخلفانه رسانه به یک کشور منتسب شود تا امکان پیگیری آن در سطح بین‌المللی وجود داشته باشد (مطالعات حقوقی شورای راهبردی شبکه خبر، ۱۳۸۹). چنانچه بتوان وابستگی یک رسانه را به یک دولت اثبات نمود، نظام حقوقی مسئولیت بین‌المللی جاری می‌شود اما مشکل اساسی در جایی است که نتوان این انتساب را احراز کرد. یکی از پیچیدگی‌ها در عرصه ارتباطات مبهم بودن ماهیت حقوقی رسانه‌های فراملی است به‌نوعی که انتساب برخی رسانه‌ها به یک دولت امری پیچیده و طاقت فرساست.

البته، باید به این نکته نیز اشاره کرد که شبکه‌های ماهواره‌ای به دلیل ماهیت ویژه‌شان به عضویت یک سازمان بین‌المللی یعنی اتحادیه بین‌المللی مخابرات درآمده‌اند. این عضویت

می‌تواند حداقل مسئولیت بین‌المللی این شبکه‌ها را در قبال این سازمان بین‌المللی به همراه داشته باشد (ضیایی، ۱۳۹۰). در خصوص مسئولیت بین‌المللی شرکت‌های ماهواره‌ای در قبال قطع پخش شبکه‌های برون‌مرزی ایران، ابتدا باید مسئولیت بین‌المللی شرکت‌ها را در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار داد.

در حقوق بین‌الملل، یک قاعده عمومی که شرکت‌ها را مسئول اعمال متخلفانه بین‌المللی‌شان بداند، وجود ندارد؛ البته برخی معاهدات بلندمدت چندجانبه، به‌طور مستقیم بر شرکت‌ها تعهداتی را تحمیل می‌کنند (Kamminga, 2004). در تحریم رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران، شرکت یوتل‌ست نقش عمده‌ای بر عهده داشت. این شرکت که از سهامداران و تصمیم‌گیرندگان دیگر شرکت‌های ماهواره‌ای مانند هیسپاست و اس تی ان می‌باشد، از آن‌ها درخواست کرد تا از پخش شبکه‌های ماهواره‌ای ایران خودداری نمایند (Falssili & Solut, 2012). ضمن اینکه شرکت‌های دیگری نیز مانند اینتل‌ست، اوراون و آرکیوا پخش برنامه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران را متوقف ساختند.

این اقدامات، در مقاطعی منجر به توقف پخش شبکه‌های ماهواره‌ای ایران، در نتیجه نقض قراردادهای فراملی این شرکت‌ها با ایران گردیده است؛ اما نقض تعهدات قراردادی شرکت هرچند به دستور دولت متبوع باشد سبب مسئولیت بین‌المللی آن دولت نمی‌گردد؛ زیرا طبق ماده ۲ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، یک دولت تنها به‌صرف نقض تعهد بین‌المللی خود مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. بدین معنی که سبب مسئولیت دولت، عدول از تعهدات بین‌المللی وی است. با این وجود، نقض قرارداد شرکت، منجر به نقض معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه کشورهای متبوع این شرکت‌ها مانند اسپانیا و فرانسه با ایران و معاهدات مودت مانند معاهده مودت ایران و آمریکا گردیده و موجبات مسئولیت بین‌المللی این کشورها را فراهم آورده است. همچنین ماده ۶ معاهده حقوق فضا مورخ ۱۹۶۷ م، آستانه انتساب اعمال این‌گونه شرکت‌ها به دولت را کاهش داده است و مقرر می‌دارد: «کلیه دول عضو کنوانسیون دارای مسئولیت اقدامات ملی صورت گرفته از سوی نهادهای خصوصی یا دولتی در قلمرو مرزهایشان از جمله اقدامات در ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی می‌باشد. در هر حال، چنین مسئولیتی زمانی محرز خواهد بود که با نظارت مستمر دولت تحقق پذیرفته باشد». همچنین، رجوع به سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه بین‌المللی مخابرات و «کمیته استفاده صلح‌جویانه از فضای ماوراء جو»

(کوپپوس) می‌تواند سابقه‌ای از مواضع کشورمان ایجاد نماید. این سابقه می‌تواند مبنای صدور قطعنامه علیه کشورهای متخلف گردد. رجوع به سازوکاری مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در چارچوب نقض آزادی ارتباطات و آزادی بیان در برخی موارد امکان‌پذیر است (ضیایی، ۱۳۹۶).

۲- مسئولیت بین‌المللی کشورها

تحریم رسانه‌ای دولت‌ها که خارج از قطعنامه‌های سازمان ملل و به‌طور یکجانبه اعمال گردیده است، نقض تعهدات قراردادی، اصل مصونیت اموال دولتی و اصول حقوق بین‌الملل ارتباطات است. نقض این تعهدات بین‌المللی موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را فراهم می‌کند. البته ممکن است دولت‌ها برای فرار از مسئولیت بین‌المللی خود به علل رافع مسئولیت مذکور در طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (مصوب ۲۰۰۱م) مانند اقدام متقابل (ماده ۲۲)، فورس ماژور^۱ (ماده ۲۳) و ضرورت (ماده ۲۵) استناد جویند. در صورتی که فعل مغایر تعهد بین‌المللی دولت نسبت به دولتی دیگر به‌عنوان اقدام متقابل علیه دولت اخیر انجام شده باشد، در صورت صحت اقدام مذکور و تا حدی که فعل مذکور اتخاذ شده باشد، وصف متخلفانه بین‌المللی آن زائل می‌گردد. همچنین در صورتی که فعل مغایر تعهد بین‌المللی دولت نسبت به دولتی دیگر، ناشی از اضطرار باشد وصف متخلفانه بین‌المللی آن زائل می‌شود. اضطرار وقوع واقعه‌ای غیرقابل پیش‌بینی با نیرویی غیرقابل احتراز است که از کنترل دولت خارج بوده و اساساً اجرای تعهد را در شرایط ذی‌ربط غیرممکن می‌سازد. از سوی دیگر، دولت نمی‌تواند برای توجیه متخلفانه بودن فعل مغایر تعهد بین‌المللی خویش به ضرورت استناد کند. مگر آنکه آن فعل: الف) تنها راه برای حفاظت از منافع اساسی دولت در برابر خطری جدی و قریب‌الوقوع باشد؛ ب) منافع دولت یا دولت‌هایی که تعهد در قبال آن‌ها وجود دارد یا منافع جامعه بین‌المللی را در کل شدیداً متأثر نسازد (حکمتی و ضیایی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). در تحریم رسانه‌ای علیه ایران شرط تناسب تحقق نیافت.

استناد به حالت ضرورت نیز مستلزم اثبات تهدید یا خطری عینی است و صرف تصور تهدید نمی‌تواند عاملی برای استناد به ضرورت محسوب گردد Case Concerning Oil

^۱. Force majeure clauses

(Platforms, ICJ, 2003:162). این در حالی است که اعمال ایران به خصوص در بحث پخش برنامه‌های ماهواره‌ای به گونه‌ای نبوده است که موجودیت کشوری را به نابودی بکشاند و تحریم نیز تنها راه صیانت از منفعت دولت تلقی نمی‌شود. استناد به فورس ماژور (اضطرار) نیز زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که خارجی بودن حادثه، غیرقابل پیش‌بینی بودن و غیرقابل مقاومت بودن آن اثبات گردد. در حالی که در اعمال تحریم‌ها علیه ایران این شرایط حاصل نمی‌شود. در نتیجه باید گفت به دلیل عدم حصول شرایط خاص علل رافع مسئولیت بین‌المللی، وصف متخلفانه بودن عمل دولت‌ها (اقدام آمریکا در تحریم رسانه‌ای ایران) زائل نمی‌گردد. علاوه بر این، بعضا مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در رابطه با شرکت‌های پخش برنامه‌های ماهواره‌ای که تحریم رسانه‌ای صورت داده‌اند نیز متصور است (ضیایی و حکمتی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). علاوه بر این دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو، سرزمین را نیز در زمره طرح مسئولیت دانسته است و بیان می‌کند که هیچ دولتی نباید سرزمین خود را عامدانه برای نقض حقوق کشوری دیگر در اختیار ثالث قرار دهد و هر کشوری باید از تمام اقداماتی که در قلمرو آن انجام می‌شود، مطلع باشد (Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: 4).

ماده ۶ معاهده حقوق فضا مورخ ۱۹۶۷م نیز پا را از نظریه‌های کلاسیک و جدید فراتر گذاشته و مقرر می‌دارد: «کلیه دول عضو کنوانسیون دارای مسئولیت اقدامات ملی صورت گرفته از سوی نهادهای خصوصی یا دولتی در قلمرو مرزهایشان از جمله اقدامات در ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی هستند. در هر حال، چنین مسئولیتی زمانی محرز خواهد بود که با نظارت مستمر دولت تحقق پذیرفته باشد». بنابراین طبق این ماده فعالیت شرکت‌های پخش ماهواره‌ای چنانچه تحت نظارت دولت سرزمینی باشد، منتسب به آن دولت است (زمانی، ۱۳۸۹: ۵۶۸) و در صورتی که نتوان طبق ماده ۸ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها، مسئولیت دولت‌ها را اثبات نمود، ماده ۶ معاهده حقوق فضا انتساب را آسان نموده است (Chetail, 2013).

توقف پخش ماهواره‌ای شبکه‌های ایران در مقاطعی در گذشته به گفته گری فالوز رییس روابط عمومی شرکت آرکیوا، در پی تحریم اتحادیه اروپا و درخواست‌های مکرر موسسه پخش رسانه‌ای فرانسه (یوتل‌ست) صورت گرفته است. از آنجا که شرکت یوتل‌ست، مقررات اداره پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فرانسه را اجرا می‌کند (باشگاه خبرنگاران،

۱۳۹۲)، دستور دولت فرانسه به یوتل‌ست محرز می‌باشد. عدم اجرای مصوبات شورای سمعی و بصری فرانسه مجازات‌های زیر را برای شرکت یوتل‌ست در پی خواهد داشت: سال اول و دوم به ترتیب جریمه مالی در حد ۵ و ۲۵ درصد درآمد ناخالص شرکت و سال سوم لغو مجوز فعالیت شرکت (جعفری، ۱۳۸۳: ۳۲). همچنین دولت اسپانیا به دولت منطقه‌ای مادرید دستور داد تا پخش شبکه‌های پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی را متوقف سازد (Rony, 2013). دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا نیز به اینتل‌ست دستور داده است پخش شبکه‌های ایرانی از جمله سحر، جام‌جم، شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران و الکوثر را متوقف کند. بر اساس این ادعاها و استنادات، مسئولیت بسیاری از دولت‌ها طبق ماده ۸ طرح «پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت» اثبات خواهد شد.

۳- مسئولیت بین‌المللی اتحادیه اروپا

سازمان‌های بین‌المللی در روابط خود با یکدیگر و نیز با دولت‌ها دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند. بر اساس رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در تفسیر موافقت‌نامه میان سازمان جهانی بهداشت و دولت مصر، سازمان‌های بین‌المللی، از تابعان حقوق بین‌الملل و ملتزم به تعهداتی هستند که قواعد عام حقوق بین‌الملل، اساسنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای آن‌ها ایجاد نموده‌اند (Interpretation of the Agreeinsciit, 1951 & I.C.J. Reports, 1980: 37).

این امر منطقی می‌نماید که هر تابع نظام حقوق بین‌الملل علاوه بر اینکه اهلیت برقراری روابط حقوقی با دیگران را دارد، باید در صورت نقض تکالیف و تعهدات قراردادی و غیرقراردادی دارای مسئولیت باشد. امروزه سازمان‌های بین‌المللی نیز موقعیتی دارند که قادر به انجام این امور هستند. از این رو جامعه بین‌المللی نمی‌تواند نسبت به وضعیتی مسامحه را روا دارد که در آن سازمان‌های بین‌المللی به نقض قواعد الزام‌آور بین‌المللی مبادرت ورزند، ولی در قبال آن فاقد مسئولیت باشند (Butkiewicz, 1982: 117).

معاهده لیسبون^۱ (مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷) با مقرر کردن شخصیت حقوقی بین‌المللی برای اتحادیه، وضعیت آن را روشن می‌سازد (TFEU, 2007). در پیشنهادهایی که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ طی روند بررسی مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به

^۱ . Treaty of Lisbon

کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه داد، جامعه اروپا را یک نمونه سازمان کلاسیک ندانست بلکه آن را یک بازیگر صحنه بین‌المللی با حقوق خاص خود و فراتر از ترم‌های طبیعی سازمان‌های بین‌المللی تلقی نمود. با این وجود باید بیان کرد هنوز مبنایی روشن برای تفاوت اتحادیه اروپا و دیگر سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد (Kelemen, 2005: 1-3). علاوه بر این، بحث مسئولیت ثانوی و تضامنی سازمان بین‌المللی و اعضای آن پیش خواهد آمد. مسئولیت تضامنی اعضا به موازات سازمان بین‌المللی ذی‌ربط صراحتاً در اسناد حقوق فضا پیش‌بینی شده است. بر این اساس می‌توان گفت اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن به دلیل تحریم رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تضامنی خواهند داشت و دولت ایران می‌تواند به انتخاب خود برای جبران خسارت علیه هر کدام از آن‌ها یا هر دو اقامه دعوی کند.

نتیجه‌گیری

پیشینه توقف پخش شبکه‌های ماهواره‌ای ایران به قطع شبکه سحر ۱ در سال ۲۰۰۵ م باز می‌گردد و در ادامه قطع سایر شبکه‌های ماهواره‌ای کشورمان در مقاطعی ادامه یافت. البته، پخش مجدد تعدادی از شبکه‌های ایران از ماهواره‌ها پس از موافقتنامه ژنو آغاز شده است. توقف پخش برنامه شبکه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران از سوی شرکت‌های ماهواره‌ای در حالی صورت گرفته است که برخی از این شبکه‌ها جنبه اجتماعی و آموزشی داشته‌اند (مانند شبکه‌های جام‌جم، سحر و قرآن) و سایر شبکه‌ها نیز جنبه خبری داشته‌اند و نمی‌تواند مصداقی از «خطر عمومی استثنایی» باشد.

تحریم‌کنندگان شبکه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی ایران، با عناوینی همچون اقدامات متقابل و اقتضائات تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا و نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران تلاش دارند به عمل خود مشروعیت بخشند، اما نباید فراموش کرد که این تحریم‌ها منجر به نقض برخی از اصول حقوق بین‌الملل همچون اصل آزادی اطلاعات و حق دریافت اطلاعات به‌عنوان یکی از اصول حقوق بشری شده است. قطع شبکه‌های ایران که خارج از قطعنامه‌های سازمان ملل و به‌طور چندجانبه و یا یکجانبه اعمال گردیده است ناقض اصولی از حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق معاهدات همچون تعهدات قراردادی، اصل مصونیت اموال دولتی و اصول حقوق بین‌الملل ارتباطات را در پی داشته است. نقض این

تعهدات بین‌المللی و همچنین اصول حقوق بین‌الملل، موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را فراهم می‌کند و حتی جمهوری اسلامی ایران را مجاز به توسل به اقدام متقابل می‌نماید. از سوی دیگر، در قبال عمل متخلفانه شرکت‌های پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در قطع شبکه‌های جمهوری اسلامی ایران، برای دولت‌های مرتبط با آن شرکت‌ها نیز مسئولیت بین‌المللی متصور است زیرا بر اساس ماده ۸ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱م) در صورتی که دستور، کنترل و یا هدایت شرکت توسط دولت احراز گردد، دولت مزبور مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. بر اساس موارد یاد شده، دولت جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حقوق خود می‌تواند به مراجع قضایی بین‌المللی مراجعه کند.

نکته دیگر، لزوم اجبار و الزام‌آور بودن بیشتر مقررات در این زمینه است به طوری که اغلب قوانین مرتبط، جنبه توصیه‌ای دارند. در شرایط جدید جهانی که فن‌آوری نوین اطلاعات و ارتباطات، دیگر مرز نمی‌شناسد و حاکمیت دولت‌ها نیز مانند گذشته برای آن‌ها محدودیت پدید نمی‌آورد، کشورها ناگزیرند که در چارچوب سازمان‌ها، راجع به قانون‌گذاری فرامرزی ارتباطات و رسانه‌ها، به توافق برسند. در این عرصه دولت جمهوری اسلامی ایران و به ویژه سازمان صداوسیما با استفاده از جایگاه خود در ^۱ ABU می‌توانند به ایفای این مسئولیت بپردازند و به سمت تدوین مقررات الزام‌آور در این عرصه گام بردارند.

در این میان، برای برخورد رسمی حقوقی با قطع احتمالی شبکه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیما از ماهواره‌ها باید راهکار و استراتژی حقوقی تدوین شود و با مشارکت مسئولان و دستگاه‌های مرتبط نظام، در سطح بین‌المللی در خصوص آن اقدام کرد. ضمن اینکه تشکیل شورای ویژه‌ای با هدایت و راهبری سازمان صداوسیما، معاونت برون‌مرزی و متشکل از دستگاه‌های مرتبط برای پیگیری حقوقی این موضوع در مراجع قضایی و غیرقضایی بین‌المللی همزمان با جریان‌سازی رسانه‌ای و پیگیری سیاسی در سطح بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد که در این زمینه، دستگاه دیپلماسی کشورمان می‌تواند نقش بسزایی ایفا نماید.

^۱ The Asia-Pacific Broadcasting Union

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

- روند تحریم‌های رسانه‌ای یکجانبه آمریکا علیه سازمان صداوسیما و به‌ویژه شبکه‌های برون‌مرزی آن در مستندی با استفاده از کارشناسان حوزه حقوق بین‌الملل و ارتباطات، واکاوی و جاه‌طلبی‌ها و قانون‌گریزی‌های آمریکا در این خصوص از زبان حقوق‌دانان تبیین گردد.

- بررسی لزوم قانون‌گذاری جدید در زمینه ارتباطات و رسانه‌ها در سطح بین‌المللی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان ملل و اتحادیه اروپا در برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی با حضور صاحب‌نظران بین‌المللی.

- واکاوی برنامه‌های هدفمند برخی شبکه‌های ماهواره‌ای در راستای تخریب ارزش‌های انسانی، آداب و سنن، باورهای دینی، اخلاقی، فرهنگ‌ها و مداخله رسانه‌ای در جمهوری اسلامی ایران و سایر نقض اصول و قواعد رسانه‌ای بین‌المللی (به‌ویژه بی‌بی‌سی فارسی). این رویکرد شبکه‌های ماهواره‌ای غربی مغایر با قوانین حقوق بین‌المللی است که خودشان واضع آن بوده‌اند.

- برنامه‌سازی از «اصل آزادی اطلاعات و حق دسترسی مردم به اطلاعات» (از منظر حقوق بین‌الملل) و تبیین «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص حقوق و آزادی‌های بنیادین».

- انتقاد از عملکرد افکام انگلیس در قبال شبکه‌های ضد ایرانی نظیر ایران اینترنشنال که در لندن مستقر بوده و آشکارا با نقض مقررات بین‌المللی با تروریست‌ها مصاحبه می‌کنند.

- بررسی مسئولیت بین‌المللی نهادهایی همچون سازمان ملل و اتحادیه اروپا در قبال تحریم‌های رسانه‌ای یکجانبه و چندجانبه کشورها و همچنین اقدام شرکت‌های ماهواره‌ای علیه پخش ماهواره‌ای شبکه‌های تلویزیونی ایران.

- تدوین استراتژی حقوقی برای برخورد رسمی حقوقی با قطع احتمالی شبکه‌های برون‌مرزی سازمان صداوسیما از ماهواره‌ها با مشارکت مسئولان و دستگاه‌های مرتبط و اقدام در سطح بین‌المللی

- توجه به مقوله اخذ مجوز پخش شبکه‌های برون‌مرزی نیز حائز اهمیت است؛ این امر، اگر در قالب ثبت شبکه ماهواره‌ای در اروپا باشد طبعاً آن شبکه به نوعی اروپایی محسوب خواهد شد که محتوای آن توسط ایران تأمین می‌شود ولی لازم است قوانین داخلی اتحادیه و کشور

مورد نظر رعایت گردد. اما، اگر اخذ مجوز در قالب ثبت شعبه یا نمایندگی شبکه در آن کشور باشد به نظر می‌رسد شخصیت حقوقی خارجی شبکه حفظ خواهد شد و مصونیت دولت و اموال دولت شامل حال آن خواهد شد.

- تحریم‌های فعلی و عدم دستیابی کامل ایران به فن‌آوری ساخت و پرتاب ماهواره تلویزیونی در مدار ثابت زمین و از سوی دیگر تعیین مهلت برای عملیاتی کردن طرح‌های ارتباطات ماهواره‌ای، امکان استفاده از نقاط تخصیص یافته مداری را برای ایران دشوار ساخته است. از آنجا که تمام کشورها موظف به استفاده اثربخش از منابع تخصیص یافته مداری هستند و اگر نتوانند از نقاط خود در مهلت مقرر استفاده نمایند، طبق همان قاعده استفاده اثربخش از منابع مداری، این نقاط به دیگر کشورها واگذار می‌شود، ضروری است به موازات پیگیری جدی ساخت ماهواره بومی و مستقل، مجریان امر در عرصه بین‌المللی تلاش کنند این قوانین تغییر کند و یا اینکه زمان بیشتر و امکانات بهتری با نظارت نهادهای مربوطه در اختیار کشورهایی همچون ایران قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- آذری، غلامرضا (۱۳۸۹)، *حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای* (جلد اول)، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما، تهران.
- اسلامی، شیدا (۱۳۹۲)، *جزئیاتی از تهدید شبکه‌های ایرانی توسط غرب*، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920124000325>

- ایوبی، علی (۱۳۹۱)، *پرونده تحریم رسانه‌ای ایران؛ سکوت رادیو فردا*، قابل دسترسی در:
<http://www.radiorooz.com/prtc.eqma2bqeila82.html>

- العالم (۱۳۹۱)، *اتحادیه اروپا در پس پرده حذف ایران از هاتبرد*، قابل دسترسی در:
<https://fa.alalam.ir/news/384054>

- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۰)، *یوتل‌ست «سحر» را دستاویز اصلی قطع شبکه‌های ایرانی از هاتبرد کرد*، قابل دسترسی در:

<https://www.yjc.ir/fa/news/4127779/>

- حدادی، مهدی (۱۳۸۲)، «تحریم‌های بین‌المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرایی بین‌المللی»، **مجله اندیشه حقوقی**، دوره ۱، شماره ۳، بهار، صص ۱۲۸-۱۰۹.
- حکمتی، فاطمه و ضیایی، سیدیاسر (۱۳۹۶)، **تحریم رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات خرسندی.
- جباری قره‌باغ، منصور (۱۳۷۹)، «پخش مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، دوره دوم، شماره ۳، تابستان، صص ۱۲۵-۹۵.
- جعفری، فرشته (۱۳۸۳)، «میزگردپخش فرامرزی و حقوق ارتباطات رسانه‌ای»، **فصلنامه پژوهش و سنجش**، سال یازدهم، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۴۲-۹.
- دویچه وله (۲۰۱۲)، مجوز کار پرس‌تی‌وی در بریتانیا لغو شد، قابل دسترسی در: <https://p.dw.com/p/13nPU>
- دویچه وله (۲۰۱۲)، «پرس‌تی‌وی» از ماهواره آسترا نیز حذف شد، قابل دسترسی در: <https://p.dw.com/p/14XNQ>
- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۰)، **اصول حقوقی حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای**، انتشارات سروش، تهران.
- کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، «نگاهی بر فن‌آوری ماهواره‌های پخش مستقیم»، **فصلنامه پژوهش و سنجش**، شماره ۳۰ و ۳۱، تابستان و پاییز، صص ۴۲۹-۴۰۹.
- زمانی، قاسم (۱۳۸۴)، «پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل با تأکید بر ارسال پارازیت، چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای»، **گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران**، سروش.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۹)، **تاملی بر حقوق مالکیت فکری ناشی از پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره**، همایش مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ژوکف، ج.پ. (۱۳۵۱)، «اصول اساسی حقوق فضا، (ترجمه دکتر محمود حیدریان)»، **مجله دانشکده حقوق و علوم انسانی**، دانشگاه تهران، شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱.

- ضیایی، سیدیا سر (۱۳۹۰)، «مداخله رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل عمومی»، پژوهش حقوق، سال ۱۳، شماره ۳۵

- ضیایی، سیدیا سر (۱۳۹۶)، قطع شبکه‌های تلویزیونی از ماهواره‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، (مصاحبه با واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی)، تهران.

- ضیایی، سیدیا سر و طباحی‌ممقانی، جواد (۱۳۹۰)، «مداخله رسانه‌ای از منظر حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۵، زمستان، صص ۳۳۸-۳۰۹.
- علایی، جبار (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای. بخش دوم. قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8712140770>

- ستاد حقوق بشر (۲۰۱۳)، قطع یکجانبه شبکه‌های ماهواره‌ای نقض حقوق بین‌المللی است، قابل دسترسی در:

<http://www.humanrights-iran.ir/news-31426.aspx>

- شکراللهی، محمدرضا (۱۳۸۸)، ملاحظات قطع شبکه العالم بر پایه گفتمان جهانی شدن ارتباطات، وبسایت اتحادیه رادیو تلویزیون های اسلامی به نقل از پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبری العالم، قابل دسترسی در:

<http://fa.alalam.ir/news/42070>

- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰)، «تحولات حقوق آزادی رسانه‌ها در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۵، زمستان، صص ۴۴-۱.

- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۲)، اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی، چاپ پدیده گوتنبرگ، مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

- مقدم، نسرين (۱۳۹۲)، هراس صهیونیست‌ها از قدرت قلم و کتاب، قابل دسترسی در:
<http://77.36.153.24/NewsPage.aspx?newsid=42954>.

- مطالعات حقوقی شورای راهبردی شبکه خبر (۱۳۸۹)، پخش برنامه‌های فرامرزی و نقض حقوق بین‌الملل با تأکید بر مداخله BBC فارسی در امور داخلی ایران، پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری، تهران.

- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹)، **بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران: نشر میزان.

- یورونیوز (۲۰۱۸)، عواقب تحریم صدا و سیمای ایران چه خواهد بود؟، قابل دسترسی در:

- <https://fa.euronews.com/2018/01/09/sanctions-against-iran-state-tv-and-their-consequences>

ب) منابع انگلیسی

- Butkiewicz, Ewa (1981-82), The Premises International responsibility of intergovernmental organizations, in: **Polish yearbook of International law**, vol.11, pp. 117- 140.
- I.C.J (2003), **Case Concerning Oil Platforms** (Islamic Republic of Iran v. United States of America), para. 162.
- Chetail, Vincent (2013), "The Legal Personality of Multinational Corporations State Responsibility and Due Diligence: The Way Forward", chapter 5 of **Privatizing War. Private Military and Security Companies** wincler Public International Law, L, University Press Available at: http://punjwers.ssr11.1/s3/pin/xls.clin?Alwlrait_irl
- Declan, McCullagh (2012), "How U.S. sanctions hurt Iranian Internet activists", available at: <https://www.cnet.com/news/how-u-s-sanctions-hurt-iranian-internet-activists/>
- Draft Convention on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries (2001), Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, available at: <https://www.refworld.org/docid/3ddb8f804.html>
- Dupont. P-E (2012), "Countermeasures and Collective Security: the Case of the EU Sanctions against Iran", **Journal of Conflict and Security Law**, Vol.17, 2012. Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2086415
- **Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with Commentaries** (2001), p. 35, para. 4.

- Eutelsat Communications (2012), "Eutelsat Statement on Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB)", Available at: <http://www.eutelsat.com/news/compress/en/2012/pdf/Eutelsat%20Statement%20on%20IRIB.pdf>
- Falssili, FITil & Paul Solut (2012), "a Top Salellite Proviler Cuits Off Irain State", Margarita Cale, Stabilization Clauses in International Petroleun Trainisalction", **30 Denver Journal of International Law and Policy**.
- Forrester, Michelle (2014), "A Practical Approach to Allocating Environmental Liability and Stabilizing Foreign Investment in the Energy Sectors of Developing Countries, **12 Colorado journal**, pp.156-61
- Hemmings Pritchard, David (2000), "Holding the media accountable: citizens, ethics, and the law", **Indiana University Press**.
- Interpretation of the Agreeinsciit of 25 March 1951 between the World Health Organization 11Egypt, Alvisory Opinions, **I.C.J. Reports**, 1980 .pp, 89-90, para. 37.
- Inter American Security Watch (2013), "GlobeCast to Pull Plug on HispanTV", (10/12/1392), Available at: <http://interamericansecuritywatch.com/globecast-to-pull-plug-on-hispan-tv>.
- Kelemen, R. Daniel (2005), "**Built to Last? Thie Durability of EU Filerialisin, Memo Prepal real for Conference on the 2007 Volume of the EU Studies Association's: State of the European Union**, Oxford University Press, Princeton University ,p.p.1-3.
- OFAC (2014), **General Lieense D-I with Respect to Certain Services, Software, and Hardware Incident to Personal Communication**, 7 February.
- OFAC SDN: 15553 (2013), **Presidential Documents, Federal Register**, Vol.77, No.19.Executive Order of 13628 of February 6, (2013), OFAC SDN Number: 15764 (2013).
- **Presidential Documents, Federal Register** (2012), Vol.77, No.26, Executive Order of 13599. OFAC SDN Number: 15098 (2012).
- **Presidential Documents, Federal Register** (1997), Vol.62, No.162, Executive Order3059 of August19.
- Presstv (2013), "Eutelast pressures STN to Pull Plug on Iran's Al-Alam Channel", (30/2/1393), Available at:

<http://www.presstv.com/detail/2013/02/24/290494/eutelast-moves-to-take-alalam-off-air/>

- Rony, Curvelo (2013), “Brazilian Legislators Slams Moves to Take Iranian Channels Of Air (19/12/1392), Available at: http://www.livestation.com/en/press-tv/en/on_le/11411cl/c3c10/5f4b883c3ct_7912c001_b/513-brazilian-legislators-slams-imoves-to-lake-irania111-clianniniels-off-air,
- **The Iran Threat Reduction and Syria Human Rights** (2012), Art.403, Public Law No: 112-158 (08/10/2012), Available at: <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/house-bill/1905>.
- TFEU (2012), Treaty on the Functioning of the European Union, Art.7, **Official Journal of the European Union**, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:12012E/TXT>.
- Kimmingit, M.T (2004), “Corporalle Obligations Uncler International Law”, **Paper Presented at the 71st Conference of the International Law Association**, Plenary Session on Corporate Social Responsibility and International Law, Berlin.pp. 422-427.

تعارضات روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری ترامپ و رویکرد رسانه‌های به آن مهدی هدایتی شهیدانی^۱

چکیده

روابط روسیه و آمریکا یکی از جذاب‌ترین موضوعات برای پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ این روابط از نوسانات پیچیده‌ای برخوردار شده است. بخشی از این پیچیدگی به رقابت‌های راهبردی دو کشور و بخشی دیگر به کنش‌های همکاری‌جویانه تاکتیکی آن‌ها مربوط می‌شود. بر این اساس مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که مهم‌ترین تعارضات روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ چه مواردی است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان تعارضات دو کشور را در مقطع مذکور دسته‌بندی کرد. از جمله محل‌های منازعه می‌توان به موازنه هسته‌ای، اختلافات تجاری، تحریم‌ها در سطوح بین‌المللی، گسترش ناتو به شرق، دخالت در امور داخلی یکدیگر، مسئله اوکراین و سوریه اشاره کرد. در این مقاله پژوهشی به روش «توصیفی-تحلیلی» و با استفاده از بررسی راهبردها، اسناد امنیتی منتشر شده و همچنین تجزیه و تحلیل تصمیمات تقابلی متصدیان حوزه‌های مختلف دو کشور، مؤلفه‌های رفتار راهبردی مؤثر بر گسترش اختلافات دوسویه، تبیین می‌شود.

کلید واژه‌ها: فدراسیون روسیه، ایالات متحده آمریکا، رقابت‌های راهبردی، همکاری‌های تاکتیکی، دونالد ترامپ

^۱. استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مقدمه

روابط ایالات متحده با روسیه تابعی از ملاحظات گسترده بین‌المللی است که در تاریخ روابط خارجی این دو کشور ریشه دوانده است. به‌عنوان نمونه، پس از پایان جنگ سرد، روابط این دو بازیگر از سطح دو ابرقدرت هم‌تراز به معادله قدرت برتر و قدرت بزرگ تغییر ماهیت داد. این در حالی است که همچنان ایستارهای دوران جنگ سرد بر موضوعات دوجانبه سایه افکنده بود (سیمبر و هدایتی‌شهیدانی، ۱۳۹۲: ۵۹). همچنین در نتیجه وجود این ذهنیت و واقعیت‌های موجود در توانایی‌های متفاوت دو طرف، رویکردهای تعاملی پساجنگ سرد، تابعی از تلفیق راهبردهای قدیمی و روش‌های نوین دیپلماسی شد.

اهمیت روابط روسیه و آمریکا تا آنجایی است که بسیاری از سیاست‌مداران جهان، وجود موازنه میان این دو بازیگر را از اولویت‌های تعادل‌بخشی در جهان می‌دانند. زیگمار گابریل^۱ وزیر سابق امور خارجه آلمان در این زمینه معتقد بود که روابط فروپاشیده آمریکا و روسیه بزرگ‌ترین تهدید برای تمامی جهان محسوب می‌شود و عادی‌سازی روابط میان مسکو و واشنگتن یک امر حیاتی برای بهبود اوضاع در جهان است (Sputnik (b), 2017). روابط آمریکا و روسیه از جمله موضوعات بین‌المللی هستند که هرگونه تغییر و تحول در آن بر بسیاری از موضوعات دیگر نظام بین‌الملل تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. نکته مهم موجود در روابط دو کشور آن است که بار دیگر استفاده توأمان از رویکردهای اقتصادی-سیاسی علاوه بر رویکردهای ژئوپلیتیکی به‌عنوان ابزار اصلی طرفین در این رابطه معنا یافته است. بنابراین فهم روابط آمریکا و روسیه به ویژه از لحاظ رویکرد رسانه‌ای ضروری می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین محورهای مذاکراتی دو طرف در طول سال‌های گذشته به موضوع هسته‌ای ایران و سوریه مربوط می‌شد که هر دو مورد برای ایران بسیار با اهمیت است؛ چرا که زمینه حداکثری برای کنشگری آن‌ها نسبت به موضوعات استراتژیک کشور فراهم شده است. در نتیجه لازم است تا نسبت به شناخت هندسه رفتاری دوجانبه و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر معادله روابطشان بررسی جامعی به‌عمل آید. کیفیت روابط روسیه و آمریکا نوعاً در کیفیت روابط جمهوری اسلامی ایران با هریک از آن‌ها مؤثر واقع می‌شود. موضوع دیگر به شبیه‌سازی رفتار بازیگران در حوزه نظام بین‌الملل نسبت به موارد مشابه مربوط است.

^۱ Gabriel Sigmar

جمهوری اسلامی ایران مانند روسیه همچنان با موضوع تحریم‌ها روبه‌رو است. در نتیجه ضروری است تا تهران از تجربه کشورهای که در مقابله با فرایندهای مشابه تحریمی قرار دارند، استفاده کرده و در روندهای سیاست‌گذاری رسانه‌ای خویش از آن بهره لازم را ببرد. هدف این مقاله پژوهشی آن است تا یک نمای کلی درباره مهم‌ترین جنبه‌های اختلافی میان روسیه و آمریکا در دوره ترامپ و چشم‌انداز آن ارائه گردد. این مقاله درصدد است تا به تبیین راهبردهای بلندمدت و کوتاه‌مدت ایالات‌متحده و فدراسیون روسیه نسبت به یکدیگر بر اساس استناد به اسناد سیاست خارجی، امنیت ملی، راهبرد دفاعی و راهبرد هسته‌ای طرفین بپردازد و سرانجام رویکردی واقع‌بینانه از آینده روابط روسیه و آمریکا در دوره ترامپ و تأثیر متقابل آن بر امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید. بر این اساس پرسش اصلی مقاله این است که مهم‌ترین موضوعات اختلافی در روابط میان آمریکا و روسیه در دوره دونالد ترامپ کدام موارد به شمار می‌روند؟ فرضیه مقاله این است که مهم‌ترین موارد اختلافی در روابط روسیه و آمریکا در دوره ترامپ در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دسته‌بندی می‌شوند. بر این اساس، جنجال‌ها و اتهام‌زنی‌های دیپلماتیک در سطوح دوجانبه، مسائل منطقه‌ای همچون اوکراین، سوریه، شبه‌جزیره کره، تفاوت نگاه طرفین به بازیگری ایران در منطقه، گسترش ناتو به شرق، موازنه هسته‌ای، اختلافات تجاری و تحریم‌ها در سطوح بین‌المللی قابل بررسی خواهند بود.

چارچوب نظری: رئالیسم ساختاری

برای درک رفتار رقابتی قدرت‌های جهانی در خصوص یکدیگر ابتدا باید به این نکته مهم توجه شود که ساختار سیستم جدید بر اساس مدل موازنه قدرت توصیف می‌گردد. با پایان جنگ سرد و شکل‌گیری سیستم هژمونیک در نظام بین‌الملل، برخی از مرگ نظریه موازنه قوا صحبت به میان می‌آوردند. اگرچه سیستم هژمونیک اکثر فرضیه‌های رئالیسم را به چالش کشیده بود، اما واقعیات سیاست بین‌الملل و کاهش قدرت آمریکا، موجب شد تا بار دیگر درباره کارآمدی نظریه موازنه قوا در شرایط بی‌ثباتی و ثبات صحبت شود. نظریه موازنه قوا با این فرض شروع می‌شود که دولت‌ها در حالت حداقلی خواهان حفظ خود و در حالت حداکثری خواهان استیلای جهانی هستند و برای نیل به این اهداف از دو نوع ابزار استفاده می‌کنند. نخست، تلاش‌های داخلی: از جمله افزایش توانایی اقتصادی، نظامی و اتخاذ

استراتژی هوشمندانه. دوم، تلاش‌های خارجی: گسترش و تقویت اتحادهای خودی و یا تضعیف اتحادهای مخالف. بازی استراتژیک خارجی نیاز به دو یا چند بازیگر خواهد داشت. شرط همزیستی بازیگران در این سیستم، مبتنی بر خودیاری است. در سیستم موازنه قوا برای نظم‌بخشیدن به تداوم تعارضات منطقه‌ای، جایگاه دولت‌ها بر رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در واقع دولت‌ها برای توازن قدرت تلاش می‌کنند. همچنین یکی از بایسته‌های این فضا، این اصل است که عرصه سیاست بین‌الملل به‌عنوان زمین بازی رقابت در نظر گرفته می‌شود و سرنوشت هر دولت بستگی به پاسخ آن به رفتارهای دولت‌های دیگر دارد. در نتیجه چنین برداشتی، می‌توان متصور شد که رقابت موجب می‌شود تا رقابت‌کنندگان تمایل داشته باشند در جایگاه یکسانی قرار داشته باشند و تأثیر رقابت میان آن‌ها صرفاً محدود به عرصه نظامی نیست (هدایتی‌شهیدانی، ۱۳۹۵: ۱۷).

اما به جز جنبه‌های رقابتی، روابط قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل، از «الگوی کنش عقلانی» برای پرهیز از منازعه استراتژیک تبعیت می‌کنند. این بازیگران در زمینه «پرهیز از فاجعه» شریک محسوب خواهند شد. این موضوع آن‌ها را به‌سوی توسعه هنجارهای مشخص و نیز پذیرش این نکته که الزام‌هایی برای رفتارهایشان نیاز می‌باشد، سوق می‌دهد. این مدل را می‌توان رقابت همکاری‌جویانه نامید. هدف این کار، تثبیت شرایط ساختار بین‌الملل برای دستیابی به نظامی هماهنگ است. یک نظام هماهنگ به این معنا نیست که رقابت میان قدرت‌های بزرگ وجود ندارد و نزاع برای کسب قدرت میان اعضا رخ نمی‌دهد. در یک نظام هماهنگ هر تغییر مهم و عمده در وضعیت موجود باید از طریق توافق عمومی اعضا حاصل شود (متقی، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۸).

بحران دیپلماتیک در روابط روسیه و آمریکا: حواشی مربوط به انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا

برای شناخت لایه‌های ارتباطی واشنگتن با مسکو، باید آن را در چارچوب روابط دوجانبه و نیز روابط ساختاری در سیاست بین‌الملل تحلیل کرد. ترامپ در اولین نطق سالانه خود در کنگره، مسکو را در کنار پکن به‌عنوان رقبای جهانی ایالات متحده توصیف کرد که درصدد تضعیف جایگاه واشنگتن هستند. با این حال، روابط کابینه ترامپ با روسیه تحت تأثیر

فضایی بود که در آمریکا به واسطه نقش روسیه در انتخاب دونالد ترامپ موجب جنجال‌های فراوانی شده بود. ترامپ یک هفته پس از آغاز کار خود به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در ژانویه ۲۰۱۷ با پوتین به مدت ۵۰ دقیقه به گفتگو پرداخت. در این گفتگو دو طرف بر بهبود روابط و انجام دیدار دوجانبه تأکید داشتند. اما این تأکیدات تنها روی خوش سکه قلمداد می‌شد. چرا که در اوایل ماه مارس ۲۰۱۷، ارتش آمریکا روسیه را متهم کرد که موشک‌های «کروز SSC-8» خود را به حالت آماده‌باش درآورده است. از نظر ارتش آمریکا این مسئله در تضاد با معاهده هسته‌ای میان‌برد سال ۱۹۸۷ قرار داشت و به‌نوعی تهدید ناتو قلمداد می‌گردید (Majumdar, 2017).

کمی قبل‌تر یعنی در ماه فوریه، ترامپ نیز شخصاً ارائه مطالبات از روسیه را آغاز کرده بود. او از روسیه درخواست کرد تا کنترل حاکمیتی اوکراین بر شبه‌جزیره کریمه را به کی‌یف بازگرداند. از این مقطع (یعنی بهار سال ۲۰۱۷) شاهد وقوع کنش‌های تهاجمی و مرحله‌ای در رفتار آمریکا نسبت به روسیه بر اساس اختلافات موجود در سطح نظام بین‌الملل میان طرفین هستیم. به‌عنوان نمونه در ۲۵ مارس ۲۰۱۷ (۵ فروردین ۱۳۹۶)، آمریکا در راستای قانون منع گسترش تسلیحاتی ایران، کره شمالی و سوریه، تعداد ۸ شرکت روسی را مورد تحریم قرار داد (Sputnik (a), 2017).

در حدود یک ماه بعد و به بهانه انجام حملات شیمیایی خان‌شیخون در سوریه توسط دولت این کشور، آمریکا یکی از پایگاه‌های هوایی ارتش سوریه را در ۷ آوریل ۲۰۱۷ (۱۸ فروردین ۱۳۹۶) موشک‌باران کرد. دیمیتری مدودیف^۱ در این باره اظهار داشت که انجام این حمله، آمریکا را در شرایط جنگ با روسیه قرار داده است.

بحران دیپلماتیک میان روسیه و آمریکا در ماه‌های ابتدایی ریاست جمهوری ترامپ را می‌توان محصول تصمیم باراک اوباما در اخراج ۳۰ دیپلمات روس از آمریکا در دسامبر ۲۰۱۶ (شهریور ۱۳۹۵) نیز دانست. این تصمیم در پاسخ به شائبه دخالت مسکو در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به مرحله اجرا گذاشته شد. با این حال نکته دیگری که باید به آن پرداخته شود، اهمیت دیدار پسر دونالد ترامپ با یک وکیل روسی بود که به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار مخالفان ترامپ برای تحت فشار قرار دادن او مورد استفاده قرار گرفت. به‌طوری که بر

^۱ Dmitry Medvedev

اثر شدت فشارها تعداد زیادی از همکاران ترامپ را مجبور به استعفا کردن نمود. به نظر می‌رسد بحرانی که بر اثر شائبه دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا تاکنون بر روابط دوجانبه آنان تأثیر گذاشته است، از جمله مواردی باشد که تا پایان دوران ریاست جمهوری ترامپ دارای اهمیت تعیین‌کننده بر تعاملات دو کشور و فضای ارتباطی آن‌ها در آینده نیز باشد.

کاتسا؛ نماد راهبرد محدودسازی آمریکا نسبت به روسیه

ترامپ در شش ماه اول ریاست جمهوری خود تلاش کرد تا الگوی مبتنی بر همکاری و رقابت هم‌زمان را در ارتباط با روسیه در پیش بگیرد. او در سخنرانی خود در ورشو، پایتخت لهستان، از روسیه درخواست کرد تا از حمایت ایران و سوریه دست بردارد. با این حال یک روز بعد و در حاشیه اجلاس G20 در هامبورگ آلمان، با پوتین دیدار داشت که از آن دیدار به‌عنوان یک افتخار یاد کرد (Guardian, 2017). در دوم اوت ۲۰۱۷، (۱۱ مرداد ۱۳۹۶) ترامپ «قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها»^۱ معروف به کاتسا را که پیش‌تر در سنا به تصویب رسیده بود، امضا کرد. بر اساس این قانون - که روسیه و ایران را هدف قرار می‌دهد - معین شد تا تحریم‌های قبلی بر ضد روسیه از مارس ۲۰۱۴ به قوت خود باقی بماند. علاوه بر آن، این قانون در حوزه‌هایی همچون امنیت سایبری، پروژه‌های مربوط به نفت خام، مؤسسات مالی، مسایل حقوق بشری، دور زدن تحریم‌ها، معامله با بخش‌های دفاعی و اطلاعاتی روسیه، صادرات خطوط لوله، و انتقال سلاح به سوریه از دولت درخواست می‌کند تا اقدامات فراگیری را به انجام برساند. وجه تمایز این قانون با موارد قبلی در آن بود که رئیس‌جمهور بدون نظر کنگره، نمی‌تواند نسبت به برخی موضوعات، هیچ‌گونه استثنایی قائل شود. در روسیه این قانون با واکنش‌های بسیار تندی همراه بود. مدویدف از آن تحت عنوان جنگ تجاری تمام‌عیار علیه روسیه یاد کرد (Газета.ru, 2017).

اگرچه ترامپ مجبور بود تحت این قانون، در کنار نام ایران و کره شمالی، روسیه را نیز بگنجانند، اما در هنگام امضای آن اظهار داشت که ممکن است برخی از مفاد آن را اجرا نکند. نمود واقعی این اظهارات خود را در تأخیر اجرای قانون به نمایش نهاد. کاخ سفید پس از

^۱. Countering America's Adversaries Through Sanctions Act, (CAATSA)

دو ماه و به موازات افزایش فشارهای سنا و کنگره و ۲۶ روز پس از پایان ضرب‌الاجل اجرای تحریم‌ها، یک فهرست از مقامات و شرکت‌های روسی را منتشر کرد که مشمول تحریم‌های ایالات متحده می‌شد.

به‌طور کلی، آنچه پس از ارزیابی میزان تمایل و اراده ترامپ و همکارانش در کاخ سفید در مورد قانون تحریم‌های کاتسا قابل احصاء است، چند نکته می‌باشد: اول آنکه ترامپ تلاش دارد تا تمرکز بیشتری را متوجه چین نماید و از تحریک هم‌زمان و فزاینده روسیه خودداری می‌کند. همچنین عدم تمایل او به پیگیری صریح قانون تحریم‌ها نسبت به روسیه، به این مسئله مربوط می‌شود که احتمال نزدیکی هرچه بیشتر مسکو به پکن در آینده نزدیک محتمل است، فلذا تقبل هزینه این ائتلاف برای واشنگتن بسیار تصاعدی خواهد بود. و نکته سوم به چگونگی مدیریت رفتار روس‌ها از طریق فرایندهای مشارکتی و نه تنبیهی از سوی آمریکایی‌ها مرتبط است. عدم کارایی تحریم‌ها بر اساس اهداف پیش‌بینی شده و پاسخ متقابل روسیه به این تحریم‌ها، و همچنین وجود سازوکار مشارکت در عین رقابت^۱ در روابط طولانی‌مدت مسکو- واشنگتن از جمله موانعی هستند که اجازه کنش بدون محدودیت را از کابینه ترامپ در موضوع مهار روسیه از طریق کاتسا سلب کرده است.

جایگاه روسیه در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ آمریکا

انتشار سند امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۷ (آذر ۱۳۹۶)، یکی از نقاط عطف در روابط میان ایالات متحده و روسیه به شمار می‌رفت. در این سند ۱۷ بار از روسیه در موقعیت‌های مختلف یاد شده است و این کشور را به‌عنوان یک رقیب تجدیدنظرطلب معرفی می‌کند. نام بردن از روسیه و البته چین به‌عنوان رقبای جهانی آمریکا منعکس‌کننده نگرانی در داخل دولت ترامپ درباره این «قدرت‌های تجدیدنظرطلب»^۲ است. بر این اساس در بخش ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، این سند بار دیگر رویکردهای سنتی اجبارآمیز در حوزه اقتصادی را که آمریکا درباره تهدیدات امنیتی خود از جمله روسیه به کار می‌بست، مورد تأکید قرار می‌داد: «ابزارهای اقتصادی از جمله تحریم‌ها و اقدامات ضدپولشویی و ضدفساد می‌تواند اجزای مهمی از استراتژی‌های گسترده برای بازدارندگی، اعمال فشار و محدود

^۱ Adversary Partnership

^۲ revisionist powers

ساختن دشمنان باشد. ما با شرکای همسو برای حمایت از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی علیه تهدیدهای مشترک همکاری خواهیم کرد. فشار اقتصادی چندجانبه اغلب مؤثرتر است، چراکه این امر توانایی دولت‌های هدف را برای انجام اقداماتی جهت دور زدن تحریم‌ها محدود می‌سازد و اراده مشترک را به نمایش خواهد گذاشت» (NSS U.S., 2017: 34). بنابراین یک خط تداوم در پیگیری رویکرد محدودسازی و کنترل بازیگرانی همچون روسیه را که از دوره اوباما و در قالب تحریم‌ها آغاز شده بود، در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز قابل مشاهده بود. در پایان سال اول ریاست جمهوری ترامپ، روابط آمریکا و روسیه تحت تأثیر اختلافات دیپلماتیک دوجانبه منبعت از موضوع دخالت روسیه در انتخابات آمریکا و همچنین موضوعات بین‌المللی همچون تصمیم به تحویل موشک‌های آمریکایی ضدتانک به دولت اوکراین و اتهام آمریکا به روسیه مبنی بر عدم تلاش برای تداوم آتش‌بس در سوریه قرار داشت.

سند راهبرد دفاع ملی و بازنمایی تهدیدات روسی در آمریکا

دامنه اختلافات و تنش دیپلماتیک میان روسیه و آمریکا خود را در آغاز سال ۲۰۱۸ بسیار پررنگ‌تر به نمایش گذاشت. در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸ (۲۹ دی ۱۳۹۶) برای اولین بار جیمز ماتیس^۱ -وزیر دفاع کابینه ترامپ- از سند راهبرد دفاع ملی آمریکا رونمایی کرد. این سند با سند راهبرد نظامی ایالات متحده که توسط رئیس ستادکل ارتش منتشر می‌شود، متفاوت است. از حیث تهدیدشناسی، تبیین چالش‌ها و تغییرات محیطی در نظام بین‌الملل این سند شباهت‌های زیادی با سند راهبرد امنیت ملی داشت. چرا که در آن به ظهور بلندمدت و راهبردی رقابت میان قدرت‌های بزرگ همچون قرن نوزدهم به‌عنوان مهم‌ترین چالش پیش‌روی ایالات متحده اشاره شده است. در واقع موضوع رقابت میان قدرت‌های بزرگ خود را به جای مبارزه با تروریسم تبدیل به دغدغه اصلی تصمیم‌سازان حوزه دفاعی ایالات متحده آمریکا کرده است. با وجود آن‌که در چارچوب فضای عملیاتی مربوط به محیط امنیتی در آینده ۵ تهدید (چین، روسیه، ایران، کره شمالی و تروریسم) توسط سند مذکور مورد اشاره قرار گرفته بود، اما نوک پیکان حملات آن متوجه دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و چین بوده که از آن‌ها تحت عنوان قدرت‌های تجدیدنظرطلب یاد کرده است. چین و روسیه

^۱ James Norman Mattis

دو بازیگری هستند که به اعتقاد این سند درصدد اعمال تغییرات گسترده در نظم بین‌المللی و ترسیم آن بر اساس الگوهای اقتدارگرایانه مطلوب خود هستند (NDS, 2018: 2). در مورد روسیه سند اشاره دارد که این کشور درصدد سلطه بر کشورهای پیرامون و تصمیمات حکومتی، اقتصادی و دیپلماتیک آن‌ها و همچنین در پی به شکست کشاندن ناتو و تغییر ساختار امنیتی و اقتصادی اروپا و غرب آسیا در راستای شرایط مطلوب خویش است. علاوه بر این، عنوان شده که استفاده روس‌ها از فناوری‌های در حال ظهور برای بی‌اعتبارسازی و تخریب روندهای دموکراتیک در گرجستان، کریمه و شرق اوکراین به اندازه کافی نگران‌کننده است، اما وقتی این موارد در کنار گسترش و مدرن‌سازی زرادخانه هسته‌ای روسیه قرار می‌گیرد، چالش روسیه آشکارتر می‌شود.

تأثیر مسئله موازنه هسته‌ای بر روابط روسیه و آمریکا

در سند بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا ۱ (ژانویه ۲۰۱۸) همچون دو سند پیشین بر اهمیت ارتقای توان هسته‌ای کشور آمریکا در مقابل رقبایی همچون روسیه تأکید فراوان شده است. بر اساس این سند، مقامات هسته‌ای آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که قدرت ویرانگری بیش از اندازه تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده عملاً توان استفاده و به‌کارگیری آن‌ها را به صفر رسانده است. این مسئله موجب شد تا برای مقابله با تهدیدهایی همچون روسیه به ارائه گزینه‌هایی نظیر تشکیل ارتش فضایی مبادرت ورزند که ضمن برخورداری از عملکرد پایین‌تر و شدت ویرانگری کمتر، از میزان بازدارندگی بیشتری در برابر دشمنان بالقوه‌ای همچون روسیه که می‌توانند در چارچوب هسته‌ای با آمریکا مقابله کنند، برخوردار باشند. بنابراین علاوه بر زیرپانهادن بسیاری از دغدغه‌های عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای، این سند در حال ایجاد زمینه برای ساخت و همچنین استفاده از تسلیحات هسته‌ای کم‌شدت در منازعات آتی آمریکا می‌باشد و در تلاش است تا کارایی و تهدیدات ناشی از تسلیحات هسته‌ای را باورپذیرتر جلوه دهد. استدلال این تفکر بر اساس این احتمال بنا نهاده شده است که ممکن است در آینده‌ای نزدیک روس‌ها اقدام به انجام یک عملیات و یا

حمله هسته‌ای کوچک علیه ایالات متحده کنند و در نتیجه آن آمریکا مجبور به عقب‌نشینی باشد (NPR, 2018: 7- 31).

اگرچه بخش ششم این سند، تهدیدات هسته‌ای علیه آمریکا را از سوی ۴ کشور روسیه، چین، کره شمالی و ایران منبعث می‌داند، اما توجه اصلی خود را به توانمندی‌های روسیه معطوف کرده است. در سند ضمن توجه به توانمندی‌های هسته‌ای روسیه بر این مساله تأکید شده که کرملین در تلاش برای متنوع کردن قابلیت هسته‌ای خود است تا بتواند بر آمریکا برتری راهبردی داشته باشد. انتشار اسناد راهبردی آمریکا در آغاز سال ۲۰۱۸ با مخالفت شدید مقامات وزارت خارجه روسیه روبه‌رو شد. آن‌ها اعلام مواضع این چینی از سوی واشنگتن را به‌عنوان موضعی غیردوستانه و خصمانه تلقی کردند که درصدد مخدوش ساختن تصویر روسیه در جهان و تلاش برای آغاز رقابت‌های تسلیحاتی دوران جنگ سرد می‌باشد (МИД РФ, 2017). ترامپ در راستای سند بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا، در اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که کشورش را از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد ۱ خارج می‌کند. پیمانی که در سال ۱۹۸۷ بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی امضا شد و هدف از آن نابودی موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد بود. بسیاری از تحلیل‌گران این اقدام آمریکا را غیربشردوستانه و غیرمسئولانه دانسته‌اند. پوتین نیز در واکنش به این اقدام، اظهار داشت که پاسخ روسیه به هرگونه تجاوز هسته‌ای، مرگبار و ویران‌کننده خواهد بود (MOSCOW Times, 2018).

تعارضات دوجانبه در سال ۲۰۱۸: ادامه تحریم‌ها، انتخاب مجدد پوتین و ماجرای سالزبری

به غیر از انتشار اسناد راهبردی که نمایان‌گر اوج اختلاف میان آمریکا و روسیه در دوران ریاست جمهوری ترامپ به حساب می‌آمدند، تحریم مقامات سیاسی و اقتصادی روسیه توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۸ (۱۰ بهمن ۱۳۹۶) از جمله مهم‌ترین موارد قابل اشاره در تعارضات طرفین به‌شمار می‌رفت. اگرچه اجرای این تحریم‌ها نسبت به همه افراد فهرست کرملین به انجام نرسیده است، اما وضع تحریم نسبت به اصلی‌ترین

¹ . Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty (INF Treaty)

اعضای دولت روسیه به‌منزله استفاده نامحدود از ابزارهای اجبارآمیز در تعاملات دوجانبه برای ایجاد محدودیت در مقابل اقدامات روسیه به‌شمار می‌رفت. با آغاز انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۸ روسیه و پس از آنکه اکثر نظرسنجی‌ها حکایت از پیروزی مطلق پوتین داشت، در آمریکا رسانه‌ها و برخی از مقامات سعی در کوچک نشان دادن نمادهای برتری پوتین در دور جدید ریاست جمهوری‌اش داشتند. صحبت‌های پوتین در روز اول مارس ۲۰۱۸ (۱۰ اسفند ۱۳۹۶) پیرامون پیشرفت‌های صنایع موشکی روسیه توسط مقامات دولت ترامپ نوعی فرافکنی تعبیر شد که بر انجام اقدامات تخریب‌کننده صلح و ثبات بین‌المللی و عدم پایبندی به تعهدات مندرج در پیمان‌های دوجانبه و بین‌المللی از سوی روسیه دلالت داشت. با این وجود، جیمز ماتیس معتقد بود که سیستمی که پوتین از آن صحبت می‌کند، سال‌ها به‌زمان نیاز دارد تا بتواند در اختیار ارتش فدراسیون روسیه قرار گیرد (World Affairs, 2018).

واقعه مسمومیت مشکوک جاسوس دوجانبه روسی در منطقه سالزبری لندن - سرگی اسکریبال - در ۴ مارس ۲۰۱۸ (۱۳ اسفند ۱۳۹۶) موجب شد تا با پیشنهاد شورای امنیت ملی آمریکا و در حمایت از مواضع انگلستان، دونالد ترامپ دستور اخراج ۶۰ دیپلمات روسی و تعطیلی کنسولگری روسیه در سیاتل را صادر کرد. اسکریبال یکی از عوامل سرویس اطلاعات خارجی روسیه بود که در سال ۲۰۰۴ به جرم خیانت به کشور به زندان محکوم شد. وی سال ۲۰۱۰ در جریان «مبادله جاسوس‌ها»، با عوامل دستگیرشده روسیه در آمریکا مبادله شد و سپس به انگلیس رفت (Коммерсантъ, 2018). به نظر می‌رسد، ماجرای مسمومیت وی نوعی رویکرد سنتی غرب در مواجهه با روسیه باشد که در آن کسانی که به جرم خیانت به کشور محکوم شده‌اند و در غرب ساکن هستند، بهترین مورد برای هدف‌گیری علیه روسیه به‌شمار می‌روند. بر این اساس، غرب طی یک رویکرد هدفمند در دوره‌ای که در سایر زمینه‌ها امکان مهار روسیه برایش دشوار می‌نماید، به موضوعات انسانی ورود می‌کند تا بتواند فشار مضاعف بین‌المللی را علیه مسکو سازمان‌دهی کند. اخراج هم‌زمان تعداد زیادی از دیپلمات‌های روس از کشورهای اروپایی و عضو ناتو از مهم‌ترین نتایج این واقعه به‌شمار می‌رفت.

تعارضات بین‌المللی؛ ادامه جنگ در سوریه، فضای ابهام در تحولات اوکراین

بحران سوریه: در سال ۲۰۱۸ علاوه بر موضوعات دوجانبه، مباحث بین‌المللی نیز بر روابط روسیه و آمریکا سایه افکنده بودند. در آوریل ۲۰۱۸، ایالات متحده با ادعای این مطلب که دولت سوریه علیه مخالفان از سلاح شیمیایی استفاده کرده است، اقدام به حملات موشکی علیه برخی مواضع کشور سوریه کرد. بیشتر موشک‌های پرتاب شده توسط سامانه‌های ضد موشکی ارتش سوریه که توسط متخصصان روسی در حال اجرا بود، مورد هدف قرار گرفتند و تعداد کمی از آن‌ها به هدف اصابت کردند. موشک‌باران مواضع ارتش سوریه توسط آمریکا و دفع این حملات توسط سامانه‌های ضد موشکی روسیه، در محافل رسانه‌ای گمانه‌زنی‌های زیادی را ایجاد کرد مبنی بر این که احتمال وقوع یک درگیری میان دو قدرت بزرگ هسته‌ای هر لحظه نزدیک‌تر خواهد شد. اما با توجه به آنکه در طول جنگ سرد، الگوی «پرهیز از فاجعه»^۱ توسط قدرت‌های بزرگ تجربه شده بود، همین الگو در مدیریت بحران‌های پساجنگ سرد نیز مورد استفاده آنان قرار گرفته است. بر اساس این الگو، هنگامی که در جریان وقوع یک بحران، آستانه تصادم منافع دو قدرت هسته‌ای به حساس‌ترین زمان خود نزدیک شود، رویکردهای گفت‌گویی و استفاده از مذاکره برای کاهش آثار مواجهه در دستور کار قرار خواهد گرفت. به همین دلیل در شرایط فعلی بحران سوریه که دولت و ارتش این کشور به پشتوانه حمایت‌های متحدان منطقه‌ای خود (ایران و حزب‌الله لبنان) و روسیه توانسته بر بخش قابل توجهی از جغرافیای این کشور دوباره مسلط گردد، شاهد شکل‌گیری دوباره روندهای متضاد واشنگتن و مسکو پیرامون چگونگی مدیریت آن هستیم.

آمریکایی‌ها برای رسیدن به اهداف مد نظر خود در سوریه، از هیچ اقدامی حتی تحویل انواع تسلیحات شیمیایی به گروه‌های تروریستی برای استفاده از آن‌ها علیه نیروهای سوری و متحدان آن‌ها رویگردان نبوده‌اند (اندرسون، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۷۰). دونالد ترامپ که ابتدا ادعا می‌کرد هدف اصلی‌اش در سوریه تشدید مبارزه با گروه تروریستی داعش خواهد بود، عملاً همان رویکرد دولت قبلی آمریکا یعنی، تشدید اقدامات برای سرنگونی دولت قانونی سوریه را در پیش گرفت. در عین حال، آمریکایی‌ها با آگاهی از نقش مسکو در

^۱ Disaster Avoidance

جلوگیری از تحقق اهداف آن‌ها در سوریه، با گسترش جنگ روانی و نیز افزایش فشارهای دیپلماتیک به روسیه، درصدد تغییر موضع مسکو در قبال بحران سوریه و کاهش حمایت آن از دولت دمشق و یا کم رنگ کردن حضور نظامی روسیه در سوریه و ایجاد شکاف در همکاری‌های راهبردی تهران و مسکو در سوریه هستند.

بحران اوکراین: این بحران یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که از سال ۲۰۱۴ تاکنون همچنان بر روابط آمریکا و روسیه سایه افکنده است (بهمن، ۱۳۹۳: ۵۸). رفتار آمریکا در مورد بحران اوکراین از وجود یک تناقض‌ناما رنج برده است. این ویژگی هم در دوران باراک اوباما و هم در دوره دونالد ترامپ مشهود بوده است. بر اساس این تناقض‌ناما، باراک اوباما در روز نخست به قدرت رسیدن مخالفان اوکراینی اعلام کرد که اوکراین صفحه بازی شطرنج سیاسی دوران جنگ سرد نیست و لزومی ندارد که کرملین خود را بازنده این مبارزه تصور کند، اما به دنبال الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه، هشدار داد که مداخله نظامی مسکو در اوکراین هزینه‌هایی همراه خواهد داشت. ترامپ نیز به دنبال آن بود که حل بحران اوکراین را بر اساس در نظر گرفتن مطلوبیت‌های مسکو به پیش برد، اما اخبار مربوط به فروش تسلیحات پیشرفته و آموزش نیروهای ارتش اوکراین توسط افسران آمریکایی، در کنار بازتولید مداوم اخبار عضویت اوکراین در ناتو موجب پیچیدگی ابعاد بین‌المللی این بحران شده است.

اوباما به بهانه اقدام روسیه در الحاق خاک شبه جزیره کریمه و حمایت از استقلال طلبان شرق اوکراین، تحریم‌های زیادی را علیه مسکو اعمال کرد. گمان بر این بود که دولت ترامپ تحریم‌ها را علیه مسکو لغو خواهد کرد، چرا که در وعده‌های انتخاباتی خود از حل بحران در روابط دو جانبه سخن گفته بود. اما بعد از روی کار آمدن، ترامپ شرط برداشتن تحریم علیه مسکو را تغییر موضع روسیه در قبال اوکراین اعلام کرد. به هر حال هیچ نشانی از تغییر رویه آمریکا در قبال کریمه (شبه جزیره راهبردی در شمال دریای سیاه و شرق اوکراین) بعد از انتخاب ترامپ وجود ندارد. همین موضوع احتمالاً روابط آمریکا با مسکو را در دو سال باقی مانده از دوره ریاست جمهوری ترامپ را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حمایت تسلیحاتی آمریکا از دولت غرب‌گرای اوکراین در حین جنگ در شرق این کشور (پرتو، ۱۳۹۳)، در فضای پس از آتش‌بس مینسک ۱۲ همچنان ادامه یافته است. در سوم جولای ۲۰۱۶ (۱۳ تیر ۱۳۹۵)، دولت باراک اوباما، نخستین محموله رادارهای پیشرفته آمریکایی را تحویل اوکراین داد. این محموله شامل رادارهای ردیابی تسلیحاتی از نوع AN/TPQ-49 و AN/TPQ-36 بود که برای شناسایی و نابودی تسلیحات سنگین نظیر توپخانه طراحی شده‌اند. ارتش آمریکا سال‌ها از چنین رادارهایی استفاده می‌کرد اما این اولین بار بود که چنین تجهیزاتی در اختیار ارتش اوکراین قرار می‌گرفت. مسلح کردن ارتش اوکراین در دولت دونالد ترامپ نیز با سرعت بیشتری در جریان است. در آگوست ۲۰۱۷، مقامات پنتاگون به کاخ سفید پیشنهاد دادند تا سلاح‌های ضدتانک پیشرفته هرچه سریعتر در اختیار اوکراین قرار داده شود. این تسلیحات که سامانه Javelin نام دارد، حدود ۵۰ میلیون دلار ارزش دارد. در ۳۰ آوریل ۲۰۱۸ (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷) خبر تحویل این سامانه به اوکراین از سوی وزارت خارجه آمریکا تایید شد (Mehta & Gould, 2018). پیش از این، در بودجه نظامی ۲۰۱۸ آمریکا نیز برای اولین بار تخصیص بودجه ۵۰۰ میلیون دلاری برای اوکراین در نظر گرفته شده بود (Stolberg, 2017).

جیمز ماتیس، وزیر دفاع آمریکا نیز در سفر ماه آگوست ۲۰۱۷ خود به کی‌یف، از برنامه تحویل ۱۷۵ میلیون دلار جنگ افزار به صورت رایگان به این کشور خبر داد (Idrees & Polityuk, 2017). به طور کلی پافشاری واشنگتن بر حمایت تسلیحاتی از اوکراین، از سوی مسکو به‌عنوان مداخله در امور داخلی تلقی می‌شود و ممکن است در روابط آینده کرملین و کاخ سفید تأثیرگذار باشد. زیرا رفتار هر دولت یا واحد سیاسی در صحنه روابط و مناسبات جهانی تحت تأثیر رفتار سایر دولت‌ها قرار دارد و بازیگران راهبردهای خود را در جهت حفظ امنیت و مصونیت از تعارض دیگران ترسیم می‌کنند.

نشانه‌های کنش و انعطاف تاکتیکی در روابط دو جانبه

علی‌رغم وجود رویکرد تقابلی در ارتباط با مسکو از سوی واشنگتن، شاهد ظهور روندهای بازگشت‌پذیر در روابط دو کشور در تابستان ۲۰۱۸ بوده‌ایم. در این چارچوب، دونالد ترامپ در ۸ ژوئن خواستار پذیرش مجدد روسیه در گروه G7 شد که در سال ۲۰۱۴ و به دنبال

¹. Minsk II

وقایع اوکراین از آن اخراج شده بود؛ اگرچه این پیشنهاد هم از سوی روسیه و برخی مقامات اروپایی رد شد. نقطه اوج بازگشت‌پذیری روابط دو کشور در دیدار روسای جمهور در ۱۶ جولای ۲۰۱۸ (۲۵ تیر ۱۳۹۷) در هلسینکی فنلاند بود.

نتایج نشست هلسینکی اگرچه از سوی دموکرات‌ها و برخی از جمهوری‌خواهان شرم‌آور و رسوایی سیاسی قلمداد شد، اما در بردارنده چندین پیام مهم بوده است. در نشست خبری پس از این دیدارها، دونالد ترامپ از اینکه از همتای روس خود برای دخالت در انتخابات آمریکا انتقاد کند، خودداری کرد. با این حال ترامپ پس از بازگشت به آمریکا، در مصاحبه با شبکه CBS در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای، مداخله روسیه در انتخابات آمریکا و گزارش آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا را در این زمینه تایید کرد و اظهار کرد که این موضوع را به پوتین نیز گفته و مسئولیت‌پذیری او را در این زمینه خواستار شده است (CBS news, 2018).

ترامپ در نشست هلسینکی همچنین به یافته‌های سرویس‌های امنیتی آمریکا درباره دخالت‌های مسکو با شک و تردید نگریسته بود و درخواست برخی از قانونگذاران کشورش برای اعمال تحریم‌های سنگین‌تر و دیگر اقدامات تنبیهی علیه روسیه را زیر سؤال برده بود. بررسی نتایج نشست هلسینکی بیان‌گر این واقعیت بود که جنبه‌های تبلیغاتی این نشست برای ترامپ بسیار مهم بود؛ چرا که او درصدد است تا برای حل بسیاری از مسایل مجهول سیاست خارجی آمریکا شخصاً ورود پیدا کند و آن‌ها را حل کند. در سوی مقابل برای روسیه و پوتین موضوع رفع تحریم‌ها، به‌مثابه اصلی‌ترین هدف از اولویت اصلی برخوردار بود. با این وجود، بسیاری از نمایندگان کنگره و سنا از هر دو حزب آمریکا به‌ویژه پس از برگزاری انتخابات میان دوره‌ای کنگره در ماه نوامبر ۲۰۱۸، وضع تحریم‌های بیشتر علیه روسیه را به‌دلیل آنچه آنان اقدامات بی‌ثبات‌کننده می‌دانند، خواستار شدند. تهیه لایحه جامع سیاست‌گذاری دفاعی زیر نظر جان مک‌کین - رئیس وقت کمیته نیروهای مسلح آمریکا در سنا - انعکاس این مسئله بوده است. در همین ارتباط جیمز ماتیس طی نامه‌ای به مک‌کین ضمن آنکه اقدامات روسیه را بی‌ثبات‌کننده و تجاوزگرانه برشمرد، اما درخواست کرد تا به وزارت خارجه آمریکا اجازه دهند در صورتی که پای منافع راهبردی در روابط با کشورهایی که در حال رفتن به سمت ارتباطات نزدیک‌تر با آمریکا هستند اما همچنان

وابستگی تجهیزاتی به روسیه دارند در میان باشد، آن‌ها را از تحریم‌های روسیه معاف کند (McLeary, 2018).

الگوی راهبردی حاکم بر روابط روسیه و آمریکا در دوره ترامپ

ویژگی اصلی روابط آمریکا و روسیه در دوره ترامپ انجام کنش بر اساس عقلانیت راهبردی است؛ این الگو زمینه لازم را برای تبدیل فضای تعارض به رقابت در عین تعامل میان دو کشور به وجود آورده است. چنین رویکردی را می‌توان در سند امنیت ملی دونالد ترامپ درباره الگوی کنش با کشورهای تجدیدنظرطلب همچون روسیه مشاهده کرد. انتشار سند امنیت ملی دونالد ترامپ در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۷ بیانگر این واقعیت است که ایالات متحده هنوز از رویکردهای یکجانبه در نظام جهانی در حال گذار بهره می‌گیرد. در سوی مقابل الگوی رفتاری روسیه به گونه‌ای است که معادله همکاری تاکتیکی محدود بر اساس نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی و موازنه با ایالات متحده را در دستور کار خود قرار خواهد داد. در چنین شرایطی طبیعی به نظر می‌رسد که ابتکار عمل ترامپ، زمینه بازتولید روابط کشورهای جهان غرب با روسیه را فراهم سازد. در واقع دونالد ترامپ حتی از اجرای کامل سیاست‌های تحریم اقتصادی علیه روسیه و در چارچوب «قانون کاتسا» خودداری کرده است.

دونالد ترامپ از سازوکارهای محدودکننده قدرت منطقه‌ای و راهبردی روسیه در حوزه پیرامونی بهره گرفته است. سند امنیت ملی دونالد ترامپ در مقابله با روسیه به‌عنوان قدرت تجدیدنظرطلب تلقی می‌شود. به همین دلیل است که بعد از گسترش بحران اوکراین، زمینه برای محدود کردن تحرک اقتصادی و ژئوپلیتیکی روسیه در نظام جهانی به وجود آمد. الگوی رفتاری آمریکا در برخورد با روسیه را باید در قالب سازوکارهایی همانند محدودسازی و کنترل نگریت. دونالد ترامپ در سند امنیت ملی دسامبر ۲۰۱۷ به این موضوع اشاره دارد که روسیه به گونه تدریجی، موقعیت خود را در سیاست بین‌الملل ارتقاء داده است. ترامپ از روسیه به‌عنوان بازیگری یاد می‌کند که معادله قدرت جهانی را در فضای تجدیدنظرطلبی قرار داده است. بر اساس چنین نگرشی است که می‌توان نشانه‌هایی از رقابت بازیگرانی را ملاحظه کرد که در شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای،

نقش تعیین‌کننده و اثرگذار داشته‌اند. آمریکا و روسیه در ۷۰ سال اخیر دارای بیشترین پیشینه رقابت‌های تاریخی، ژئوپلیتیکی و راهبردی بوده‌اند. تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا به‌عنوان چالشی بنیادین در برابر امنیت ملی و سیاست منطقه‌ای روسیه به حساب می‌آید. طبیعی است که روسیه با چنین سازوکارهایی مقابله خواهد کرد. مقابله روسیه با تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی آمریکا، ماهیت ساختاری داشته که مبتنی بر نشانه‌هایی از سنت روابط گذشته روسیه با بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل به حساب می‌آید. مجموع عوامل حاکی از آن است که در کنار برخی از زمینه‌های همکاری میان روسیه و آمریکا، اختلافات آن‌ها در دوره ترامپ در سطوح دو جانبه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافته است و به‌نظر می‌رسد این روند در دوره ریاست جمهوری ترامپ تشدید خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای رسانه‌ای

اختلافات آمریکا و روسیه در دوره معاصر بخشی از ویژگی‌های روابط میان دو کشور به‌شمار می‌رود. این ویژگی به‌واسطه موقعیت ساختاری آن‌ها در چارچوب نظام بین‌الملل می‌باشد. همان‌طور که همکاری‌های دو کشور ضرورتاً به‌نزدیکی راهبردی آن‌ها منجر نمی‌شود، اختلافات موجود در روابط آن‌ها نیز به‌معنای از بین رفتن همه مسیرهای ارتباطی دوسویه نمی‌باشد. در نتیجه مشاهده می‌شود که با توجه به وزن و موقعیت کشورها در نظام بین‌الملل، رفتار آن‌ها در قبال یکدیگر طراحی می‌شود. در این راستا رفتار ترامپ در خصوص روسیه نیز بر دو بُعد استوار بوده است: فشار مرحله‌ای و همکاری مقطعی. به این معنا که ترامپ برای حل بسیاری از مسایل بین‌المللی و حتی سیاست خارجی آمریکا بر همکاری روس‌ها حساب باز خواهد کرد، اما در عین حال ایجاد محدودیت بر رفتار راهبردی روسیه به‌مثابه عنصر تداومی در روابط دو طرف در دستور کار ترامپ قرار دارد.

در دوره ترامپ استفاده از تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه با قوت پابرجا مانده است، به‌طوری‌که در تصویب لایحه بودجه سال ۲۰۱۹ بسیاری از موضوعات مربوط به تحریم‌های روسیه در اشکال مختلف آن مد نظر قرار گرفته است. حوزه‌های انرژی و صنایع دفاعی در کنار تحریم‌های دیپلماتیک از جمله مواردی هستند که در دوران ترامپ ضمن تبعیت از

روندهای پیش از او، ساختارهای جدیدتری در طراحی آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند. تحریم‌های روسیه توسط آمریکا فرصت مناسبی به‌ویژه از بعد ایجاد همگرایی رسانه‌ای میان رسانه برون‌مرزی ایران و روسیه در تبلیغات علیه هژمونی آمریکا فراهم می‌سازد. در این خصوص، رویکردهای کلان رسانه‌ای برای دستگاه برون‌مرزی رسانه ملی در مورد روابط روسیه و آمریکا را می‌توان این‌گونه سامان‌بخشی کرد:

۱. پیشنهاد می‌شود بر این موضوع تاکید شود که روابط دو کشور در دوره ترامپ از نوسانات زیادی برخوردار خواهد بود. چرا که در ابعاد داخلی و دیپلماتیک، سایه روسیه‌هراسی و شائبه‌های ناشی از دخالت روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا در افکار عمومی و رسانه‌های آمریکایی مکرراً بازتولید می‌شود و تا مشخص شدن نتایج این ابهامات، فضای عمومی درباره روابط با مسکو به‌یقین نخواهد رسید. از سوی دیگر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا درباره مقامات، شرکت‌ها و بانک‌های روسی از منظر نخبگان کرملین به‌مثابه استفاده از ابزار اجبارآمیز در صحنه سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. بنابراین درصدد هستند تا به جای پذیرش تصمیمات واشنگتن، رویکرد کنش متوازن مبتنی بر پاسخ‌های مرحله‌ای را از خود به نمایش بگذارند.

۲. با توجه به استمرار بحران‌هایی همچون اوکراین و سوریه، لازم است تا نشان داده شود فضای رقابتی دو کشور در درجه‌ای از همکاری‌های تاکتیکی تا منازعات محدود در نوسان است. در موضوعاتی همچون بحران سوریه شرایط به‌گونه‌ای مشابه اما با نمایی متفاوت به‌پیش خواهد رفت. چرا که برآوردها از راهبرد ترامپ نشان می‌دهد اولویت واشنگتن همکاری مقطعی با روسیه برای حل برخی بحران‌ها و کاهش هزینه‌های آمریکا در اهداف تاکتیکی و راهبردی است و نه حل و فصل اختلاف‌ها در رابطه دوجانبه.

۳. با حضور کارشناسان مسایل راهبردی ابعاد مختلف خروج آمریکا از پیمان منع به‌کارگیری موشک‌های هسته‌ای میان‌برد در دوره ریاست جمهوری ترامپ به‌ویژه تاثیر آن بر افزایش تعارضات میان مسکو و واشنگتن مورد بررسی قرار گیرد.

۴. لازم است تا برنامه‌ای با دعوت از متخصصان امور حقوق دیپلماتیک پیرامون اقدام غیرقانونی و خلاف پروتکل‌های دیپلماتیک بین‌المللی در بازرسی از کنسولگری‌های روسیه در شهر سان‌فرانسیسکو و نقض مصونیت دیپلماتیک کارکنان این مرکز روسیه توسط پلیس آمریکا تهیه شود.

۵. با دعوت از کارشناسان حقوق بین‌الملل، به ابعاد و آثار مخرب سند بازبینی وضعیت هسته‌ای آمریکا که در آن بر عملیاتی کردن تسلیحات اتمی در دوره جدید تاکید شده است، برنامه‌های تخصصی تولید گردد.
۶. توصیه می‌شود تا یک برنامه کارشناس محور و مستند در خصوص ابعاد غیرعادلانه وضع تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه سایر کشورها که در دوره ترامپ نیز نسبت به کشورهای همچون روسیه و ایران دنبال گردیده است، تهیه و خط سیر این راهبرد مورد پوشش قرار داده شود.
۷. در برنامه‌هایی که با حضور کارشناسان اقتصادی تولید می‌شوند، بر این نکته تاکید گردد که اقدام ترامپ از وضع تعرفه‌ها بر واردات فولاد و آلومینیوم نسبت به کشورهای همچون روسیه، به‌عنوان نماد حمایت‌گرایی اقتصادی و نشانه‌ای از داروینیسیم ملی‌گرا در حوزه اقتصاد محسوب می‌شود.
۸. ضمن اشاره به چرایی تصویب لایحه جامع سیاست‌گذاری در سنای آمریکا طی یک برنامه‌ای کارشناس محور با حضور متخصصان بازارهای تسلیحاتی جهانی، نسبت به تاثیر این لایحه بر مبادلات و قراردادهای تسلیحاتی رقابتی همچون روسیه در عرصه بین‌المللی یک برنامه مفصل راهبردی نظامی تولید گردد.
۹. با حضور کارشناسان اقتصاد بین‌الملل و متخصصان حوزه تحریم، یک برنامه گفتگو محور با موضوع چگونگی واکنش و پاسخ روسیه به تحریم‌های وضع شده توسط ایالات متحده تهیه و براساس آن یک الگوی مشخص از پاسخ‌های مسکو نسبت به این تحریم‌ها طراحی و به نمایش گذاشته شود.
۱۰. ضمن تهیه یک برنامه با محوریت موضوعات حقوق بشری، از زبان حقوقدانان مدعو این نکته مطرح شود که تصمیم ترامپ برای خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل نشان‌دهنده این مسئله است که دولت آمریکا همواره درصدد آن بوده است تا از این شورا برای پیشبرد منافع خود استفاده کند. بنابراین در نتیجه خروج واشنگتن از این شورا به نوعی دچار خودانزواایی از سوی جامعه جهانی در موضوعات حقوق بشری قرار گرفته است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اندرسون، تیم (۱۳۹۶)، **جنگ کثیف در سوریه؛ واشنگتن، تغییر رژیم و مقاومت**، (ترجمه مهدی هدایتی شهیدانی)، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۳)، «بازیگران بحران اوکراین»، **مجله سیاسی - راهبردی بصائر**، ش ۳۴۰، سال ۳۱، صص ۶۱-۵۶.
- پرتو، امین (۹ اسفند ۱۳۹۳)، «تسلیح اوکراین توسط آمریکا: امکان‌ها و پیامدها»، **موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)**، تاریخ مشاهده: ۲۰ تیر ۱۳۹۷، قابل دسترس در:
<http://www.iras.ir>
- سیمبر، رضا و هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۲)، «روندهای متحول در روابط روسیه و ایالات متحده آمریکا (مذاکره و همکاری، رقابت و تعارض)»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال ۱۹، شماره ۸۱، صص ۸۷-۵۹.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای؛ هویت‌گرایی در برابر ساختار‌گرایی»، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۲، شماره ۶۷، صص ۱۹۲-۱۶۵.
- هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۵)، «تبیین الگوهای رفتار رقابتی و همکاری‌جویانه قدرت‌های بزرگ در تعارضات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی در منطقه غرب آسیا»، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران**، جلد دوم، صص ۳۲-۱۵.

منابع انگلیسی

- Ali, Idrees, and Polityuk, Pavel (2017), "Defense Secretary Mattis promises support to Ukraine, says reviewing lethal aid", **Reuters**, 24 Aug 2017, available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-ukraine-mattis/defense-secretary-mattis-promises-support-to-ukraine-says-reviewing-lethal-aid-idUSKCN1B415F>
- **CBS news** (2018), "Trump interview: "I would" hold Putin responsible

- for election interference meddling”, 18 July 2018, available at: <https://www.cbsnews.com/news/trump-on-whether-he-holds-putin-responsible-i-would-because-hes-in-charge-of-the-country/>
- **Guardian** (2017), “It’s an honour to be with you’– Trump and Putin meet at G20 in Hamburg”, 7 Jul 2017, available at: <https://www.theguardian.com/world/2017/jul/07/donald-trump-and-putin-exchange-handshake-at-g20-summit-in-hamburg>
 - Majumdar, Dave (2017), “Russia's Dangerous Nuclear Forces are back”, **National Interest**, 14 Feb 2017, available at: <https://nationalinterest.org/blog/the-buzz/russias-dangerous-nuclear-forces-are-back-19442>
 - McLeary, Paul (2018), “Mattis Makes New Plea to HASC for Russian Sanctions Relief”, **Breaking Defense**, 25 July 2018, available at: <https://breakingdefense.com/2018/07/mattis-makes-new-plea-to-hasc-for-russian-sanctions-relief/>
 - Mehta, Aeron and Gould, Joe (2018), “Ukraine officially cleared to buy Javelin weapons”, **Defense News**, 1 March 2018, available at: <https://www.defensenews.com/global/europe/2018/03/01/ukraine-officially-cleared-to-buy-javelin-weapons/>
 - **Moscow Times** (2018) 'Aggressors Will Be Annihilated, We Will Go to Heaven as Martyrs,' Putin Says, 19 Oct 2018, available at: <https://themoscowtimes.com/news/aggressors-will-be-annihilated-we-will-go-to-heaven-as-martyrs-putin-says-63235>
 - **NDS** (2018), National Defense Strategy of the United States of America, Washington DC.
 - **NPR** (2018), Nuclear Posture Review, Department of Defense of the United States, Washington DC.
 - **NSS U.S.** (2017), National Security Strategy of the United States, Washington DC.
 - **Sputnik** (2017a), “US Imposes Sanctions against 8 Russian Companies”, 25 March 2017, available at:

<https://sputniknews.com/world/201703251051965233-us-russia-sanctions/>

- **Sputnik** (2017b), "Europe Must Be Interested in Improvement of Russian-US Relations - German FM", 31 Dec 2017, available at: <https://sputniknews.com/world/201712311060440926-russian-us-relations/>
- Stolberg, Sheryl Gay (2017), "Senate passes \$700 Billion Pentagon Bill, More Money than Trump sought", **NY times**, 18 Sep 2017, available at: <https://www.nytimes.com/2017/09/18/us/politics/senate-pentagon-spending-bill.html>
- **World Affairs** (2018), "Mattis Sees No Change in Russian Military Capability despite Putin's Speech", 13 March 2018, available at: <https://dod.defense.gov/News/Article/Article/1463160/mattis-sees-no-change-in-russian-military-capability-in-light-of-putins-speech/>

منابع روسی

- **Газета.ру** (2017), "России объявлена полноценная торговая война", 02 августа 2017, доступна на: <https://ria.ru/politics/20170802/1499650356.html>
- **Коммерсантъ** (2018) Чем известен Сергей Скрипаль, 06 Марта 2018, доступна на: <https://www.kommersant.ru/doc/1409946>
- **МИД РФ** (2018), "Комментарий Департамента информации и печати МИД России в связи с публикацией новой ядерной доктрины США", 03 февраля 2018, доступна на: http://www.mid.ru/foreign_policy/news/-/asset_publisher/ckNonkJE02Bw/content/id/3054726

جایگاه الحشدالشعبی در امنیت ملی عراق و نحوه بازنمایی رسانه‌های غربی - سعودی از آن ابوذر گوهری مقدم^۱، محمدرضا عرب^۲

چکیده

پس از نفوذ پدیده‌ی تروریسم تکفیری در عراق و ناامنی‌هایی که در این سرزمین به وجود آمد، الحشدالشعبی به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد، برای تأمین امنیت این کشور تشکیل شد. مقاله‌ی حاضر نقش این گروه در امنیت ملی عراق را در چارچوب نظریه سازه‌انگاری تبیین می‌کند. برای شناخت و تحلیل جایگاه الحشدالشعبی در امنیت عراق، باید به جهان ارزش‌های اجتماعی و انسانی و معانی‌ای که کنشگران این گروه، کنش خود را با آن تفسیر می‌کنند، مراجعه کرد. تلازم هویت دفاع از وطن و تبعیت از مرجعیت دینی، پایه حضور اعضای این گروه در سازمان الحشدالشعبی را برای دفع تهدید بنا نهاد. تکوین هویت ملی عراقی با دیدگاهی وسیع‌تر از مذهب و تعریف هویت غیرخودی در چارچوب تروریسم، توانست گروه‌هایی را با گرایش‌های مذهبی و قومی مختلف به این گروه ملحق کند. این تحدید هویت به معنای تشکیل پایه‌های امنیت مردمی در عراق و دفع هویت تهدیدآمیز غیرخودی بود. تکوین و توسعه ارزش و فرهنگ مبارزه با تروریسم در الحشدالشعبی، اهداف و قاعده‌های جمعی جدید امنیتی و دفاعی را در اعضای این گروه به وجود آورد و موجب تجمع و وحدت ایده‌ی مقاومت در عراق شد. در نتیجه هویت و هنجارهای الحشدالشعبی، موجب تقویت امنیت عراق از طریق کنش عملی مبارزه با داعش گردید.

کلید واژه‌ها: امنیت ملی، الحشدالشعبی، عراق، سازه‌انگاری، برساخت امنیت، هویت

a.gohari@gmail.com

^۱ نویسنده مسئول: استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

emrezaarab@chmail.ir

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، ایران.

مقدمه

منطقه غرب آسیا در سال‌های پس از ۲۰۱۱، صحنه‌ی منازعه و ناامنی بی‌وقفه‌ای بوده که توجه جهان را به خود جلب کرده است. منازعه‌ای که نشئت گرفته از حضور گروه‌های تکفیری در کشورهای این منطقه، به‌ویژه عراق و سوریه بوده است. پژوهش‌هایی در مورد امنیت عراق، ساخت ژئوپلیتیکی منطقه‌ی غرب آسیا و رویکردهای نظامی و سخت‌تولید امنیت انجام شده است. به‌طور خاص درباره الحشدالشعبی آن‌گونه که نگارنده احصا کرده است، در ایران دو پژوهش، توسط یک نویسنده انجام شده است. کتاب «سایه‌روشن حشدالشعبی» با پرداختن به شرایط ساختاری کشور عراق در مقابل تروریست‌ها، الحشدالشعبی را مولود اضطرار معرفی کرده است. سپس با پرداختن به سازمان و خط‌مشی این گروه، تاریخ تشکیل آن و چالش‌های پیرامون آن را بررسی کرده است (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۲۹). مقاله‌ی دیگری در همین زمینه، با معرفی الگوی الحشدالشعبی در عراق به‌عنوان یک الگوی موفق، آن را فرصتی برای محور مقاومت بر بستر بحران تلقی کرده است. این مقاله ضمن اشاره به الزاماتی که الحشدالشعبی برای تقویت خود باید در نظر بگیرد، به رقابت جریان ملی‌گرای عراق و جریان‌ات متمایل به ایالات‌متحده آمریکا با این نیرو اشاره کرده است (آزاد، ۱۳۹۴: ۷۹-۵۱).

دو پژوهش مذکور کمک شایانی به فهم ساختار، تاریخ، زمینه و گروه‌های مختلف در الحشدالشعبی می‌کند. اما با پیروزی‌های متعدد نیروهای مردمی عراق در مبارزه با داعش، نوع تجمیع گروه‌های مردمی، سازمان‌یابی آنان، تقسیم‌بندی در مناطق قومی و مذهبی مختلف عراق و در نهایت نوع اتخاذ رویه‌های عملی در تأمین امنیت این کشور، موجب می‌شود پژوهشگران این پدیده را در ابعاد جدیدتری مطالعه کنند. از طرفی طبق گفته وزیر دفاع عراق، این کشور تا قبل از تشکیل بسیج نیروهای مردمی (الحشدالشعبی) دائماً در مواجهه با تهدید تروریسم با شکست مواجه می‌شد، اما با ایجاد این گروه، عراق توانست مبارزه خود با داعش را سازمان‌دهی کند (العبيدی، ۲۰۱۶/۰۸/۰۳). در این راستا، مقاله‌ی پیش‌رو قصد دارد آنچه «خرد متعارف» در الحشدالشعبی شناخته می‌شود و توانست رویه‌های عملی تأمین امنیت در عراق را تشکیل دهد، واکاوی کند. به بیان دیگر، معانی و برداشت‌هایی را که موجب پویایی عملکرد کنشگران الحشدالشعبی در تهدیدزدایی از عراق

شده است تبیین و تحلیل نماید. برای این منظور فهم چرایی امنیت از منظر کنشگران الحشد الشعبی و چگونگی حصول امنیت ملی و عامل استمرار آن را باید مورد مذاقه قرار داد. از سوی دیگر، فهم شرایط زمینه‌ای ایجاد الحشد الشعبی که موجب دفع تهدید شد و نیز شرایط میانجی و مداخله‌گر مؤثر بر پدیده‌ی امنیت ملی از منظر بازیگران الحشد الشعبی، پژوهشگران را به یافتن پاسخ سؤال اصلی مقاله رهنمون خواهد کرد.

این مقاله ابتدا با تشریح چارچوب نظریه سازه‌انگاری متناسب با موضوع پژوهش، الحشد الشعبی را به مثابه یک گروه امنیتی در نظر می‌گیرد که دارای سه ویژگی است: الف) هویت، هنجارها و ارزش‌های مشترک؛ ب) ارتباط دائم و مستمر بین اعضا؛ ج) ایجاد اهداف مشترک و قاعده‌ی جمعی به دلیل وجود ارتباط بین‌الذهانی. در بخش هویت و هنجارهای مشترک فرضیه‌ی نگارندگان این است که با فتوای آیت‌الله سیستانی، دفاع از وطن و دین به‌عنوان امری مقدس، خودشناختی اعضای الحشد الشعبی را تشکیل می‌دهد که این معنا از طرق مختلف توسط اعضا به اشتراک گذارده می‌شود و اهداف و مسئولیت تولید امنیت را به‌عنوان قاعده‌ی جمعی در اعضای الحشد الشعبی پدید می‌آورد. این قواعد جمعی امنیتی موجب عملکرد کنشگران الحشد الشعبی در عملیات متعددی ضد داعش و تأمین امنیت عراق شده است. کنش عملی و عینی این بازیگران در عرصه‌های مختلف مبارزه با تروریست‌ها و دستاوردهای آنان بخش پایانی مقاله را تشکیل خواهد داد. همچنین با توجه به فعالیت اختصاصی چند شبکه برون‌مرزی صداوسیما در حوزه عربی و عراق، پیشنهادهایی برای برنامه‌سازی در خصوص الحشد الشعبی ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری

امروز در مطالعات امنیت سه جریان غالب وجود دارد که هر کدام برداشت‌های متفاوتی از امنیت ارائه می‌دهند. اولین جریان، شامل نظریات رئالیستی می‌شود که امنیت دولت‌محور و عمدتاً با رویکرد قدرت و با تأکید بر وجه نظامی آن مد نظر است. جریان دوم مطالعات امنیتی، نظریات لیبرالیستی را در بر می‌گیرد که دیدگاه واقع‌گرایانه امنیت ملی را به چالش می‌کشد و بر بُعد جامعه‌محوری آن با افزودن مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،

زیست‌محیطی و اجتماعی، آن را مفهومی چندوجهی معرفی می‌کند. جریان سوم که مورد بحث مقاله‌ی حاضر هست، مبتنی بر دیدگاه‌های سازه‌انگاران یا برساخت‌گرایانه است. بر اساس این دیدگاه، واقعیت‌های اجتماعی ساخته و پرداخته ساختارهای ذهنی-اجتماعی کنشگران جامعه است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۴). نظریه‌ی سازه‌انگاری به این سؤال پاسخ می‌دهد که امنیت و تهدید چگونه در جامعه برساخته می‌شوند. این دیدگاه بر اهمیت هنجارها، هویت و ماهیت‌های فرهنگی تأکید می‌کند و تأثیر آن در معنای مشترک ذهنی امنیت را هدف می‌گیرد (Collins, 2013: 87).

از منظر سازه‌انگاری هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی نقش مهمی در تأسیس و تکوین منافع امنیتی ایفا می‌کند. از طرفی ساختارهای معنایی و هنجاری، متقابلاً بر یکدیگر اثرگذارند و قوام‌بخش یکدیگر هستند. بدین ترتیب در نظریه سازه‌انگاری، برای فهم منافع امنیتی کنشگران باید به جهان معرفتی و هویتی آنان مراجعه کرد. در فرآیند ساخت و فهم هویت نیز عواملی نظیر فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، جهان‌بینی، زبان، ویژگی‌های انسانی - جمعیتی و مذهب تعیین‌کننده هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۴۵-۴۳).

سازه‌انگاران معتقدند مبتنی بر عوامل پیش‌گفته مانند هنجار، هویت و ارزش‌ها، مفهوم امنیت با ویژگی‌های مختص به آن در جامعه برساخته می‌شود. آنگاه این جامعه باید سه ویژگی را دارا باشد تا برساخته‌ی ذهنی امنیت به کنش بدل شود. اولاً اعضای آن جامعه ارزش‌ها، هویت‌ها و معناها را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند تا این ارزش‌ها به صورت ارزشی عام و مشترک تبدیل شوند. ثانیاً اعضای جامعه‌ی امنیتی با یکدیگر ارتباط مستقیم و رو در رو دارند و این ارتباط در زمینه‌های مختلف و نه به صورت ایزوله وجود خواهد داشت. ثالثاً تعامل و رابطه‌ی اعضای جامعه نوعی علایق و اهداف بلندمدت را در آن‌ها به وجود خواهد آورد، این علایق نوعی دانش مشترک به منظور انجام وظیفه و مسئولیت در راستای اهداف برساخته‌ی ذهنی امنیت را تولید خواهد کرد (Adler and Barnett, 2002: 31).

بنابر شاخصه‌های پیش‌گفته که آدلر و بارنت^۱ به آن اشاره کردند، نوعی تعهد و علقه اجتماعی ایجاد می‌شود که قاعده‌ی جمعی را پدید می‌آورد. به تعبیر دیگر ارزش‌ها و معناها

¹ Adler and Barnett

از طریق ارتباط و تعامل، تعهد و علقه اجتماعی را به وجود می‌آورند و از ترکیب علقه و تعهد، قواعد اجتماعی پدید می‌آیند که زمینه‌ساز کنش بازیگران خواهند شد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

الحشد الشعبی به مثابه گروه تولید امنیت

۱) مؤلفه اول: هویت و هنجارهای مشترک در الحشد الشعبی

۱-۱- هویت

سازه‌انگاری واقعیت را در حال شدن^۱ نه بودن^۲ قلمداد می‌کند. «هویت» نیز به‌عنوان امری محوری در سازه‌انگاری، امری برساخته در فرآیند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی است. در چارچوب این هویت، بازیگر تصورات خود از دیگران و اهداف خود را تحدید می‌کند و به کنش می‌پردازد. به بیان دیگر «هویت» تعریف خود یا تعریف «کیستی خود» در مقابل «دیگری» است (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۸). از سوی دیگر، کتزشتاین^۳ معتقد است که شرایط محیطی بازیگر در تکوین هویت او اثرگذار است، به‌نحوی که شرایط محیطی نوع هدف و منافع هویتی او را مشخص‌تر می‌کند (کتزشتاین، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۵). بنابراین باید برای تشریح چگونگی تکوین هویت کنشگران الحشد الشعبی شرایط محیطی اثرگذار بر هویت و نیز تعریفی که این بازیگران از خود دارند را بیان کنیم.

در شرایط شکنندگی ساختار سیاسی و نظامی عراق و نیز آشفتگی مدنی و هراس عمومی، داعش فرصت رشد و توسعه یافت و توانست طی مدت کوتاهی بخش‌های زیادی از غرب و شمال عراق را تصرف کند (نظری و السیمری، ۱۳۹۳: ۷۷). در پی چنین شرایطی آیت‌الله سیستانی مرجعیت عالی عراق، دفاع از کشور را واجبی مقدس و مسئولیت شرعی و ملی دانست و فتوای جهاد کفایی را فارغ از معیارهای قومی اعلام کرد (الحامد، ۲۰۱۵: ۳). پس از اعلام این فتوا گروه‌های مردمی شیعه هسته‌های الحشد الشعبی را با محوریت دفاع از وطن تشکیل دادند و پس از حدود یک سال بخشی از عشایر سنی استان انبار تحت عنوان الحشدالعشایری فعال شدند. مطابق گزارشی که بنیاد کارنگی از الحشد الشعبی ارائه کرده

¹ becoming

² being

³ Katzinstein

است، پس از اعلام فتوا، تعداد نیروهای داوطلب با عنوان واجب دینی برای دفاع از کشور و اماکن متبرکه عراق آن قدر زیاد شد که دولت توان گنجاندن آن ذیل نیروهای ارتش را نداشت و لذا داوطلبان برای شرکت در جنگ، خود گردان‌هایی را تشکیل دادند (Mansour, 2016).

بر اساس شواهد پیش‌گفته، شرایط محیطی عراق موجب شد گروه‌های مردمی، مبتنی بر دعوت آیت‌الله سیستانی، امنیت کشور را به‌مثابه امری مقدس و وظیفه‌ای شرعی و ملی در ذهن تولید کنند. تولید این معنا در اذهان بازیگران الحشدالشعبی، هویت سازمانی آنان و تحدید تعریف خود و دیگری (غیرخودی) را شکل داد؛ طوری که پدیده‌ی داعش به‌عنوان تهدید اول عراق و در مقابل تشیع هویت نیروهای مردمی این کشور تلقی شد.

۲-۱- هنجارها

از سوی دیگر عواملی به‌عنوان هنجار، قوام‌بخش هویت در الحشدالشعبی هستند. از منظر این مقاله، هنجارها انتظاراتی را در مورد شکل مناسبی از هویت‌ها برای یک زمینه معین ایجاد می‌کنند. به بیان دیگر هنجارها، موجب تنظیم^۱ و شناسایی و تأیید یک هویت خاص می‌شوند که قادر هستند مسئولیت کنشگران را در معانی ذهنی آن‌ها جایابی کنند (کتزنتاین، ۱۳۹۰: ۸۹-۸۸). هنجارهایی در الحشدالشعبی قوام‌بخش، تنظیم و تأییدکننده هویت امنیتی و ضد تروریستی بودن آن هستند که مختصراً به آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از هنجارهایی که هویت امنیتی و ضد تروریستی را تقویت می‌کند، گفتمان اسلامی است. الحشدالشعبی با الهام از تعالیم اسلام، جهاد با متجاوزان را به‌عنوان ارزش تلقی می‌کند که تخلف بدون عذر از آن مستوجب عقاب الهی است. بر این اساس گروه‌های مردمی با مبارزه با داعش و گروه‌های تهدیدکننده، جهاد را به هنجاری تبدیل کردند که عمومیت یافتن آن در سطح مردمی به‌عنوان محرکی برای دیگر افراد عمل کرد.

از سوی دیگر، گروه‌های مختلف الحشدالشعبی با اذعان به اینکه از مرجعیت دینی تبعیت می‌کنند، پیروی از دستورات مقام معنوی را به‌عنوان هنجاری در نظر می‌گیرند که در شکل‌گیری هویت آن‌ها نیز تأثیر فراوانی دارد. مقامات و اعضای الحشدالشعبی در مصاحبه‌های مختلف علت حضور خود در نبرد با تروریسم را تبعیت و پاسخ مثبت به مرجعیت دینی بیان کرده‌اند (no- terrorism, 2016). شایان ذکر است که مرجعیت عالی

¹ regulation

عراق با فتوای خود موجب تشکیل الحشد الشعبی شد اما پیگیری برخی از رویه‌ها در الحشد الشعبی، منجر به این شد که آیت‌الله سیستانی موضع حمایتی رسمی از تشکیلات الحشد الشعبی اتخاذ نکند.

از دیگر هنجارهایی که در اذهان اعضای الحشد الشعبی، موجب تقید آنان به حضور در ساختار امنیتی عراق شده است مسئله‌ی تهدید انگاشتن تروریسم برای اماکن متبرکه در عراق است. این هنجار توسط نگاه تاریخی و فرهنگی که به امام حسین (ع) و سختی‌هایی که در راه جهاد برای خداوند متعال متحمل شده است، تقویت می‌شود. الگو قرار دادن شیوه‌ی امام حسین (ع) در معانی بین‌الذهانی اعضای الحشد الشعبی به قدری اهمیت یافته است که بسیاری از اسامی گردان‌های بسیج مردمی عراق با فرهنگ عاشورا ارتباط مستقیم دارد. به عنوان نمونه می‌توان به گروه‌های «کتاب الامام الحسین»، «کتاب القیام الحسینی»، «کتاب زینب العقیله»، «کتاب الطفل الرضيع» اشاره کرد (آزاد، ۱۳۹۵: ۵۸).

۲ مؤلفه‌ی دوم: ارتباط مستمر و دائم اعضا

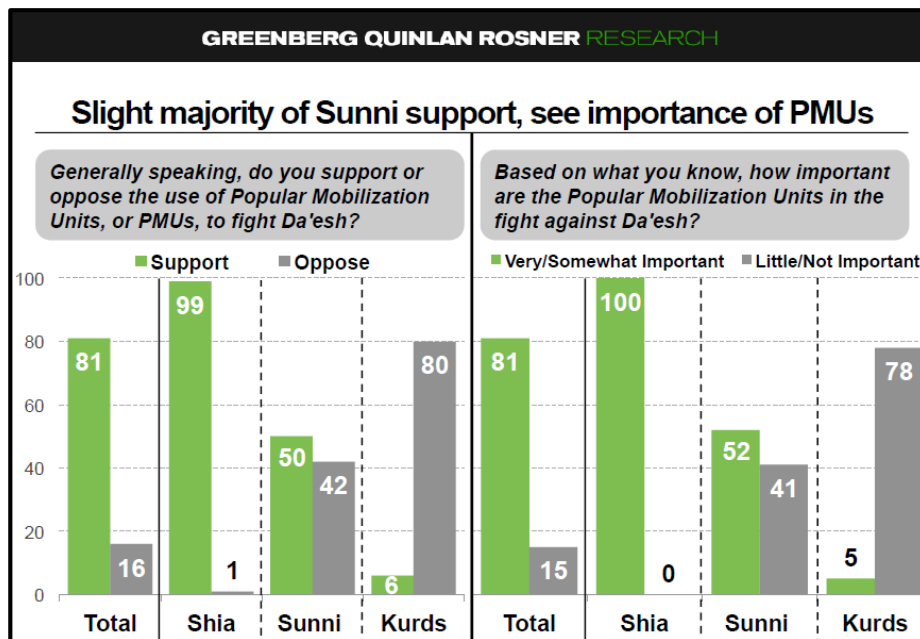
همانطور که در بخش چارچوب نظری بیان شد، دومین ویژگی جمعی از انسان‌ها که امنیت در آن‌ها با ویژگی‌های خاص ذهنی بر ساخته شده است، وجود ارتباط دائم و مستقیم و در زمینه‌های مختلف است. انسان‌ها از طریق تعامل و ارتباط با محیط و اجتماع، شبکه‌هایی ایجاد می‌کنند که منجر به تولید معنا می‌شود. به دیگر سخن، ارتباط فرآیند به اشتراک‌گذاری معنا از طریق تبادل اهداف، عواطف، منافع و ایدئولوژی است. ارتباط بین اعضای جامعه، منبع کلیدی تولید معنای اجتماعی است. هر چه این ارتباط تعاملی‌تر بوده و بیشتر قابلیت پیکره‌بندی خود را داشته باشد، بیشتر مشارکتی خواهد بود. در پی این ارتباط یک نوع همدلی شناختی^۱ پیدا خواهد شد که هم‌اندیشی و ساخت قواعد جمعی از آن منتج می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۳-۱۳).

۲-۱- مناسک مذهبی

الحشد الشعبی نیز به‌مثابه جامعه تولید امنیت دارای ویژگی ارتباط بین‌الاعضا است که معنایی اجتماعی را در ذهن آنان تولید و تثبیت می‌کند. این ارتباط در اعضای الحشد الشعبی از طرق مختلفی امکان‌پذیر شده است. اولین زمینه ارتباط، برنامه‌های جمعی است که

^۱ cognitive empathy

سازمان‌های مربوط به الحشد الشعبی مانند سازمان بدر ملهم از الگوی بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، برگزار می‌کنند (نایتس، ۲۰۱۶: ۱). از سوی دیگر مراسم‌های مذهبی و مناسک دینی به‌ویژه موضوع زیارت ائمه اطهار (ع)، ارتباط و گفتگو بین گروه‌ها و اعضای الحشد الشعبی را افزون کرده است. این افراد با حضور در اماکن متبرکه و بعضاً با یونیفرم «هیئه الحشد الشعبی» و اجتماع در این مکان‌ها معانی ذهنی خود را مستقیماً و رو در رو به اشتراک می‌گذارند. بیشتر عراقی‌ها با دیدن این افراد و گفتگو با آنان قادر هستند به راحتی به تشکیلات الحشد الشعبی بپیوندند، زیرا تشکیلات این نیرو چتری گسترده بر سر مردم عراق گشوده است. این معانی و ارتباط مستقیم یکی از عواملی است که مردم عراق حضور در الحشد الشعبی را بر عضویت در ارتش عراق ترجیح می‌دهند. این موضوع را می‌توان از محبوبیت بالای الحشد الشعبی به‌ویژه در میان شیعیان عراق دریافت کرد (منصور و عبدالجبار، ۲۰۱۷: ۲۰-۱۸).



(شکل ۱: میزان محبوبیت الحشد الشعبی، منبع: GQRR.COM)

۲-۲- فرهنگ قومی و قبیله‌ای

از سوی دیگر برخی گروه‌های الحشد الشعبی، مبتنی بر فرهنگ قبیله‌ای و قومی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. گردان‌های الحشد العشایری و الحشدالترکمانی این ویژگی‌ها را دارند. الحشدالعشایری متشکل از گروه‌های اهل تسنی هستند که خواستار مبارزه با داعش هستند. این گروه‌ها به دلیل پیوند مذهبی مشترک تعامل و انسجام بیشتری دارند. گروه‌های ترکمانی نیز به دلیل ویژگی زبانی و قومی خود با فهم خاص خود به الحشد الشعبی پیوسته‌اند و معانی ذهنی خود را با یکدیگر به اشتراک گذاشته‌اند و در عرصه‌های نبرد حضور یافته‌اند (همان).

۲-۳- رسانه‌های اجتماعی

یکی دیگر از ابزارهای ارتباطی که کمک کرده است بازیگران الحشد الشعبی با یکدیگر ارتباط داشته باشند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که به تعبیر مانوئل کاستلز^۱ به نوعی ذهن-های این افراد را «شبکه‌بندی» کرده است. تولید نمادها و سرودها با محتوایی همسو با هویت و هنجارهای این گروه از سوی بخش رسانه‌ای الحشد الشعبی و به اشتراک گذاشتن آن توسط افراد این گروه، به ساختار ذهنی این افراد انسجام بیشتری داده است (al-hashed, 2017).

۲-۴- نبرد مشترک

آخرین مسیری که اعضای الحشد الشعبی در آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، عرصه‌های نبرد با داعش و زمان‌هایی است که برای نبرد آماده می‌شوند. کنش عملی و عینی ضد تهدیدی اعضای الحشد الشعبی در مبارزه با تروریست‌ها و ارتباط مستقیم آنان در یک عمل مشترک نظامی یکی از اثرگذارترین شیوه‌های تعمیق معنا در اذهان این افراد تلقی می‌شود. آنان با دیدن هم‌رزم‌های خود در میدان نبرد، معانی ذهنی خود را تثبیت می‌کنند. بنابراین اعضای الحشد الشعبی به مثابه یک جامعه برای تولید معنای مشترک ذهنی اجتماعی، با یکدیگر ارتباط دائم دارند. این ارتباط از راه‌های گوناگون میسر شده است که شامل برنامه‌های جمعی سازمان‌های مربوط به الحشد الشعبی، مراسم‌های مذهبی،

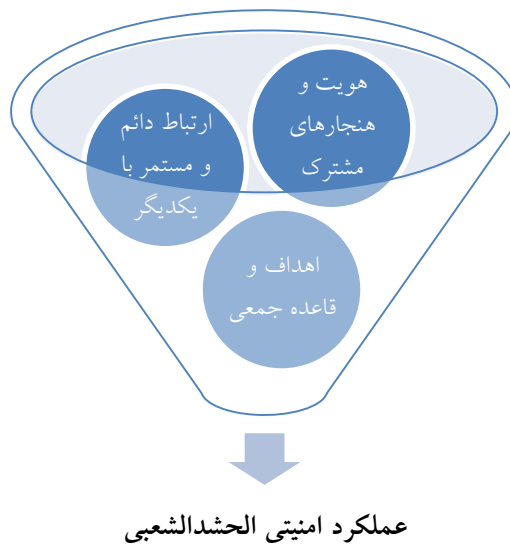
¹ Manuel Castells

فرهنگ‌های قبیله‌ای و قومی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و نهایتاً ارتباط در عرصه‌های نبرد می‌شود.

۳) مؤلفه‌ی سوم: ایجاد اهداف مشترک و قاعده جمعی برای انجام مسئولیت

هویت و هنجارهای مشترک از سویی و ارتباط مستمر بین اعضای الحشدالشعبی از سوی دیگر، نوعی دانش و اهداف مشترک و بلندمدت را در ذهن این افراد ایجاد می‌کند. این اهداف و منافع مشترک، قاعده‌ها و مسئولیت جمعی را پدید می‌آورد که اعضای خود را به انجام آن و فداکاری در راه دستیابی به آن ملزم می‌کنند (اختیاری‌امیری، ۱۳۹۴: ۵).
اعضای الحشدالشعبی مبتنی بر هویت دفاع از وطن و با وجود هنجارهای تنظیم و تقویت‌کننده و همچنین با به اشتراک‌گذاری معانی ذهنی از طریق تعامل و ارتباط، قواعد جمعی را برای گروه خود شکل داده‌اند. برخی از این قواعد ذهنی، در ادامه بررسی می‌شود.
اولین هدف و قاعده، مبارزه و بیرون راندن داعش از سرزمین‌های عراق در راستای هویت دفاع ملی است. دومین هدف به‌عنوان قاعده‌ای جمعی، آزادسازی مردم عراق از تروریست‌های تکفیری داعش مطرح شده است. سومین قاعده، کمک کردن به مردمی که قادر به مبارزه نیستند و در چنگال تروریست‌های تکفیری گرفتار آمده‌اند. چهارم، حفظ امنیت و بقای همه‌ی اماکن متبرکه به‌ویژه حرم‌های ائمه‌ی اطهار (ع) به‌عنوان هدف در نظر گرفته شده است. پنجم، حفظ عراق به‌عنوان یک کشور یکپارچه و جلوگیری از تجزیه آن و نیز حفظ ثروت‌های نفتی و تاریخی آن از اهداف الحشدالشعبی قلمداد شده است (Duman, 2015: 10).

از به وجود آمدن اهداف و قواعد مشترک، کنش‌هایی از الحشدالشعبی به‌عنوان یک نیروی امنیتی در عراق به وجود است. این کنش‌ها که عمدتاً رنگ و بوی نظامی دارند منجر به دستاوردهای موفقیت‌آمیز در تأمین امنیت و مبارزه با تروریسم و بیرون راندن داعش از عراق شده است. بخش بعدی مقاله به بررسی کنش‌ها و دستاوردهای الحشدالشعبی اختصاص یافته است. شکل دو تبیین‌کننده فرآیند تولید کنش بر مبنای معانی ذهنی است.



(شکل ۲. فرآیند تولید کنش امنیتی بر مبنای معانی ذهنی)

دستاوردهای الحشد الشعبی در تأمین امنیت ملی عراق

۱- ایجاد فرصت برای بازسازی ارتش

خالد العبیدی وزیر دفاع عراق در مصاحبه‌ای با شبکه‌ی پرس تی‌وی به نقش الحشد الشعبی در ایجاد فرصت برای بازسازی ارتش اشاره کرد و افزود: «با آغاز حملات داعش در تابستان ۲۰۱۴ حدود ۷۰ هزار سرباز و افسر عراقی از سمت‌های خود کناره‌گیری کردند. سلاح‌ها، مهمات و بخش زیادی از تجهیزات ارتش از دست رفته بود و طبق برآوردهای گروه‌های ویژه در وزارت دفاع، خسارت مالی ما از زمان سقوط موصل و شهرهای دیگر چیزی حدود ۲۷ میلیارد دلار بود. در این شرایط، نیروهای بسیج مردمی عراق شروع به دفاع از مناطقی کردند که خطر داعش آن‌ها را تهدید می‌کرد. آن‌ها فداکاری‌های فراوانی انجام دادند و صادقانه بگویم وجود آنان باعث شد ما زمان کافی برای بازسازی ارتش به دست آوریم. ما اقدامات زیادی با هدف اصلاح انجام دادیم، این اصلاحات زمینه‌های مختلفی از جمله اصلاحات اداری، مبارزه با فساد، جابجایی فرماندهان و ژنرال‌ها را در برمی‌گرفت». این بازسازی باعث شد ارتش بتواند روحیه خود را به دست آورد و در عملیات بعدی به پیروزی برسد (العبیدی، ۲۰۱۶/۸/۳).

۲- شکست محاصره و آزادسازی آمرلی

وقایع آمرلی از ژوئن ۲۰۱۴ (خرداد ۱۳۹۳) آغاز شد. گروه تکفیری داعش این شهر و ۳۶ روستا را که در شرق استان صلاح‌الدین واقع شده بودند، تحت سیطره خود درآورد. اکثر جمعیت آمرلی را شیعیان ترکمان تشکیل می‌دهند. داعش این شهر را ۸۶ روز در محاصره داشت و کمک‌های هوایی نیز در این مدت برای ساکنین کفایت نمی‌کرد. نهایتاً در اوت ۲۰۱۴ (شهریور ۱۳۹۳) نیروهای بسیج مردمی به فرماندهی هادی‌العامری توانستند راهی خشکی را از ناحیه‌ی «سلیمان بیک» و «قضاء‌العظیم» باز کنند و محاصره این شهر را بشکنند. بلافاصله تثبیت شکست محاصره و پاک‌سازی همه روستاهای این شهر در دستور کار قرار گرفت و با رسیدن کمک‌های غذایی به مردم و بیرون راندن افراد داعش از منطقه، آمرلی آزاد شد. در این عملیات شاخه‌ی نظامی سازمان بدر، عصاب اهل‌الحق، سرايا السلام و کتائب حزب‌الله مشارکت داشتند (الحشدالشعبی، ۲۰۱۶/۱۲/۲۷).

۳- آزادسازی شهر استراتژیک جرف‌الصخر

جرف‌الصخر، منطقه‌ای مثلثی شکل با جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر است که در حد فاصل کربلا و بغداد قرار دارد. این شهر از غرب نیز به استان الانبار متصل می‌شود. به عبارت بهتر، جرف‌الصخر، دروازه ورود به کربلا، بغداد و استان‌های جنوبی عراق است. با آزادسازی این منطقه از اشغال داعش، نه تنها خطر از شهرهایی چون کربلا، نجف و بغداد دور شد، بلکه مقدمه آزادی مناطق دیگر مثل شهر فلوجه هم فراهم آمد. فلوجه در غرب جرف‌الصخر قرار دارد (Washington post, 29 October 2014).

عملیات آزادسازی جرف‌الصخر در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴ (۲ آبان ۱۳۹۳) با نام «عاشورا» آغاز شد. در این عملیات گروه‌های الحشدالشعبی در سه محور اصلی یعنی منطقه «الفاضلیه» و منطقه «عبدویس» و نهایتاً مرکز شهر جرف‌الصخر حضور داشتند. این عملیات طی سه روز با آزادسازی کامل شهر به مساحت ۱۹۳ کیلومتر مربع و با کشته شدن ۱۲۰ نفر از اعضای داعش به پیروزی رسید. نام این شهر پس از آزادسازی به جرف‌النصر (ساحل پیروزی) تغییر یافت (الحشدالشعبی، ۲۰۱۴/۱۲/۲۸).

۴- آزادسازی دیالی

استان دیالی در شرق عراق از استان‌هایی است که با ایران مرز مشترک دارد. حدود ۶۵ الی ۷۵ درصد ساکنان این استان از اهل سنت هستند. منطقه «عظیم» به دلیل عبور راه مواصلاتی «بغداد الشمال» و ارتباط بغداد و استان‌های شمالی از این ناحیه، مهم‌ترین بخش این استان است. بسته شدن راه «بغداد الشمال» توسط داعش مشکلات عدیده‌ای برای شهروندان و کامیون‌های تجاری به وجود آورده بود. در نهایت این استان در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵ (۴ بهمن ۱۳۹۳) به طور کامل آزاد شد. فرمانده نیروهای الحشد الشعبی در این عملیات هادی العامری بود. در این عملیات بیش از ۳۰۰ نفر از عناصر منتسب به داعش به هلاکت رسیدند (الحشد الشعبی، ۲۰۱۶/۱۲/۲۹).

۵- آزادسازی تکریت

تکریت دومین شهر بزرگی بود که بعد از موصل به دست داعش افتاد. تکریت مرکز استان صلاح‌الدین است که در کرانه‌ی شرقی رود دجله و در فاصله‌ی ۱۸۰ کیلومتری شمال بغداد و ۳۳۰ کیلومتری جنوب موصل واقع شده است. بزرگ‌ترین عملیات کشتار جمعی شیعیان توسط داعش در این شهر اتفاق افتاد؛ به نحوی که طی این جنایت ۱۷۰۰ نفر از دانشجویان شیعه و نظامی غیرمسلح در پایگاه آموزشی نیروی هوایی عراق (اسپایکر)^۱ به شهادت رسیدند. در ۲ آوریل ۲۰۱۵ (۱۳ فروردین ۱۳۹۴) نیروهای الحشد الشعبی به کمک نیروهای ارتش، عملیات آزادسازی تکریت را آغاز کردند و توانستند ظرف مدت کوتاهی این شهر را به محاصره درآورند. در تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۵ (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴) در پرچم عراق در مرکز تکریت توسط نیروهای بسیج مردمی، به اهتزاز درآمد. در این عملیات طوایف عشایر از جمله طایفه‌ی «ابن‌الجنوب» و «ابن‌الجبور» نیز مشارکت کردند که وحدت مردم عراق را در مبارزه با داعش نشان داد (الحشد الشعبی، ۲۰۱۷/۱/۱۷).

۶- عملیات لبیک یا رسول‌الله

الحشد الشعبی از بدو تشکیل طی ۵۵۰ روز نبرد مستمر و در دو عملیات بزرگ لبیک یا رسول‌الله (ص) ۱ و ۲، بیش از ۱۹ شهر و ۵۱ روستا به مساحت ۱۷۵۰۰ کیلومتر مربع را از کنترل داعش خارج کرد. این مقدار معادل یک سوم اراضی اشغال شده توسط داعش در

^۱ Camp Speicher

عراق بود. این محدوده شامل دو حوزه نفتی عجیل و علاس نیز بود که داعش روزانه معادل ۲۰ هزار بشکه نفت از آن استخراج می‌کرد (آزاد، ۱۳۹۵: ۸۶). عملیات لبیک یا رسول‌الله (ص) دو در تاریخ ۲۹ می ۲۰۱۵ (۸ خرداد ۱۳۹۴) آغاز شد. مرحله نخست این عملیات منجر به آزادسازی تکریت و مرحله دوم عملیات برای آزادسازی مساحتی بالغ بر ۱۰۰۰ کیلومتر مربع طراحی شد که شامل بیجی، شرقاط و الحویجه و بعضی از مساحت محیط بر آن‌ها می‌شد. در این عملیات ۵۰۰ نفر از اعضای داعش که عمدتاً چچنی بودند به هلاکت رسیدند (الحشدالشعبی، ۲۰۱۶/۱۲/۳۱).

۷- آزادسازی فلوجه

فلوجه شهری است در استان الانبار عراق؛ در ۶۰ کیلومتری غرب بغداد، این شهر با جمعیت حدود ۴۰۰ هزار نفری در جاده بغداد به اردن قرار گرفته است و غالب ساکنان این شهر را اهل تسنن تشکیل می‌دهند. الانبار که بزرگ‌ترین استان عراق است، در غرب این کشور قرار گرفته است. این استان مرز مشترک عراق با سه کشور سوریه، اردن و عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد و از لحاظ ژئوپلیتیک از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین به واسطه نزدیکی به بغداد، عمده عملیات تروریستی در بغداد نیز از همین شهر برنامه‌ریزی و انجام می‌شده است. بنابراین آزادسازی این شهر نقش عمده‌ای در تأمین امنیت بغداد و استان‌های مرکزی و جنوبی عراق داشت (موسوعه الجزيرة، ۲۰۱۵/۷/۱۴).

عملیات آزادسازی فلوجه با نام «۱۵ شعبان» در ۲۳ می ۲۰۱۶ (۳ خرداد ۱۳۹۵) کلید خورد. در این عملیات بیش از ۴۷ موقعیت و روستای محیط به شهر فلوجه آزاد و بیش از ۸۰۰۰ شهروند توسط نیروهای امنیتی به مکان‌های امن انتقال داده شدند. بیش از ۲۵۰۰ عنصر داعشی شناسایی شدند و در حین عملیات حدود ۸۰۰ نفر از آنان کشته شدند. عملیات حدود ۱۲ روز به طول انجامید و حدود مناطق در نظر گرفته شده برای عملیات بین ۷۰۰ تا ۷۵۰ کیلومتر مربع بود. این عملیات منتج به آزادسازی مناطق مدنظر و محاصره مکان‌های مورد اتفاق نیروهای امنیتی عراق شد (الحشدالشعبی، ۲۰۱۷/۱/۱۵).

۸- عملیات موصل

مهم‌ترین عملیاتی که به‌طور مشترک توسط نیروهای نظامی عراق و الحشدالشعبی انجام گرفت، عملیات آزادسازی موصل بود. این شهر مقر فرماندهان و رهبران داعش بود و به‌علت

تعداد زیاد ساکنان این شهر و ویژگی جغرافیایی آن، عملیات آزادسازی موصل با دشواری‌های بسیاری همراه بود. بالاخص در منطقه «الموصل القديمة» که کوچه‌ها و خیابان‌ها دارای عرض کمی هستند، استفاده از نوع سلاح‌ها نیز اهمیت داشت و به همین دلیل عملیات آزادسازی این شهر با کندی پیش رفت (المهندس، ۲۰۱۷/۱/۳). پیش از آغاز این عملیات، عراق تصمیم گرفت ابتدا ارتباط بین فرماندهان داعش را با سوریه و دیگر نقاط عراق قطع و راه‌های ارتباطی این گروه تروریستی برای دستیابی به سلاح را مسدود نماید و سپس عملیات آزادسازی آغاز شود.

عملیات آزادسازی موصل که حیدرالعبادی نخست وزیر وقت عراق آن را «قادمون یا نینوی» نامید به صورت مرحله به مرحله کلید خورد. مرحله اول، آماده‌سازی و حضور نیروهای نظامی و بسیج مردمی در پایگاه القیارة و مناطق محیط به موصل بود. مرحله بعدی، پاکسازی و تأمین سرزمین‌ها و راه‌های اطراف موصل بود تا بتوان آرام آرام شهر را محاصره کرد. پس از محاصره، نوبت به ورود نیروهای عراقی و بسیج مردمی به این شهر رسید. حمله و ورود به شهر موصل در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶ (۲۶ مهر ۱۳۹۵) طی عملیات گسترده‌ای با مشارکت ارتش، نیروهای پیشمرگه کرد و الحشد الشعبی کلید خورد. در ۱ نوامبر ۲۰۱۶ (۱۱ آبان ۱۳۹۵) ارتش اعلام کرد برای اولین بار پس از سیطره داعش بر این شهر، وارد موصل شده است. در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶ الحشد الشعبی راه اصلی موصل به رقه را که پایگاه اصلی داعش در سوریه است، قطع کرد. در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۶ (۹ دی ۱۳۹۵) نیروهای عراقی شروع بخش دوم عملیات آزادسازی موصل را با حمله به محورهای شرقی، شمالی و جنوب شرقی اعلام کردند (المیادین، ۲۰۱۷/۷/۴).

عملیات آزادسازی بخش‌های غربی موصل نیز پس از آزادی شرق موصل کلید خورد. در نهایت موصل در جولای ۲۰۱۷ آزاد شد. همچنین در مدت ۹ ماهه عملیات، گروه تروریستی داعش مورد هدف ارتش و الحشد الشعبی و دیگر گروه‌های نظامی قرار گرفت و نابود شد (aljazeera.com, 10 July 2018).

۹- عملیات قائم

آخرین عملیاتی که نیروهای الحشد الشعبی انجام دادند، عملیات آزادسازی شهرهای مرزی القائم و راه بود. با آزادسازی این دو شهر در مرزهای غربی عراق و نیز آزادسازی شهر البوكمال در کشور سوریه، داعش تقریباً از بین رفت و نیروهای الحشد الشعبی به اهداف و

قواعد جمعی خود در عرصه‌ی آزادسازی عراق و بیرون راندن تروریست‌ها از این کشور دست یافتند.

۱۰- کنش الحشدالشعبی در تقویت وحدت شیعه و سنی برای تأمین امنیت

یکی دیگر از عملکردهای الحشدالشعبی در راستای تأمین امنیت که جنس آن با رویه‌های پیش‌گفته قدری متفاوت است مربوط به وحدت شیعه و سنی می‌باشد. الحشدالشعبی با محوریت جذب نیروهای مردمی از دل جامعه عراق، توانست یک نوع مشارکت عمومی را در برخورد با تروریسم تحقق بخشد. برقراری امنیت در سایه این مشارکت عمومی قادر است امنیت پایدارتری را در طولانی مدت برای عراق رقم بزند. از سوی دیگر تکیه نکردن الحشدالشعبی بر شیعی بودن نیروها، و تأکید این سازمان بر لزوم مبارزه همه مردم عراق از هر قوم و مذهب با تروریسم توانست یک نوع وحدت را برای مردم عراق به ارمغان بیاورد (حلفی، ۱۳۹۵: ۴۶). تشتت قومی و فرقه‌ای در عراق یکی از عوامل اصلی شکست‌های این کشور در گذشته در برابر تروریسم و مشکلات جاری در عراق بوده است، اما نیروی «الحشدالشعبی» تلاش کرده است الگویی از همزیستی و اتحاد میان شیعه و سنی را به نمایش گذارد و موفقیت‌هایی هر چند کوچک در این زمینه کسب کرده است.

الحشدالشعبی مطابق قانون در رابطه با موازنه مذهبی نیروهای خود، در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ موظف شد ۳۰ درصد از نیروهای خود را از غیرشیعیان جذب کند و در قانون جدید موازنه در سال ۲۰۱۷ موظف است نسبت اعضا را در جذب نیرو رعایت کند. ابومهدی المهندس از فرماندهان الحشدالشعبی در مصاحبه با شبکه المیادین با اشاره به این موضوع گفت: «حدود یک‌چهارم تا یک‌سوم از نیروهای الحشدالشعبی از غیرشیعه و نیز از قومیت‌های دیگر از جمله سنی‌ها، مسیحی‌ها، ایزدی‌ها و عشایر هستند. او افزود فتوای جهاد کفائی آیت‌الله سیستانی فقط متوجه شیعیان نبود بلکه متوجه همه شهروندان عراقی اعم از شیعه و سنی بود، همچنان که در ضلوعیه^۱ اهل سنت به سرعت به الحشدالشعبی پیوستند. همچنین لازم به اشاره است که پس از بازپس‌گیری شهرهای عراق توسط الحشدالشعبی، این شهرها به دست ساکنان آن‌ها سپرده شده است؛ به‌عنوان نمونه تکریت، فلوجه و خالدیه پس از آزادسازی، در اختیار شهروندان آن‌ها قرار گرفت» (المهندس،

^۱ Dhulu'iyā

۲۰۱۷/۱/۳). بنابراین الحشد الشعبی برای تصرف شهرها یا فشار بر اهل سنت یا تغییر نسبت ساکنین شهرها علیه داعش اقدام نکرده بلکه برای یکپارچگی عراق و نیز وحدت شیعه و سنی، شهرها را از اشغال داعش آزاد کرده است.

در چارچوب همین سیاست، فرمانده الحشد الشعبی در جلسه با سران عشایر بر این نکته تأکید می‌کند که پس از آزادسازی شهرها نیروهای بسیج مردمی بیش از دو الی سه هفته در منطقه باقی نخواهند ماند و سپس منطقه را به اهالی آن تحویل خواهند داد (المهندس، ۱۳۹۶/۴/۲۳). الحشد الشعبی با پیشبرد این رویکرد در پارلمان عراق هم توانست علاوه بر آرای شیعیان، آرای نمایندگان غیر شیعه را نیز جذب کند به طوری که در تصویب بودجه الحشد الشعبی در پارلمان، از ۲۰۸ رای موافق نمایندگان، ۱۴۵ رای از نمایندگان شیعه و ۶۳ رای از غیر شیعه، شامل نمایندگان ترکمانی و کرد و اهل سنت بود (همان).

کنش‌های الحشد الشعبی پس از گذر چند سال منجر به پایان سازمان داعش در عراق شد و این گروه به صورت یک سازمان منسجم در عراق وجود ندارد. بازشماری کنش‌های الحشد الشعبی در عرصه‌های نظامی، نشان از عملکرد گسترده و موفقیت‌آمیز این گروه در تأمین امنیت در عراق دارد.

بازنمایی الحشد الشعبی در رسانه‌های غربی و سعودی

رسانه‌های معارض جریان مقاومت در منطقه و غرب از ابزارهای مختلفی برای تصویرسازی نادرست از الحشد الشعبی استفاده می‌کنند تا آن را به عنوان یک تهدید و نه یک نیروی ضدتروریسم نشان دهند. در ادامه محورهایی که رسانه‌های غربی و سعودی به آن می‌پردازند بیان می‌شود:

۱- فرقه‌گرایی

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین و بارزترین سیاست رسانه‌های معارض در قبال الحشد الشعبی، تأکید بر فرقه‌گرا بودن این گروه است. این رسانه‌ها با تأکید بر اینکه اعضای الحشد الشعبی شیعیان هستند، آن را به عنوان تهدیدی برای موجودیت اهل سنت در عراق عنوان می‌کنند؛ که در صورت پیروزی بر داعش، عنان شهرهای فتح شده را در دست خواهند گرفت و اجازه ورود اهل سنت به خانه‌هایشان را نخواهند داد تا بدین صورت ترکیب جمعیتی شهرهای سنی نشین در عراق را تغییر دهند. رسانه‌های مذکور دائماً با القای دوقطبی

شیعه و سنی سعی دارند شیعه را به‌عنوان دشمن اهل سنت معرفی کنند (عرب، ۱۳۹۵: ۳). شکست داعش در عراق و تحویل شهرهای آزاد شده از سوی الحشدالشعبی به ساکنان آن، بی‌اساس بودن ادعاهای رسانه‌های محور غربی-عبری-عربی را نشان داد.

۲- ثبات و امنیت در عراق

از دیگر محورهایی که رسانه‌های معارض به تبعیت از اظهارات برخی مقامات آمریکایی دنبال می‌کنند، این است که الحشدالشعبی را مانعی برای برقراری ثبات اجتماعی و سیاسی در عراق معرفی نمایند. این جریان رسانه‌ای با تاکید بر این ادعا که الحشدالشعبی ساختار خود را از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته است و ایران مهم‌ترین عامل عدم برقراری ثبات و امنیت در منطقه است، مدعی است گرایش‌های مذهبی و ایدئولوژیک موجود در الحشدالشعبی و نیز نوع نگرش و رویکرد آن به مسائل منطقه و کشور، سبب بی‌ثباتی در عراق خواهد شد (نصّار، ۲۰۱۷).

۳- حضور در عرصه‌های سیاسی

حضور الحشدالشعبی در عرصه‌های سیاسی در حکومت عراق بعد از شکست داعش نیز از موضوعاتی است که رسانه‌های موافق و مخالف به آن می‌پردازند. رسانه‌های معارض علت حضور الحشدالشعبی در مبارزه با داعش را این‌گونه عنوان می‌کنند که این نیرو برای به دست آوردن قدرت سیاسی در حکومت، در مبارزه با داعش ایفای نقش می‌کند تا بتواند در تصمیم‌گیری‌های دولت عراق اثرگذار باشد. به این صورت الحشدالشعبی خواهد توانست از یک سو با نیروهای نظامی و امنیتی رقیب در عراق به رقابت بپردازد و از سوی دیگر نفوذ ایران را در تصمیم‌سازی‌های حکومت عراق افزون کند (الأمین، ۲۰۱۷). این جریان با تکیه بر چنین ادعاهایی، اینگونه تبلیغ می‌کند که رهبران الحشدالشعبی نباید پیروزی‌هایی را که در صحنه‌ی درگیری با داعش به دست آورده‌اند، وسیله‌ای برای سهم خواهی‌های سیاسی قرار دهند (الخفاجی، ۲۰۱۷).

۴- الحشدالشعبی و جرائم جنگی

الحشدالشعبی در عمده‌ی رسانه‌های جریان معارض متهم به ارتکاب جرائم جنگی است (خیرالله، ۲۰۱۷). مرکز عربی تحقیقات و مطالعه‌ی راهبردها، در مقاله‌ای مدعی شده است که الحشدالشعبی در عملیات آزادسازی شهر فلوجه حملات وسیعی را ضد کسانی که در

این شهر محاصره شده بودند و قصد فرار از سیطره داعش را داشتند، انجام داده و این درحالی بوده است که داعش نیز از مردم به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کرده و حدود ۲۰ هزار کودک در فلوجه حضور داشته‌اند که احتمال استفاده داعش از آنان به‌عنوان سرباز جنگی یا انفصال آنان از خانواده‌هایشان وجود داشته است (المركز العربي للابحاث و دراسة السياسات، ۲۰۱۶: ۳). قیاس داعش با الحشد الشعبی بی‌اساس است چراکه داعش با زور و خونریزی مردم نظامی و غیرنظامی را برای تصرف شهرها می‌گشت ولی الحشد الشعبی یک نیروی مردمی می‌باشد که به‌دنبال منافع و امنیت کشور عراق از طریق نابودی متجاوزان تکفیری بوده است.

۵- الحشد الشعبی و دولت عراق

رسانه‌های مخالف جریان مقاومت تلاش بسیار دارند تا الحشد الشعبی را معارض و مخالف با دولت و ارتش عراق بازنمایی کنند. از آن جمله، مرکز مطالعات شبکه الجزیره است که در مقاله‌ای تلاش کرده است الحشد الشعبی را در رقابت با دیگر نیروهای نظامی عراق معرفی کند. مقاله‌ی مذکور مدعی است این نیرو علاوه بر این که روابط حسنه‌ای با دولت ندارد، سعی دارد با تصاحب دولت افکار و عقاید خود را بر آن حاکم نماید. این مقاله از تعبیر «الحرب البارده» به معنای جنگ سرد در توصیف روابط الحشد الشعبی و دولت استفاده کرده است (حسن، ۲۰۱۶: ۴).

۶- شیعه‌ی عراقی و چالش مرجعیت

از دیگر محورهایی که رسانه‌های معارض تبلیغ می‌کنند، وجود دوگانه‌ی شیعه‌ی عراقی و شیعه‌ی ایرانی است؛ با این ادعا و توضیح که رهبران الحشد الشعبی شیعه‌ی فراملی متأثر از ایران و سپاه پاسداران را بر شیعه‌ی ملی عراق ترجیح می‌دهند. ادعای دیگر آن‌ها این است که الحشد الشعبی سبب شده است که در میان شیعیان عراق چالش مرجعیت نجف یا تهران (آیت‌الله سیستانی (دام‌ظله) و آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله)) به‌وجود آید و این مسئله باعث اختلافاتی بین مردم شده است (حسن، ۲۰۱۶: ۳). این در حالی است که از سویی مرجعیت نجف و تهران در امتداد یکدیگر هستند و تعارض رسانه‌های معاند ساختگی است. از سویی دیگر الحشد الشعبی نیروی مردمی عراق است که در این کشور زیست می‌کند، هرچند که الهاماتی از بسیج به‌عنوان نیروی مردمی در ایران برای امنیت‌بخشی به کشور خود داشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای رسانه‌ای

مقاله‌ی حاضر با محور قرار دادن چارچوب نظریه‌ی سازه‌انگاری، اثبات کرد که الحشدالشعبی را می‌توان به‌عنوان گروهی که امنیت در آن بر ساخته شده است در عراق قلمداد کرد. این گروه منبعث از هویت و هنجارهایش، عملکردهایی در عرصه‌ی امنیتی عراق داشته است. هویت دفاع از وطن به‌عنوان مهم‌ترین عامل خودشناسی در پی فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر مقدس شمردن دفاع و مبارزه با تهدید، در الحشدالشعبی به وجود آمد. این هویت توسط هنجارهایی مانند ایدئولوژی اسلامی، دفاع از اماکن متبرکه، دفاع از امنیت ملی، تبعیت از مرجعیت دینی و الهام از سیره امام حسین (ع) تقویت و تثبیت شد.

اعضای الحشدالشعبی با وجود تعامل و ارتباط مستمر توانستند هویت و ارزش‌های خود را عمومیت بخشند. ارتباط بین اعضا، شبکه‌بندی معنا در اذهان افراد این گروه را به سوی اهداف و قواعد مشترک سوق داد. این ارتباط که از راه‌هایی چون برنامه‌های سازمانی، مراسم‌های مذهبی، شبکه‌های اجتماعی و غیره صورت گرفت اهداف و قواعد الحشدالشعبی را به‌صورت آزادسازی سرزمین‌های عراق، آزادسازی مردم عراق از سیطره داعش، تأمین امنیت اماکن متبرکه، حفظ و یکپارچگی عراق و بقای منابع ثروت این کشور تعیین کرد. این اهداف به‌عنوان انگیزه‌ای برای اعضای الحشدالشعبی عمل کرد که آنان را به کنش امنیتی در مقابله با داعش سوق داد.

کنش‌های الحشدالشعبی بیشتر در عرصه‌ی نظامی منجر به آزادسازی بخش‌های اشغال شده‌ی عراق از دست داعش شامل تکریت، موصل، قائم، دیالی، جرف‌الصخر، راه و غیره شد. در پی عملکرد الحشدالشعبی، حضور سازمانی داعش در عراق از بین رفت. تلاش برای وحدت شیعه و سنی یکی دیگر از کنش‌های اثرگذار در امنیت کشور عراق به شمار می‌رود که توانست تا حدی انسجام ملی را در این کشور محقق کند.

با توجه به محتوای مقاله‌ی حاضر و به‌منظور تقویت جایگاه الحشدالشعبی در افکار عمومی، می‌توان ده محور پیشنهادی رسانه‌ای و کاربردی برای دستگاه دیپلماسی عمومی کشور و در رأس هرم تبلیغاتی این دستگاه، رسانه‌های برون‌مرزی به‌ویژه شبکه العالم، الکوثر، کانال کردی شبکه سحر و ... به‌صورت ذیل مطرح کرد:

۱) تأکید بر عدم فرقه‌گرایی الحشدالشعبی و دیدگاه‌های رهبران مقاومت درباره تقریب مذاهب و تعامل با اهل سنت؛

- ۲) تصویرسازی صحیح و جامع از تعامل الحشد الشعبی با اهل سنت عراق؛
- ۳) ترسیم دستاوردهای متعدد الحشد الشعبی در مبارزه با تروریسم؛
- ۴) نشان دادن هویت منسجم الحشد الشعبی در عین تکثر زیرگروه‌های مختلف آن؛
- ۵) بیان جایگاه قانونی الحشد الشعبی؛
- ۶) نشان دادن هماهنگی الحشد الشعبی با دولت و نیروهای نظامی عراق؛
- ۷) افشاکاری نقش مخرب رسانه‌های محور غربی - عبری - سعودی در عراق؛
- ۸) تبیین شکست دوقطبی القائی فارسی و عربی؛
- ۹) تشریح رویکرد الحشد الشعبی درباره حضور در عرصه‌ی سیاسی عراق مبتنی بر تقویت امنیت ملی؛
- ۱۰) نمایش محبوبیت الحشد الشعبی در بین لایه‌های مختلف مردمی عراق.

منابع فارسی

- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۴)، «نقش هویت‌های متعارض در عدم شکل‌گیری اجتماع امنیتی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، بهار ۱۳۹۴، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۱-۱.
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۵)، سایه روشن الحشد الشعبی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۴)، «الگوی مطلوب در عراق الحشد الشعبی و آسیب‌پذیری‌های آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۶۴، صص ۷۹-۵۱.
- اشرف نظری، علی و السیمری، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۱۰۸-۷۵.

- العبدی، خالد (۲۰۱۶)، «تشکیل نیروهای بسیج مردمی مانع سقوط بغداد شد»، مصاحبه با **press TV**، قابل دسترس در:
<http://www.presstv.ir/Detail/2016/08/03/478315/Press-TVs-full-interview-with-Khaled-alObaidi>
- تارنمای شبکه خبر (۱۳۹۶/۴/۲۳)، «مستند سلفی با ابومهدی»، پخش شده در شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترس در:
<https://www.irinn.ir/fa/news/509653>
- حلفی، مهدی (۱۳۹۵)، «حشدالشعبی بسیج مردمی عراق»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۴۱۱ و ۴۱۲، ص ۴۹-۴۶.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عرب، محمدرضا (۱۳۹۵)، «ارزیابی روندهای فضای مجازی عربستان سعودی»، پایگاه علم و دانش پژوهی هادی، پاییز ۱۳۹۵، ص ۳
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، شبکه‌های خشم و امید (ترجمه مجتبی قلی‌پور)، تهران: نشر مرکز.
- کتزنشتاین، پیتر. جی (۱۳۹۰)، فرهنگ امنیت ملی هنجارها و هویت در سیاست جهانی (ترجمه محمدهادی سمتی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶) «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷ شماره ۴، صص ۲۱۸-۲۲۰
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۶)، «کاربرد نظریه مبنایی در برساخت اجتماعی امنیت ملی»، تهران: فصلنامه جامعه اطلاعاتی، شماره ۵۰، ص ۴۶-۴۴

منابع عربی

- الأمين، علی (۲۰۱۷/۶/۱)، «المقدس لمواجهة المآزق العقلية للهِلال الإيراني»، سایت شبکه العربیه به نقل از سایت العرب: قابل دسترس در:

<https://www.alarabiya.net/ar/politics/2017/06/20>

- الحامد، رائد (۲۰۱۵)، «الحشد الشعبی: القوة النظامية البديله في العراق»، الدوحه: مركز الجزيرة للدراسات، قابل دسترس در:

<http://studies.aljazeera.net/ar/reports/2015/01/201511141532221465.html>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۶/۱۲/۲۷)، «أمري ۱۰ حزيران ۲۰۱۴ القصة الكاملة»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2016/12/27>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۴/۱۲/۲۸)، «جرف النصر ۲۰۱۴/۱۰/۲۴ عمليات عاشوراء»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2016/12/28>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۶/۱۲/۲۹)، «ديالي خاليه من داعش»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2016/12/29>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۶/۱۲/۳۱)، «بيجي ۲۰۱۵/۵/۲۹ عمليات لبيك يا رسول الله (ص)»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2016/12/31>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۷/۱/۱۷)، «تكرت الثاني من نيسان ۲۰۱۵»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2017/01/17>

- الحشد الشعبی (۲۰۱۷/۱/۱۵)، «الرمادي / عمليات تحرير الفلوجه: ۱۵ شعبان»، مدیریه الاعلام للحشد الشعبی، قابل دسترس در:

<http://al-hashed.net/2017/01/15>

- الخفاجی، عصام (۲۰۱۷/۷/۱۱)، «هل يتتصر المواطن بعد النصر على داعش؟»، سایت شبکه‌ی العربیه، قابل دسترس در:

<https://www.alarabiya.net/ar/politics/2017/07/11>

- المركز العربی للابحاث و دراسة السياسات (۲۰۱۶)، «معركة الفلوجة تنقل الصراع حول دور الحشد الشعبي الى الواجهة»، قابل دسترس در:

<http://www.dohainstitute.org/portal>

- المهندس، ابو مهدی (۲۰۱۷/۱/۳)، «البرنامج حوار الساعه، نائب رئيس هيئة الحشد الشعبي في العراق»، قناة الميادين، قابل دسترس در:

<http://www.almayadeen.net/programs/episode/16762/>

- الميادين (۲۰۱۷/۷/۴)، «مراحل العمليات العسكرية في الموصل»، قابل دسترس در:

<http://www.almayadeen.net/infographic/Iraq/246>

- حسن، حارث (۲۰۱۶)، «الحرب الباردة؛ الدولة و الحشد الشعبي في العراق»، الدوحة: مركز الجزيرة للدراسات، قابل دسترس در:

<http://studies.aljazeera.net/ar/reports/2016/07/160721085046220.html>

- خيرالله، خيرالله (۲۰۱۷/۷/۱۲)، «انتصار على داعش، ام على الموصل»، سایت شبکه العربیه به نقل از سایت العرب: قابل دسترس در:

<https://www.alarabiya.net/ar/politics/2017/07/12>

- منصور، ريناد و عبدالجبار، فالح (۲۰۱۷) «الحشد الشعبي و مستقبل العراق»، مركز كارنگی للشرق الاوسط، قابل دسترس در:

<http://carnegie-mec.org/2017/04/28/ar-pub-68812>

- موسوعة الجزيرة (۲۰۱۵/۷/۱۴)، «الفلوجة.. مدينة لم تنم منذ احتلال العراق»، قابل دسترس در:

<http://www.aljazeera.net/home/print/37c0a303-0881-4323-898f-4d28bb5b7cd8/b245879e-7f5e-413f-8675-8d40e42a28d9>

- نایتس، مایکل (۲۰۱۶)، «فض الحشد الشعبی فی العراق»، معهد واشنطن للدراسات الشرق الاوسط، قابل دسترس در:

<http://www.washingtoninstitute.org/ar/policy-analysis/view/iraqs-popular-demobilisation>

- نصار، سلیم (۲۰۱۷/۷/۱)، «من یملأ الفراغ داعش فی سوريا و العراق»، سایت شبکه العربیه به نقل از سایت الحیاه، قابل دسترس در:

<https://www.alarabiya.net/ar/politics/2017/07/01>

منابع انگلیسی

- Adler, Emanuel and Barnett, Michael (2002), **Security Communities**, UK: Cambridge University Press.
- **aljazeera.com** (2018), "One year after battle for Mosul, a city lies in ruins", available at: <https://www.aljazeera.com/news/2018/07/year-battle-mosul-city-lies-ruins-180710105827500.html>
- Collins, Alan (2013), **Contemporary Security Studies**, UK: Oxford University Press.
- Duman, Bilgay (2015), A New Controversial Actor in Post-ISIS Iraq: Al-Hashd Al-Shaabi Report (The Popular Mobilization Forces), Ankara: **ORSAM** Report, No: 198, available at: <http://orsam.org.tr/en/a-new-controversial-actor-in-post-isis-iraq-al-hashd-al-shaabi-report-orsam-9-06-2015/>
- Mansour, Renad (2016), "the popularity of the Hashd in Iraq", **Carnegie middle east center**, available at: <http://carnegie-mec.org/diwan/626382015>
- **No-terrorism.com** (2016), "people crowd in response to a fatwa najaf its origins and the most important components", available at: <https://no-terrorism.com/aljamaeat-alirhabiya/alrafida/240-people-crowd-in-response-to-a-fatwa-najaf-its-origins-and-the-most-important-components.html>
- **washingtonpost.com** (2014), "Iraq's victory over militants in Sunni town underlines challenges government faces", available at:

https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/iraqs-victory-over-militants-in-sunni-town-underlines-challenges-government-faces/2014/10/29/c53c4886-6f61-4567-904a-918060f6f2f5_story.html?noredirect=on&utm_term=.c0b93e63499b

واکاوی نقش عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی با تمرکز بر رویکرد رسانه‌ای

مجید روحی دهبه^۱، سجاد مرادی کلارده^۲

چکیده

آسیای مرکزی طی یک دهه اخیر با پدیده‌های مختلفی از جمله گسترش تروریسم تکفیری مواجه بوده است. علاوه بر علل و عوامل مختلف گسترش این پدیده، کشورهای مختلف نیز سیاست‌ها و رویکردهای مختلفی را در قبال آن اتخاذ کرده‌اند. هدف این مقاله بررسی نقش و رویکرد عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دنبال دستیابی به پاسخ این پرسش است که عربستان سعودی چگونه و چرا در پی حمایت از تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی برآمده است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که این کشور به‌عنوان آبشخور اصلی تروریسم تکفیری، سعی دارد تا از این پدیده به‌عنوان ابزار سیاست خارجی خود استفاده کند. به همین دلیل، ریاض در قالب اقدامات مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به گسترش این پدیده در این منطقه مهم دامن زده است. مهم‌ترین اهداف ریاض را رقابت منطقه‌ای با ایران و نیز ایفای نقش حمایتی در سیاست خارجی آمریکا برای فشار بر روسیه تشکیل می‌دهند.

کلید واژه‌ها: آسیای مرکزی، تروریسم تکفیری، عربستان سعودی، موازنه قوا، وهابیت تکفیری.

^۱. نویسنده مسئول: استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

majidrohi.d@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

smkelardeh@gmail.com

مقدمه

تروریسم تکفیری از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که کشورهای منطقه آسیای مرکزی را درگیر کرده است. کشورهای مختلف نیز واکنش‌های متفاوتی در قبال این پدیده نشان داده‌اند. عربستان سعودی از مهم‌ترین کشورهای حامی این پدیده قلمداد می‌گردد. ریاض از ابتدای تأسیس با تهدیدهای مختلفی مواجه بوده که لزوم مقابله با آن‌ها موجب شده است تا سیاست‌های آن بر بنیادی واقع‌گرایانه بنا شود. بنا بر اعلام وزارت امور خارجه عربستان سعودی، اصول و مبانی سیاست خارجی این کشور شامل همگامی با مبانی شریعت اسلامی به‌عنوان (باصطلاح) قانون پادشاهی سعودی، احترام به اصل حاکمیت و عدم دخالت در امور داخلی هیچ دولتی و رد هر تلاشی برای دخالت در مسائل داخلی آن، تلاش برای بسط صلح و عدالت بین‌المللی و مردود دانستن استفاده از قدرت و زور و مهم‌تر از همه رد تمامی اشکال تروریسم و تأکید بر براءت اسلام از هرگونه فعالیت تروریستی استوار است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۱).

با این وجود، راهبردهای عملیاتی عربستان سعودی برای ایجاد، گسترش و بهره‌گیری از گروه‌های افراطی، نشان‌گر تعارض اهداف اعلامی و سیاست‌های اعمالی آن است. حمایت از این گروه‌ها در قالب کلی تروریسم تکفیری علاوه بر اینکه نوعی واکنش از سوی ریاض برای مدیریت تحولات منطقه‌ای محسوب می‌شود، نشان‌دهنده امنیت‌محوری سیاست خارجی این کشور در سطوح راهبردی و نیز محوریت استفاده از گروه‌های همگرا در منطقه است؛ بنابراین، یکی از ابزارهای سیاست‌های تهاجمی عربستان سعودی در منطقه آسیای مرکزی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های گروه‌های تکفیری است.

از این رو در مقاله حاضر درصدد هستیم که راهبردهای عملیاتی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ریاض برای گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی را مورد مذاقه و واکاوی قرار دهیم. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی چگونگی و چرایی حمایت عربستان سعودی از تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی می‌پردازد. بدین منظور در ادامه

پس از تبیین چارچوب نظری، به ماهیت تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی، اهداف این کشور و نیز اقدامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ریاض در حمایت از گروه‌های تکفیری-تروریستی در این منطقه خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل است و محور بسیاری از مباحث در این حوزه را تشکیل داده است. واقع‌گرایان نظام بین‌الملل را به صورت میدان مبارزه‌ای می‌بینند که در آن کشورها به صورت بی‌رحمانه‌ای به دنبال فرصت هستند تا بتوانند از یکدیگر امتیاز گرفته و در این میان اعتماد نیز جایی بین آن‌ها ندارد (مهدیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۰). در این میدان، هر کشوری نه تنها تلاش می‌کند قوی‌ترین بازیگر سیستم باشد، بلکه سعی دارد مطمئن شود که کشور دیگری به آن موقعیت دست نیابد. تفکرات امنیتی واقع‌گرایان بر پنج فرض اساسی پایه‌ریزی شده است:

۱. آنارشیک بودن نظام بین‌الملل بدین معنا که هیچ‌گونه اقتدار برتری به منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی وجود ندارد. این امر، به مثابه یک اصل نظم‌دهنده، رفتار بازیگران را هدایت و به پیش می‌برد.

۲. در وضعیت آنارشیک، منازعه به خصیصه دائمی و اجتناب‌ناپذیر روابط بین‌الملل تبدیل می‌شود (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۴).

۳. چون کشورها هرگز نمی‌توانند از مقاصد کشورهای دیگر به‌ویژه در زمینه توانمندی‌های نظامی علیه خود آنان مطمئن باشند، همه دولت‌ها برای حفظ و بهبود موقعیت خود، نیروهای نظامی، راهبردها، اتحادها و سیاست‌هایی را توسعه می‌دهند.

۴. بنا بر انگیزه بقا به‌عنوان اساسی‌ترین انگیزه محرک دولت‌ها، همه کشورها به شدت نسبت به توانایی‌های نسبی خود حساس می‌شوند و سعی می‌کنند همواره با حساسیت و ترس، توانایی‌ها و قدرت همتایان خود را دنبال کنند. از این رو، همواره نحوه عمل خود را در هر رابطه، بر اساس نحوه رفتار دیگران ارزیابی می‌کنند و همیشه نگران هستند که مبادا دیگران از آن‌ها بیشتر سود ببرند (گریگو، ۱۳۸۵: ۳۶۹).

۵. کشورها در مورد چگونگی بقا در نظام بین‌الملل، خردمندانانه یعنی بر اساس سود و زیان عمل می‌کنند. در این بین، واقع‌گرایان بیشتر بر مفروضه‌های فیزیکی امنیت توجه دارند. وجه فیزیکی امنیت که امروزه از آن به امنیت سخت‌افزاری تعبیر می‌شود، به اندازه‌ای اهمیت دارد که به ماهیت عینی امنیت ملی تأکید می‌شود. در این بین، یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ امنیت از نظر واقع‌گرایان حفظ موازنه قدرت است. موازنه قدرت برای حفظ استقلال و حاکمیت دولت‌ها ضرورت دارد و جلوی سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه‌ای را که می‌توانند به سلطه یک دولت بر سایرین منجر شوند، می‌گیرد. نظام بین‌الملل در شرایط موازنه قدرت است که به ثبات و تعادل می‌رسد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱). بر این اساس، این تئوری بیش از هر چیز بر ابزارهای قدرت سخت و نیز بهره‌گیری دولت‌ها از تمامی ظرفیت‌های خود به‌عنوان ابزار سیاست خارجی برای تحت تأثیر قرار دادن رقبا، تأکید دارد.

ماهیت تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی

برای پرداختن به ماهیت گروه‌های تکفیری در آسیای مرکزی، قبل از هر چیز باید به وجوه متمایز اسلام در این منطقه نسبت به سایر مناطق جهان اسلام اشاره کرد. به‌طور کلی اکثریت جمعیت منطقه از لحاظ مذهبی مسلمان هستند و در بین جمعیت مسلمان نیز اکثریت دارای مذهب سنی هستند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- آمار جمعیت مسلمانان آسیای مرکزی

کشورها	سنی (درصد)	شیعه (درصد)
ازبکستان	۹۲,۰۹	۰,۱
تاجیکستان	۹۴	۴
ترکمنستان	>۹۰	-
قرقیزستان	۷۵	<۱
قزاقستان	۷۰,۱	۰,۱

(Mori and Taccetti, 2016: 8)

وجوه متمایز اسلام در این منطقه از سویی مبتنی بر پیشینه تاریخی این سرزمین است که از نحوه ورود و گسترش اسلام به آن و تجربه فرهنگ امپراتوری تا سلطه روسیه تزاری و قرار گرفتن در جغرافیای اتحاد شوروی را شامل می‌شود و از سوی دیگر، بر الزامات سیاسی و اجتماعی دوران پس از استقلال مستقر شده است که گاه موافق و گاه مخالف سیر جریان‌های جاری در بخش‌های جهان اسلام و نظام بین‌الملل بوده است؛ بنابراین گرایش‌های اسلامی کنونی در جامعه و سیاست آسیای مرکزی را اسلام سنتی یا محافظه‌کار، اسلام مورد حمایت دولت و اسلام تندرو تشکیل می‌دهند (قزل، ۱۳۹۵: ۱۱-۸).

وهابیت ابتدا در سال ۱۹۱۲ به آسیای مرکزی معرفی شد. سپس سید شریف محمد از سوی عربستان سعودی نخستین مدرسه علوم وهابی را در دره فرغانه^۱ پایه‌گذاری کرد. اندیشه وهابیت در ابتدا به واسطه مخالفت تصوف، با بی‌رغبتی مردم منطقه مواجه شد، اما در بحبوحه فروپاشی شوروی و بعد از ۷۰ سال محرومیت مذهبی ناشی از سلطه کمونیسم، وهابیت به‌عنوان جنبشی که هدف اصلی آن آموزش (باصطلاح) سنت‌های اسلامی به اهالی بومی بود، به سرعت گسترش یافت (هدایتی و مرادی، ۱۳۹۳). البته در دهه ۱۹۷۰ ورود مخفیانه برخی از گروه‌های تبلیغی تکفیری از اردن، عراق و افغانستان زمینه نفوذ و حضور رادیکالیسم اسلامی را در منطقه فراهم نمود. در سال‌های قبل از فروپاشی شوروی چهار گروه عمده عدالت^۲، برکه^۳، توبه^۴ و لشکرلاری^۵ در این منطقه ایجاد شدند. با به قدرت رسیدن گورباچف به علت باز شدن نسبی فضای سیاسی در شوروی، گروه‌های حزب‌التحریر^۶ و جنبش اسلامی ازبکستان^۷ در منطقه توسعه پیدا کردند. نقطه مشترک

1. The Fergana Valley

2. Adolat

3. Baraka

4. Tawba

5. Lashkarlori

6. Hizb-ut-tahrir

7. The Islamic Movement of Uzbekistan

غالب این گروه‌ها، اعتقادات خشن و تجویز استفاده از خشونت در اکثر آن‌ها است (شکاری، ۱۳۸۵).

علت تمرکز گروه‌های افراطی در این منطقه نیز شرایط مناسب جغرافیایی آن برای اختفاء و قوت اعتقادات ساکنان آن است. منطقه سغدی^۱ و خجند^۲ در شمال تاجیکستان و اوش^۳ در جنوب قرقیزستان به دلیل پیشینه تمدنی اقوام این منطقه از مراکز عمده فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا است. بر اساس بررسی‌های اجتماعی، اعتقادات دینی اقوامی که زندگی کوچ‌نشینی و عشایری داشته‌اند، ملایم‌تر از اقوامی بوده‌اند که در یک جا ساکن بوده‌اند؛ بنابراین، قزاق‌ها و ترکمن‌ها به علت سابقه کوچ‌نشینی دارای عقاید دینی منعطف‌تری نسبت به ازبک‌ها، تاجیک‌ها و قرقیزها هستند.

در شرایط کنونی آسیای مرکزی از کانون‌های ملتهب افراط‌گرایی تکفیری است. با آغاز بحران سوریه و نقش‌آفرینی تکفیری‌های آسیای مرکزی به‌عنوان اعضای رده‌بالای گروه‌های تروریستی جبهه‌النصره و داعش، نگرانی‌ها در خصوص گسترش امواج افراط‌گرایی در آسیای مرکزی بالا گرفته است. همچنین حمایت‌های خارجی و سیاست نادرست دولت‌های حاکم در مقابله با گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو، موجب رشد گروه‌های تکفیری در این منطقه شده است. کشورهای عضو ناتو، به‌ویژه کشورهای اروپایی و آمریکا نیز برای دستیابی به منافع اقتصادی و تجاری در این منطقه و بازیگری در حیاط خلوت روسیه به این مناطق توجه فراوانی دارند.

رویکرد عربستان سعودی به منطقه آسیای مرکزی

سابقه توجه عربستان سعودی به آسیای مرکزی به دهه‌های قبل برمی‌گردد؛ اما این منطقه پس از فروپاشی شوروی اهمیت وافری در سیاست منطقه‌ای ریاض دارد. در وهله اول، ریاض نگاهی به‌ویژه ژئوپلیتیک به این منطقه دارد. آل سعود از ابتدای روی کار آمدن در

1. Sogdia

2. Khujand

3. Osh

حجاز به وضعیت مسلمانان آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از جهان اهل سنت و خاستگاه جغرافیایی «خالقان صحاح سته» در شهرهای بخارا و خوارزم توجه داشت (هدایتی و مرادی، ۱۳۹۳). از پیامدهای تلاش عربستان سعودی در این منطقه در دوره پس از شوروی، افزایش تصاعدی خشونت در این منطقه است. دسترسی به آسیای مرکزی برای ریاض، به معنای اتصال به حوزه‌های گسترده از گروه‌های اسلامی در حوزه نفوذ شوروی بود. عربستان سعودی در مقایسه با کشورهای دیگر از جمله ایران، اشتراک تاریخی و فرهنگی بستر کمتری با آسیای مرکزی دارد؛ بنابراین از طریق تقویت گروه‌های رادیکال، نفوذ خود را در این منطقه تقویت کرده است. اهداف ریاض از حضور در این منطقه عبارت‌اند از:

۱. بی‌ثبات‌سازی آندسته از رژیم‌های حاکم بر این منطقه که همسو با عربستان سعودی نیستند.

۲. رقابت با ایران در آسیای مرکزی.

۳. روابط دوجانبه با کشورهای منطقه.

۴. اعمال فشار به روسیه به نیابت از آمریکا.

۵. ابتکار در حیطه‌های مالی مرتبط، تقویت ساختار راه و بنادر پاکستان و ارتباط آن با آسیای مرکزی. ریاض، با گروه‌های رادیکال مانند جنبش اسلامی ازبکستان و حزب‌التحریر ارتباط دارد. گام‌های اساسی این کشور در این راه عبارت‌اند از:

۱. اعزام مهاجران بومی ساکن عربستان سعودی به‌عنوان مبلغان مذهبی: اقدام این مبلغان نقش بسزایی در ترویج وهابیت تکفیری در این منطقه دارد. ریاض در این راستا به‌جذب دانشجویان ازبک و تاجیک در دانشگاه‌های خود از جمله دانشگاه اسلامی مدینه رو آورده است.

۲. برجسته‌سازی خطر گسترش تفکر شیعی و پان‌ترکیسم: پیروزی انقلاب اسلامی و قدرت‌یابی تفکر شیعی در ایران، نگرانی عربستان سعودی را از تأثیر آن بر جنبش‌های اسلامی آسیای مرکزی برانگیخت (هدایتی و صفری، ۱۳۹۶: ۳۹-۳۵). انقلاب اسلامی ایران در بین مردم آسیای مرکزی دست‌کم در زمینه امکان ایجاد شناخت از گذشته اسلامی و

هویت‌یابی دینی اثرگذاری داشته است (اسپوزیتو^۱، ۱۳۹۳). عربستان سعودی نیز با تشویق فرقه‌گرایی، به تبلیغ وهابیت پرداخته است. ریاض دولت‌های منطقه را تشویق کرد تا فعالیت‌های اسلامی و تلاش برای اصلاحات سیاسی را سرکوب کنند. این اقدام، وهابیت را به منشأ رفتارهای افراطی تبدیل کرد.

بخش دیگری از نگرانی‌های عربستان سعودی در خصوص ترویج پان‌ترکیسم ترکیه در این منطقه است. با فروپاشی شوروی و برتری آرمان‌های پان‌ترکی در سیاست خارجی ترکیه، آنکارا سعی کرد که به کانال اصلی ارتباط کشورهای آسیای مرکزی با غرب تبدیل شود و با مشارکت در توسعه اقتصادی آن‌ها، زمینه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را هموار کند. ترکیه در مقایسه با عربستان سعودی، نسخه‌ای میانه‌رو از اسلام را تبلیغ می‌کند که تهدیدی برای اسلام وهابی سعودی است. برای مقابله با این اقدامات، ریاض در پی حمایت از گروه‌های تکفیری در منطقه بوده است (هدایتی و صفری، ۱۳۹۶: ۴۶-۳۸).

ابزارهای عربستان سعودی برای گسترش تروریسم تکفیری

۱- حرمین شریفین و سوء استفاده از لقب خادم‌الحرمین

عربستان سعودی از سویی اولین پذیرای اسلام و دربرگیرنده حرمین شریفین (مکه و مدینه) به‌عنوان مراکز معنوی و جغرافیایی جهان اسلام است و از سویی دیگر وهابیت نقش اصلی را در شکل‌گیری حکومت این کشور در ۱۹۲۰ داشته است (هدایتی و مرادی‌کلارده، ۱۳۹۶: ۹۶). استفاده ابزاری از حرمین شریفین و منابع مالی ناشی از آن، این امکان را فراهم می‌کند که ریاض کشورهای ضعیف منطقه را از طریق حمایت‌های مالی زیر چتر خود قرار دهد. وجود حرمین شریفین نیز توجه بیش از یک میلیارد مسلمان را به عربستان سعودی جلب می‌کند. به‌علاوه، شاهان سعودی نیز بر خود لقب خادم‌الحرمین شریفین نهاده و به دلیل وزن لقب خادم‌الحرمینی، دخالت در کلیه امور جهان اسلام را حق خود می‌دانند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۱-۲۲۰).

¹ Esposito

۲- درآمدهای نفتی

درآمدهای حاصل از فروش نفت ۹۰ درصد بودجه داخلی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد و عامل اصلی تحرک سیاست خارجی ریاض در عرصه بین‌المللی در قالب دیپلماسی رشوه و دلار است. ریاض با منابع نفتی در حد ۲۶۴ میلیارد بشکه و ظرفیت تولید بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز و صدور بیش از نیمی از آن، از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت جهان است (Ergo, 2012: 4). این کشور همچنین نیمی از ظرفیت تولید مازاد جهان را در اختیار دارد. به این واسطه، ثبات قیمت‌ها شدیداً وابسته به متغیر افزایش تولید مازاد این کشور است (دهشیر، ۱۳۹۲: ۵۵). ریاض بارها از این حربه برای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده کرده که نتیجه آن افت شدید بهای جهانی نفت طی ۱۹۸۵-۱۹۸۲ و ۲۰۱۵ بوده است. ریاض از ثروت نفتی برای کسب مشروعیت و تقویت وهابیت تکفیری استفاده می‌کند و با اعطای کمک مالی و وام به سایر کشورها، زمینه نفوذ خود را در آن‌ها افزایش داده است.

در همین زمینه عبدالله الربیعہ معاون مرکز بشردوستانه و امدادسانی عربستان سعودی^۱ اعلام نمود که این کشور طی سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۶ مبلغ ۸۴,۷ میلیارد دلار را به‌عنوان کمک‌های خارجی به ۷۹ کشور اختصاص داده است (Al-Rabeeah, 2018). بخشی از این کمک‌ها نیز به دولت‌های آسیای مرکزی اختصاص یافته است. برای مثال می‌توان به کمک ۵۰ میلیون دلاری به ازبکستان برای احداث پروژه مسکن روستایی در مناطق ناووی، فرغانه و تاشکند اشاره کرد (Aliyeva, 2018). همچنین در سال ۲۰۱۷ بانک توسعه اسلامی عربستان سعودی ۲۰ میلیون دلار را برای بهبود دسترسی و کیفیت آب در مناطق روستایی قرقریزستان اختصاص داد (Staff writer, 2017).

۳- مدارس مذهبی

در مورد آمار مربوط به مدارس مذهبی و بودجه تخصیصی عربستان سعودی در این زمینه، آمار و اطلاعات کافی در دسترس نیست. در یکی از این آمارها که توسط سرویس اطلاعاتی هند اعلام شده، تنها از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ ریاض حدود ۲۵ هزار نفر را به‌عنوان مبلغ

^۱. KSRelief

اعزام کرده و ۲۵۰ میلیون دلار برای ساخت مساجد و مؤسسات آموزشی اختصاص داده است. تمامی این مبلغان مشغول القای ایده‌های وهابیت هستند. ریاض از هر پژوهش منجر به تبلیغ حکومت سعودی و آیین وهابیت حمایت و پژوهش‌هایی را که با مذاهب دیگر موافق باشد، طرد می‌کند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۶).

دانشگاه‌های اسلامی مدینه^۱، ابن سعود^۲ در ریاض و دانشکده شریعت در دانشگاه ملک‌العزیز^۳ به همراه مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی ملک فیصل^۴، ملک‌العزیز و دبیرخانه عرب مهم‌ترین مروجان وهابیت هستند. بنیاد اسلامی الحرمین^۵ از سازمان‌های آموزشی است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ با هدف گسترش وهابیت با حمایت از آموزش‌های مذهبی، احداث مساجد و اجرای پروژه‌های بشردوستانه به‌ویژه در کشورهای اسلامی تأسیس شد. این بنیاد بیش از ۱۳۰۰ مسجد و مرکز اسلامی را در کشورهای مختلف از جمله در کشورهای آسیای مرکزی ایجاد نموده و در طرحی بیش از ۳۰۰۰ مفتی وهابی را برای تبلیغ وهابیت گسیل داشته است. وهابیان همچنین قرآن‌هایی با ترجمه تحریف شده را در ایام حج در میان مسلمانان توزیع می‌کنند. کشورهای با اقتصاد ضعیف مانند پاکستان، جنوب شرق آسیا و آسیای مرکزی به علت دارا بودن جمعیت مسلمان فراوان مقصد مناسبی برای علمای وهابی آشنا به زبان‌های مختلف هستند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

اقدامات عربستان سعودی برای گسترش تکفیر در آسیای مرکزی

۱- اقدامات سیاسی

سیاست خارجی عربستان سعودی طی یک دهه اخیر حضور فعالی را در مناطق مختلف دنبال می‌کند. در زمینه روابط سیاسی، تمامی پنج کشور موجود در آسیای مرکزی دارای روابطی در سطح سفارت با عربستان سعودی هستند که خود باعث تحکیم روابط و گسترش بیش از پیش افراط‌گرایی ناشی از وهابیت در این منطقه می‌شود.

1. The Islamic University of Madinah

2. ibn Saud Islamic University

3. King Abdulaziz University

4. The King Faisal Center for Research and Islamic Studies

5. Al-Haramain Islamic Foundation

در سیاست خارجی قزاقستان همکاری با کشورهای مختلف جهان اسلام از اولویت‌های مهم طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴ اعلام شده است. روابط سیاسی آستانه و ریاض قدمتی طولانی دارد. در سفر نورسلطان نظربایف^۱ رئیس‌جمهوری قزاقستان به ریاض و دیدار وی با ملک‌سلیمان، ۱۶ توافقنامه همکاری دوجانبه در زمینه‌های تبادل زندانیان، انرژی هسته‌ای، همکاری در حوزه کشاورزی و اخذ تسهیلات از بانک توسعه اسلامی به امضا رسید (Alikhan, 2016).

روابط سیاسی عربستان سعودی با تاجیکستان به اوایل دهه ۱۹۹۰ م بازمی‌گردد. دوشنبه در سال ۲۰۰۸ و ریاض در سال ۲۰۱۰ سفارت‌خانه‌های خود را پایتخت‌های یکدیگر افتتاح کردند. عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷، ۲۰۰ میلیون دلار برای ساخت ساختمان جدید پارلمان تاجیکستان اختصاص داد. همکاری‌های امنیتی طرفین نیز به بهانه مبارزه علیه تروریسم گسترش یافته و تاجیکستان از حامیان ائتلاف به اصطلاح مبارزه با تروریسم ریاض است (Arti- Sangari, 2017). نتیجه این همکاری‌ها، اقدام دولت دوشنبه در تروریستی خواندن نهضت اسلامی تاجیکستان می‌باشد. این در شرایطی است که نهضت اسلامی تاجیکستان یکی از گروه‌های میانه‌روی اسلامی می‌باشد.

روابط عربستان سعودی با ترکمنستان نیز در سال ۱۹۹۲ کلید خورد. ریاض در سال ۱۹۹۷ و ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ سفارت‌خانه‌های خود را در پایتخت‌های یکدیگر افتتاح کردند. بعد از به قدرت رسیدن ملک‌سلیمان در سال ۲۰۱۵، قربانقلی بردی محمداف^۲ رئیس‌جمهوری ترکمنستان در سفر به ریاض با ملک‌سلیمان دیدار کرد. شاه سعودی در این دیدار بر تعمیق روابط دو کشور در زمینه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، نفت و گاز، کشاورزی و مبارزه با تروریسم تأکید کرد. محمداف نیز آمادگی کشورش برای گسترش همکاری با ریاض برای تحقق ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی اعلام کرد (رمضانی، ۱۳۹۵: ۱). تماس با نهادهای مختلف داخلی، همکاری‌های امنیتی و امضای اسنادی در رابطه با این همکاری‌ها نیز در دستور کار ریاض در رابطه با ترکمنستان قرار دارد.

^۱ Nursultan Ábishuly Nazarbayev

^۲ Gurbanguly Mälikgulyýewiç Berdimuhamedow

در ارتباط با دولت قرقیزستان در ژانویه ۲۰۱۴م، ضمن سفر خالد بن سعود شاهزاده و معاون وزیر امور خارجه عربستان به بیشکک و دیدار با مقامات عالی این کشور، تمایل دو طرف برای گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اعلام شد و طرفین توافقنامه همکاری مشترک در تمامی زمینه‌ها امضاء کردند: (The Free Library, 2014: 1).

کشورهای آسیای مرکزی در می ۲۰۱۷ در نشست سران کشورهای اسلامی-عربی و آمریکا که با حضور دونالد ترامپ و سران بیش از پنجاه کشور عربی اسلامی در ریاض برگزار شد، حضوری فعال داشتند. با توجه به کوشش برای شکل‌دهی به ائتلاف ضدایرانی، ریاض حداکثر بهره را از حضور مقامات این کشورها در این نشست برد (Anas, 2017).

۲- اقدامات اقتصادی

زمینه‌های اقتصادی نفوذ عربستان سعودی در گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی از سه منظر قابل‌بررسی است. **اولین** و مهم‌ترین مسئله فقر موجود در این منطقه است. افراط‌گرایی ذاتی در بین مردم این منطقه وجود ندارد و روی آوردن مردم به سمت افراط‌گرایی به دلیل مشکلات مادی و اقتصادی است (سیمبر، ۱۳۹۷). **دوم**، ریاض پس از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و تأمین هزینه‌های سنگین جنگ در یمن و سوریه درگیر بحران اقتصادی شده و تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی بر بخشی از این مشکلات فائق آید. **سوم**، سرمایه‌گذاری اقتصادی ریاض در این کشورها نیز قابل توجه است. در نتیجه این زمینه‌ها، عربستان سعودی با هزینه کردن مبالغ زیادی ضمن ترویج تفکر وهابی در منطقه، از آن برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند.

عربستان سعودی با ترکمنستان، موافقت‌نامه‌هایی در زمینه گازی امضا کرده است که می‌توان به طرح انتقال گاز ترکمنستان از طریق خاک افغانستان به پاکستان و هند موسوم به «تاپی»^۱ اشاره کرد. رئیس‌جمهوری ترکمنستان با اشاره به آغاز عملیات اجرایی این طرح گفت: «این طرح فرصت خوبی برای مشارکت شرکت‌های سعودی است». این مشارکت برای ترکمنستان که پس از سال ۲۰۱۴ در رکود اقتصادی قرار دارد و از انجام

^۱ The Turkmenistan–Afghanistan–Pakistan–India Pipeline (TAPI)

تعهدات منطقه‌ای ناتوان است، چشم‌گیر به نظر می‌رسد (رمضانی، ۱۳۹۵: ۱-۲). مقابله با تحکیم جایگاه ایران در بازار صادرات گاز و حضور مؤثر در کنار جریان‌های تکفیری به‌ویژه داعش در این منطقه از دیگر اهداف ریاض برای سرمایه‌گذاری در این پروژه است.

عربستان سعودی همچنین از دهه ۱۹۹۰ در پروژه‌های زیربنایی قزاقستان سرمایه‌گذاری نموده است. در سال ۲۰۱۵ اعلام شد قزاقستان و عربستان سعودی قصد دارند بانک اسلامی و صندوق تأمین بودجه پروژه‌های مشترک ایجاد کنند. همچنین نظربایف رئیس‌جمهوری قزاقستان نیز در نشست مطبوعاتی پس از دیدار سال ۲۰۱۶ با ملک‌سلیمان با اشاره به عدم پیشرفت حجم تجارت میان آستانه و ریاض به دلیل مشکلات حمل و نقل در دهه‌های اخیر، گفت که این توافقنامه زمینه‌های همکاری را در حوزه انرژی، صنایع، کشاورزی و تجارت گسترش می‌دهد (Nazarbayev, 2016). قزاقستان همچنین یکی از گزینه‌های عربستان سعودی برای توازن‌سازی هر چه بیشتر در مقابل ایران در بازار انرژی است.

تاجیکستان مقصد اصلی بسیاری از سیاست‌های ریاض در استفاده از فقر برای گسترش تروریسم است. در جریان سفر رئیس‌جمهوری تاجیکستان به عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶، این کشور ۱۱۰ میلیون دلار کمک از عربستان سعودی دریافت کرد. در سال‌های اخیر شاهد حضور فعال تکفیری‌ها در بازارها، فروشگاه‌ها، صرافی‌ها و شرکت‌های ارائه خدمات تاجیک هستیم (طائی، ۱۳۹۵). همچنین بانک توسعه اسلامی ۱۱۵ میلیون دلار وام برای ساخت جاده کولاب-قلعه خمب^۱ در اختیار تاجیکستان قرار داد (Alikhan, 2014).

قرقیزستان نیز مانند تاجیکستان از مشکلات ناشی از فقر رنج می‌برد و بدین وسیله مستعد رسوخ افکار تکفیری عربستان سعودی است. در قرقیزستان حتی شاهد پرداخت ماهیانه به پیروان وهابیت هستیم. این امر زمینه جذب مردم گرفتار در مشکلات اقتصادی و اجتماعی منطقه به این جریان را افزایش داده است. طی سفر الماس‌بیک آتامبایف^۲ رئیس‌جمهوری قرقیزستان در سال ۲۰۱۴ به ریاض، توافق‌هایی در زمینه‌های سیاسی،

^۱. Kulob- Qal'ai Khumb

^۲. Almazbek Sharshenovich Atambayev

تجاری، اقتصادی و فرهنگی حاصل شد. همچنین رئیس پارلمان قرقیزستان با سفر به ریاض در سال ۲۰۱۶ م، ۶۰ میلیون دلار کمک دریافت کرد (طائی، ۱۳۹۵).

اقدامات اقتصادی عربستان سعودی برای گسترش تروریسم تکفیری، ازبکستان را نیز شامل می‌شود. با وجود اینکه ازبکستان از کوچک‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت است، اما ریاض از آن در راستای موازنه ضد ایرانی در بازار انرژی به‌ویژه در کاهش استخراج نفت استفاده می‌کند. در نوامبر ۲۰۱۷ خالد الفالح^۱ وزیر انرژی عربستان سعودی به ازبکستان برای شرکت در جلسه چهارجانبه‌ای برای توافق بر سر کاهش عرضه نفت با حضور روسیه، قزاقستان و ازبکستان در تاشکند سفر کرد (Karpukhin, 2017).

۳- اقدامات فرهنگی

آسیای مرکزی از مایه‌های عمیق فرهنگی برای تأثیرپذیری از وهابیت برخوردار است. به دلیل عقبه کمونیستی این منطقه در دوره شوروی، اذهان مردم، آماده پذیرش تفکرات تکفیری هستند که به نام اسلام برای آنها تبلیغ می‌شوند. البته به لحاظ معرفتی نیز رجحان اسلام نقل‌گرای سنی بر اسلام عقل‌گرا، فرصت را برای نفوذ این تفکر فراهم کرده است. روابط فرهنگی بین عربستان سعودی و تاجیکستان همزمان با تشدید تلاش‌های ریاض برای اخراج در مناسبات تهران - دوشنبه، بیش از پیش افزایش یافته است. در پایان سال ۲۰۱۷، تاجیکستان یک توافقنامه ۳۵ میلیون دلاری با صندوق توسعه عربستان سعودی در زمینه توسعه آموزش و پرورش در این کشور به امضا رساند. در جولای ۲۰۱۸ سفیر عربستان در تاجیکستان اعلام کرد که دولت متبوعش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار کمک در اختیار تاجیکستان قرار داده است. این کمک‌ها در چارچوب توسعه اهدافی نظیر ساخت شش مدرسه و اختصاص هفت میلیون دلار برای تکمیل «کمیته حالت‌های اضطراری»^۲ تاجیکستان است (Al-Badi, 2018). این پروژه‌ها از حمایت‌های رئیس‌جمهوری تاجیکستان و نزدیکان وی برخوردار است. نخبگان حاکم تاجیک برقراری تماس نزدیک با ریاض را متضمن دریافت کمک‌های مالی از این کشور می‌دانند.

1. Khalid A. Al-Falih

2. Emergency Situations Committee

فعالیت‌های فرهنگی عربستان سعودی در قرقیزستان شامل تشکیل گروه‌های دوستی بین دو کشور، احداث بیمارستان، کودکانستان و استقبال گسترده از حجاج قرقیزی بیت‌الله‌الحرام است. اعزام مبلغ مذهبی وهابی-سعودی در سال‌های اخیر به قرقیزستان رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. اقدام قرقیزستان در لغو ویزا برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس جهت جذب سرمایه‌گذار بیش از ثمربخشی در زمینه اقتصادی، درها را به روی اندیشه‌های تروریستی وهابی می‌گشاید. ریاض برای انتشار اندیشه وهابی در قرقیزستان مدارس بسیاری برپا کرده است. اختصاص مبلغ ۳۰ میلیون دلار برای ساخت چندین مدرسه و تأسیس بنیادهای خیریه متعدد از دیگر تلاش‌های عربستان سعودی در این خصوص است.

عربستان سعودی در ترکمنستان نیز در پی ترویج تفکر تکفیری از راه فرهنگی است و تاکنون شمار زیادی از طلاب علوم دینی ترکمن جذب مدارس دینی سعودی شده و به منطقه بازگردانده شده‌اند. ازبکستان نیز که از نظر جمعیت و اهمیت تاریخی و فرهنگی، مهم‌ترین جمهوری آسیای مرکزی است، اهمیت وافری برای ریاض دارد. هزاران نفر از مهاجران ازبک که در عربستان سعودی مشغول به کار هستند و از علقه‌های دینی عمیقی نیز برخوردارند، می‌توانند پوشش مناسبی برای فعالیت‌های افراطی باشند. در قزاقستان نیز کمک به ساخت مساجد متعدد و مراکز فرهنگی در آستانه در قالب توافقنامه‌های دوجانبه در دستور کار عربستان سعودی قرار دارد (the Ministry of Foreign Affairs, Republic of Kazakhstan, 2013).

اهداف عربستان سعودی در حمایت از تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی

۱- بازی در میدان منافع آمریکا از طریق ایجاد چالش برای روسیه

نقش عربستان سعودی در حمایت از تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی، برای ایجاد چالش مقابل روسیه و القای ضرورت حضور آمریکا در منطقه بارز است. آمریکا به دلیل خروج بخشی از نیروهایش از افغانستان، سعی دارد با هماهنگی ریاض در تشدید فعالیت‌های افراطی، ضمن توجیه حضور نظامی خود، بر سیاست‌های منطقه‌ای روسیه و چین نیز اشراف یابد. گروه‌هایی وهابی نقش کارگزاری امنیتی در اجرای اقدامات سازماندهی شده ریاض را بر عهده دارند و الگوی رفتار امنیتی عربستان سعودی نیز در

قالب استراتژی توسعه بحران است که از طریق عملیات انتحاری انجام می‌شود و نقش کارکردی در راستای تعمیق حضور واشنگتن در منطقه دارد (متقی و پوستینچی، ۱۳۹۲). ریاض همچنین به واسطه سابقه بهره‌گیری از بنیادگرایی اسلامی برای مقابله با ناسیونالیسم لائیک، کمونیسم و تمام جریان‌های چپ‌گرا یا لائیک مطرح است (چامسکی و آشکار، ۱۳۸۸: ۶۸). فشار بر روسیه همچنین به این دلیل انجام می‌گیرد که مسکو در سیاست منطقه‌ای خود در بحران سوریه و روابط با ایران، دارای رویکردی ناهمسو با عربستان سعودی است. در شرایط کنونی نیز آمریکا سعی دارد از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران، قابلیت ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی ریاض را در قالب‌هایی مانند بمب‌گذاری و انجام عملیات انتحاری به نفع اهداف خود به کار گیرد (متقی و پوستینچی، ۱۳۹۲).

۲- رقابت با ایران

یکی از اهداف بارز عربستان سعودی در حمایت از تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی، کنترل ایران در حوزه تمدنی آن است. رقابت‌های ژئوپلیتیکی منجر به استفاده عربستان سعودی از تروریسم تکفیری به‌عنوان اهرمی در قبال ایران در آسیای مرکزی شده است. عربستان سعودی با وجود اتخاذ رویکرد تهاجمی برای جلوگیری از نفوذ ایران در آسیای مرکزی، سعی دارد تا سیاست‌های ایران را تهاجمی نشان دهد. سعود الفیصل وزیر امور خارجه سابق این کشور در نشست مشترک با جان کری همتای آمریکایی خود در سال ۲۰۱۵ در جواب سؤالی در رابطه با رویکرد ایران گفت: «ایران در پی اشغال تمامی کشورها است» (Susris, 2015: 7).

ریاض به‌ویژه طی سال‌های اخیر رویکرد توسعه‌طلبانه‌ای در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفته و گسترش نفوذ در آسیای مرکزی را دنبال می‌کند. واقعیت این است که عربستان سعودی طی یک دهه گذشته در عرصه رقابت‌های منطقه‌ای توان موازنه ایران را نداشته است. به همین دلیل تلاش می‌کند تا کشورهای آسیای مرکزی را به‌سوی خود جذب کند. نیاز مالی کشورهای این منطقه به‌ویژه تاجیکستان مهم‌ترین عامل دوستی آن‌ها با ریاض است و باعث می‌شود سران این کشورها چشم خود را بر فعالیت‌های گروه‌های افراطی مورد حمایت این کشور ببندند.

رویکرد تبلیغاتی - رسانه‌ای عربستان سعودی در آسیای مرکزی

عربستان سعودی در کنار قدرت اقتصادی، از تبلیغات نیز به عنوان یکی از ابزارهای قدرت خود در آسیای مرکزی استفاده می‌کند. این رویکرد ریاض در امتداد رویکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور قرار دارد. در این راستا، ریاض به دنبال نوعی تصویرسازی ذهنی در مشروعیت‌سازی برای سیاست‌های خویش است. سیاست‌گذاران سعودی مانند بسیاری از کشورها به خوبی از این مطلب آگاهی دارند که قدرت نوین در نظام اطلاعاتی نهفته است که مردم بر محور آن‌ها زندگی خود را می‌سازند و درباره رفتارهای خود تصمیم می‌گیرند.

بر اساس تصویرسازی ذهنی، انسان بیش از آن که با واقعیات سر و کار داشته باشد با برداشتی که از واقعیات دارد، مواجه است و نهایتاً نیز بر اساس همین برداشتها و تصاویر، تصمیم‌گیری می‌کند. انسان به دلیل محدودیت‌هایی که دارد، همیشه نه بر مبنای واقعیات صرف، بلکه بر مبنای برداشتهای خود از آن واقعیات قضاوت کرده و تصمیم‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر، در اینجا کشورها سعی می‌کنند تصویر ذهنی خود نزد دیگران را آن‌طور که خود می‌خواهند، شکل دهند؛ حتی اگر خود در عالم واقع آن‌گونه نباشند. کشورها با این عمل، افکار عمومی را به سمت اهداف مورد نظر خود هدایت و مدیریت می‌کنند (باصری و حاجیانی، ۱۳۸۸). عربستان سعودی نیز به‌رغم حمایت عملی از گروه‌های افراطی در این منطقه، اما در عرصه تبلیغاتی در پی نشان دادن خود به‌عنوان حامی مسلمانان است. مهم‌ترین هدف ریاض در این موضوع، تبلیغ آنچه به‌زعم خود اسلام راستین می‌داند، شیعه‌هراسی و مقابله با ایران است.

تبلیغات ضدایرانی عربستان سعودی دارای دو جنبه است. یک‌سوی این مسئله شالوده‌شکنی نفوذ ایران و گسترش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی است و سوی دیگر آن نیز تبلیغ وهابیت به‌عنوان اسلام راستین به‌زعم خود است. در جنبه اول، ریاض از نفوذ گسترده خود در این منطقه برای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی استفاده می‌کند. رواج تصویر غلط از ایران به‌عنوان کشور حامی تروریسم از سوی ریاض در این منطقه دیده می‌شود. طرح ادعای حمایت ایران از ترور شخصیت‌های تاجیکی توسط فردی به نام ایشان قاضی‌اف که با حمایت رئیس‌جمهوری تاجیکستان نیز همراه شد، در همین راستا انجام گرفت.

جنبه دوم این موضوع که تقویت نفوذ عربستان سعودی را در پی دارد، تبلیغ وهابیت است. در این زمینه می‌توان به پوشش اخبار مربوط به عربستان سعودی در این کشورها نظیر انعقاد توافقنامه گردشگری بین ریاض با کشورهای این منطقه اشاره کرد که در پوشش آن‌ها مبلغین وهابی به تبلیغ افکار افراط‌گرای وهابی می‌پردازند. بدین منظور کشور عربستان، تحت پوشش هیئت جهانی امدادسانی اسلامی وابسته به رابطه العالم الاسلامی تا سال ۲۰۱۲، حدود ۱۳۸۲ مسجد در آسیای مرکزی احداث کرده و حتی وزارت تبلیغ و ارشاد اسلامی عربستان سعودی در این زمینه‌ها فعال است. همین فعالیت‌های تبلیغی ریاض در آسیای مرکزی باعث شد که با تشکیل داعش در عراق و سوریه، جمع زیادی از جوانان این منطقه به این گروه بپیوندند (احمدی و حشمتی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

نتیجه‌گیری و چشم‌انداز

عربستان سعودی به‌عنوان یکی از دولت‌های خارجی ذی‌نفوذ در آسیای مرکزی، از مهم‌ترین حامیان تروریسم تکفیری در این منطقه است. بررسی رویکرد ریاض در قبال تروریسم تکفیری از منظر نظریه واقع‌گرایی، حکایت از استفاده ریاض از این تروریسم به‌عنوان یک ابزار در سیاست خارجی ریاض دارد. عربستان سعودی با نگاه توأمان استراتژیک و ژئوپلیتیک به این منطقه می‌نگرد. ریاض همچنین در راهبردهای خود همواره در رقابت با دیگر بازیگران قرار دارد و منافع ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک آن با کشورهای دیگر نظیر ایران، چین، ترکیه و روسیه در این منطقه از تفاوتی راهبردی برخوردار است. رویکرد ریاض در حمایت از گروه‌های تکفیری در این منطقه به نوعی بازی در میدان منافع راهبردی آمریکا نیز محسوب می‌شود. آمریکا خواهان تقویت نفوذ خود در این منطقه در برابر روسیه و چین است و ریاض نیز بسترهای ایدئولوژیک این موضوع را با حمایت از گروه‌های تکفیری فراهم می‌کند.

ریاض بخش زیادی از فعالیت‌های خود برای نفوذ مداوم در کشورهای این منطقه برای گسترش ایده تکفیر را از طریق نمایندگان رسمی وزارت امور اسلامی و اوقاف و سازمان‌هایی مانند صندوق توسعه سعودی، صندوق حرمین، بنیاد بین‌المللی اسلامی و بنیاد خیریه طیبه انجام می‌دهد. بخش مهم سیاست‌های عربستان سعودی را اقدامات

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حمایت از تروریسم تکفیری در این منطقه تشکیل می‌دهد. در حوزه سیاسی اقدامات ریاض حمایت همزمان از گروه‌های مخالف و دولت‌های این منطقه و در عین حال وابسته کردن آن‌ها به خود است. دولت عربستان سعودی در عرصه‌های اقتصادی با آگاهی از فقر مالی کشورهای این منطقه به ازای حمایت‌های مختلف و حتی پرداخت مستقیم پول، ساکنان کشورهای این منطقه را به سمت تکفیر سوق می‌دهد. در عرصه فرهنگی نیز همراهی دولت‌ها و محیا بودن زمینه‌های تاثیرپذیری از فرهنگ وهابی در این کشورها، شرایط را برای اقدامات فرهنگی سعودی نظیر توسعه نظام آموزشی و آموزش مبلغین مذهبی وهابی از این منطقه آماده کرده است.

با این وجود در بررسی چشم‌انداز این موضوع، به نظر می‌رسد که دولت‌های این منطقه مجبورند دیر یا زود با دست شستن از سیاست «نادیده گرفتن امنیت و فرهنگ در قبال دریافت کمک‌های اقتصادی و مالی از عربستان سعودی»، در مقابل ریاض واکنش نشان دهند. به رغم این، عربستان سعودی نیز همواره درصدد بوده است تا از هر طریقی اعتماد نخبگان حاکم این کشورها را بدست آورد و نیز به صورت تدریجی در راه تشکیل گروه‌های اجتماعی دارای دیدگاه مشابه خود گام بردارد؛ موضوعی که در صورت تحقق نه تنها به یک عامل اصلی بی‌ثباتی تبدیل خواهد شد، بلکه ویژگی‌های رفتاری ناشی از آن می‌تواند به انشعابات اجتماعی گسترده بین پیروان مذاهب مختلف در این پهنه منجر شود و نمونه‌های بزرگ‌تری از گروه‌های تکفیری را که در حال حاضر در این منطقه فعال هستند، در کلیت اجتماع آسیای مرکزی به وجود آورد.

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

- پیشنهاد می‌شود یک مستند گزارشی در رابطه با ماهیت تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی ساخته شود. در این برنامه بهتر است به وجوه متمایز اسلام مورد نظر تکفیری‌ها با مذاهب رایج اسلامی مانند مذهب حنفیه که در این منطقه رایج است، پرداخته شود.
- در یک مستند یا برنامه کارشناس محور رویکرد عربستان سعودی به منطقه آسیای مرکزی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این برنامه بهتر است در ابتدا با رویکرد تاریخی اولین گام‌های عربستان سعودی برای آغاز نفوذ در این منطقه از دوره قبل از فروپاشی

شوروی بررسی شود و سپس به ابعاد مختلف تحرکات عربستان سعودی برای ترویج وهابیت تکفیری در کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال از شوروی و پیامدهای آن پرداخته شود.

- در قالب گزارش‌های ویژه و دنباله‌دار به ویژه در رادیوهای حوزه آسیای مرکزی به اقدامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عربستان سعودی برای گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی و نقش ریاض برای جذب نیرو برای داعش در آسیای مرکزی پرداخته شود. در این برنامه به این نکته تاکید شود که گسترش ایده‌های مبتنی بر وهابیت به‌عنوان یک ابزار نفوذ در تمامی اقدامات سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی عربستان سعودی دیده می‌شود.

- اهداف عربستان سعودی از گسترش تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی در برنامه‌های کارشناس محور شبکه‌های برون‌مرزی به ویژه در رابطه با روسیه، چین و ایران مورد توجه قرار گیرد. در این راستا کنشگری گروه‌های تکفیری وابسته به عربستان سعودی، به‌عنوان بازوی منطقه‌ای آمریکا برای بحران‌سازی و تعمیق مداخله این کشور در آسیای مرکزی و نیز ایجاد چالش برای روسیه، چین و ایران تبیین شود.

- ابعاد انزجار مردمی در کشورهای آسیای مرکزی از عقاید وهابیت تکفیری مستمراً پوشش داده شود.

منابع فارسی

- آقایی، داود و احمدیان، حسن (۱۳۸۹)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ چالش‌های بنیادین و امکانات پیش‌رو»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره سه، پاییز، صص ۱۹-۱.

- احمدی، حسین و حشمتی، برهان (۱۳۹۵)، «بررسی علل تشدید روند اسلام‌ستیزی در تاجیکستان»، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال اول، شماره اول، تابستان، صص ۸۹-۱۱۷.

- اسپوزیتو، جان (۱۳۹۳)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر باز.

- باصری، احمد و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «کارکرد رسانه‌های ماهواره‌ای در تصویرسازی ذهنی مردم»، **فصلنامه روانشناسی نظامی**، سال اول، شماره ۴، زمستان، صص ۷۹-۸۹.
- چامسکی، نوام و آشکار، ژیلبر (۱۳۸۸)، **قدرت ویرانگر (غرب آسیا و سیاست خارجی آمریکا)**، ترجمه محمدرضا محمدی، تهران: انتشارات خرسند.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۲)، «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، صص ۶۶-۴۱.
- رضانی، فرزاد (۱۳۹۵)، «انگیزه‌های عربستان و ترکمنستان از گسترش روابط با ترکمنستان»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۷)، «نقش عربستان سعودی در گسترش وهابیت در آسیای مرکزی»، مصاحبه نگارنده با دکتر سیمبر در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۲.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم در آسیای مرکزی»، **ماهنامه ایراس**، شماره ۱۷.
- طائی، علی (۱۳۹۵)، «نفوذ عربستان در آسیای مرکزی»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۹۰، بهار.
- کلودزیچ، ادوارد (۱۳۹۰)، **امنیت و روابط بین‌الملل**، ترجمه نادر پوراخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کوهکن، علیرضا و نزاکتی، فرخنده (۱۳۹۳)، «دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۲۳۴-۲۰۵.
- گریگو، جوزف (۱۳۸۵)، «اقتدارگریزی و محدودیت‌های همکاری»، در اندرولینکلیر، **جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- قزل، بهروز (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های حیات دینی در آسیای مرکزی»، **مجله ایراس**، شماره شهرپور.
- متقی، ابراهیم و پوستینچی، زهره (۱۳۹۲)، «جنگ سرد منطقه‌ای و معادله جابجایی قدرت در سوریه»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره اول، شماره اول.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: نشر سمت.
- مهدیان، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، «سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان سعودی مقابل ج.ا.ایران در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار، صص ۲۱۱-۱۷۱.
- هدایتی، مهدی و صفری، عسگر (۱۳۹۶)، «نقش عربستان سعودی در تصاعد زمینه‌های خشونت‌زای هویت اسلامی: مطالعه موردی منطقه آسیای مرکزی»، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۷-۵۰.
- هدایتی، مهدی و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۶)، «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۳۰، بهار، صص ۸۹-۱۱۶.
- هدایتی، مهدی و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۳)، «مولفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چند سطحی»، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال هفتم، تابستان، صص ۲۵۵-۲۲۹.

منابع انگلیسی

- Al-Badi, Abdolaziz ibn Muhammad (2018), "Saudis Brag about giving Tajikistan \$200M in aid", eurasianet, available at: <https://eurasianet.org/saudis-brag-about-giving-tajikistan-200m-in-aid>.
- Al-Rabeeah, Abdullah, (2018), Saudi Arabia grants \$84.7bn in aid to 79 countries, 18 November, available at: <http://www.arabnews.com/node/1406481/saudi-arabia>.
- Alikhan, Ghazanfar (2016), "16 Bilateral agreements boost Riyadh - Astana Ties", Arab news, October 26, Available at: <http://www.arabnews.com/node/1002696/saudi-arabia>.

- Alikhan, Ghazanfar (2014), "KSA, Kyrgyzstan to sign 5 major agreements", Arab news, available at: <http://www.arabnews.com/saudi-arabia/news/667506>
- Aliyeva, Kamila, (2018), Uzbekistan, Saudi Arabia sign loan agreement, 1 Feb, available at: <http://www.azernews.az/region/126460.html>
- Anas, Omair (2017), "Donald Trump attends first Arab-Islamic-American Summit: was this Political event just to isolate Iran", firstpost, may 22, available at: <https://www.firstpost.com/world/donald-trump-attends-first-Arab-Islamic-American-Summit-was-this-political-event-just-to-isolate-Iran-3467458.html>
- Atri-sangari, Fatemeh (2017), "Iran's Relations With Tajikistan: Trends and Prospects", **Iran Review**, July 26
- **Ergo** (2012), the waning era of Saudi oil dominance, current challenges and future threats to Saudi Arabia's influence over oil markets, February
- Karpukhin, Sergei (2017), Uzbekistan to attend OPEC, non-OPEC meeting on November 30, Saudi's falih says, available at: <https://www.reuters.com/article/us-oil-opec-uzbekistan/uzbekistan-to-attend-opec-non-opec-meeting-on-November-30-Saudi's-falih-says-iduskbn1d50hv>
- Mori, Sebastiano and Leonardo Tacceti (2016), "Rising Extremism in Central Asia?", Stability in the Heartland for a Secure Eurasia, **European Institute for Asian Studies**.
- Nazarbayev, Nursultan (2016), "Kazakhstan and Saudi Arabia sign agreements for USD200 mln", in **the Eurasian press agency**.
- Staff writer, (2017), Saudis IDB loans Kyrgyz Republic \$ 20m for water projects, 14 Jan, available at: www.arabianbusiness.com/saudi-s-idb-loans-kyrgyz-republic-20m-for-water-projects-657902.html.

- Susris (2015), “Foreign Minister Saud Al-Faisal on Talks with Kerry, March 5, Available at: [http://www.susris.com/2015/03/05/foreign-minister-saud-al-faisal-on-talks with-Kerry](http://www.susris.com/2015/03/05/foreign-minister-saud-al-faisal-on-talks-with-Kerry).
- **The free library** (2014), Prince Khalid bin Saud bin Khalid meets with Kyrgyzstan’s Prime Minister.
- The Ministry of Foreign Affairs Republic of Kazakhstan (2013), Saudi Arabia, available at: <http://mfa.gov.kz/en/content-view/korolevstvo-saudovskaya-araviya>.

اقدامات آمریکا در گسترش تجارت مواد مخدر در افغانستان و رویکردهای رسانه‌ای به آن آناهیتا سیفی^۱، رز فضلی^۲

چکیده

از سال ۲۰۰۱، آمریکا با اشغال افغانستان بر مبارزه با تروریسم، مقابله با کشت مواد مخدر و دولت‌سازی در افغانستان تأکید می‌کند. هدف این مقاله، بر بررسی تبعات حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ در گسترش تولید و تجارت مواد مخدر و تقویت تروریسم در این کشور متمرکز است. بر این اساس، با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به مختصات نظامی‌گری آمریکا با نگاه به جایگاه بین‌المللی این کشور پرداخته شده و سپس سابقه حضور نظامی آمریکا در دو مقطع پیش و پس از ۱۱ سپتامبر در افغانستان بررسی شده است. پس از آن تأثیرات حمله نظامی بر گسترش تجارت مواد مخدر و تروریسم و آثار هر دو مورد در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این کشور مطالعه شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که آمریکا چگونه با دائمی و فرسایشی کردن جنگ افغانستان موجب گسترش تجارت مواد مخدر و تروریسم را فراهم آورده است. در واقع هدف کانونی آمریکا از ایجاد زمینه حضور دائمی این کشور در این منطقه حساس، تداوم بخشیدن به مداخله و سلطه نامشروع خود است.

کلید واژه‌ها: آمریکا، افغانستان، حمله نظامی، تجارت مواد مخدر، تروریسم.

^۱. نویسنده مسئول: دکترای حقوق بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

a.seifi@atu.ac.ir

^۲. دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

rose_fazli@yahoo.com

مقدمه

لنین در مورد جنگ جهانی اول چنین می‌نویسد: «جنگ مولود اراده بشری سرمایه‌داران درنده‌خو نیست؛ گرچه بدون شک فقط به نفع آن‌ها انجام می‌گیرد و فقط به ثروت آن‌ها می‌افزاید» (لنین، ۱۳۸۳: ۴۶۱). با نگاه به تاریخچه جنگ‌ها در جهان پس از وی تا به امروز، تقریباً می‌توان گفت که لنین تحلیل و پیش‌بینی درستی انجام داده است. حداقل در سال‌های پایانی قرن بیستم و تا امروز که نزدیک به دو دهه از آغاز قرن بیست و یکم می‌گذرد، از جنگ خلیج فارس تا حمله به افغانستان و لشکرکشی به عراق، شاهد حضور مستقیم و غیرمستقیم غول‌های جهان سرمایه‌داری هستیم. نظریه پرداز نظامی‌گری آلمان، «کارل فون کلازویتس»^۱ در کتاب خویش به نام «درباره جنگ»^۲ فرمول جدیدی عرضه داشت؛ بدین مضمون که جنگ تداوم سیاست از طریق قوه قهریه است. لنین دیدگاه‌های کلازویتس را تحلیل کرد و برخورد ذهنی بورژوایی او را نسبت به سیاست افشا ساخت. او محتوای طبقاتی سیاست را آشکار کرد و از این طریق ظاهراً کوشید ارتباط میان جنگ و سیاست را بر یک اساس علمی استوار سازد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۳۶).

با رویکرد مطالعات پسااستعماری^۳ و با یک نگاه تاریخی به مسئله، می‌توان به این نتیجه رسید که عصر استعمار و گسترش مقاصد امپریالیستی هنوز به پایان نرسیده، بلکه به واسطه ابزاری دیگر در رابطه میان کشورهای شمال و جنوب ادامه دارد. در مقاله پیش رو، تأکید ویژه بر واقعیت‌های تاریخی و مختصات جغرافیایی و اقتصادی افغانستان است و تلاش در فهم اینکه چگونه تداوم نگاه سلطه امپریالیستی کشوری چون ایالات متحده آمریکا می‌تواند در گوشه دیگری از جهان فاجعه‌بار باشد. به ویژه آنکه در جهان معاصر به دلیل اقتضانات خاص آن در بهره‌گیری از فناوری، سرعت گسترش این فاجعه بیش از گذشته نیز شده است. به عبارت دیگر مسئله مقاله پژوهشی پیش‌رو پیرامون فهم چرایی و چگونگی مداخله آمریکا در صنعت مواد مخدر افغانستان سامان یافته است. موضوعی که به دلیل مجاورت جغرافیایی و معنوی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی افغانستان با ایران حائز اهمیت

1. Carl Von Clausewitz

2. On War

3. Postcolonialism

فراوانی است. به خصوص آنکه کشور مداخله‌گر در لایه امنیتی شرقی ایران، دشمن کشورمان محسوب می‌شود.

این مقاله در پی درک ارتباط میان حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و ادامه سیاست‌های این کشور در راستای گسترش و تداوم هژمونی خود در منطقه و جهان و به‌طور مشخص سنجش تأثیرات ویژه آن بر گسترش دو پدیده تجارت مواد مخدر و تروریسم در افغانستان است. در نهایت شاهد خواهیم بود که چگونه به تعبیر کلازویتس جنگ در ادامه سیاست این کشور در جهان برای حفظ هژمونی خود و در چهارچوب منافع آمریکا در قالب گفتمانی پسااستعماری تعریف می‌شود.

۱- تاریخچه مختصر مداخله آمریکا در افغانستان

۱-۱- مداخله آمریکا در افغانستان در دوران جنگ سرد

هنگامی که در سال ۱۹۷۹ شوروی به حمایت از دولت کمونیست جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان و برای مقابله با مجاهدین، وارد افغانستان شد، جهان همچنان در دوران جنگ سرد بود. شوروی در واقع تلاش داشت تا با اشغال افغانستان، راه تحقق وصیت پترکبیر در رسیدن به آب‌های گرم را هموار کند. در آن دوران آمریکا تمام تلاش خود را کرد تا افغانستان به ویتنامی برای شوروی، تبدیل کند. به این ترتیب در سال ۱۹۷۹ بزرگ‌ترین عملیات پنهانی تاریخ سیا در افغانستان آغاز شد. حدود ۳۵۰۰ شبه‌نظامی در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ و با حمایت فعالانه سیا و دستگاه اطلاعاتی پاکستان «آی اس آی» که قصد داشت، جهاد افغانستان را به جنگ جهانی تمام کشورهای اسلامی به ضد شوروی تبدیل کند، به جنگ افغانستان پیوستند (شیرخانی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۲۶).

حمایت سیا از ورود نیروهای کمکی به افغانستان تنها یکی از مداخلات این سازمان در جنگ ده ساله شوروی در افغانستان بود. اقدام مهم دیگر که بعدها در اسناد خود آمریکایی‌ها منتشر شد، حمایت این کشور از توسعه تجارت مواد مخدر به نفع مجاهدین افغان طرف جنگ با شوروی بود. مستندات تاریخی از جمله گزارش «سی آی ای» مورد

استناد جان کانیر^۱ در ۷ می ۱۹۹۸، نشان‌دهنده نقش آمریکا در گسترش کشت مواد مخدر در آن سال‌ها در همدستی با مجاهدین و پاکستان در برابر شوروی است (Shanty, 2011:43). آمریکا بودجه هنگفتی را برای شکست شوروی در افغانستان از طریق حمایت از نیروهای پلیسی-امنیتی پاکستان هزینه کرد. در واقع «آی اس آی» پاکستان نیز با حمایت از تولید و انتقال مواد مخدر افغانستان بخش عمده‌ای از این هزینه را برای خود و آمریکا جبران نمود. همچنین پاکستان تلاش می‌کرد افغانستان را به حیاط خلوت خود تبدیل سازد.

پس از شکست ارتش سرخ در افغانستان، حکومت مجاهدین به قدرت رسید، اما ناکامی آمریکا و پاکستان در تحقق اهدافشان باعث شد تا آن‌ها از طالبان در افغانستان حمایت کنند. طالبان گروه شبه‌نظامی‌ای بود که اعضایش ریشه در مدارس دیوبندی مورد حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی مستقر در پاکستان، داشتند. هدف طالبان تسلط بر کل افغانستان بود تا مجاهدین را از صحنه سیاسی و امنیتی این کشور خارج کنند. پاکستان و آمریکا تلاش داشتند تا دولت مجاهدین را در کابل و سراسر افغانستان به شکست بکشانند، زیرا پیروزی مجاهدین در افغانستان را پیروزی ایران تعبیر می‌کردند. دانا روپر^۲ نماینده جمهوری خواه کنگره آمریکا نیز اذعان می‌کند که حمایت از طالبان همیشه جزء جدایی‌ناپذیر سیاست ایالات متحده بوده و هست (شیرخانی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۲۷). سیاست دوگانه آمریکا در مقابل جهادگران در افغانستان بر اساس منافع آن کشور در مقاطع مختلف در نوسان بود. واشنگتن پست در سال ۱۹۹۰ گزارش کرد که دیپلمات‌های آمریکا در پاکستان کاملاً متوجه همکاری مجاهدین افغان با مأمورین آی اس آی پاکستان در قاچاق مواد مخدر هستند، اما در این مورد سکوت می‌کنند (Peters, 2009: 9).

¹ John Cainer

² Dana Roper

۲-۱- مداخله آمریکا در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر

پس از حملات شائبه‌انگیز ۱۱ سپتامبر و امتناع گروه طالبان از تحویل بن‌لادن، آمریکا با هدف اعلامی مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله کرد. حملاتی که از سال ۲۰۰۱ منجر به تداوم وضعیت جنگ و اشغال در افغانستان شده است، این کشور را بدل به یکی از اولین میادین آزمایشی «جنگ‌های آینده» در جهان نیز نموده است. در دهه ۱۹۹۰ و در ابتدای سال ۲۰۰۰ ارتش آمریکا به‌طور گسترده با انقلابی در امور نظامی^۱ RMA مواجه شد. از مختصات این تحول می‌توان به این موارد اشاره کرد: ترکیبی از اطلاعات و فناوری جدید، دقت در توان نیروها، طراحی دکترین، رویکردهای عملی و اهمیت ساختار نیروها برای اجازه دادن به نیروهای نظامی برای غلبه بر چالش‌های استراتژیک جدید (Salt, 2018: 98).

بخش زیادی از این فناوری جدید که استراتژیست‌های آمریکا معتقد بودند پیش‌تر در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس امتحانش را به خوبی پس داده است، پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان مورد آزمایش قرار گرفت. هرچند مدافعان اولیه این شکل جنگ معتقد بودند این جنگ با تلفات کمتری همراه خواهد بود، اما جنگ فرسایشی افغانستان، نتایج دیگری را نشان می‌دهد.

از سال ۲۰۰۱، آمریکا مدعی مبارزه با تروریسم و پیگیری پروژه دولت‌سازی^۲ در افغانستان با هدف استقرار قدرتی مستقر و مرکزی بود. با توجه به بافت تاریخی و سیاسی افغانستان، این ادعا و تمام تلاش‌های صورت گرفته برای تحقق آن، بیهوده می‌نمود و امروز تنها بدل به بهانه‌ای برای تداوم درگیری‌ها در آن کشور است. دولت‌سازی متمرکز در افغانستان بر اساس شکل محلی قدرت در آن کشور، به‌طور مشخص در نواحی پشتون‌نشین که همواره در آن‌ها فرهنگ قومی-قبیله‌ای حاکم بوده، مورد تردید بوده است. در سال ۲۰۰۸ بر اساس نتیجه پژوهش موسسه بنیاد مطالعات آسیایی، افغان‌ها همچنان برای رفع

^۱ Revolution in Military Affairs

^۲ State-Building

مشکلاتشان به نهادهای محلی همچون ریش سفیدان قبایل گرایش دارند (Jones, 2009).
7. در چنین شرایطی استراتژی آمریکا در افغانستان با هدف اعلامی حمایت از دولت مرکزی تا به امروز بر دو محور متمرکز است: «تمرکز نیروها در کابل و بمباران هوایی به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین». واقعیت این است که اصرار بر شیوه‌ای که در تضاد تمام با بافت سیاسی و اجتماعی آن کشور است، هیچ حاصلی به جز تداوم جنگ به همراه نخواهد داشت. در ابتدای سال ۲۰۱۸ افغانستان به عنوان مهم‌ترین مسئله ستاد فرماندهی ارتش آمریکا اعلام شده است و فرماندهان نظامی آمریکا مدعی هستند علیرغم قدرت شورشیان و تلفات ارتش افغانستان، نهاد موسوم به^۱ ANDSF عملکرد خوبی داشته است (Thomas, 2018:5).

به نظر می‌رسد که آمریکا حتی به شعار دولت‌سازی خود نیز متعهد نیست و تمایل چندانی به شکل تشکیل دولت مرکزی قدرتمند در افغانستان ندارد و تنها در پی حفظ حضور نظامی در این کشور است. هرچند باراک اوباما رئیس جمهوری سابق آمریکا تلاش کرد تا ارتش آمریکا را از باتلاق افغانستان نجات دهد و روند خروج نیروهای آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۱۴ آغاز شد؛ اما دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا علناً اعلام می‌کند سیاست آمریکا حمایت از پروژه دولت‌سازی نیز نیست و تمرکز بر حضور نظامی پررنگ‌تر در این کشور است.

ترامپ در سال ۲۰۱۷ استراتژی اوباما را تغییر داد و خروج کامل از افغانستان را منوط به تغییر اوضاع در آن کشور کرد. ترامپ بی‌توجه به گزارش‌های سازمان ملل متحد در مورد افزایش تلفات غیرنظامیان در افغانستان در نتیجه عملیات هوایی نیروهای ائتلاف، اعلام کرد که هرگونه محدودیت بر شیوه نبرد در افغانستان را حذف می‌کند (CFR, 2018). ترامپ به عنوان یک سرمایه‌دار مسایل داخلی و خارجی را با معیارهای خاص جهان تجارت می‌نگرد و درصدد است جنگ افغانستان را با واگذاری آن به شرکت‌های امنیتی خصوصی

^۱ Afghan National Defense and Security Force

مانند بلک واتر اداره کند؛ هرچند این مسئله با مخالفت گسترده در افغانستان روبه‌رو شده است.

۲- پیوند حمله نظامی آمریکا و گسترش تجارت مواد مخدر در افغانستان

هرچند افغانستان از سال ۱۹۹۲ بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان است، اما این شرایط هرگز در سال‌های گذشته و در ابعاد متفاوت، بدون افتوخیز نبوده است. نقطه عطف تحولات در زمینه کشت و تجارت مواد مخدر را می‌توان حمله آمریکا به این کشور دانست. از سال ۲۰۰۱ به‌طور مداوم کشت مواد مخدر در افغانستان افزایش یافته است، به‌طوری‌که سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ اوج کشت مواد مخدر بوده و تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ با رشد حیرت‌انگیز ۶۳ درصدی، مواجه بوده است (UNODC, November 2017). در پی اعمال سیاست زمین سوخته^۱ به‌دنبال حمله شوروی در سال ۱۹۷۹، کشاورزان به‌دلیل ارزش مادی بالاتر، به کشت بیشتر خشخاش روی آوردند. در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵ کشت خشخاش به بیش از دو برابر رسید و در سال ۱۹۸۶ این رقم مجدداً دو برابر شد (National Security Archive, 1985- 1986: 74).

در سال‌های پایانی اشغال، آمریکا بر اساس گزارش‌های مأموران خود در پاکستان معتقد بود که فرماندهان جهادی چون گلبدین حکمتیار و یونس خالص که همگی به ISI پاکستان مرتبط بودند، به تجارت مواد مخدر روی آوردند. یونس خالص که کنترل مناطق ننگرهار را در اختیار داشت، با دیگر مجاهدین برای کنترل مزارع تولید تریاک ارتباط داشت. وی همچنین کنترل مسیرهای آزمایشگاه‌های تولید هروئین و بازارهای مرزی حشیش را نیز به عهده داشت. جلال‌الدین حقانی نیز در مرز پاکستان مشغول بود و ارتباط تنگاتنگی با مجاهدین عرب داشت. هرچند حکمتیار، خالص و حقانی تلاش می‌کردند که مستقیماً خود را درگیر این بازار نشان ندهند و از طریق عواملشان کنترل اوضاع را به دست بگیرند (Peters, 2009: 8-7).

^۱ Scorched Earth

پس از روی کار آمدن طالبان، گزارش‌های سفارت آمریکا در پاکستان حاکی از این بود که محمد یونس خالص، میلیون‌ها دلار درآمد حاصل از تجارت هروئین را به طالبان داده است. طالبان در آن زمان بیانیه‌ای را در این مورد صادر کرده بود، به این مضمون که مصرف مواد مخدر حرام اما تولید و تجارت آن بدون اشکال است. تا سال ۱۹۹۶ طالبان از حمایت مالی و سیاسی شبکه قبیله‌ای دخیل در تجارت مواد مخدر بهره‌مند بود اما ورود بن لادن به‌عنوان منبع مالی جدید، معادلات را به هم ریخت. در ده سپتامبر ۱۹۹۷ وزیر امور خارجه طالبان طی فرمانی تولید، تجارت و استفاده از مواد مخدر را ممنوع و اعلام کرد متخلفین مجازات خواهند شد. در همان زمان سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا معتقد بودند همکاری بین پاکستان، امارات متحده عربی و القاعده در زمینه تجارت سلاح و مواد مخدر به افغانستان و از افغانستان، به‌طور مشخص از طریق خطوط هوایی آریانا وجود داشته است (Peters, 2009: 6-10).

در سال ۲۰۰۰ اعلام محدودیت‌های جدید بر کشت و تجارت مواد مخدر از سوی ملا عمر سرکرده طالبان برای شناسایی بین‌المللی طالبان، ناکام ماند؛ زیرا سازمان ملل و آمریکا اعلام کردند که در مورد کاهش سهم طالبان از توسعه تجارت مواد مخدر مجاب نشدند. نکته جالب توجه اینکه در سال ۲۰۰۷ بیشترین میزان کشت تریاک در مناطق جنوبی است که بخش اعظم نیروهای آمریکایی و انگلیسی در آن مناطق مستقر هستند. گفتنی است که این مناطق ناامن‌ترین مناطق افغانستان نیز هستند (شیرخانی و سبجانی، ۱۳۹۳: ۴۸). هرچند اثرگذاری مستقیم آمریکا بر روند تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان، به دهه ۸۰ میلادی باز می‌گردد اما در مقطع پس از ۱۱ سپتامبر، سر آغاز تحول در گسترش کشت و تجارت مواد مخدر را می‌توان در ورود مأموران CIA با ۷۰ میلیون دلار پول نقد در سال ۲۰۰۱، جهت تطمیع جنگسالاران و روسای قبایل افغانستان دانست. بخشی از این بودجه که ظاهراً بنا بود صرف مقابله با طالبان شود، مستقیماً در اختیار

کسانی قرار گرفت که در گذشته از سران مسلط بر تجارت مواد مخدر بودند (Maccoy, 2018).

در سال‌های اولیه اشغال افغانستان توسط آمریکا، ایالات متحده به‌طور غیرمستقیم متحد جنگسالارانی شد که در توسعه کشت مواد مخدر نقش داشتند. آمریکا قصد داشت که از مداخله در مسئله اقتصاد مواد مخدر خودداری کرده و تمرکز نهایی خود را متوجه حمایت از جنگ‌سالارانی کند که کنترل مناطق را به عهده داشتند. ارتش آمریکا در آن زمان در موقعیتی متناقض قرار داشت: از یک سو باید با دشمنی که در کنفرانس بن از آن تحت عنوان مواد مخدر یاد شده بود، مبارزه می‌کرد و از سوی دیگر برای مبارزه با طالبان باید با جمعیت‌های محلی حامی تولید مواد مخدر متحد می‌شد. در نهایت حاصل کار ایالات متحده چنین شد: «اتحاد با بسیاری از جنگسالاران که درگیر تجارت مواد مخدر بودند». موضع پراگماتیک آمریکا، مسبوق به سابقه بود. در زمان حمله شوروی نیز آمریکا همین موضع را در پیوند با جنگسالاران محلی اتخاذ کرده بود. علی‌رغم اینکه در کنفرانس بن سال ۲۰۰۱ تروریسم همزاد تجارت مواد مخدر در افغانستان خوانده شده بود تا سال ۲۰۰۴ مبارزات علیه تجارت مواد مخدر از اهداف ثانویه به شمار می‌رفت (Morid, 2016).

افکار عمومی آمریکا از سال ۲۰۰۴ در مورد انفعال آمریکا در مسئله مواد مخدر حساس شده بود. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸، آمریکا تلاش کرد استراتژی سرکوبگرانه‌ای را در مبارزه با مواد مخدر در پیش بگیرد؛ اما در نتیجه این سیاست، در بعضی مناطق کشت کاهش پیدا کرد؛ اما وابستگی مناطق روستایی به تجارت افزایش پیدا کرد و به‌دنبال آن، نفوذ طالبان در آن مناطق بیشتر شد. به این صورت که به‌دنبال مورد هجوم قرار گرفتن مزارع خشخاش، جمعیت به مناطقی منتقل شدند که دولت دسترسی کمتری برای ایجاد محدودیت بر آن مناطق داشت و گروه‌های شبه‌نظامی نیز حاشیه امنی برای آنها فراهم

کردند. لذا میزان کاهش کشت مواد مخدر در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ بیش از فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ بود (Ibid).

در سال ۲۰۰۹ آمریکا با هدف مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حملات گسترده‌ای را به بخش‌هایی از خاک افغانستان از جمله هلمند آغاز کرد، اما عملیات هوایی بدون حضور مستقیم و مثبت در منطقه، تنها خشم و نارضایتی کشاورزان را برانگیخت. به‌طوریکه در پایان سال ۲۰۱۴ آمریکا مجبور به پذیرفتن ناکامی خود در پیگیری این سیاست شد (Maccoy, 2018).

جان سوپکو^۱ بازرس ویژه سازمان ملل در امور افغانستان در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که آمریکا علی‌رغم صرف مبلغ بیش از ۷ میلیارد دلار در سال‌های گذشته در این رابطه شکست خورده است. او وضعیت را با این عبارات توصیف کرد: «تولید و کشت مواد مخدر بالا، ممنوعیت و ریشه‌کنی آن پایین و حمایت مالی از شورشیان زیاد است و اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در افغانستان در وضعیتی بی‌سابقه قرار دارد» (Ibid).

در سال ۲۰۱۴ کرک میر^۲ مدیر بخش تهدیدات مالی افغانستان^۳ حتی این فرضیه را که مواد مخدر منبع اولیه در آمد طالبان است، به چالش کشید. او گفت: «شخصاً هرگز باور نمی‌کنم که مواد مخدر، همان‌طور که بسیاری از مردم فکر می‌کنند، منبع بزرگ حمایت از شورشیان باشد. البته یکی از منابع مالی است و من این را منکر نمی‌شوم اما نه آن‌طور مبالغی که همیشه ذکر می‌شود، میلیون‌ها دلار» (Global ECCO, 2014).

در سال ۲۰۱۷ که بیش از ۱۰۰۰۰ نیروی آمریکایی در افغانستان، مستقر بودند، علیرغم این دونالد ترامپ از ناتو و بریتانیا خواسته است نیروهای خود را در افغانستان افزایش دهند. با این حال ناامنی و بحران و آمار تلفات نظامیان و غیرنظامیان هر روز در

1. John Sopko

2. Kirk Meyer

3. Former Director of the Afghan Threat Finance Cell

حال افزایش است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد در نیمه اول سال ۲۰۱۷، ۱۶۶۲ شهروند افغان در حملات کشته و ۳۵۸۱ نفر زخمی شدند (Global ECCO, 2014). مشخص نیست که نتیجه چرخش جدید در استراتژی دولت آمریکا در افغانستان (از رویکرد امنیتی به رویکرد تجاری با واگذاری منابع معدنی افغانستان به شرکت‌هایی چون بلک واتر) تا چه حد منجر به نابودی تروریسم خواهد شد. به‌ویژه اینکه تا به امروز هیچ مشی موثری برای مبارزه با مواد مخدر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تامین مالی شبه نظامیان، وجود نداشته است. تا سال ۲۰۱۷ آمریکا یک تریلیون دلار هزینه جنگ در افغانستان کرده است. در همان سال به اعلام کریشنادف کلمور^۱ سردبیر ارشد اندیشکده شورای آتلانتیک، طالبان، بیشترین حجم سرزمین را از سال ۲۰۰۱ تا به آن روز، تحت کنترل خود داشته است (Wyne, 2018). همچنین به گزارش دفتر سازمان ملل در مبارزه با مواد مخدر و جرم، کشت و تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷، بیش از هر سال دیگری بوده است.

نیکلاس گراسمن^۲ استاد علوم سیاسی دانشگاه ایلینویز در مقاله‌ای در نشنال ریویو^۳ بر تغییر رویه و سیاست آمریکا در افغانستان تأکید می‌کند و می‌نویسد: «هدف آمریکا دیگر ملت‌سازی در افغانستان - آن طور که در زمان جورج بوش پسر ادعا می‌شد - نیست. هیچ چشم‌اندازی برای رسیدن به شرایط ایده‌آل نیز وجود ندارد؛ اما آمریکا ناگزیر از ماندن در افغانستان است تا جهادی‌ها خلاء قدرت را پر نکنند، مانند آنچه در عراق اتفاق افتاد. آمریکا قصد دارد روسیه و ایران را بیرون از میدان نگاه دارد و همچنین پاکستان را به‌عنوان همراه باثبات در جبهه خود داشته باشد» (Tisdall, 2018).

به نظر می‌رسد میان سیاست اعلامی و اعمالی آمریکا در مورد مقابله با مواد مخدر در افغانستان اختلاف جدی وجود دارد. در حالی که آمریکا مبارزه با توسعه قاچاق مواد مخدر

1. Krishnadev Calamur

2. Nicholas Grossman

3. National Review

در افغانستان را جز سیاست‌های نظامی ارتش آمریکا در افغانستان نمی‌داند، اما بخشی از حملات هوایی آمریکا در افغانستان تحت عنوان از بین بردن لابراتورهای تولید هروئین در افغانستان توجیه می‌شوند. تنها چهار روز پس از اینکه دفتر توسعه مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد به‌طور رسمی اعلام کرد که کشت مواد مخدر در افغانستان به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش پیدا کرده است، بمباران هوایی گسترده با هدف اعلامی مبارزه با مواد مخدر از جانب ایالات متحده آمریکا آغاز گشت. این موضوع پس از ۱۶ سال بود که حملات هوایی به‌طور مشخص بر ضد لابراتورهای تولید مواد مخدر صورت می‌گرفت.

دیوید منسفیلد^۱، کارشناس مسائل افغانستان، ارزش سیاست‌های جدید نظامی آمریکا را در بمباران هوایی مناطق مشکوک به کشت و یا آزمایشگاه‌های مواد مخدر به‌ویژه با توجه به تلفات غیرنظامیان در مبارزه با تجارت مواد مخدر، ناچیز می‌داند. از نظر وی رفتار آمریکا بیشتر شبیه اجرای نوعی تئاتر مبارزه با مواد مخدر است. البته پیوند مسئله مواد مخدر با حملات هوایی در افغانستان، مسئله جدیدی نیست، بلکه به تازگی توام با سیاست‌های تازه ترامپ شکل جدی‌تری به خود گرفته است. از سال ۲۰۰۱ وابستگی طالبان به اقتصاد تریاک مفروض بوده است، اما به‌طور رسمی تونی بلر از سال ۲۰۰۷ آن را به عنوان توجیه مداخله نظامی در افغانستان مطرح کرد (Mansfield, 2018).

۳- پیوند تروریسم و گسترش تجارت مواد مخدر در افغانستان

مطالعات گرچن پترز^۲ از محققین برجسته موسسه مطالعات صلح^۳ ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که چگونه پس از حمله آمریکا، فرماندهان طالبان فعالیت‌های خود را به‌ویژه در روستاها در رابطه با تجارت مواد مخدر در زمینه‌هایی چون اخاذی، گرفتن مالیات و تامین امنیت فعالیت‌های مرتبط، گسترش دادند. بخشی از درآمدهای آن‌ها با فعالیت‌هایی چون حفاظت از آزمایشگاه‌های تولید هروئین، آدم‌ربایی و سایر حواشی قاچاق مرتبط

1. David Mansfield

2. Gretchen Peters

3. United States Institute of Peace

می‌شود. این شبکه احیا شده در همین اندازه باقی نمانده است و به واسطه نفوذ و تامین امنیت در ولایات بر بخش عظیمی از درآمد حاصل از این تجارت چنگ انداخته است. در سال ۲۰۱۷، ۶۰ درصد از وجوه دستمزد و سلاح طالبان از تجارت مواد مخدر تامین شده است (Mashal, 2017). شبکه تولید و قاچاق مواد مخدر در سال‌های بعد از ۲۰۰۱ گسترش یافته و تنها کشاورزان ساده را شامل نمی‌شود. در سال ۲۰۰۷ ارزش کل تریاک تولید شده در افغانستان ۴ میلیارد دلار بود که یک چهارم آن به کشاورزان رسید و بقیه نصیب فرماندهان نظامی، جنگسالاران سابق و قاچاقچیان مواد مخدر شد (United Nations Office on Drugs and Crime, 2017). اما در سال ۲۰۱۷ علاوه بر افزوده شدن این ارزش، میزان سهم طرفین نیز تغییر می‌کند. به گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در این سال گروه طالبان بیشترین سود را از قاچاق تریاک در افغانستان به دست آورد.

تغییر در تاکتیک‌های میدان نبرد، نشانه ارتباط رهبران طالبان با شبکه قاچاق مواد مخدر است. این مسئله تاثیر عمده‌ای در تعیین تصمیمات مهم و استراتژیک آن‌ها دارد (Peters, 2009: 21). نهادهای بین‌المللی از طریق صدور قطعنامه‌هایی علیه طالبان و القاعده و اقداماتی نظیر بلوکه کردن اموال آن‌ها در تلاش برای محدود کردن منبع مالی این قبیل گروه‌ها هستند. در حالی که همین نهادها برای مقابله جدی با آمریکا، انگلیس و کشورهای غربی در زمینه تجارت مواد مخدر واکنش نشان نمی‌دهد و نظاره‌گر تداوم بحران و ناامنی‌های خونین در افغانستان است.

اشاره به این نکته که پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱، میزان حملات تروریستی انتحاری افزایش یافته است (شیرخانی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۶)، سه ضلع بی‌ثباتی در افغانستان را کامل می‌کند: «اشغال نظامی خارجی، رشد و توسعه تجارت مواد مخدر و گسترش تروریسم». مواد مخدر عامل مهم در تداوم فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی و مشوق ادامه حضور نظامیان خارجی در افغانستان است.

حمله آمریکا به افغانستان و تداوم شرایط جنگی در آن کشور، گسترش ناامنی، بی‌ثباتی و بحران بیکاری را در پی داشت که با توجه به سابقه افغانستان در کشت و تولید مواد مخدر، اولین راه حل ممکن جمعیت بیکار، به‌ویژه مناطق روستایی، مشارکت در شبکه قاچاق مواد مخدر بود. آمارها نشان می‌دهد که تریاک هنوز بر اقتصاد ملی افغانستان سیطره دارد و دو میلیون افغانستانی برای گذران زندگی خود به تجارت مواد مخدر متکی هستند. بر اساس اعلام دفتر مبارزه با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۰ در آمد حاصل از مواد مخدر تولید شده در افغانستان حدود ۶۸ میلیارد دلار تخمین زده شده است. بر اساس گزارش یاد شده از این مقدار پول، تنها دو میلیارد دلار آن به افغانستان و ۶۶ میلیارد دلار آن به قاچاقچیان و حامیان بیرونی در خارج از افغانستان تعلق گرفته است (همان). این اطلاعات هرچند تأیید کننده رابطه تروریسم و تجارت مواد مخدر است، اما مرزهای این ارتباط را فراتر از افغانستان و در میان گروه‌هایی فراتر از گروه‌های درگیر در افغانستان، ترسیم می‌کند.

۴- پیوند وضعیت اقتصادی-سیاسی افغانستان و مسئله مواد مخدر

ژنرال ارتش آمریکا جان نیکلسون^۱، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان، در اوت سال ۲۰۱۸، استراتژی جدیدی را برای حمله به کارخانه‌های مواد مخدر با هدف اعلام شده ضربه به منافع نیروهای طالبان، اعلام کرد (Mansfield, 2018: 2). منتقدان معتقدند، این کار بیش از آن که به منافع طالبان لطمه‌ای وارد کند، تلفات غیرنظامیان را بالا می‌برد و بخش بزرگی از جمعیت را که زندگیشان به اقتصاد مواد مخدر وابسته است، علیه دولت می‌شوراند.

مواد مخدر سهمی نه دقیقاً مشخص اما بسیار بزرگ را در شکل‌دهی به قدرت سیاسی و اقتصادی در افغانستان داراست. همواره معیشت بخش بزرگی از مستاجران ناتوان،

¹John William Nicholson Jr.

کشاورزان فقیر، کارگران و خیل وسیع بیکاران در افغانستان به آن بستگی داشته است. ممنوعیت تولید و تجارت مواد مخدر به‌طور جهانی موجب می‌شود همواره بخش بزرگی از اقتصاد این کشور در مقیاس جهانی به عنوان اقتصادی غیر قانونی قلمداد شود (Morid, 2016: 4).

در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ میلادی ۱۵,۰۰۰ سرباز آمریکایی حاضر در افغانستان، در کابل متمرکز شده بودند، در حالی که هیچ توجهی به کشاورزان و روستائیان به‌ویژه در جنوب و شرق افغانستان (مناطق پشتون‌نشین) که کلید کنترل کشور بودند، نمی‌شد. در این شرایط کمک‌های بین‌المللی برای توسعه نیز تنها ۱۰ درصد از جمعیت را تحت پوشش قرار می‌داد (Gerard, 2011 : 115- 116). ناامنی تحمیلی باعث شد که جمعیت جنگ زده‌ای که در فقدان زیر ساخت‌های اقتصادی کافی دچار مشکلات عدیده معیشتی بودند، دو راه داشته باشند: ۱- پیوستن به نیروهای امنیتی، ۲- ورود به جریان کشت و قاچاق مواد مخدر؛ که احتمال از دست دادن جانشان در راهکار اولی بیشتر از دومی بود.

پس از گذشت حدود ۱۷ سال از اشغال افغانستان به‌رغم ادعای آمریکا برای ایجاد مدینه فاضله، این کشور همچنان با مشکلات اقتصادی و بیکاری رو به گسترش مواجه است که باعث می‌شود همچنان تولید مواد مخدر به‌عنوان مهمترین عامل تأمین نیازهای مالی کشاورزان نیز مطرح باشد. این در حالی است که آمریکا و ناتو اقدامی در جهت تغییر کشت زمین‌های کشاورزی در افغانستان صورت ندادند تا کشاورزان بتوانند ضمن تولید نیازهای مردم افغانستان از جمله گندم، نیازهای مالی خود را نیز تأمین نمایند.

در نوامبر ۲۰۱۷ وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان دلایل ناکامی خود را در مبارزه با مواد مخدر در این کشور اینگونه بر شمرد: ۱- ناامنی، ۲- تعهد ضعیف مسئولین ولایتی، ۳- تبانی مافیای مواد مخدر با گروه‌های مخالف مسلح، ۴- نبود حاکمیت قانون، ۵- به کارگیری بذره‌های اصلاح شده تریاک و ۶- فعالیت‌های تروریستی. علاوه بر مسئله درگیر بودن اقتصاد افغانستان با مواد مخدر و وابستگی معیشت مردم به این تجارت، از تأثیرات

این وضعیت بر ساختار قدرت در آن کشور نیز نباید غافل بود. هرچند دولت افغانستان همواره به‌طور رسمی دخالت داشتن در توسعه و گسترش قاچاق مواد مخدر را رد کرده است اما گزارش‌های متعدد حکایت از همراهی برخی مقامات سیاسی و نظامی دولتی با این جریان دارند (Felbab Brown, 2017).

در فوریه سال ۲۰۱۶ مقامات محلی افغانستان به‌طور مستقیم در تجارت تریاک شرکت داشته‌اند و این موضوع از فرایندی محلی به فرایندی عمومی بدل می‌شود. چون این مقامات بخشی از سود حاصله را به مقامات دولتی در کابل تحویل می‌دهند. همچنین بسیاری از محافل در افغانستان یکی از مهمترین تأثیرات مخرب اشغال افغانستان را توسعه فساد و در سطوح مختلف اداری و مالی می‌دانند و بر این اعتقاد هستند که اشغالگران برای ایجاد زمینه ادامه حضور خود در افغانستان و تأمین مالی خود به رشوه‌خواری، قاچاق مواد مخدر، انسان و سلاح در این کشور دامن می‌زنند (Maccoy, 2018).

بر اساس گزارش تحقیقی در بریتانیا در سال ۲۰۰۸، بسیاری از افغان‌ها در جنوب این کشور بر این باورند که بازیگران دولتی از تجارت مواد مخدر، بیش از شورشیان سود می‌برند (Peters, 2009: 3). سیاست‌های انگلیس به‌عنوان یکی از متولیان مبارزه با مواد مخدر در افغانستان حاصلی جز ناکامی به همراه نداشته است. نکته قابل توجه اینکه رسانه‌های غربی به نقش اشغالگران در ایجاد چنین وضعیتی اشاره نمی‌کنند.

شرایط نابسامان اقتصادی، منازعات قدرت و چالش‌های امنیتی منجر به موفقیت هرچه بیشتر گروه‌های تروریستی و به‌طور مشخص امروزه داعش در زمینه تجارت مواد مخدر شده است. شورشیان بیشتری به‌واسطه همکاری شبکه اقتصادی در سایه با داعش شریک شده‌اند. شبکه‌ای که با مجموعه‌ای از عوامل که مهم‌ترین آن ناامنی داخلی و منطقه‌ای است، تقویت می‌شود. برخی از کارشناسان غربی معتقدند که بعد از ۱۷ سال، بدون چشم‌اندازی روشن برای اتمام جنگ افغانستان، آمریکا تنها موفق شده است «دولت

مواد مخدر^۱ جهان را در افغانستان، ایجاد کند. البته چنین اظهار نظری به گونه‌ای تلاش برای تبریئه آمریکا با فاسد نشان دادن دولتمردان افغانستان است که تحت عنوان دولت، اداره امور این کشور را در اختیار دارند (Maccoy, 2018).

نتیجه‌گیری

هرچند وابستگی به اقتصاد مواد مخدر در افغانستان سابقه‌ای طولانی دارد، اما به‌طور مشخص از انتهای دهه هفتاد میلادی تا به امروز می‌توان نوک پیکان درگیر بودن در این وضعیت پیچیده را به‌سوی شرایط جنگ دائمی این سرزمین، نشانه رفت. بدون شک از همان دوران تاکنون به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بیشترین نقش را در ایجاد شرایط جنگی، آمریکا داشته است.

در حمله آمریکا به افغانستان با ترکیب پیچیده‌ای از استراتژی‌های مختلف مواجه هستیم. اما این استراتژی‌ها نه با هدف پیروزی، بلکه با هدف استمرار وضعیت جنگی طراحی شده‌اند. آنچه آمریکا در افغانستان دنبال می‌کند، نتیجه‌ای جز استمرار نبرد نخواهد داشت. آمریکا نه تنها به روحیات و فرهنگ و آداب سنتی و مذهبی مردم افغانستان آشنا نیست، بلکه سیاست منفعت طلبانه خود را در افغانستان دنبال می‌کند که نتیجه آن ادامه بحران مدیریت شده از سوی واشنگتن در افغانستان است.

آمریکا مدعی است با تکیه بر فناوری پهباد توانسته است بخش بزرگی از عملیات نظامی را در افغانستان مدیریت کند. اما در شرایطی که در افغانستان تروریست‌های مسلح به‌طور پراکنده در حال نبردی تقریباً بدون جبهه مشخص هستند، شیوه‌های جنگ کلاسیک و برخورد غیرمستقیم چون جنگ هوایی، نه‌تنها راهگشا نیستند، بلکه جنگ فعلی را به جنگی دائم^۲ بدل می‌سازند. تجهیزات نظامی آمریکا در افغانستان سنخیت چندانی با

^۱ Narco-State

^۲ perpetual war

اهداف اعلام شده این کشور برای مبارزه با تروریسم ندارد. آمریکا ۴۹ میلیارد دلار تسلیحات نظامی و لجستیکی در افغانستان مستقر کرده است و کاربرد بسیاری از سلاح‌های موجود فراتر از مبارزه با چند گروه شبه‌نظامی تروریستی است (شیرخانی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۳۸). در مورد نحوه عملیات نیز این نقل قول از سوی یکی از اعضای طالبان می‌تواند تا حد زیادی گویا باشد. در ماه اوت ۲۰۱۸ «قاری یوسف احمدی» سخنگوی طالبان اظهار داشت: «نیروهای آمریکا در هدفگیری‌های هوایی خود اشتباه کرده و غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند. هیچ کارخانه مواد مخدری در مناطق هدف بمباران وجود ندارد (Stanekzai and Grish, 2017). در واقع میان حضور نظامیان ایالات متحده آمریکا و مناطقی که بیشترین حجم تولید مواد مخدر را دارند ارتباط وجود دارد.

توسعه کشت و تجارت مواد مخدر در افغانستان پیوندی تنگاتنگ با شرایط جنگی دارد. تداوم چنین وضعیتی و ناامیدی در رسیدن به ثبات و امنیتی که بستر توسعه زیرساخت‌های لازم را جهت یک توسعه اقتصادی واقعی فراهم آورد، بدون شک همه راه‌ها را به اقتصادی غیرقانونی و زیرزمینی که مولود شرایط ناامنی است، می‌رساند. اقتصادی که سازوکارهای ایجاد و تداوم آن نه ساختارهای رسمی و قانونی که مخفی‌کاری، خرابکاری و نظامی‌گری گروه‌های شبه‌نظامی هستند که از تجارت مواد مخدر و تداوم این وضعیت بی‌ثبات سود می‌برند. لذا تداوم فعالیت طالبان در افغانستان و ظهور گروه تروریستی داعش، مهمترین بهانه‌های آمریکا برای توجیه ادامه حضور نظامی در افغانستان است. طالبان و داعش نیز برای ادامه فعالیت خود نیازمند منابع مالی است. اگرچه گفته می‌شود پاکستان و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مهمترین منبع مالی طالبان هستند، اما مشکلات پاکستان در ارتباط با آمریکا و کاهش یا قطع کمک‌های این کشور به اسلام‌آباد باعث شده است تا طالبان توجه بیشتری به تولید و قاچاق مواد مخدر نشان دهد.

بنابراین به نظر می‌رسد ادامه فعالیت گروه‌های تروریستی چون داعش و ادامه کشت خشکاش و تولید مواد مخدر در افغانستان لازم و ملزوم یکدیگر هستند تا آمریکا نیز ادامه

اشغال افغانستان را توجیه کند و بر تعداد نیروهای خود در این کشور بیفزاید. آنچه که برای آمریکا اهمیت ندارد، استقلال، حاکمیت ملی و رفاه مردم افغانستان است. عملکرد آمریکا عملاً افغانستان را به پایگاه اقتصادی تروریسم و افراط‌گرایی تبدیل کرده است که ناامنی را به کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز صادر می‌نماید. خواست آمریکا همواره استقرار دولتی ضعیف در کابل، تداوم بحران در افغانستان و افزایش مشکلات مردم خواهد بود. از آنجا که تداوم فعالیت گروه‌های تروریستی به‌عنوان عامل تداوم بحران بدون تأمین منابع مالی میسر نیست و مهمترین منبع مالی آنها نیز مواد مخدر است، می‌توان حدس زد که چرا آمریکا و ناتو نه تنها با کشت خشخاش و تولید مواد مخدر و قاچاق آن مقابله نمی‌کنند، بلکه عملاً با خط‌مشی نظامی از آن حمایت می‌کنند.

در وضعیت فقدان زیر ساخت‌های کافی اقتصادی در افغانستان این کشور جنگ زده از سال ۲۰۰۱ با مسئله ناامنی مجدد ناشی از اشغال مواجه می‌شود. بیکاری از پیش موجود در افغانستان در سایه بحران امنیتی، موجب می‌گردد بخش‌های بزرگی از جمعیت این کشور چاره را جز در پناه بردن به سایه اقتصاد سیاه^۱ نبینند. فقدان زیرساخت‌های اقتصادی کافی در افغانستان پس از گذشت ۱۷ سال از حضور آمریکا و ناتو در آن کشور نشان می‌دهد که آنها برای تحقق شعارهای خود مبنی بر حل مشکلات اقتصادی افغانستان کاری صورت نداده‌اند و همچنان این کشور با مشکلات عدیده‌ای روبرو است که ناخواسته بخشی از جامعه افغانستان را به سمت مواد مخدر سوق می‌دهد.

به نظر می‌آید غرب و نماینده ابرقدرت آن آمریکا همچنان سنت استعمارگری پیشینیان خود را ادامه می‌دهد و بی‌توجه به منافع و مختصات زندگی مردم بومی منطقه با ابزارهای نوین که به مدد رسانه‌های غربی ظاهری موجه می‌یابند، در پی مطامع خویش است. هدف استعمارگرایانه و توسعه‌طلبانه نهایی، حفظ هژمونی در منطقه حساس غرب آسیا با تلاش برای سرکوب و عقب نگه داشتن مردم افغانستان و بهره‌کشی از شرایط در

^۱ Black Economy

جهت تامین منافع اقتصادی خود است تا با کم‌ترین هزینه به بیشترین منفعت ممکن دست یابد.

تغییر شکل تجارت مواد مخدر از تولید و قاچاق تریاک به هروئین (UNDOC, 2017: 7) و اثر آن بر نوع اعتیاد موجود در افغانستان، افزایش تعداد معتادان به مواد مخدر در این کشور به بیش از سه میلیون نفر که به واسطه تداوم ناامنی و شرایط جنگی در افغانستان و به دنبال آن شکل نگرفتن زیرساخت‌های موثر اقتصادی و ادامه بیکاری و ناچار بودن مردم از پیوستن به شبکه تولید و توزیع مواد مخدر تشدید می‌شود و ناکامی دولت در اجرای برنامه‌ها در حمایت از کشاورزان در جهت توقف کشت خشخاش^۱ چشم‌انداز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تیره‌ای را برای افغانستان ترسیم می‌کند. گسترش اعتیاد از زمان اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ تنها یک نتیجه قطعی خواهد داشت؛ ویرانی نسل آینده افغانستان که می‌تواند کشوری مستقل و آباد را بسازد و این ویرانی تنها یک خواهان خواهد داشت و آن نیز نیروهای اشغالگری هستند که از این نابسامانی و تداوم حضور خود به این واسطه در افغانستان استقبال می‌کنند.

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

رسانه به‌عنوان قدرتمندترین ابزار تاثیرگذاری بر افکار در سطح کلان و خرد جامعه امروز می‌تواند نقش عمده‌ای در سازماندهی افکار عمومی مردم افغانستان داشته باشد. از این رو پیشنهادهایی به‌ویژه برای رسانه‌های برون‌مرزی فعال در حوزه افغانستان مانند رادیو دری، رادیو پشتو، آی فیلم ۲ و پرس تی‌وی ارائه می‌شود.

^۱ . قائم معاون وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان در ماه می ۲۰۱۷، طی سخنانی گفت: «ما به کشاورزان به جای کشت خشخاش، بذر گندم و کود شیمیایی می‌دهیم ولی به فروش محصولات و بازاریابی توجه نداریم و کشاورزان افغانستان یک کیلو انار را در فصل برداشت به ۲۰ افغانی (کمتر از سی سنت)، می‌فروشند که خیلی اوقات موفق به این کار هم نمی‌شوند.»

- در گام نخست باید مسئله مواد مخدر در قالب بحران ملی برای مردم افغانستان طرح شده و ضرورت رویارویی با آن در سطح تولید، تجارت و مصرف نه تنها به‌عنوان یک ضرورت فردی که به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی مطرح شود.
- با هدف تبیین لایه‌های آشکار و نهان نقش و تأثیر آمریکا در تولید و گسترش مواد مخدر در افغانستان و با استناد به اطلاعاتی که بخشی از آنها در مقاله حاضر مطرح شد، به ساخت مستند و گزارش‌های تحلیلی همت گمارده شود.
- به موازات نمایش تأثیرگذاری مخرب آمریکا در گسترش کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان، تلاش‌های نیروی انتظامی و دیگر نهادهای ایران در مبارزه با پدیده مواد مخدر تبیین شود.
- استفاده از ظرفیت مهاجران افغانستانی که از آسیب‌های جنگ و گروه‌های تروریستی در افغانستان به ایران مهاجرت کرده‌اند، و تجربیات مستقیم آنها در درگیری با قاچاق و یا مصرف مواد مخدر می‌تواند موثر باشد؛ به‌ویژه اگر در خلال این واکاوی، به تأثیر حمله آمریکا به افغانستان و پیامدهایی نظیر سوق یافتن مردم به کشت و قاچاق مواد مخدر به‌عنوان نتیجه این حمله اشاره شود.
- با توجه به اشتراکات دینی میان دو کشور می‌توان با ساخت برنامه‌هایی به معرفی رویکرد دین اسلام به مسئله اعتیاد همت گمارد و با طرح این مسئله که حتی در دوره طالبان نیز طبق فتوای ملاعمر مصرف مواد مخدر حرام اعلام شده بود، تلاش شود تا گسترش مصرف این ماده به عنوان پدیده‌ای وارداتی که در تضاد علنی با باورها و فرهنگ مردم افغانستان از هر طیف قرار دارد، معرفی شود.
- در برنامه‌های مختلف خبری و غیرخبری از نسبت دادن مسئله تجارت مواد مخدر به فرهنگ و تاریخ مردم افغانستان پرهیز شود و این موضوع به تبعات حضور بیگانگان پیوند بخورد. برنامه‌سازان می‌توانند در این خصوص به دوران اشغال ارتش سرخ، دوران

- حمایت آمریکا از طالبان در مقابل مجاهدین و دوره پس از ۱۱ سپتامبر که بخشی از مستندات مربوطه در این مقاله بررسی شد، استناد و اشاره کنند.
- رسانه‌ها نباید نقش خود مردم افغانستان را در امکان مبارزه با مواد مخدر نادیده بگیرند. باید طرف اصلی مبارزه برای حل مسئله مواد مخدر در افغانستان، مردم این کشور معرفی شوند و ایران نیز با توجه به سابقه مبارزه و تجربه خود، به‌عنوان مهم‌ترین حامی معرفی شود که با استنادات تاریخی تاکنون در دو جبهه مبارزه با تروریسم و مواد مخدر جنگیده و هزاران شهید داده است.
 - تهیه برنامه‌های کارشناس‌محور که در آنها در درجه نخست یک بررسی تاریخی از ارتباط حمله و اشغال خارجی در افغانستان و گسترش تجارت مواد مخدر ارائه شود و در مرحله بعدی انگیزه‌های امروزی بیگانگان از گسترش این تجارت در افغانستان ریشه‌یابی گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶)، **جنگ و صلح، بررسی مسائل نظامی و استراتژیک معاصر**، تهران: انتشارات سمت.
- شیرخانی، محمدعلی و سبحانی، مهدی (۱۳۹۳)، **اقتصاد سیاسی نظامی‌گری، مداخله آمریکا در افغانستان**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنین، ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (۱۳۸۳)، **مجموعه آثار و مقالات**، ترجمه هرمان محمدپور، نشر فردوس.

منابع لاتین

- CRF (2018), THE U.S War in Afghanistan (1999-2018), Available at: <https://www.cfr.org/timeline/us-war-afghanistan>
- Felbab Brown, Vanda (2017), "Afghanistan's opium production is through the roof-Why Washington shouldn't overact", Available at:

<https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2017/11/21/afghanistans-opium-production-is-through-the-roof-why-washington-shouldnt-overreact/>

- Gerard, Chaliand (2011), **L'impasse afghane**, édition de l'aube, La Tour-D'Aigue, France.
- Global ECCO (2014), Interview with Kirk Meyer, CTX Vol.4, No.3, August, available at: <https://globalecco.org/kirk-meyer-former-director-of-the-afghan-threat-finance-cell>
- Jones, G.Seth (2009), "U.S Strategy in Afghanistan", **RAND Corporation**, April.
- Maccoy, Alfred (2018), "How the heroin trade, explains the US-UK failure in Afghanistan, the Guardian, available at: <https://www.theguardian.com/news/2018/jan/09/how-the-heroin-trade-explains-the-us-uk-failure-in-afghanistan>
- Mansfield, David (2018), "Bombing Heroin Labs in Afghanistan, the Latest Act in The Theatre Of Counternarcotic", LSE: **the London School Of Economics and Political Sciences**.
- Mashal, Mujib (2017), "Afghan Taliban Awash in Heroin Cash, a Troubling Turn for War", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/10/29/world/asia/opium-heroin-afghanistan-taliban.html>
- Morid, Mariam (2016), "Opium Meets Development: Exploring the Opium Question in Contemporary Afghanistan International Institute of Social studies (ISS), The Netherland.
- National Security Archive, Georg Washington University (1985-1986), available at: <https://nsarchive.gwu.edu/>
- Peters, Gretchen (2009), **How Opium Profits the Taliban**, United States Institute of Peace, available at: <https://www.usip.org/publications/2009/08/how-opium-profits-taliban>

- Stanekzai, Mohammad, Grish, Gupta,(2017), U.S. strikes on Taliban opium labs won't work, say Afghan farmers, available at: <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-drugs/u-s-strikes-on-taliban-opium-labs-wont-work-say-afghan-farmers-idUSKBN1DN18Q>
- Salt, Alexander (2018), "Transformation and The War in Afghanistan", **Strategic Studies Quarterly Journal**, Vol. 12 Issue 1, pp98-126, spring.
- Shanty, Frank C. (2011), **The Nexus: International Terrorism and Drug Trafficking From Afghanistan**, Santa Barbara, Praeger Security International.
- Thomas, Clayton (2018), "Afghanistan: Background and U.S policy in brief", **Congressional Research Service**, August.
- Tisdall, Simon (2018), "The US and Afghanistan: can't win the war, can't stop it, can't leave, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/may/01/the-us-and-afghanistan-cant-win-the-war-cant-stop-it-cant-leave>
- United Nations Office on Drugs and Crime (2017), Islamic Republic of Afghanistan Ministry of Counter Narcotics, "**Afghanistan Opium Survey 2017: Cultivation and Production**," UNODC Kabul, November.
- Wyne, Ali (2018), "America Will Never Win the War in Afghanistan", Available at: <https://nationalinterest.org/feature/america-will-never-win-the-war-afghanistan-24641>

نگاهی به ساختار و راهبردهای رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن

حسین بصیریان جهرمی^۱، ولی‌اله قرقانی^۲

چکیده

مقاله حاضر با نگاهی به مفهوم قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و فرهنگی، مهمترین رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن را از نظر ساختار و راهبردها مورد بررسی قرار داده است. دولت ژاپن ضمن تلاش برای حفظ جایگاه این کشور به‌عنوان سومین اقتصاد بزرگ دنیا، با تدوین راهبردهای بلندمدت، برای افزایش قدرت نرم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانیان برنامه‌ریزی کرده است. در میان رسانه‌های قدرتمند این کشور، رادیو-تلویزیون ملی ژاپن-ان.اچ.کی- دارای جایگاه برجسته‌ای است. در پی ده‌ها سال فعالیت رادیوهای برون‌مرزی ژاپن، راه‌اندازی تلویزیون انگلیسی‌زبان «ان.اچ.کی ورلد» در سال ۱۹۹۵ میلادی، نقطه عطفی در فعالیت برون‌مرزی این رسانه بود. این مقاله از طریق بررسی فعالیت‌های رسانه‌ای برون‌مرزی ژاپن، امکان استفاده از تجربیات موفق این کشور در این زمینه را برای تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران رسانه ملی به‌ویژه در حوزه برون‌مرزی را فراهم می‌آورد.

کلید واژه‌ها: ژاپن، رسانه برون‌مرزی، رادیو-تلویزیون ملی ژاپن، ان.اچ.کی، قدرت نرم.

^۱. نویسنده مسئول: عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

hossein.basirian@gmail.com

ah.gharaghani@gmail.com

^۲. کارشناس ارشد مدیریت رسانه دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

رسانه‌ها و قدرت نرم پیوندی ناگسستنی دارند. از رسانه‌ها به‌عنوان یکی از منابع و همچنین ابزارهای اصلی قدرت نرم یاد می‌شود. اگر قدرت نرم را توانایی هدایت رفتار دیگران از طریق اقتناع برای تامین منافع خاص تعریف کنیم (نای، ۲۰۰۳)، امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری در این عرصه یکه‌تازی می‌کنند. در زمینه نظریه‌های وسائل ارتباطات جمعی و رسانه‌ها، می‌توان سه دوره تقریباً مجزا را تشخیص داد. در اولین دوره چنین تصور می‌شد که ارتباط جمعی و رسانه‌ها دارای تأثیرات نیرومندی هستند. این نظریات که بیشتر در سال‌های بین دو جنگ جهانی رواج داشت، با اصطلاحاتی مثل «نظریه گلوله جادویی» یا «نظریه سوزن تزریق» همراه بود (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱).

در مرحله دوم که از پایان جنگ جهانی دوم تا آغاز دهه هفتاد میلادی را در برمی‌گیرد، محققان درباره تأثیرات گسترده وسائل ارتباطات جمعی تردید کردند و شواهدی برای تأیید آن‌ها پیدا نکردند. این دوره که به دوره «تأثیرات محدود» شهرت یافت، مبتنی بر این باور بود که رسانه‌های جمعی دارای قوت و قدرتی که نظریات قبلی توصیف می‌کنند، نیستند. در این زمان که تأثیرات رسانه‌ها کم به نظر می‌رسید فرضیه‌هایی مثل فرضیه «جریان دومرحله‌ای» مطرح بود. «لازارسفلد»^۱، «کاتز»^۲ و «برلسون»^۳ نظریه پردازان مطرح این دوره بودند.

مرحله سوم مرحله الگوی «تأثیرات قدرتمند» است که اولین بار توسط الیزابت نیومن در مقاله «بازگشت به مفهوم رسانه‌های جمعی قدرتمند» در سال ۱۹۷۳ م ارائه شد. نظریه «مارپیچ سکوت» وی با الگوی تأثیرات قدرتمند تطبیق می‌کند. یکی از مهمترین دلایل این بازگشت، استفاده گسترده از تلویزیون بود که باعث شد تا مفهوم تأثیرات محدود، حداقل به طور نسبی، کنار گذاشته شود. مارشال مک لوهان، (جنگ و صلح در دهکده جهانی، ۱۹۶۸) معتقد است رسانه‌های تصویری، جهان را از قالب «دولت-ملت دور» به یک «دهکده جهانی» تبدیل می‌کنند. حتی نظریه‌پردازانی مانند ژوزف کلایپر^۴ که دامنه تاثیر رسانه‌ها بر مخاطب را محدود به اراده مخاطبان می‌دانند، در نهایت تأیید

¹ Paul Felix Lazarsfeld

² Elihu Katz

³ Bernard Reuben Berelson

⁴ J. Klapper

می‌کنند که رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های دیداری- شنیداری، اندیشه‌ها و الگوی زندگی و رفتاری مخاطبان را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

از این رو نهادهای قدرت، مشخصاً دولت‌ها، در سطحی وسیع از این منبع و ابزار اعمال قدرت نرم بهره‌برداری می‌کنند. لذا در دهه‌های اخیر دولت‌ها به کاربرد رسانه‌های برون‌مرزی در تعامل با جوامع خارجی روز به روز توجه بیشتری نشان داده‌اند که از آن به‌عنوان اقبال روزافزون دولت‌ها به دیپلماسی عمومی یاد می‌شود که مهمترین شاخه آن دیپلماسی رسانه‌ای محسوب است. در چارچوب دیپلماسی عمومی، حاکمیت در یک کشور با جوامع کشورهای دیگر ارتباط برقرار می‌کند تا از طریق نفوذ در میان مخاطبانی که خارج از مرزهای ملی آن کشور قرار دارند، منافع ملی و اهداف سیاست خارجی خود را تامین نماید. دولت‌ها میلیون‌ها دلار هزینه می‌کنند تا با استفاده از رسانه‌های برون‌مرزی تصویر مثبتی از خود در نزد افکار عمومی مردم جهان ایجاد کنند.

ژاپن به‌عنوان سومین اقتصاد بزرگ دنیا (International Monetary Fund, 2018)، ضمن تلاش برای حفظ این موقعیت، از طریق فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای و ورزشی، پیوسته در تلاش برای افزایش قدرت نرم خود در میان ملت‌ها است. گسترش فعالیت بنیاد ژاپن جهت ترویج و معرفی فرهنگ ژاپنی در خارج از این کشور، کسب میزبانی رویدادهای مهم بین‌المللی در عرصه سیاسی، اقتصادی، ورزشی از جمله المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو و اکسپوی ۲۰۲۵ اوساکا^۱ مصداق این تلاش‌های ژاپن می‌باشد. در دیپلماسی فرهنگی ژاپن، فعالیت‌های رسانه‌ای برون‌مرزی جایگاه ویژه‌ای دارد. از این منظر، بررسی و شناخت رسانه‌های برون‌مرزی این کشور که در سیاست خارجی ایران مهم ارزیابی می‌شود، ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر به دنبال ارائه پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱- شبکه‌های برون‌مرزی ژاپن از چه ویژگی‌های سازمانی، ساختاری، اقتصادی (مالی) و فنی برخوردار هستند؟

۲- رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن چه رویکردی دارند؟

¹ Expo 2025 Osaka, Kansai

۳- بر اساس معیارهای مالی، سیاسی و فنی، میزان و شیوه حمایت دولت ژاپن از رسانه‌های برون‌مرزی این کشور چگونه است؟

۲- رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن

صنعت رادیو-تلویزیون در ژاپن ترکیبی است از سبک خدمات عمومی رادیو-تلویزیون بریتانیا که با عوارض پرداختی شهروندان حمایت می‌شود و رادیو-تلویزیون تجاری سبک آمریکایی که به درآمدهای تبلیغاتی متکی است (Shimizu, 1997). در این میان، سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن (ان. اچ. کی^۱)، به علت اعتبار فراوان و گستره پوشش، در سطح ژاپن جایگاهی برتر دارد، زیرا تعیین‌کننده سیاست رادیو-تلویزیونی این کشور است. از آنجا که اصلی‌ترین رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن در چارچوب این سازمان فعالیت می‌کنند، معرفی این سازمان رسانه‌ای ضروری است.

۲-۱- سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن

سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن، تنها سازمان ملی و دولتی متصدی پخش برنامه‌های رادیو-تلویزیونی در ژاپن و یکی از بزرگ‌ترین و باسابقه‌ترین سازمان‌های رسانه‌ای دنیا است. این سازمان یا ان. اچ. کی در واقع یک شبکه «رادیو-تلویزیونی عمومی»^۲ و ملی است.

۲-۱-۱- تاریخچه

ان. اچ. کی پخش برنامه‌های رادیویی خود را در سال ۱۹۲۵ م آغاز کرد. در سال ۱۹۳۵ پخش اولین برنامه‌های موج کوتاه این رادیو به دو زبان ژاپنی و انگلیسی آغاز شد. ان. اچ. کی نخستین ایستگاه تلویزیونی خود را در سال ۱۹۲۷ افتتاح کرد، اما پخش رسمی برنامه‌های تلویزیونی آن به علت وقوع جنگ جهانی دوم عملاً میسر نشد. در سال ۱۹۵۳ م، اولین برنامه تلویزیونی ان. اچ. کی پخش شد. از آن جا که این شبکه باسابقه‌ترین بنگاه پخش رادیویی و تلویزیون در ژاپن است، تجربه فراوانی در فعالیت‌های رادیو و

^۱ NHK • 日本放送協会

^۲ public service broadcasting | PSB

تلویزیونی دارد. این شبکه به لحاظ فنی و به لحاظ تولید برنامه همواره الگویی برای بنگاه‌های تجاری پخش رادیو و تلویزیون بود که پس از آن. اچ. کی تأسیس شدند. سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن دارای ۵۴ ایستگاه پخش محلی در داخل ژاپن و ۳۴ دفتر برون‌مرزی از جمله دفتری در تهران است (قرقانی، ۱۳۹۰).

۲-۱-۲- مدیریت

در تشکیلات آن. اچ. کی هیئت‌مدیره با ۱۲ عضو بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است. هر کدام از این اعضا از دانش و تجربه وسیعی درباره مسائل اجتماعی برخوردارند. این ۱۲ عضو با معرفی نخست‌وزیر و با تایید اعضای مجلس منصوب می‌شوند. اعضای هیأت‌مدیره در تمامی فعالیت‌های مدیریتی و عملیاتی دخالت و بودجه سالانه و برنامه‌های کلی آن. اچ. کی را تصویب می‌کنند. یکی از مسئولیت‌های عمده آنان انتخاب رئیس هیأت‌مدیره، مدیر اجرایی و حسابرسان است. بودجه سالانه و طرح‌های عملیاتی آن. اچ. کی باید با پیشنهاد هیأت‌مدیره در مجلسین نمایندگان (مجلس سفلی یا عوام) و توسط مشاوران (مجلس علیا یا سنا) مورد بررسی و تصویب قرار گیرند. گزارش سالانه عملکرد و بیان کاری سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن نیز باید به دو مجلس ژاپن ارائه شود. علاوه بر این، بودجه سالانه و گزارش‌های کارکرد سالانه باید به وزیر امور داخلی و ارتباطات ارائه شود تا وی نیز نظرات خود را از طریق کابینه به مجلسین ژاپن ارائه نماید (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). اصلاحات در قانون پخش و قانون اداره سازمان رادیو-تلویزیون ژاپن، آن. اچ. کی، اختیارات نظارتی وزیر امور داخلی و ارتباطات در مورد این سازمان را به ویژه در مورد برنامه‌های برون‌مرزی، افزایش داده است.

۲-۱-۳- نیروی انسانی

تعداد کارکنان تمام وقت آن. اچ. کی ۱۰۵۴۲ نفر اعلام شده است، اما با احتساب کارکنان پروژه‌های و نیمه‌وقت در مجموع ۱۴۵۰۰ کارمند در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، دفتر مرکزی، دفاتر محلی و خارجی آن. اچ. کی کار می‌کنند. افزون بر کارکنان رسمی آن. اچ. کی، بیش از ۱۰۰ نفر از اتباع خارجی نیز به صورت تمام‌وقت یا نیمه‌وقت در مشاغل

چون گویندگی، مترجمی و یا دبیری در رادیو ژاپن مشغول به کار هستند (قرقانی، ۱۳۹۰).

۲-۱-۴- بودجه

نکته قابل توجه درباره ان.اچ. کی این است که مجوز پخش آگهی بازرگانی ندارد. بخش عمده بودجه آن از طریق دریافت حق اشتراک از خانوارهای دارای تلویزیون تامین می‌شود. پرداخت این حق اشتراک داوطلبانه است و مجازاتی برای کسانی که آن را نپردازند، در نظر گرفته نمی‌شود (قرقانی، ۱۳۹۳). در عین حال، آمارهای منتشر شده، حکایت از افزایش سالانه درآمد ان.اچ. کی از طریق دریافت حق اشتراک، دارد. در سال ۲۰۱۵ م، ۷۷ درصد خانوارهای ژاپنی حق اشتراک خود را به ان.اچ. کی پرداخت کرده‌اند. این نسبت در سال ۲۰۱۱ به ۷۲ درصد کل خانوارهای ژاپنی رسیده بود (総務省 平成26年8月).

در وبسایت بخش فارسی ان.اچ. کی، «هدف از پرداخت این مبلغ از سوی مردم، قادر ساختن این سازمان برای ارائه و پخش برنامه‌هایی منصفانه و به دور از هرگونه اعمال نفوذ از سوی سازمان‌های سیاسی یا خصوصی و نیز اولویت قائل شدن برای عقاید و نظرات بینندگان و شنوندگان اعلام شده است» (سایت فارسی سازمان پخش رادیوتلویزیونی ژاپن ان.اچ. کی، نوامبر ۲۰۱۸). در سال ۲۰۱۳ حق اشتراک ماهانه برای هر خانوار ماهانه ۱۳۹۵ ین، شش ماهه ۷۹۵۰ ین و سالانه ۱۵۴۹۰ ین بود. حق اشتراک خدمات ماهواره‌ای ان.اچ. کی تقریباً دو برابر است (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۸، هر دلار آمریکا معادل ۱۱۳ ین ژاپن بود (日本経済新聞のウェブサイトで: 2018年、12月).

سازمان رادیوتلویزیونی ژاپن برای پخش برنامه‌های برون‌مرزی، از دولت و البته با تصویب مجلس، یارانه دریافت می‌کند. بر اساس گزارش وزارت امور داخلی و ارتباطات ژاپن، کل درآمد ان.اچ. کی در سال ۲۰۱۶ با اندکی افزایش در مقایسه با سال قبل، ۷۰۱ میلیارد و ۶۷۴ میلیون و ۳۱۶ هزار ین (معادل حدود ۷ میلیارد دلار) بوده است (総務省: 平成26年8月). این درآمد در سال ۲۰۱۵ م، ۶۸۳ میلیارد و ۱۵۴ میلیون و ۲۴ هزار ین بود. در سال ۲۰۱۶ این سازمان مبلغ ۳ میلیارد و ۶۸۸ میلیون و ۲۴۳ هزار

نگاهی به ساختار و راهبردهای رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن* ۲۳۱

بین‌یارانه از بخش عمومی دریافت کرده است. طبق این آمار، یارانه دریافتی، تنها در حدود نیم درصد از کل درآمد آن. اچ. کی است (رجوع به جدول شماره ۱).
جدول شماره ۱- درآمدهای آن. اچ. کی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به تفکیک
(واحد: هزار ین)

منبع درآمد (ین)	سال ۲۰۱۵	سال ۲۰۱۶	تغییرات سالانه
حق اشتراک	۶۶۰۸۴۱۶۲۹	۶۷۵۸۹۵۷۰۹	+۱۵۰۵۴۰۸۰
یارانه بخش عمومی	۳۵۷۵۶۱۱	۳۶۸۸۲۴۳	+۱۱۲۶۳۲
سایر درآمدها	۱۸۷۳۸۷۸۴	۲۴۰۹۰۳۶۴	+۵۳۵۱۵۸۰
جمع	۶۸۳۱۵۴۰۲۴	۷۰۱۶۷۴۳۱۶	+۱۸۵۲۰۲۹۲

總務省：平成26年8月

سایر درآمدهای آن. اچ. کی شامل درآمدهای حاصله از انتشار لوح فشرده برنامه‌ها، متون برنامه‌ها و نمایش نامه‌ها، همکاری‌های بین‌المللی و واگذاری حق کپی‌رایت است.
جدول شماره ۲- بودجه شبکه‌های مختلف آن. اچ. کی اعم از داخلی و برون‌مرزی در سال
۲۰۱۵ به تفکیک (واحد: میلیارد ین)

شبکه	تلویزیون عمومی	تلویزیون آموزشی	تلویزیون 1BS	PREMIUM BS	رادیو ۱	رادیو ۲	رادیو FM	تلویزیون برون‌مرزی	رادیو برون‌مرزی
بودجه	۲۸۳,۳	۶۵,۵	۷۷,۷	۵۳,۳	۱۷,۴	۵,۳	۷,۹	۲۱,۳	۶,۵
نسبت از کل	۵۲,۶	۱۲,۲	۱۴,۴	۹,۹	۳,۲	۱	۱,۵	۴	۱,۲

									بودجه (درصد)
--	--	--	--	--	--	--	--	--	-----------------

منبع: 総務省 : 平成26年8月

۲-۲- شبکه‌های داخلی ان.اچ. کی

در حال حاضر سازمان رادیوتلوویزیون ژاپن دارای ۴ شبکه تلویزیونی داخلی و ۳ شبکه رادیویی داخلی است. دو شبکه ترستیال زمینی به نام‌های «ان.اچ. کی جنرال تی‌وی»^۱ و «ان.اچ. کی آموزشی»^۲، دو شبکه ماهواره ای تلویزیونی به نام‌های NHK BS و PREMIUM BS NHK و سه شبکه رادیویی Radio NHK، FM NHK و Radio NHK- 2. رادیو ان اچ کی ۲ برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اخبار ویژه بیگانگان مقیم ژاپن را به چهار زبان انگلیسی، چینی، کره‌ای و پرتغالی پخش می‌کند. این شبکه رادیویی تنها در داخل ژاپن قابل دریافت است.

۲-۳- بخش جهانی ان.اچ. کی

بخش بین‌المللی «ان.اچ. کی»^۳ به نام ان.اچ. کی جهانی- ژاپن یا NHK WORLD JAPAN، برای مخاطبان خارج از ژاپن به ۱۸ زبان برنامه پخش می‌کند. این سرویس، برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و نیز برنامه‌های چندرسانه‌ای مبتنی بر محیط وب ارائه می‌دهد. تمامی این خدمات برنامه‌ای از آوریل ۲۰۱۸ تحت نام NHK WORLD - JAPAN ارائه می‌شوند. در وب سایت بخش انگلیسی ان.اچ. کی، یکی از دلایل این تغییر برند از NHK WORLD به NHK WORLD - JAPAN، تدارک برای برگزاری بازی‌های المپیک و پارا المپیک ۲۰۲۰ توکیو ذکر شده است^۴ (وبسایت ان.اچ. کی، نوامبر ۲۰۱۸).

^۱. NHK TV General

^۲. TV Educational NHK

^۳. NHK WORLD

^۴. https://www3.nhk.or.jp/nhkworld/en/nhkworld_japan/

در وبسایت بخش فارسی NHK WORLD - JAPAN یکی از ماموریت‌های بخش جهانی ان.اچ.کی، عمل به‌عنوان یک شریان اطلاعات حیاتی در هنگام بروز حوادث عمده و نیز بلایای طبیعی ذکر شده است. بخش عمده برنامه‌های شبکه ان.اچ.کی ورلد شامل برنامه‌های اطلاعاتی و خبری است.

۲-۳-۱- اهداف NHK WORLD - JAPAN

- ۱) تهیه اخبار داخلی و بین‌المللی برای جهان به روشی دقیق و سریع؛
- ۲) ارائه اطلاعات درباره آسیا از چشم اندازه‌های گوناگون با استفاده بهینه از شبکه جهانی NHK
- ۳) عمل به‌عنوان یک شریان اطلاعاتی حیاتی در هنگام بروز سوانح عمده و نیز بلایای طبیعی؛
- ۴) پخش برنامه با دقت و سرعت بالا درباره بسیاری از جنبه‌های فرهنگی و زندگی در ژاپن، آخرین تحولات در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، تازه‌ترین روندهای علمی و صنعتی و نیز نقش و دیدگاه ژاپن درباره مسائل مهم جهانی؛
- ۵) تقویت درک متقابل بین ژاپن و کشورهای دیگر و نیز ارتقای دوستی و تبادلات فرهنگی (سایت فارسی ان.اچ.کی. نوامبر ۲۰۱۸).

۲-۳-۲- نیروی انسانی

در گزارش آوریل ۲۰۱۴ وزارت امور داخلی ژاپن تعداد کارکنان رسمی بخش جهانی ان.اچ.کی ۱۸۶ نفر اعلام شده است. همچنین در ۲۸ شعبه این بخش در خارج از ژاپن، ۸۰ نفر مشغول به کار بوده‌اند. بخشی از امور برنامه‌سازی و نیز پخش برنامه‌های ان.اچ.کی به شرکت‌های طرف قرارداد برون‌سپاری شده است. تعداد کارکنان شرکت جی.آی.بی (JIB)، اصلی‌ترین شرکت همکار ان.اچ.کی ورلد، ۶۱ نفر اعلام شده است. علاوه بر کارکنان رسمی ان.اچ.کی و نیز شرکت‌های همکار، نیروهای دیگری نیز که از رسانه‌های خارجی دعوت شده‌اند و همچنین خبرنگاران آزاد و نیز تعدادی از اتباع خارجی در بخش جهانی ان.اچ.کی مشغول به کار هستند.

۲-۳-۳- بودجه

کل بودجه بخش برون‌مرزی ان.اچ. کی شامل برنامه‌سازی و تامین تجهیزات پخش در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۲۸ میلیارد ین بود. همانگونه که در جدول شماره ۳ مشخص شده است، ۶,۵ میلیارد ین از این بودجه سهم رادیوهای برون‌مرزی و ۲۱,۳ میلیارد ین سهم تلویزیون برون‌مرزی بوده است. این بودجه در سال ۲۰۱۶ با افزایشی معادل ۴,۴ درصد، به بیش از سی میلیارد ین رسیده که ۷,۷ درصد آن برای ساخت برنامه‌های داخلی هزینه شده است. چهار میلیارد و ۶۶۰ میلیون ین از این بودجه، صرف هزینه‌های نیروی انسانی شده است.

جدول شماره ۳- هزینه‌های ان.اچ. کی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به تفکیک

برنامه‌های داخلی و برون‌مرزی به واحد ین

عنوان	۲۰۱۵ (ین)	۲۰۱۶ (ین)	تفاوت (ین)
برنامه‌های داخلی	۳۰۴۸۰۴۷۸۰۰۰۰	۳۲۱۰۷۶۷۴۴۰۰۰	+۱۶۲۷۱۹۶۴۰۰۰
برنامه‌های برون‌مرزی	۲۲۵۹۴۹۷۹۰۰۰	۲۲۸۶۲۸۶۱۰۰۰	+۲۲۶۷۸۸۲۰۰۰
کل هزینه‌های NHK	۶۷۶۹۲۲۰۰۶۰۰۰	۶۹۳۶۳۵۲۱۶۰۰۰	+۱۶۷۱۳۲۱۰۰۰۰

منبع: 総務省 : 平成26年8月

نکته مهم اینکه هزینه‌های برنامه‌های داخلی و برون‌مرزی، تنها به هزینه‌های برنامه‌سازی در این دو بخش اختصاص یافته است و هزینه‌های تحقیق و توسعه، فنی، آموزش و تبلیغات در هزینه‌های کلی محاسبه می‌شوند.

۲-۴- بخش‌ها و خدمات ان.اچ. کی جهانی

در حال حاضر دو شبکه جهانی تلویزیونی تحت مدیریت ان.اچ. کی تنها به دو زبان انگلیسی و ژاپنی برنامه پخش می‌کنند.

۲-۴-۱- تلویزیون جهانی انگلیسی‌زبان ان.اچ. کی

تلویزیون جهانی انگلیسی‌زبان ان.اچ. کی^۱ در سال ۱۹۹۵ تأسیس شده است، اما ساختار این شبکه در تطابق با تحولات محیطی تاکنون دوبار در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ تحت تأثیر تغییر رویکرد سیاست‌گذاران فرهنگی و رسانه‌ای ژاپن، دچار تحولات بنیادی گردیده است. این شبکه با شعار «چشم شما در آسیا»^۲ ۲۴ ساعته، برای ۲۸۰ میلیون خانوار و ۱۵۰ کشور جهان خبر و سایر برنامه‌های فرهنگی-اقتصادی پخش می‌کند. این برنامه‌ها از طریق پخش ماهواره‌ای، تلویزیون کابلی و اینترنت قابل دسترسی هستند. محتوای برنامه‌های شبکه انگلیسی‌زبان ان.اچ. کی بر اخبار اقتصادی، آسیا و ژاپن متمرکز است. سازمان رادیو تلویزیون ژاپن برای پخش شبکه انگلیسی‌زبان خود، با اغلب ماهواره‌های اصلی و پرمخاطب جهان، قرارداد بسته است (NHK World Site, 2016).

برنامه‌های شبکه تلویزیونی انگلیسی‌زبان ان.اچ. کی، از سال ۲۰۱۴ توسعه یافته و تکرار برنامه‌ها در آن کمتر شده است. این شبکه راس هر ساعت به مدت ۳۰ دقیقه تحت عنوان برنامه NEWS LINE اخبار پخش می‌کند. در نیم ساعت دوم، برنامه‌های مستند با موضوعات علمی و فناوری، فرهنگی، اطلاعات عمومی از جمله در زمینه‌های موسیقی، گردشگری، آشپزی و سبک زندگی پخش می‌شود. جدول پخش برنامه‌ها ۶ ساعته است. یعنی برنامه‌های تولیدی ان.اچ. کی در شبانه روز چهار بار تکرار می‌شوند. در حال حاضر همزمان با پخش زنده شبکه تلویزیونی انگلیسی‌زبان ان.اچ. کی از طریق ماهواره یا کابل، برنامه‌های آن از طریق وبسایت شبکه هم به صورت زنده قابل دریافت است. همچنین متن و تصاویر برخی از اخبار که پخش آن پایان یافته است در وبسایت، بارگذاری می‌شود. اپلیکیشن ویژه گوشی‌های تلفن همراه و نیز تبلت نیز به صورت رایگان به اشتراک گذاشته شده است.

1. NHK WORLD TV

2. Your Eye In Asia

۲-۴-۲- تلویزیون جهانی ژاپنی زبان ان.اچ. کی

اداره شبکه تلویزیونی و رادیویی که به زبان ژاپنی برای شهروندان ژاپنی ساکن در خارج از این کشور برنامه پخش می‌کند نیز به بخش جهانی سپرده شده است. تلویزیون جهانی ژاپنی زبان ان.اچ. کی^۱، به صورت ۲۴ ساعته، برای مخاطبان ژاپنی زبان خارج از این کشور، در قبال دریافت حق اشتراک، فیلم و سریال، برنامه‌های کودک، ورزشی و فرهنگی پخش می‌کند. این شبکه در ۱۰۷ کشور و منطقه دنیا دریافت می‌شود. شبکه ان.اچ. کی جهانی تقریباً در تمام قاره‌ها و مناطق جهان، بیننده و پوشش دارد.

۲-۴-۳- رادیو جهانی ژاپن

پخش برنامه‌های رادیویی بخش جهانی ان.اچ. کی (رادیو ژاپن)^۲ در مقایسه با برنامه‌های تلویزیونی آن از تنوع زبانی و جغرافیایی و نیز سابقه بیشتری برخوردار است. رادیو ژاپن در سال ۱۹۳۵ پخش برنامه‌های موج کوتاه برون‌مرزی را به دو زبان ژاپنی و انگلیسی برای هاوایی و بخش‌های غربی آمریکای شمالی آغاز کرد (NHK world, 2016). در سال ۱۹۳۷ برنامه‌های رادیویی موج کوتاه رادیو ژاپن به زبان‌های آلمانی و فرانسه راه اندازی شد. در سال ۱۹۴۱ و در بحبوحه جنگ جهانی دوم، پخش برنامه‌های برون‌مرزی به نحو قابل توجهی گسترش یافت. مجموع مدت پخش این برنامه‌ها به ۳۲ ساعت و ۵۵ دقیقه در شبانه‌روز و تنوع آن به ۱۶ زبان رسید. در سال ۱۹۴۴ نیز پخش برنامه‌ها به زبان فارسی آغاز شد اما در سال ۱۹۴۵ و در پی شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، کلیه برنامه‌های رادیویی برون‌مرزی، به دستور قوای اشغالگر، قطع شد. پس از بازگشت مجدد اداره کشور به ژاپنی‌ها (از سال ۱۹۵۲) رادیو ژاپن دوباره پخش برنامه‌های برون‌مرزی خود را یکی پس از دیگری برقرار کرد.

در حال حاضر رادیو ژاپن به ۱۸ زبان گوناگون، برنامه پخش می‌کند. مدت زمان پخش برنامه به هر زبانی متفاوت است اما در کل، روزانه ۶۴ ساعت و ۳۰ دقیقه برنامه پخش می‌شود. این برنامه‌ها شامل اخبار، برنامه‌های مستند رادیویی و آموزش زبان ژاپنی است که از طریق ماهواره، امواج کوتاه، متوسط، اف. ام، اینترنت و تلفن همراه قابل دریافت است. ژاپنی، فارسی، انگلیسی، عربی، بنگالا، برمه‌ای، چینی، فرانسه، هندی،

1. NHK WORLD PREMIUM

2. NHK WORLD RADIO JAPAN

کره‌ای، اندونزیایی، پرتغالی، روسی، اسپانیولی، تایلندی، اردو، ویتنامی و سواحیلی زبان‌هایی است که رادیو ژاپن به آن زبان، برنامه پخش می‌کند. معرفی فرهنگ و فناوری ژاپن و زبان ژاپنی بخش عمده‌ای از برنامه‌های رادیوهای خارجی ان. اچ. کی را شامل می‌شود. برنامه‌های سیاسی کمترین اولویت را در این بین به خود اختصاص داده‌اند. برخلاف رسانه‌های وابسته به برخی کشورهای غربی، رسانه‌های برون‌مرزی ژاپن تاکنون بیشتر از آنکه در پی تأثیرگذاری بر سیر تحولات سیاسی در جوامع هدف باشند، محتوای آنها، عمدتاً معطوف به معرفی جامعه، فرهنگ، فناوری و اقتصاد ژاپن بوده است.

برنامه‌سازی در رادیوهای خارجی ان. اچ. کی، عمدتاً متمرکز انجام می‌شود. به‌عنوان مثال مشاهدات عینی نگارنده حاکی است که کل بخش فارسی و عربی ان. اچ. کی (از نظر فیزیکی) به یک میز در گوشه‌ای از سالن تحریریه رادیوهای خارجی ان. اچ. کی خلاصه می‌شود. در راس برنامه‌های هر زبان، یک سردبیر ژاپنی منصوب شده است که به زبان برنامه آشنا است. برنامه‌ها از نظر ارائه طرح برنامه یا تغییر در محتوای آن استقلال ندارند و الزاماً موظف به استفاده از محتوای ارائه شده از سوی واحد تامین محتوا هستند. محتوا ابتدا به ژاپنی نگارش و سپس به زبان انگلیسی برگردانده می‌شود و مترجمان هر برنامه ان. اچ. کی باید عیناً مطالب را از زبان انگلیسی به زبان برنامه خود برگردانند. لذا عمدتاً نیروهای مسلط به زبان انگلیسی در بخش رادیوهای خارجی ان. اچ. کی جذب شده‌اند.

۲-۴-۳-۱- بخش فارسی رادیو ژاپن

رادیو ژاپن در زمان جنگ جهانی دوم برای مدت کوتاهی برنامه‌ای به زبان فارسی پخش می‌کرد. با شکست ژاپن در جنگ، کلیه برنامه‌های موج کوتاه ژاپن به دستور قوای اشغالگر قطع شدند؛ ولی دوره جدید برنامه‌های فارسی این رادیو از سال ۱۹۹۱ آغاز به کار کرد. بخش فارسی رادیو ژاپن در حال حاضر، سه نوبت در روز، برای فارسی‌زبانان سراسر جهان به ویژه در ایران، افغانستان و تاجیکستان خبر و برنامه‌های گوناگون پخش می‌کند. صدای این رادیو از طریق اینترنت و اپلیکیشن تلفن‌های همراه و در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا از طریق موج کوتاه و موج متوسط قابل دریافت است. علاوه بر این، برنامه‌های بخش فارسی رادیو ژاپن روی ماهواره‌های IS-20، IS-19، IS-21، عرب‌ست، بدر و هات‌برد نیز پخش می‌شود. گفتنی است در شهرهای هرات و کابل،

پایتخت افغانستان، رادیو محلی امید، برنامه‌های رادیو ژاپن را رله می‌کند. برنامه‌های این رادیو برای کشور تاجیکستان نیز از طریق موج متوسط نیز پخش می‌شود. نکته قابل توجه درباره بخش فارسی ان.اچ.کی، به‌کارگیری برنامه‌سازان و روزنامه‌نگاران با تجربه است. به‌عنوان مثال نازآفرین میرزاخلیلی، از تهیه‌کنندگان معاونت صدای سازمان صداوسیما، افشین والی‌نژاد، عکاس خبری و خبرنگار سابق آسوشیتدپرس در تهران و مظفر شافعی، گوینده سابق بی‌بی‌سی فارسی، از برنامه‌سازان بخش فارسی ان.اچ.کی بوده‌اند. البته ساختار متمرکز برنامه‌ها و عدم استقلال برنامه‌سازان باعث کاهش انگیزه حرفه‌ای آنان برای ادامه کار در ان.اچ.کی شده است. بخش فارسی رادیو ژاپن، وب‌سایتی فعال و حرفه‌ای دارد (سایت فارسی ان.اچ.کی، ۲۰۱۶). اخبار و مطالب این وب‌سایت، روزانه در دو نوبت به‌روزرسانی می‌شوند. در مدت ده روزه رصد و بررسی اخبار رادیو و وب‌سایت بخش فارسی، اولویت پوشش اخبار به ترتیب مربوط به تحولات ژاپن، آسیا، روابط ایران و ژاپن، اقتصاد جهانی و رویدادهای مهم جهانی بوده است. ارائه تحلیل در میان برنامه‌های خبری و وب‌سایت بخش فارسی، به صورت مستقیم جایگاهی ندارد. همچنین کلیه برنامه‌های تولیدی، پس از پخش از رادیو از طریق وب‌سایت قابل شنود است. اطلاعات مورد نیاز مخاطب در مورد جدول برنامه‌های آتی و در حال پخش، فرکانس‌ها و راه‌های ارتباطی مخاطبان با برنامه در وب‌سایت در دسترس است.

۲-۴-۴- آموزش زبان ژاپنی در رادیوهای برون‌مرزی ان.اچ.کی

در کلیه بخش‌های رادیو ژاپن از جمله بخش فارسی، به آموزش زبان ژاپنی به صورت چندرسانه‌ای توجه ویژه‌ای شده است (سایت فارسی ان.اچ.کی، ۲۰۱۶). محتوای آموزشی این بخش، شامل رسم‌الخط، مکالمه، دستور زبان، آواشناسی، راهنما و پاسخ به سوالات بسیار حرفه‌ای است که بر اساس روش‌های جدید آموزش زبان تهیه شده است. طبق اعلام وب‌سایت ان.اچ.کی، اساتید دانشگاه، نظارت و ویرایش برنامه «مکالمه ساده زبان ژاپنی» را بر عهده داشته‌اند. کلیه دروس آموزش زبان ژاپنی در وب‌سایت آرشیو شده و قابل دانلود هستند. علاوه بر این، صفحه اخبار ساده به ژاپنی برای غیر ژاپنی‌ها و ژاپنی‌آموزان، راه‌اندازی شده است. اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده در این بخش، ساده و قابل فهم است.

۲-۴-۵- خدمات اینترنتی ان.اچ. کی جهانی

ان.اچ. کی با شعار «نزدیک به شما، در هر جا، در هر زمان» خدمات اینترنتی به ۱۸ زبان ارائه می‌نماید. پایگاه‌های اینترنتی NHK WORLD به این ۱۸ زبان، خدمات گوناگونی از قبیل اخبار مکتوب، تصویری و صوتی، خدمات خبری برای تلفن‌های همراه و نیز خدمات چندرسانه‌ای آموزش زبان ژاپنی ارائه می‌کنند. فایل‌های صوتی مربوط به خبر و سایر برنامه‌ها نیز قابل دریافت هستند. لازم به ذکر است که خدمات اینترنتی متفاوتی ارائه می‌گردد که نحوه ارائه این خدمات به زبان پخش برنامه‌ها، بستگی دارد. فرم، رنگ، طراحی و گرافیک وبسایت‌های وابسته به بخش جهانی ان.اچ. کی یکسان است. اخبار و مطالب همه بخش‌های رادیو ژاپن حتی در تصاویر مورد استفاده، در مقطع مورد ارزیابی، همواره یکسان و یکپارچه بود. گردانندگان برنامه‌ها، اصولاً در پوشش خبری خود، برای تحولات داخلی مناطق هدف خود، اولویت قائل نیستند. در این میان تنها وبسایت مشترک تلویزیون و رادیو انگلیسی از نظر طراحی و نوع پوشش خبری با دیگر وبسایت‌ها تفاوت دارد (NHK WORLD SITE, 2016).

وبسایت ان.اچ. کی ورلد همچنین اپلیکیشن رایگانی برای IOS و گوشی‌های تلفن همراه Android، عرضه کرده است که کاربران با آن می‌توانند برنامه‌های ان.اچ. کی ورلد (رادیو ژاپن) را به طور زنده و یا به صورت کلیپ‌های صوتی به ۱۷ زبان بشنوند. کاربران با این اپلیکیشن همچنین می‌توانند تازه‌ترین خبرهای ان.اچ. کی ورلد را به ۱۴ زبان عربی، بنگالی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، اندونزیایی، کره‌ای، فارسی، پرتغالی، روسی، اسپانیایی، تایلندی، اردو و ویتنامی بخوانند. از نظر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، در حال حاضر (۲۰۱۸ م) فقط بخش انگلیسی (رادیو و تلویزیون) صفحات فیس‌بوک و توئیتر دارد^۱.

^۱ <https://www.facebook.com/nhkworld>

۳- خبرگزاری‌های بین‌المللی ژاپن

۳-۱- خبرگزاری کیودو

خبرگزاری کیودو^۱ شرکتی غیردولتی و غیرانتفاعی است که در نوامبر ۱۹۴۵ در توکیو تأسیس شد. سهامداران آن پانزده روزنامه عمده و معتبر ژاپنی از جمله یومی اوری، آساهی، ماینچی و سانکی و سازمان رادیوتلوویزیون ژاپن NHK هستند و ۱۸۵۰ کارمند دارد که بیش از هزار نفر از آن‌ها را اعضای تحریریه و خبرنگاران تشکیل می‌دهند. کیودو ۵۳ دفتر در داخل ژاپن و ۴۱ دفتر در خارج از کشور از جمله در ایران (تهران) دارد. کیودو به غیر از ژاپنی به زبان‌های انگلیسی، چینی و کره‌ای نیز خبر منتشر می‌کند (kyodonews.jp, 2018).

۳-۲- خبرگزاری جی‌جی‌پرس

این خبرگزاری^۲ در نوامبر سال ۱۹۴۵ بنیان گذاشته شد. جی‌جی‌پرس ۸۲ شعبه در داخل ژاپن و ۲۹ دفتر در خارج از این کشور دارد و به ژاپنی و اسپانیولی خبر منتشر می‌کند. سهامداران آن نیز روزنامه‌نگاران فعال در رسانه‌های گوناگون هستند (Jiji, 2016).

۴- حمایت دولتی از رسانه برون‌مرزی ژاپن

وزیر امور داخلی و ارتباطات ژاپن در بودجه سال ۲۰۱۴، ان.اچ.کی، نظر خود را درباره تقویت انتشار اطلاعات به خارج از ژاپن از طریق ارتقای پخش برنامه‌های برون‌مرزی این گونه تبیین کرده است: «امروزه، انتقال صحیح سیاست‌های مهم کشور، دیدگاه عمومی درباره مسائل بین‌المللی و نیز تحرک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان، اهمیتی بیش از پیش یافته است. با عنایت به این وضعیت، برای این که کشور ما به خوبی شناخته شود و در تعاملات بین‌المللی و همچنین در پیشبرد راهبرد توسعه مشارکت کند، باید برای تقویت و ارتقای پخش برون‌مرزی برنامه‌ریزی شود. به‌ویژه، درباره شبکه تلویزیونی برون‌مرزی NHK WORLD TV، برای افزایش بینندگان و ضریب نفوذ بخش برون‌مرزی در داخل و خارج از ژاپن باید برنامه‌های خبری یا برنامه‌هایی را که جاذبه‌ها

۱. 同盟通信社

۲. 時事通信社

و وضعیت واقعی کشور و منطقه را نشان می‌دهد، ارتقا داد. پوشش و دریافت امواج را اصلاح کرد و تبلیغات موثر میدانی مبتنی بر تحقیقات متقن و تحلیل را پیش برد و برای ارتقای بهره‌گیری از اینترنت و برای گسترش فرصت‌های تماشای برنامه‌ها در داخل کشور، برنامه‌ریزی نمود» (سازمان پخش رادیوتلوویزیونی ژاپن ان.اچ.کی، ۲۰۱۶).

همچنین در اصلاحیه قانون پخش مصوب ژوئن ۲۰۱۴ مجلس نمایندگان ژاپن در بخش مربوط به سرویس جهانی ان.اچ.کی، اعلام کرد: «از آنجا که الزاماً نمی‌توان ادعا کرد در هر نقطه‌ای از جهان ضریب نفوذ تلویزیون بین‌المللی سازمان ان.اچ.کی NHK WORLD TV در وضعیت مطلوب قرار دارد، سازمان باید برای ارتقای کیفیت برنامه‌های بخش بین‌المللی، به منظور افزایش ضریب نفوذ آن، همت گمارد. همچنین دولت باید از این سازمان (ان.اچ.کی) در گسترش محیط دریافت امواج در خارج از ژاپن و تقویت انتشار اطلاعات کشور، حمایت کند».

حمایت قانونی از ارتقا و گسترش بخش برون‌مرزی ان.اچ.کی، با همین مضمون در مصوبه مجلس مشاوران (سنا) ژاپن نیز مشاهده می‌شود. با توجه به این که شهر توکیو، پایتخت ژاپن، میزبان المپیک تابستانی ۲۰۲۰ خواهد بود، دولت این کشور، ماموریت ویژه‌ای بر عهده بخش جهانی ان.اچ.کی نهاده است. در متمم لایحه بودجه سال ۲۰۱۳ ان.اچ.کی که دولت تقدیم پارلمان کرد، سیاست ان.اچ.کی درباره المپیک توکیو این گونه تدوین شده است: «برای برگزاری موفقیت المپیک ۲۰۲۰، درک صحیح مردم کشورهای جهان، ورزشکاران و گردشگران از وضعیت کشور ژاپن (جاذبه‌های گردشگری، فرهنگ غذایی و...) و نیز سفر آسوده آنان به ژاپن اجتناب‌ناپذیر است. در راستای انتقال این گونه اطلاعات به مردم جهان از طریق تنها شبکه تلویزیونی بین‌المللی ژاپن برای خارجی‌ها که تقریباً کل جهان را پوشش می‌دهد، یعنی NHK WORLD TV، دولت از تبلیغات عمومی و ارتقای برنامه‌های فاخر حمایت می‌کند» (همان). بر اساس این هدف دو وظیفه مشخص یعنی پخش NHK WORLD TV از طریق تلویزیون‌های بزرگ هوشمند در فرودگاه‌های بین‌المللی در سراسر جهان و نیز ارتقای برنامه‌های خبری این شبکه بر عهده بخش جهانی ان.اچ.کی نهاده شده است.

جدول شماره ۴ روند تاریخی افزایش یارانه دولتی بخش جهانی ان.اچ.کی از ۱۹۵۱ تاکنون را نشان می‌دهد. بررسی ارقام این جدول نشان می‌دهد که بودجه این بخش،

یارانه دولتی اختصاص یافته به برنامه‌های برون‌مرزی و نیز نسبت بودجه بخش جهانی به بودجه کل ان.ا.ج. کی، پیوسته افزایش یافته است.

جدول شماره ۴- الف) روند تاریخی افزایش یارانه دولتی بخش جهانی ان.ا.ج. کی از

۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰ به واحد ین

سال	۱۹۵۱	۱۹۵۵	۱۹۶۰	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰
بودجه کل (میلیارد ین)	۵۴۰۰	۱۰۲۰۰	۲۹۲۰	۶۹۲۰	۹۰۴۰۰	۱۲۹۶۰۰۰	۲۷۱۲۰۰۰
بودجه بخش جهانی (میلیون ین)	۱۰۰۰	۱۵۰۰۰	۴۵۰۰	۹۲۰۰	۱۲۱۰۰	۲۲۳۰۰۰۰	۳۵۵۰۰۰۰
یارانه بخش جهانی (میلیون ین)	۱۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۳۰۰	۱۴۰۰۰	۳۴۰۰۰۰۰	۹۴۰۰۰۰۰
نسبت بوجه بخش جهانی به بودجه کل (درصد)	۰/۲	۱/۵	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۶	۱/۳

منبع: 平成26年8月 総務省

جدول شماره ۴- ب) روند تاریخی افزایش یارانه دولتی بخش جهانی ان.اچ. کی از ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ به واحد ین

سال	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۴
بودجه کل (میلیارد ین)	۳۳۸۰۰۰۰۰	۴۸۴۵۰۰۰۰۰	۵۷۰۷۰۰۰۰۰	۶۵۵۸۰۰۰۰۰	۶۷۸۶۰۰۰۰۰	۶۶۲۹۰۰۰۰۰
بودجه بخش جهانی (میلیون ین)	۴۸۲۰۰۰۰۰۰	۷۶۵۰۰۰۰۰۰	۱۱۴۶۰۰۰۰۰	۱۲۶۹۰۰۰۰۰	۱۷۵۴۰۰۰۰۰	۲۱۴۴۰۰۰۰۰
یارانه بخش جهانی (میلیون ین)	۱۲۴۰۰۰۰۰۰	۱۷۲۰۰۰۰۰۰	۱۸۷۰۰۰۰۰۰	۱۹۷۰۰۰۰۰۰	۳۴۱۰۰۰۰۰۰	۳۴۶۰۰۰۰۰۰
نسبت بودجه بخش جهانی به بودجه کل (در صد)	۱/۴	۱/۶	۱/۷	۱/۹	۲/۶	۳/۲

منبع: 平成26年8月 総務省

ان.اچ. کی بر اساس بند ۶۷ قانون پخش ژاپن، در سال ۲۰۱۵، تنها در قبال پخش برنامه‌های برون‌مرزی، بیش از سه و نیم میلیارد ین (معادل حدود ۳۰۲ میلیون دلار) از بخش عمومی (دولت مرکزی یا دولت‌های محلی) یارانه دریافت کرده است. این مبلغ در بودجه سال ۲۰۱۶ با اندکی افزایش به ۳۵۴۳۹۹۸۰۰۰ ین رسید.

جدول شماره ۵ نیز بودجه رادیو و تلویزیون برون‌مرزی ان.اچ. کی را در یک دوره ده ساله از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴م نشان می‌دهد (همان). علیرغم آن که یارانه دولت تنها در حدود نیم درصد از بودجه کل ان.اچ. کی را در این بازه زمانی پوشش داده است،

ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد یارانه اختصاصی دولت به بخش برون‌مرزی، حدود ۲۰ درصد بودجه این بخش را تامین کرده است. بررسی ارقام این جدول همچنین حاکی است بودجه و یارانه رادیو برون‌مرزی به تدریج کاهش یافته اما بودجه و یارانه تلویزیون به تدریج افزایش یافته است.

جدول شماره ۵-الف) بودجه رادیو و تلویزیون برون‌مرزی ان.اچ. کی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ (واحد: میلیارد ین)

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
بودجه رادیو	۸/۴۵	۷/۹۴	۷/۲۱	۷/۴	۶/۲۴	۶/۲۱
یارانه	۲/۲۷	۲/۲۶	۲/۱۶	۱/۸۱	۱/۰۵	۰/۹۵
بودجه تلویزیون	۲/۷	۳/۰۶	۴/۸۱	۷/۶۳	۱۰/۵۲	۱۱/۳۲
یارانه	-	-	۰/۳	۱/۵۲	۲/۴۵	۲/۴۵
بودجه برون‌مرزی	۱۱/۱	۱۱	۱۲	۱۵	۱۶/۷	۱۷/۵
یارانه	۲/۲۷	۲/۲۶	۲/۴۶	۳/۳۳	۳/۵	۳/۴

منبع: 平成26年8月 総務省

جدول شماره ۵-الف) بودجه رادیو و تلویزیون برون‌مرزی ان.اچ. کی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ (واحد: میلیارد ین)

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	متمم ۲۰۱۳
بودجه رادیو	۶/۰۲	۶/۰۶	۶/۲۳	۶/۳۷	-
یارانه	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۶	-
بودجه تلویزیون	۱۱/۶۵	۱۲/۷۵	۱۴/۲۷	۱۵/۰۷	-
یارانه	۲/۴۵	۲/۴۵	۲/۴۸	۲/۴۹	+۰/۵
بودجه برون‌مرزی	۱۷/۶	۱۸/۸	۲۰/۵	۲۱/۴	-
یارانه	۳/۴	۳/۴	۳/۴۳	۳/۴۶	+۰/۵

۴-۱- حمایت فنی از رسانه‌های برون‌مرزی

شبکه تلویزیونی انگلیسی زبان ان.اچ. کی از اغلب ماهواره‌های اصلی و پرمخاطب دنیا پخش می‌شود. شایان ذکر است حمایت فنی دولت ژاپن از پخش برنامه‌های برون‌مرزی ان.اچ. کی را هم در تلویزیون و هم در رساندن صدای رادیوهای این بخش به نقاط مختلف جهان شاهدیم. امواج برنامه‌های رادیویی بخش جهانی ان.اچ. کی علاوه بر پخش مستقیم از فرستنده یاماتا در استان ایباراکی ژاپن، در کشورهای خارجی با بهره‌گیری از ۲۱ فرستنده رله می‌شود. در سال ۲۰۱۴م بودجه این بخش شش میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون ین بود که نهصد و شصت میلیون ین آن را کمک مستقیم بخش عمومی (دولت) تشکیل می‌داد. قابل ذکر است دولت ژاپن در قبال ارائه کمک‌های مالی مختلف به دولت افغانستان، توانسته است موافقت کابل را برای پخش برنامه‌های بخش فارسی

رادیو ژاپن در شهرهای کابل و هرات (از طریق امواج اف. ام) جلب کند. با توجه به در پیش بودن المپیک ۲۰۲۰ توکیو و بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ در استان آیچی و در شهر ناگویا، بی‌شک در سال‌های پیش رو، دولت ژاپن حمایت‌های اقتصادی، حقوقی و فنی از بخش جهانی ان.اچ. کی را افزایش خواهد داد.

۵- بررسی میزان و عوامل تأثیرگذاری بخش جهانی ان.اچ. کی

در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ م یک نظرسنجی درباره ضریب نفوذ و تعداد مخاطبان شبکه تلویزیونی انگلیسی ان.اچ. کی در کشورهای انگلیس، فرانسه، کره جنوبی، ویتنام، سنگاپور، ترکیه، تایوان و شهرهای بانکوک (تایلند) و واشنگتن و نیویورک (آمریکا) انجام شد (وزارت امور داخلی و ارتباطات ژاپن، ۲۰۱۶). از حدود هزار نفر پرسش شونده مرد و زن در این کشورها که امکان دریافت برنامه‌های این شبکه از طریق کابل یا ماهواره را داشتند، خواسته شد که به دو پرسش پاسخ دهند:

۱- دانستن یا ندانستن نام «برند» شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی از جمله ان.اچ. کی جهانی، بی‌بی‌سی، سی‌سی‌تی‌وی چین، فرانس ۲۴، کی‌بی‌اس و آریران کره جنوبی و الجزیره؛

۲- از کسانی که نام هر شبکه را می‌دانستند، پرسیده شد آیا تاکنون آن شبکه را تماشا کرده اند یا نه؟

جدول شماره ۶ نتایج این نظرسنجی را درباره شبکه ان.اچ. کی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶- نتایج نظرسنجی در مورد شبکه ان.اچ. کی

کشور/ شهر	آشنایی با نام NHK WORLD TV (درصد)	تجربه تماشا (درصد)
انگلیس	۷,۸	۴,۵
واشنگتن	۱۰,۸	۷,۳
نیویورک	۸,۳	۴,۶
فرانسه	۸,۱	۴,۳

۶۳,۲	۶۹,۹	کره جنوبی
۴۹,۸	۵۹	تایوان
۱۷	۲۳	ویتنام
۲۸,۳	۳۹,۷	سنگاپور
۸,۲	۱۰,۸	بانکوک
۴,۴	۸,۹	ترکیه

منبع: 総務省：平成26年8月

پایگاه آکسها یکی از پایگاه‌های معتبر بین‌المللی در رصد و رتبه‌بندی وبسایت‌ها در جهان است (ALEXA, 2018). داده‌های پایگاه آکسها حاکی است که در سال ۲۰۱۸ وبسایت ان.اچ.کی، در ژاپن در جایگاه ۶۶ و در جهان در جایگاه ۸۲۹ قرار دارد. این جایگاه در مقایسه با بررسی مشابه نگارنده در سال ۲۰۱۶، نشان از کاهش رتبه وبسایت می‌دهد. حدود ۹۱ درصد بازدیدهای وبسایت ان.اچ.کی از ژاپن و تنها ۲,۶ درصد از چین و ۱,۴ درصد از آمریکا بوده است. هیچ کدام از وبسایت‌های ان.اچ.کی ورلد در میان لینک‌های پربازدید زیر مجموعه ان.اچ.کی قرار ندارند.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی ژاپن در چارچوب سازمان رادیو تلویزیون ژاپن (ان.اچ.کی) فعالیت می‌کنند. این سازمان، شبکه‌ای ملی و غیرتجاری است و دولت از طریق وزیر امور داخلی و ارتباطات و همچنین از طریق انتخاب اعضای هیات مدیره، مستقیماً بر مدیریت، بودجه و برنامه‌های آن نظارت می‌کند. ان.اچ.کی، آگهی بازرگانی پخش نمی‌کند و بودجه آن تنها از دریافت حق اشتراک، یارانه بخش عمومی (دولت یا حکومت‌های محلی)، فروش محصولات و ارائه خدمات رسانه‌ای تامین می‌شود. بخش جهانی ان.اچ.کی، به زبان‌های انگلیسی و ژاپنی برنامه‌های تلویزیونی و به ۱۸ زبان، از جمله فارسی، برنامه‌های رادیویی و خدمات اینترنتی ارائه می‌دهد. تلویزیون برون‌مرزی

انگلیسی زبان ان.اچ. کی، اعلام کرده است ۲۸۰ میلیون خانوار در سراسر جهان برنامه‌های آن را تماشا می‌کنند. این شبکه ۲۴ ساعته در راس هر ساعت اخبار پخش می‌کند. اخبار آن بر تحولات ژاپن، آسیا و موضوعات اقتصادی متمرکز است. برنامه‌های مستند کوتاه در معرفی فرهنگ، فناوری و گردشگری نیز از این شبکه پخش می‌شود. برنامه‌های این شبکه بر مبنای معیارهای هنری و فنی، تولید و پخش می‌شوند. معرفی فرهنگ و فناوری ژاپن و آموزش زبان ژاپنی بخش عمده‌ای از برنامه‌های رادیوهای خارجی ان.اچ. کی را تشکیل می‌دهد. برنامه‌های سیاسی و تحلیل و تفسیر کمترین اولویت را در این بین به خود اختصاص داده است. اغلب یارانه دولتی اختصاص یافته به ان.اچ. کی، مشخصاً صرف هزینه‌های بخش برون‌مرزی شده است. دولت علاوه بر حمایت مستقیم مالی، از طریق تقدیم لوایح به دو مجلس ژاپن، در مقاطع مختلف حمایت حقوقی و قانونی از تقویت برنامه‌های برون‌مرزی را در دستور کار خود قرار داده است. ضریب نفوذ و پوشش تلویزیون برون‌مرزی ژاپن از طریق ارتقای کیفیت پخش زنده اینترنتی، به‌کارگیری اغلب ماهواره‌های پرمخاطب و در دسترس مخاطبان، تلویزیون‌های کابلی و نیز نصب تلویزیون‌های بزرگ هوشمند در فرودگاه‌های بین‌المللی در سراسر دنیا، همواره گسترش یافته است (NHK ONLINE, 2018).

همچنین با پشتیبانی دیپلماتیک دولت، شرایط رله برنامه‌های رادیویی برون‌مرزی در سراسر جهان فراهم شده است. با توجه به در پیش بودن المپیک ۲۰۲۰ توکیو و بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ در استان آیچی و شهر ناگويا، بی‌شک در سال‌های پیش رو، دولت ژاپن حمایت‌های اقتصادی، حقوقی و فنی از بخش جهانی ان.اچ. کی را افزایش خواهد داد. نظرسنجی در کشورهای مختلف حاکی است شبکه تلویزیونی انگلیسی ان.اچ. کی، در کشورهای شرق آسیا موفق عمل کرده و توانسته است نام خود را در ذهن بینندگان تثبیت نماید اما این شبکه در غرب آسیا، اروپا و آمریکای شمالی به علت نوپا بودن برای رقابت با شبکه‌های نام آشنا همچون بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، فرانس ۲۴ و الجزیره، راهی دراز در

پیش دارد. جذب برنامه‌سازان و روزنامه‌نگاران مجرب، وبسایت یکپارچه و حرفه‌ای، آموزش چند رسانه‌ای زبان ژاپنی و معرفی جنبه‌های مختلف فرهنگ و فناوری ژاپن از نقاط قوت بخش‌های مختلف رادیو ژاپن محسوب می‌گردد. ساختار متمرکز برنامه‌سازی و ترجمه‌محوری از نقاط ضعف برنامه‌های رادیویی در رادیو ژاپن است. علاوه بر این، به استثنای بخش انگلیسی زبان، سرویس جهانی ان.اچ. کی تاکنون (۲۰۱۸م) به صورت جدی، به رسانه‌های اجتماعی نوین ورود نکرده است.

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

۱- در ژاپن، دولت‌ها بیشتر از رسانه برون‌مرزی حمایت می‌کنند تا شبکه‌های داخلی؛ به ویژه آنکه یارانه دولتی فقط در اختیار بخش جهانی ان اچ کی قرار می‌گیرد. شبکه‌های رادیو-تلویزیونی داخلی به علت آنکه توان تامین بودجه خود را از محل فروش تولیدات و سایر منبع دارند، به صورت ویژه کمک دولتی دریافت نمی‌کنند. این استدلال در مورد شبکه‌های برون‌مرزی ایران نیز می‌تواند مصداق داشته باشد.

به نظر می‌رسد از آنجا که شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در مقایسه با شبکه‌های داخلی، از امکانات و زمینه‌های کمتری برای کسب درآمدهای پخش آگهی بازرگانی و سایر عواید برخوردارند، از نظر بودجه، نیازمند توجه بیشتر می‌باشند.

۲- دستگاه دیپلماسی ژاپن با رایزنی با کشورهای مختلف، امکان تاسیس دفاتر محلی، پخش ماهواره‌ای و کابلی و رله برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ان اچ کی از طریق ایستگاه‌های محلی را در مناطق مختلف فراهم ساخته است. لذا برای برون‌مرزی رسانه ملی نیز، در رقابت با شبکه‌های قدرتمند جهانی و منطقه‌ای، برخورداری از حمایت دستگاه‌های مسئول فرهنگی و سیاست خارجی ضروری به نظر می‌رسد.

۳- بخش جهانی ان اچ کی، بسیاری از فعالان رسانه، روزنامه‌نگاران و برنامه‌سازان برجسته خارجی را جذب نموده است. ملاک استخدام این افراد، در درجه اول توانمندی ژورنالیستی آنان بوده است نه تسلط بر زبان ژاپنی. این تجربه در شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۴- دولت و پارلمان ژاپن در راستای پشتیبانی رسانه‌ای، اجرای رویدادهای مهم آتی-المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو، اکسپو ۲۰۲۶ اوساکا و...- مشخصاً بودجه‌ای را برای بخش جهانی ان اچ کی به تصویب می‌رساند. همین رویکرد می‌تواند مدنظر سیاستگذاران رویدادهای ملی و بین‌المللی در کشورمان قرار گیرد.

۵- یکی از بخش‌های مهم تمام شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بخش جهانی ان اچ کی، «آموزش زبان ژاپنی» می‌باشد. از این رو، علیرغم گام‌های مهمی که برای آموزش زبان فارسی در رسانه‌های برون‌مرزی برداشته شده است، لازم است بودجه ویژه‌ای از سوی ارگان‌های ذیربط در اختیار برون‌مرزی سازمان قرار گیرد تا زبان فارسی که زبان دوم جهان اسلام و پیوند دهنده ملت‌های واقع شده در حوزه تمدن ایرانی-اسلامی است، هرچه بیشتر و جذاب‌تر از سوی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و وب سایت‌های برون‌مرزی رسانه ملی برای مخاطبان جهانی آموزش داده شود.

منابع

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، «رسانه‌های دیداری و شنیداری ژاپن»، تهران: مرکز امور بین‌الملل سازمان صداوسیما.
- ساکای (۱۳۹۰)، مصاحبه با ساکای، مسئول بخش اخبار حوادث غیرمترقبه در واحد اخبار ان.اچ.کی.
- قرقانی، ولی‌اله (۱۳۹۰)، کارگاه معرفی ان.اچ.کی، توکیو.
- سایت فارسی ان.اچ.کی ورلد (۲۰۱۶)، «مکالمه ساده به زبان ژاپنی»، قابل دسترسی در:
<https://www.nhk.or.jp/lesson/persian>
- سایت فارسی ان.اچ.کی (۲۰۱۶)، «درباره ان.اچ.کی»، قابل دسترسی در:
<https://www3.nhk.or.jp/nhkworld/fa/aboutnhk/>
- سایت فارسی ان.اچ.کی (۲۰۱۶)، سازمان پخش رادیو تلویزیونی ژاپن، قابل دسترسی در:

<https://www3.nhk.or.jp/nhkworld/fa/>

- سورین ورنر، تانکارد جیمز (۱۳۸۲)، «نظریه‌های ارتباطات»، ترجمه دکتر علیرضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- قرقانی، ولی‌اله (۱۳۹۳)، «مدیریت بحران در رسانه‌های ژاپن: مطالعه موردی مواجهه رادیو-تلویزیون ملی ژاپن NHK با زمین لرزه، سونامی و فاجعه اتمی توهوکو در مارس ۲۰۱۱م»، سمینار کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور واحد تهران غرب.

منابع انگلیسی

- **Alexa** (2018), available at: <http://www.alexa.com/about>
- International Monetary Fund (2018), Retrieved Dec 7, 2018 from: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2018/01/weo/data/index.aspx>
- **Kyodo news site** (2018), "about us", available at: <http://english.kyodonews.jp>
- News Web Easy (2018), available at: <http://www3.nhk.or.jp/news/easy>
- **Nhk noline** (2018), "corporate overview", Available at: <http://www.nhk.or.jp/corporateinfo/english/corporate/index.html>
- **Nhk online** (2018), available at: <http://www.nhk.or.jp>
- **Nhk world site** (2018), available at: <https://www3.nhk.or.jp/nhkworld>
- **Nhk world** (2018), "80 years of nhk world 1935-2015", available at: <https://www3.nhk.or.jp/nhkworld/en/chronology>
- Nye, Jr., Joseph S. (2003, Jan. 10), "**Propaganda Isn't the Way: Soft Power**", The International Herald Tribune.
- Shimizu, shinichi (1997), "**japan: public broadcasting as a national project**".
- Yahoo japan (2018), available at: <http://info.finance.yahoo.co.jp/fx/convert/?a=1>

منابع ژاپنی

- 日本経済新聞のウェブサイト(2018).available at:
<https://www.nikkei.com/>
- 国際放送の現状 (2018). available at:
http://www.soumu.go.jp/main_content/000313028.pdf
- MIC総務相 (2018), available at: <http://www.soumu.go.jp>
- MIC総務相・国際放送の現状 (2018), available at:
http://www.soumu.go.jp/main_content/000313028.pdf
- 時事通信社(2018), available at: <http://www.jiji.com>

نقش دیپلماسی رسانه‌ای برون‌مرزی در تحکیم

جایگاه منطقه‌ای ایران

محمد اکرمی نیا^۱، شهاب فهیم‌دانش^۲

چکیده

پیشرفت‌های علمی و فناورانه علاوه بر تأثیر مستقیم بر عرصه ارتباطات و رسانه، به‌طور غیرمستقیم بر روابط بین‌الملل و دیپلماسی اثر گذاشته‌اند. آن‌گونه که امروزه شاهد نقش شگرف دیپلماسی رسانه‌ای و قدرت نرم در تغییر جایگاه و نسبت دولت‌های ملی در مناطق مختلف جهان هستیم. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و جایگاه منطقه‌ای ایران بر اساس نوع و میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های مختلفی از جمله دیپلماسی رسانه‌ای قابل ارزیابی است. در این مقاله تلاش شده است تا بر اساس مباحث دیپلماسی رسانه‌ای به بررسی تأثیر شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در چهارمین دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی پرداخته شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما بر اساس الگوی بازتاب واقعی درباره مهم‌ترین وقایع منطقه جنوب غربی آسیا از جمله فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین، تحولات سوریه، عراق و بحرین و تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن توانسته‌اند ضمن تبیین گفتمان انقلاب اسلامی، افکار عمومی جهان را متوجه موانع ریاکارانه رسانه‌های غربی نمایند. به‌طوری‌که افزایش تاثیرگذاری و ضریب نفوذ رسانه‌های برون‌مرزی در جوامع هدف و نقش آنها در تحکیم جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، از سوی اندیشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی معتبر غربی مانند رند نیز اذعان گردیده است.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما، غرب آسیا، دیپلماسی رسانه‌ای.

^۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

^۲. پژوهشگر همکار واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما، تهران، ایران.

مقدمه

در عصر جهانی‌شدن،^۱ کشورهای دارای فناوری‌های ارتباطی جدید و برتر، جریان‌های جهانی اطلاعات را کنترل می‌کنند. همچنین اگر از رسانه‌های جهان‌گستر نیرومندی برخوردار باشند، می‌توانند تصویر بین‌المللی خود را القاء کنند؛ بنابراین «قدرت جهانی» یک کشور به توانایی دیپلماسی رسانه‌ای آن ارتباط می‌یابد و به همین دلیل سیاست خارجی باید برای موفقیت در فرآیند جهانی‌شدن همراه با نقش دیپلماسی رسانه‌ای از فناوری‌های جدید اطلاعاتی- ارتباطی نیز سود ببرد.

روندهای جهانی به‌گونه‌ای پیش می‌رود که هیچ کشوری از جمله جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از تأثیرات رشد منطقه‌گرایی غافل بماند. به‌خصوص که جایگاه جغرافیایی ایران در مجادلات «هارتلند اوراسیا» و به‌عنوان حلقه اتصال دو منبع غنی انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر از ارزش بالایی در روند تعامل بین قدرت‌های جهانی برخوردار است. از این‌رو موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک از جمله متغیرهای مستقل جغرافیایی محسوب می‌شوند که تأثیر چشمگیر و معناداری بر سیاست و روابط دیپلماتیک ایران دارند و همین امر از جمهوری اسلامی ایران یک کشور بین‌المللی و یک بازیگر مهم در مناطق پیرامون خود ساخته است. به‌عبارت‌دیگر، جایگاه ایران به‌خاطر موقعیت خاص آن، یک مرکزیت ژئواستراتژیک برای منطقه و جهان است و ایران هرگز نمی‌تواند در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای که در آن قرار گرفته است، یک کشور حاشیه‌ای باشد (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۱).

ایران در چهار دهه اخیر به دلیل تعقیب آرمان‌های انقلابی، تضادهای ایدئولوژیک با شرق و غرب و نیز سیاست‌های مستقل در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی، همواره آماج بیشترین حمله‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی بوده است که در پروژه‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی مشهود می‌باشد. در سنوات گذشته سازمان صداوسیما با راه‌اندازی شبکه‌های برون‌مرزی درصد برآمد تا ضمن ایستادگی در مقابل حمله‌های مذکور، به تبیین گفتمان انقلاب، مقاومت و ایثار پرداخته و در جهت تقویت جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. در این مقاله تلاش داریم تا در قالب

^۱ Globalization

مباحث قدرت نرم به بررسی و ارزیابی نقش و جایگاه شبکه‌های برون‌مرزی در دیپلماسی رسانه‌ای و تقویت و تحکیم جایگاه منطقه‌ای ایران پردازیم.

۱- جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم آن

جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، مهم‌ترین کشور تأثیرگذار بر مسائل غرب آسیا محسوب می‌شود. ایران گرچه از حیث قدرت سخت‌افزاری در جایگاه پایین‌تری نسبت به ابرقدرت‌ها قرار دارد، اما موقعیت فرهنگی و معنوی و به اصطلاح قدرت نرم^۱ ایران در منطقه همواره رو به افزایش می‌باشد.

شواهد عینی این رخداد را می‌توان در قالب دو دسته‌ی «وقایع دنیای مجازی و دنیای حقیقی» تفکیک نمود. تفوق کاربران موافق با موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی در فضای مجازی از مظاهر بارز افزایش موقعیت فرهنگی و معنوی ایران است. این مورد را می‌توان در مسائلی چون داغ شدن هشتگ مخالفت با حمله عربستان سعودی به یمن، شادی شکست داعش در عراق و... پیگیری نمود. در دنیای حقیقی نیز افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، در مواردی همچون راهپیمایی بیست میلیونی روز اربعین، راهپیمایی روز قدس در کشورهای مختلف، تأسیس گروه‌های مردمی از جمله در سوریه و عراق برای مبارزه با تروریست‌های تکفیری قابل مشاهده است. بخش اعظم این موفقیت‌ها از مجرای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران محقق شده و در حال بسط داده شدن است. دیپلماسی رسانه‌ای فعال ایران به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی پرداخته است که در مجموع، می‌تواند به تصویرسازی واقعی و مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و مشخصاً منطقه‌ای و هژمونی فرهنگی، کمک شایانی کند (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۷). موارد مشخصی همچون راهپیمایی روز اربعین، جنبش‌های مذهبی و عزاداری‌های مناسبتی شیعی در کشورهای منطقه، بیداری اسلامی و اعتراضات اجتماعی و سیاسی به سبک انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در بین کشورهای عربی و افزایش اعتراض‌ها به رویکردهای کشورهای سلطه‌گر جهانی از جمله نمونه‌های بارز قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و بسط و گسترش آن است.

^۱ Soft Power

از مؤلفه‌های راهبرد قدرت نرم ایران در غرب آسیا می‌توان به اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه دینی، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم اشاره نمود که از طریق ابزار رسانه‌های متعدد برون‌مرزی ایران برای مردم جهان بازنمایی می‌شوند.

۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از رابطه دیپلماسی و رسانه است. لذا در ادامه ابتدا به این دو مورد به‌اجمال پرداخته و سپس چهار مدل تلفیق رسانه و دیپلماسی ارائه خواهد شد.

۲-۱- کارکردهای رسانه در عصر جهانی شدن

رسانه‌ها، کارکردهای مختلفی دارند و صاحب‌نظران ارتباطی، نقش‌های متعددی برای آن‌ها قائل شده‌اند. «هارولد لاسول»^۱، با اشاره به وظایف همبستگی اجتماعی و انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، بر نقش نظارتی رسانه‌ها تأکید نموده است. «چارلز رایت»^۲ نیز با اضافه نمودن نقش سرگرمی، به نقش نظارتی رسانه‌ها اهمیت داده است (سورین و تانکارد، ۱۳۹۷: ۴۵۰). برخی دیگر از اندیشمندان این حوزه با اشاره به نقش‌های معلم و راهنما به نقش «نگهبانی» رسانه اشاره کرده و از نقش نظارتی رسانه‌ها به‌عنوان یکی از وظایف اجتماعی آن‌ها یاد می‌کند (معدنژاد، ۱۳۸۶: ۷۷). به کارکرد نظارتی رسانه‌ها، از دیدگاه مدیریت رسانه نیز می‌توان نگریست. لذا رسانه‌ها به‌عنوان واسطه بین مردم و نهادهای دولتی، بهترین دستگاه کنترل سازمان‌ها به حساب می‌آیند (Freedman, 2008: 22).

با وجود برجسته بودن نقش نظارتی رسانه‌ها به‌عنوان یک کارکرد مهم آن‌ها در مباحث نظری، ایفای این نقش در عمل با چالش‌های بسیار مواجه است (ساداتی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). در دهه‌های گذشته به‌واسطه گسترش تأثیرات فرآیند جهانی‌شدن «مقررات‌زدایی»، «کاربرد گسترده فناوری‌های جدید»، «بین‌المللی کردن و یا بین‌المللی شدن» در تمامی بخش‌های سیاست‌گذاری رسانه‌ها رخنه کرده است (hutchisons, 1999: 89).

1. Harold Lasswell

2. Charles Wright Mills

گسترش روزافزون شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، رشد فن‌آوری‌های دیجیتالی و لذا سهولت دسترسی به محصولات فرهنگی در اقصی نقاط جهان، رشد انفجاری دسترسی به اینترنت، افزایش شبکه‌های ارتباطی اینترنتی و کاربران آن‌ها و افزایش ارتباطات مجازی در سراسر جهان حاکی از آن است که ارتباطات فرهنگی بین تمامی مردمان جهان در دورترین نقاط آن در حال افزایش است. مسئله رسانه‌ها و ارتباطشان با جهانی‌شدن، پدیده‌ای است که هم‌زمان با سپری شدن نیمه دوم قرن بیستم ذهن بشر را به خود معطوف نمود. پدیده‌ای که مارشال مک‌لوهان^۱ در دو کتاب «کهنکشان گوتنبرگ» و «شناخت وسایل ارتباطی» در چارچوب نظریه دهکده جهانی، به شرح آن پرداخت (اوحدی، ۱۳۷۶: ۶۶).

پدیده جهانی‌شدن در سال‌های اخیر به نحوی گسترده منابع چاپی و الکترونیکی را تحت‌الشعاع قرار داده است. مک‌لوهان در کتاب جنگ و صلح در دهکده جهانی (۱۹۶۸) این ایده را مطرح کرد که پیشرفت در ارتباطات الکترونیک، سبب شکل‌گیری جهانی شده است که در آن می‌توانیم رخدادهایی که در دورترین نقاط جهان اتفاق افتاده را به‌صورت هم‌زمان مشاهده کنیم.

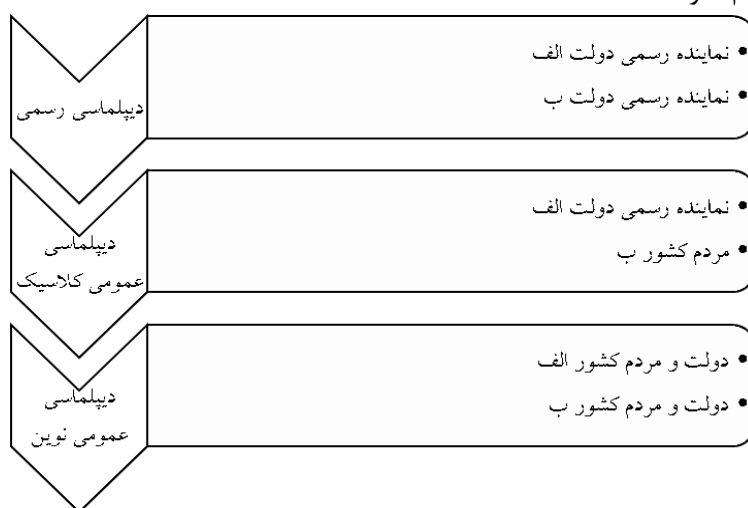
۲-۲- دیپلماسی سنتی و نوین

دیپلماسی سنتی یا رسمی را می‌توان ارتباط میان سیاست‌مداران و سران کشورهای جهان تعریف کرد. در این نوع دیپلماسی، تنها «مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی با منافع ملی» (مورگنتا، ۱۳۹۰: ۲۴۷) مهم بود. تا آنجا که تمامی روابط بین‌الملل در سایه «سیاست خارجی» به‌عنوان راهبرد یا بخشی از یک نقشه کاربردی برای تصمیم‌گیری یک کشور در برابر کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی، مورد شناسایی قرار می‌گرفت. اما بروز برخی تحولات از جمله «بهبود ارتباطات ناشی از پیشرفت شگرف فن‌آوری‌ها»، «اعتقاد به قدرت افکار عمومی» و «توسعه مفهوم منافع مشترک» عامل تحول دیپلماسی سنتی گشت و در پی «تغییر شکل قواعد بازی» و «ظهور بازیگران جدید» دیگر دیپلماسی سنتی قادر به پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های جهان نبود (گودرزی و صباغ، ۱۳۹۶: ۶۸). به‌طور خلاصه در فضای دیپلماتیک و سیاست خارجی نوین، تحلیلگران از ظهور «روابط فراملی»، در

^۱ Marshal McLuhan

مقابل مفهوم قدیمی روابط بین‌الملل سخن می‌گویند و برخلاف گذشته که غالباً از روش‌های سیاسی و امنیتی در این عرصه استفاده می‌گشت، پس از پایان جنگ سرد، مؤلفه‌های فرهنگی، آموزشی و حتی بهداشتی نقش بیش از پیش مهمی را در سیاست خارجی کشورها ایفا نمود و موارد دیگر را تحت‌الشعاع خویش قرارداد.

برای پرداختن به این موضوعات، اشکال جدیدی از دیپلماسی با عنوان دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی عمومی نوین، دیپلماسی مجازی و دیپلماسی علم و فناوری مجال ظهور و بروز یافته‌اند (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۶۱). در این چهره از دیپلماسی ارتباط مستقیم یک دولت با مردم خارجی با هدف تأثیرگذاری بر نحوه تفکر آن‌ها و در نهایت تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های ایشان مدنظر است. این تحول را می‌توان در نمودار زیر ترسیم نمود.



شکل شماره ۱- تغییرات انواع دیپلماسی

دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز این قاعده مستثنی نیست. آن‌گونه که فرآیند دیپلماسی ایران در روابط بین‌الملل نیز امروزه در پی تأثیرگذاری بر مردم کشورهای منطقه و جهان است و از اصول دیپلماسی رسمی و کلاسیک به سمت دیپلماسی نوین و رسانه‌ای در حال حرکت است.

۲-۳- قدرت نرم به‌عنوان نقطه اتصال رسانه و دیپلماسی

در تلفیق رسانه و دیپلماسی یک کانون شکل می‌گیرد که محتوایی مهم را تولید می‌نماید که وجهه قدرت نرم دارد و توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شهروندان کشورهای دیگر را دارد. در ادامه در خصوص این تلفیق مهم چهار مدل اصلی ارائه می‌شود.

۲-۴- مدل تلفیقی

مدل اول. دستگاه دیپلماسی معادلات و مراودات سیاسی خود را با ملاحظات مورد علاقه رسانه تنظیم و تدوین می‌کند. در حال حاضر، رسانه‌هایی همچون بی‌بی‌سی، فاکس نیوز^۱ یورونیوز^۲ و سی‌ان‌ان^۳ همین عملکرد را از خود نشان می‌دهند و به‌طور تقریبی از منابع اصلی برای تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی به شمار می‌آیند.

مدل دوم. در این مدل جریان حالت عکس به خود می‌گیرد؛ به این معنی که این دستگاه سیاست خارجی و به‌طور مشخص، وزارت امور خارجه است که به رسانه جهت می‌دهد و از رسانه می‌خواهد که به‌منظور تأمین امنیت و حفظ منافع ملی، مواردی را در نظر بگیرد. **مدل سوم.** در این مدل، رسانه تنها مجری منویات دستگاه دیپلماسی است. شاید بتوان نظام‌های توتالیتر و مستبد را از مصرف‌کنندگان این مدل دانست، چراکه استبداد موجود در این سیستم‌ها، اجازه خلاقیت و رشد فکری انسان‌ها را به حداقل می‌رساند.

مدل چهارم. در این مدل، نوعی از تعامل دوسویه میان رسانه و دستگاه سیاست خارجی وجود دارد. به‌عبارت دیگر، رسانه و دستگاه سیاست خارجی به‌صورت سازمان‌یافته (ارگانیک) و نظام‌مند (سیستماتیک) با یکدیگر در تعامل دائم هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۹۵).

1. Fox News

2. Euro News

3. CNN (Cable News Network)

۳- شبکه‌های برون‌مرزی

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و تمرکز قدرت‌های بزرگ در منطقه غرب آسیا، قرار دادن ایران در محور شرارت از سوی ایالات‌متحده و تشدید فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران، ضرورت بهره‌گیری جمهوری اسلامی از قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای افزایش یافت (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). به‌طور مشخص در عرصه جهانی، شبکه‌های برون‌مرزی به‌رغم محدودیت‌هایی که برای پخش برنامه‌های شبکه‌های سحر، العالم، پرس‌تی‌وی و الکوثر روی ماهواره یا شبکه‌های کابلی در اروپا و امریکا یا کشورهای عربی غرب آسیا ایجاد شده است؛ تأثیرگذاری بالایی بر مردم مناطق تحت پوشش دارد (گزارش عملکرد سازمان صداوسیما در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹).

جدول شماره ۱- شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی صداوسیما

نام شبکه برون‌مرزی	توضیح
سحر	شامل سیمای اردو، آذری، بالکان و کردی. این شبکه با هدف تأثیرگذاری بر وقایع منطقه بالکان، قفقاز، شبه‌قاره و مناطق کردنشین در غرب آسیا فعالیت می‌کند.
الکوثر	شبکه ۲۴ ساعته به زبان عربی شامل برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و خبری که موقعیت تأثیرگذاری در کشورهای عربی دارد.
العالم	شبکه خبری ۲۴ ساعته به زبان عربی. در کنداکتور آن اخبار و برنامه‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارند. دو شبکه الکوثر و العالم مکمل یکدیگر در پوشش مباحث مختلف هستند.
پرس تی‌وی	شبکه خبری ۲۴ ساعته به زبان انگلیسی. این شبکه، یک رسانه بین‌المللی خبری می‌باشد و محوریت برنامه‌های آن پوشش وقایع و رویدادهای جاری جهان و ترسیم سیمایی صحیح از ایران است.
آی‌فیلم ۱ و ۲	آی‌فیلم ۱ به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی برای ارائه برنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های متنوع بر پایه رعایت اخلاق و با تأکید بر تحکیم نهاد مقدس خانواده و با هدف آشنا کردن مخاطبان با تاریخ و فرهنگ غنی ایران فعالیت می‌کند. در سال ۱۳۹۶ آی‌فیلم ۲ ویژه افغانستان و تاجیکستان نیز راه‌اندازی شده است.

هیسپان تی‌وی	شبکه اسپانیایی‌زبان ۲۴ ساعته برون‌مرزی است که به پخش برنامه‌های مختلف خبری، سیاسی و فرهنگی به زبان اسپانیولی اقدام می‌نماید و جامعه هدف آن امریکای لاتین است.
هوساتی‌وی	در حال حاضر وب‌سایت شبکه تلویزیونی هوساتی‌وی به زبان انگلیسی و هوسا و همچنین دو بخش تصویری و صوتی برای مخاطبان آفریقایی فعالیت می‌کند که مقدمه راه‌اندازی تلویزیون هوساتی‌وی می‌باشد.

علاوه بر شبکه‌های تلویزیونی مذکور، برون‌مرزی صداوسیما، مشتمل بر ۳۴ رادیو و پایگاه خبری ۲۶ زبانه «پارس تودی» است و اکنون یکی از رسانه‌های بین‌المللی تأثیرگذار در منطقه و جهان محسوب می‌شود.

۴- دیپلماسی رسانه‌ای شبکه‌های برون‌مرزی و نقش آن‌ها در جایگاه منطقه‌ای ایران

بر اساس چارچوب تئوریک و معرفی اجمالی برخی از شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران، در این بخش نحوه عملکرد شبکه‌های برون‌مرزی در ۵ رویداد مهم منطقه جنوب غربی آسیا را بررسی و ارزیابی می‌نماییم تا توان و تأثیر نقش آن‌ها بر تحکیم جایگاه منطقه‌ای ایران سنجیده شود.

۴-۱- فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران

موضوع فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از زمان طرح در عرصه بین‌المللی، یکی از موضوعات مهم و حساس سیاست خارجی کشورمان بوده است و رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این خصوص تبلیغات منفی فراوانی انجام داده‌اند. گول‌های رسانه‌ای وابسته به نظام سلطه، با نقش‌آفرینی و شیطنت‌های خبری، در خط مقدم دیپلماسی غرب در ایجاد بحران هسته‌ای علیه ایران قرار دارند. چنان‌که می‌توان گفت موضوع هسته‌ای ایران جز یک «جنجال رسانه‌ای از جانب غرب» چیز دیگری نبوده است (متشکری، ۱۳۸۸: ۱۰۶). اما از آنجاکه منشأ موضوع هسته‌ای ایران، محیط خارجی است، باید بخش عمده‌ای از تدابیر جدید در خصوص تحرک رسانه‌ای در موضوع هسته‌ای، برای خارج از کشور تدارک دیده شود. لذا در محیط خارجی، فراتر از وضعیت موجود، به ظرفیت‌سازی رسانه‌ای در قالب همکاری وزارت خارجه و رسانه‌های برون‌مرزی نیاز راهبردی وجود دارد (ساداتی،

۱۳۹۳: ۱۱۱). در این راستا معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما اقدام به تولید و پخش برنامه‌های متعددی جهت معرفی فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان نموده است که یکی از آنها مستند «آفتاب نهان» تولید شبکه سحر است. این مجموعه مستند در ۲۶ قسمت از کارکردهای صلح‌آمیز ناگفته انرژی هسته‌ای برای مخاطبان روایت می‌کند.

۲-۴- حوادث غزه

آرایش رسانه‌ای در تحولات فلسطین از جمله جنگ ۲۲ روزه غزه را می‌توان به دو اردوگاه رسانه‌ای مقاومت، شامل شبکه‌های «الاقصى، المنار، القدس و رسانه‌های جمهوری اسلامی (پرس‌تی‌وی، العالم و...)» از یک‌سو و رسانه‌های وابسته به نظام سلطه، از سوی دیگر تقسیم‌بندی کرد. در این میانه در جریان جنگ ۲۲ روزه غزه در سال ۲۰۰۸ م رسانه‌های برون‌مرزی ایران از جمله پرس‌تی‌وی و العالم توانستند با ارائه تصاویر واقعی و زنده از بمباران‌های بی‌امان، انفجارهای پی‌درپی و دودهای غلیظی که از نقطه‌به‌نقطه شهر غزه به هوا برمی‌خاست، فیلم‌های حیرت‌انگیز از جنایات اصابت موشک‌های حماس به تانک‌ها، ادوات نظامی و سنگرهای صهیونیست‌ها، جنایات رژیم صهیونیستی و اجساد متلاشی یا پیکرهای سوخته کودکان فلسطینی بر اثر بمب‌های خوشه‌ای و فسفوری صهیونیست‌ها و ... را به تصویر بکشند؛ در حالی که رسانه‌های غربی در این خصوص رویکرد سانسور را در پیش گرفته بودند. یکی از برنامه‌های شبکه العالم در این زمینه برنامه «العین الاسرائیلیه» (از نگاه رسانه‌های اسراییل) بود.

۳-۴- تجاوز ملوانان انگلیسی به مرز آبی جمهوری اسلامی ایران

از زمان اشغال عراق، نظامیان انگلیس چند بار به‌صورت غیرقانونی وارد حریم آبی ایران شدند و مقامات لندن با فرافکنی و ارائه تفسیرهای نامرتبط، این اقدامات غیرقانونی را توجیه کردند. سرانجام در ماه مارس ۲۰۰۷، پانزده نظامی انگلیسی پس از ورود غیرقانونی به آب‌های سرزمینی ایران از سوی نیروی دریایی سپاه بازداشت شدند و وزارت امور خارجه با احضار کاردار انگلیس در تهران، در غیاب سفیر آن کشور در آن ایام، نسبت به تجاوز نظامیان نیروی دریایی انگلیس به آب‌های سرزمینی کشورمان در ارون‌درود به‌شدت اعتراض کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). از شروع این تجاوز تا مدتی بعد از آزادسازی ملوانان، غرب، جنگ روانی علیه ایران را در بستر رسانه کلید زد. در مقابل، پوشش خوب رسانه‌ای اعترافات ملوانان انگلیسی در شبکه‌های پرس‌تی‌وی و العالم از نقش قابل‌توجهی

برخوردار بود (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). شبکه العالم برون‌مرزی به عنوان اولین شبکه، اقدام به پخش اخبار و تصاویر مربوط به دستگیری نظامیان نیروی دریایی بریتانیا توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمود. اندیشکده آمریکایی رند^۱ در گزارشی ضمن اشاره به دستگیری ۱۵ نفر از ملوانان و تفنگ‌داران دریایی انگلیس توسط نیروی دریایی ایران در سال ۲۰۰۷ می‌نویسد: «ژانویه سال ۲۰۱۶ نیز نیروی دریایی ایران ۱۰ نفر از ملوانان آمریکایی را پس از آن‌که موتور قایق‌شان با مشکل مواجه شد و وارد آب‌های این کشور شدند، بازداشت کرد. ایرانی‌ها از این عملیات بازداشت، فیلم‌برداری کرده و این فیلم را در تلویزیون‌های خود نشان دادند. در یکی از کلیپ‌های پخش شده، یکی از ملوانان آمریکایی به خاطر این اتفاق عذرخواهی می‌کند. این بازداشت تنها چند روز پیش از موعد احتمالی اجرایی شدن توافق هسته‌ای انجام شد و احتمالاً هدف از این کار، حفظ آبرو یا مخابره این پیام بود که «ایران خود را تسلیم غرب نخواهد کرد» (Paul et al, 2018).

۴-۴- شکست داعش در عراق و سوریه

با شروع حملات گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و استفاده گسترده این گروه تروریستی از ابزار رسانه و فضای مجازی، بخشی از وظیفه مقابله با این همه‌ها بر دوش رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما قرار گرفت. این شبکه‌ها و در رأس آن‌ها شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی، العالم و الکوثر به پخش مستمر روند تحرکات داعش و مقابله محور مقاومت با آن پرداختند.

به دلیل فعالیت جهت‌دار رسانه‌های کشورهای مرتجع عربی منطقه و رسانه‌های جهانی چون بی‌بی‌سی^۲ و سی‌ان‌ان در زمینه پوشش اخبار داعش، فعالیت شبکه‌های تلویزیونی پرس تی‌وی، العالم و الکوثر سخت‌تر بود؛ زیرا با کارشکنی شرکت‌های پخش ماهواره‌ای و تحریم‌های رسانه‌ای روبرو بودند (پارس تو دی، ۱۳۹۶/۰۳/۲۴). اما این شبکه‌ها با پخش حرفه‌ای اخبار و برنامه‌ها، ماهیت گروه تروریستی داعش و عدم ارتباط آن با اسلام و ابعاد حمایت غرب و رژیم صهیونیستی و کشورهای مرتجع عربی از این گروه تروریستی را بر ملا ساختند. هم‌افزایی قدرت سخت و نرم ایران باعث پیروزی محور مقاومت و شکست تروریست‌های تکفیری در سوریه و عراق شد.

1. Rand Corporation

2. BBC (British Broadcasting Corporation)

دکتر علی‌عسکری رئیس سازمان صداوسیما در مصاحبه با شبکه العالم در این زمینه می‌گوید: «دشمن فکرش را هم نمی‌کرد که ایران چنین قدرتی داشته باشد و بتواند داعش را در منطقه از بین ببرد و معادلات آن‌ها را درهم بریزد. برای همین زخم‌خورده است و می‌خواهد از راه تأثیر بر افکار عمومی و ایجاد تنش در داخل این شکست بزرگ خود را جبران کند» (fa.alalam, ۱۳۹۷/۰۶/۱۳).

معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما همچنین در یک اقدام هوشمندانه دیگر برای مقابله مؤثر با جنگ روانی که دشمنان علیه مردم سوریه ایجاد کرده‌اند، اقدام به تأسیس و راه‌اندازی کانال العالم سوریه در آذرماه ۱۳۹۶ نمود. این کانال به‌صورت کاملاً تخصصی به حوادث و اخبار کشور سوریه می‌پردازد. این شبکه در آغاز با پخش ۲ الی ۳ ساعت برنامه به فعالیت پرداخته و در نظر دارد تا ساعت پخش خود را به تدریج تا ۶ الی ۷ ساعت در روز افزایش داده تا در آینده نزدیک به پخش ۲۴ ساعته دست پیدا کند.

۵-۴- تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن

یمن در دهه اخیر با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو بود که بر ثبات و امنیت داخلی این کشور و بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بوده است؛ مهم‌ترین چالش این کشور تجاوز نظامی عربستان سعودی و حمله‌های رسانه‌ای آل‌سعود در این خصوص است. علل حمله ائتلاف سعودی - صهیونیستی به یمن در سطوح مختلف سیاسی (استقرار نظام وابسته به آل‌سعود)، اقتصادی (بهره‌گیری از منابع مادی و موقعیت استراتژیک) و مذهبی (مقابله با گسترش نفوذ شیعیان) قابل ارزیابی است. علی‌رغم اینکه با حمایت تسلیحات آمریکا و رژیم صهیونیستی، حدود چهار سال است که رژیم سعودی به ارتکاب جنایات بین‌المللی از جمله نسل‌زدایی، جنایت علیه انسانیت و تجاوز نظامی در یمن پرداخته است، اما رسانه‌های وابسته به نظام سلطه و رژیم‌های مرتجع عربی، تلاش می‌کنند که به تجاوز نظامی ائتلاف سعودی به یمن مشروعیت دهند. عمده محورهای این رسانه‌ها عبارتند از: - تلاش برای همراه کردن افکار عمومی دنیای عرب با عربستان سعودی در موضوع جنگ یمن از طریق وارونه‌نمایی..

- مقصر جلوه دادن ایران در بی‌ثبات‌سازی محیطی و القای بحران‌سازی ایران در منطقه نزد افکار عمومی جهان.

- مشروعیت‌بخشی به تجاوز نظامی علیه یمن و القای این ادعا که حملات ائتلاف جنگ علیه یمن، در راستای حمایت از مردم یمن و بازگرداندن ثبات و امنیت به این کشور است.
- انعکاس نادرست واقعیت‌های جنگ عربستان سعودی و متحدانش علیه یمن، با پخش گزارش‌ها و مصاحبه‌ها و اخبار هدفمند و حتی ساختگی مانند ادعای تصرف بندر الحدیده.
- توجیه جنگ مشترک اعراب، آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه یمن.
- سانسور کشتار غیرنظامیان به ویژه کودکان و زنان.
- سانسور استفاده‌ی دولت سعودی از ادوات جنگی ممنوعه و بمب‌های خوشه‌ای.
- غیرمردمی نشان دادن جنبش مردمی انصارالله.
- رسانه‌های وابسته به نظام سلطه و رژیم‌های مرتجع عربی از انتشار اخبار همکاری نیرو-های ائتلاف سعودی در جنگ یمن با گروه‌های تروریستی هم‌چون القاعده امتناع می‌کنند.
- در مقابل رسانه‌های برون‌مرزی ایران در راستای رسالت حرفه‌ای خویش به انتشار اخبار و تصاویر واقعی مربوط به این جنگ پرداخته‌اند که محورهای آن عبارتند از
 - انعکاس نظرات مردم و گروه‌های مردمی یمن، ارائه حقایق جنگ یمن و تصویر واقعی از آن.
 - تبیین مواضع جمهوری ایران درباره تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن.
 - انعکاس اخبار لحظه به لحظه‌ی اخبار جنگ علیه یمن با استفاده از خبرنگاران حاضر در صفوف نبرد.
 - افشای حمایت‌های نهان و آشکار تسلیحاتی، سیاسی و امنیتی آمریکا و متحدانش از ائتلاف سعودی علیه یمن
 - انعکاس آمار و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی درباره‌ی کشتار مردم یمن.
 - ارائه تحلیل‌های کارشناسان و حقوقدانان برای تبیین ابعاد ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط عربستان سعودی در یمن.
 - پخش گزارش پیروزی‌های مردم یمن علیه رژیم سعودی و شکست‌های ائتلاف سعودی، به عنوان نمونه در حالیکه شبکه العربیه در طول سال ۲۰۱۸ بارها مدعی تصرف بندر استراتژیک الحدیده توسط ائتلاف سعودی شده بود، شبکه العالم با پخش گزارش‌های میدانی، دروغ‌گویی العربیه را نشان داد.

- تهیه و تولید برنامه‌های همچون الیمن التصدی و التحدی (برنامه‌ای گفتگومحور در مورد آخرین تحولات یمن) و برنامه‌ی معرض الامل و السلام (که با هدف همدردی و همدلی با کودکان جنگ‌زده تهیه شده است).

اطلاع‌رسانی‌های تاثیرگذار شبکه‌های برون‌مرزی از جمله العالم، الکوثر و رادیو عربی به‌ویژه درباره تحولات یمن، عربستان سعودی، بحرین و سوریه و ... باعث شده است که محدودیت‌هایی در پخش ماهواره‌ای یا فعالیت‌شان در فضای مجازی ایجاد شود. از آبان ۹۵ تا تابستان ۹۷ دوبار صفحه فیس بوک رادیو عربی به بهانه حمایت از مردم یمن و بار دیگر به بهانه حمایت از مردم العوامیه عربستان سعودی با داشتن بیش از صد هزار عضو بسته شده است و قبل از آن نیز سه بار دیگر صفحه فیس بوک رادیو بسته شده است.

۶- نگاهی به دیدگاه اندیشکده‌ها و موسسات پژوهشی غربی درباره تأثیر و

نفوذ شبکه‌های برون‌مرزی ج.ا.ایران

در این قسمت از مقاله، به بازتاب دیدگاه‌های پژوهشگران، تحلیلگران و اندیشکده‌های غربی نسبت به جایگاه، نقش و میزان تأثیرگذاری شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است بعضی از دیدگاه‌های منفی موجود در گزارش‌ها با توجه به سیاست‌های استعماری غرب دلیل محکم و متقنی بر تأثیرگذاری مطلوب شبکه‌های برون‌مرزی ایران است که باعث جهت‌گیری موجود در بعضی از گزارش‌ها شده است.

۱- اندیشکده رند^۱ در سال ۲۰۰۹ م گزارشی با عنوان «خطرناک اما نه همه‌جانبه: بررسی دسترسی و محدودیت‌های قدرت ایران در غرب آسیا»^۲ منتشر نموده است. در بخشی از این گزارش آمده است: «کانون سیاست رسانه‌ای ایران در جهان عرب، شبکه ۲۴ ساعته ماهواره‌ای خود با نام العالم است. چند ماه پس از سقوط صدام حسین، نتایج نظرسنجی وزارت امور خارجه آمریکا اشاره به این موضوع داشت که شبکه العالم پس از شبکه ملی عراق و شبکه نجف، پرمخاطب‌ترین و مورد اعتمادترین شبکه عرب‌زبان در میان عراقی‌ها

1. Rand Corporation

2. Dangerous But Not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle East

بوده است. علت این امر می‌تواند این باشد که شبکه العالم تنها کانال تلویزیونی غیرعراقی است که از طریق خطوط کابلی در اختیار مخاطبان این کشور قرار گرفته است. بر اساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۰۴ میلادی، ۷۸ درصد از پاسخگویان عراقی اظهار داشتند که به ماهواره دسترسی داشته و مجموعاً ۱۵ درصد از پاسخگویان شبکه العالم را تماشا می‌کنند (Wehrey et al, 2009).

۲- ایلان برمن^۱ نایب رئیس شورای سیاست خارجی آمریکا^۲ با حضور در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در ۱۶ فوریه ۲۰۱۲ به بررسی نفوذ و فعالیت‌های ایران در آمریکای لاتین پرداخت. وی در بخشی از سخنان خود در خصوص شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «بر اساس گزارش ارتش آمریکا در سال ۲۰۱۰، ایران به دنبال ارتقا جایگاه خود، مقابله بانفوذ آمریکا و بسط روابط با بازیگران منطقه‌ای در آمریکای لاتین است. بدین منظور، ابزار راهبردی انتقال پیام خود در سطح منطقه را تقویت کرده است. اواخر ماه قبل و هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور ایران به چهار کشور آمریکای جنوبی، ایران رسماً شبکه اسپانیولی‌زبان خود با نام هیسپان‌تی‌وی را راه‌اندازی کرد.

ایلان برمن همچنین در ۹ جولای ۲۰۱۳ با حضور در کمیته امنیت داخلی مجلس نمایندگان آمریکا با موضوع «نفوذ فزاینده ایران در نیمکره غربی»، گفته است که هدف از تأسیس شبکه هیسپان‌تی‌وی گسترش مشروعیت ایدئولوژیک ایران در آمریکای لاتین است.^۳

۳- سعید گلکار، پژوهشگر شورای امور بین‌الملل شیکاگو^۴ در گزارشی در مورخ ژوئن ۲۰۱۳ که از سوی اندیشکده مطالعات خاور نزدیک واشنگتن^۵ منتشر شد، به برنامه‌های جمهوری اسلامی برای خنثی ساختن تهدیدات داخلی و خارجی پرداخته است. وی در بخشی از گزارش خود در خصوص دیپلماسی عمومی ایران، اشاراتی به شبکه‌های

^۱ Ilan I. Berman

^۲ Council on Foreign Relations

^۳. برای مطالعه مشروح جلسه استماع کنگره رجوع کنید به:

<https://www.gpo.gov/fdsys/pkg/CHRG-113hhr85689/html/CHRG-113hhr85689.htm>

^۴ Chicago Council on Global Affairs

^۵ The Washington Institute for Near East Policy

برون مرزی ایران داشته و می‌نویسد: «دیپلماسی عمومی و پروپاگاندا ابزارهای کلیدی ایران به شمار می‌آیند. ایران برای گسترش نفوذ خود در افکار عمومی خارجی به‌خصوص در میان کشورهای غرب آسیا و در حال توسعه، چهار شبکه بین‌المللی پرس‌تی‌وی، العالم، سحر و هیسپان‌تی‌وی را راه‌اندازی کرده است. شبکه العالم، شبکه‌ای عرب‌زبان است که جوامع عربی را هدف قرار داده است و بسیاری از این جوامع عربی، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان نسخه بدیلی برای دولت‌های سکولار، غرب‌گرا و خودکامه خود می‌دانند. برای مثال، شبکه العالم نخستین شبکه‌ای بود که تصاویر دستگیری نیروهای دریایی بریتانیا از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در سال ۲۰۰۷ منتشر کرد. این تصاویر از سوی بسیاری از مسلمانان که از سوی بریتانیای استعمارگر تجربه حقارت را داشته‌اند، مورد استقبال قرار گرفت. ایران همچنین افکار عمومی در آمریکای جنوبی را که منتقد مداخلات آمریکا است، از طریق راه‌اندازی شبکه هیسپان‌تی‌وی در سال ۲۰۱۱ هدف قرار داده است. ایران در تلاش برای ارائه تصویری از کشوری مستقل مبتنی بر مردم‌سالاری دینی می‌باشد که مخالف آمریکا و هم‌پیمانان آن در غرب آسیا است. در آن زمان، این رویکرد با حمایت و توجه بسیاری مواجه شد. در زمانی که بین جوامع و حکومت‌ها در غرب آسیا اختلاف شکل گرفته بود، تبلیغات عظیم خارجی ایران باعث شد بسیاری از مسلمانان این کشور را به‌عنوان قهرمانی نگاه کنند که قصد دارد غرب را به چالش بکشد» (Golkar, 2013).

۴- میثم بهروش، محقق دانشگاه لوند سوئد^۱ در گزارشی که از سوی این دانشگاه در سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر شد، به ارائه تاریخچه‌ای از فعالیت شبکه تلویزیونی پرس‌تی‌وی، برنامه‌ها، وبسایت این شبکه و شعارها و دیدگاه‌های آن پرداخته است. به‌رغم ماهیت توصیفی این گزارش، نویسنده در پایان مقاله خود چنین جمع‌بندی کرده است: «پرس‌تی‌وی به‌عنوان ابزار اصلی دیپلماسی عمومی ایران تبدیل به یکی از چند شبکه بین‌المللی شده که ضمن ارائه دیدگاه‌های بدیل، در جلب نظر میزان قابل توجهی از افکار عمومی جهان اسلام موفق بوده است» (Behraves, 2013).

¹ Lund University

۵- الکس وتنکا^۱ تحلیلگر ارشد موسسه مطالعات غرب آسیا^۲، در مقاله‌ای تحت عنوان «احیای اقتدارگرا: ایران در خارج از کشور»^۳ به برنامه‌ها و فعالیت‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در بخشی از این مقاله، نویسنده به فعالیت‌های رسانه‌ای بین‌المللی ایران پرداخته و نوشته است: «اگر ایران اشتراکاتی با چین و دیگر رژیم‌های غیر لیبرال داشته باشد، علاقه آن‌ها به بهره‌گیری از فضای سایبری و رسانه‌های بین‌المللی به‌عنوان راهبرد و ابزاری تهاجمی می‌باشد. ایران مدت‌ها بر این باور است که عرصه رسانه‌های بین‌المللی ارزش سرمایه‌گذاری دارد تا از این طریق با نفوذ رسانه‌های غربی نظیر بی.بی.سی و صدای آمریکا مقابله کند. ایران از سال ۲۰۰۳ اقدام به راه‌اندازی شبکه عرب‌زبان خود با نام العالم کرد که تبدیل به رقیبی برای الجزیره عربی و العربیه شد. با این حال، هم‌زمان با تأسیس شبکه انگلیسی‌زبان ۲۴ ساعته خود به نام پرس‌تی‌وی بود که واقعاً درصدد تبدیل شدن به یک بازیگر مهم در عرصه رسانه‌های بین‌المللی برآمد. زمان راه‌اندازی و تأسیس شبکه پرس‌تی‌وی اتفاقی نبوده است. این شبکه پیامی آشکار بود مبنی بر آنکه تهران در حال گسترش نفوذ خود از سطح منطقه‌ای به سطح بین‌المللی است. جمهوری اسلامی در تلاش برای به چالش کشیدن معیارهای متعارف جهانی از طریق ظرفیت‌های رسانه‌ای است. نظام ایران کاملاً به این جمع‌بندی رسیده است که از این طریق ارزش‌های بدیل خود برای نظام جهانی را مخابره کرده و از خود در برابر جنگ نرمی که دشمنان آن‌ها در سطح رسانه‌ای علیه آن‌ها به راه انداخته‌اند، دفاع کنند» (Vatanka, 2015).

۶- ساموئل تادرو^۴ تحلیلگر اندیشکده هوور^۵ آمریکا، در مقاله‌ای به ارائه راهکارهایی به دولت ترامپ به‌منظور آنچه «مهار برنامه‌های استیلاجویانه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا» خوانده، پرداخته است. یکی از این راهکارها اشاره به توان رسانه‌ای برون‌مرزی جمهوری اسلامی است. او در این خصوص می‌نویسد: «یکی از منابع قدرت ایران در غرب آسیا، بازی پروپاگاندايي این کشور در منطقه است. رسانه‌های عرب‌زبان این

1. Alex Vatanka

2. Middle East Institute

3. The Authoritarian Resurgence: Iran Abroad

4. Samuel Tadros

5. Hoover Institution

کشور به شدت در اشاعه تبلیغات و پروپاگاندای ایران مؤثر هستند. آنها از قابلیت تحت‌الشعاع قرار دادن نفوذ آمریکا در منطقه برخوردارند و می‌توانند تئوری‌های توطئه‌ای درباره غرب و اسرائیل منتشر و مخابره نمایند. العالم با داشتن ۶ میلیون دنبال کننده در شبکه اجتماعی فیسبوک، ابزار قدرتمندی به شمار می‌آید. هرگونه راهبرد آمریکا علیه ایران در غرب آسیا باید با هدف تضعیف و مقابله با پیام‌ها و برنامه‌های این شبکه باشد» (Tadros, 2017).

۷- موسسه آمریکایی رند در یکی از جدیدترین گزارش‌های خود (۷ ژوئن ۲۰۱۸) به موضوع محیط اطلاعاتی^۱ و تجربیات دیگر کشورها در بهره‌برداری از این محیط پرداخته است. در یکی از فصول این گزارش ۳۱۸ صفحه‌ای آمده است: «شبکه خبری عرب‌زبان العالم کماکان ابزار ارتباطات راهبردی تهران در جهان عرب است. جمهوری اسلامی ایران از طریق رسانه به صورت آرام و پنهانی در حال بسط دستور کار خود در سطح جهان است و به دنبال ترویج فرهنگ و تمدن ایران به مخاطبان بین‌المللی خود است. علاوه بر شبکه خبری العالم که متمرکز بر عراق، لبنان، فلسطین و آفریقا است، ایران چهار شبکه بین‌المللی دیگر از جمله یک شبکه اسپانیولی‌زبان برای مخاطبان خود در اسپانیا و آمریکای لاتین و همچنین یک شبکه ۲۴ ساعته انگلیسی‌زبان به نام پرس‌تی‌وی که در سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی شد، در اختیار دارد. عملیات اطلاعاتی^۲ ایران قابلیت تمرکز بر موضوعات و مخاطبان خاص را دارد. برای مثال، در جریان مذاکرات بین ارتش آمریکا و دولت عراق در سال ۲۰۰۹، العالم و المنار وابسته به حزب‌الله لبنان، برنامه‌های به شدت انتقادی با هدف تخریب مذاکرات تولید و پخش می‌کردند. پس از دستیابی به توافق نیز رسانه‌های ایرانی انتقادات بسیاری نسبت به آن مطرح کردند. جمهوری اسلامی برای شکل‌دهی به تصورات مردم عراق نسبت به آمریکا نیازمند عملیات اطلاعاتی است» (Paul et al, 2018).

۸ - روزنامه جروزالم پست^۳ در ۵ ژوئن ۲۰۱۸ (۱۵ خرداد ۱۳۹۷) در مطلبی به قلم سث. جی فرانترزمن^۴ به بررسی تأثیرگذاری شبکه پرس‌تی‌وی در روز قدس پرداخته و چنین

1. Information Environment

2. Information Operation

3. The Jerusalem Post

4. Seth J. Frantzman

آورده است: «رسانه وابسته به حکومت ایران (پرس‌تی‌وی) امسال هشتگی را تحت عنوان QudsDay4Return ایجاد کرده است و پست‌هایی ضدیهودی را با این هشتگ منتشر می‌کند.

نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی را هرچه بیشتر به فضای رسانه‌ای برون‌مرزی کشانده است، فضایی که در آن پیشبرد دیپلماسی، بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. در دنیای امروز، دیپلماسی رسانه‌ای، قدرتمندترین ابزار برای تغییر نگرش افراد محسوب می‌شود. دیپلماسی امروز صرفاً در اتاق‌های دربسته شکل نمی‌گیرد، بخش بزرگ‌تری از آن در سطح افکار عمومی و در برابر چشم دیگران و به کمک فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌ها تشکیل می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای یک کشور می‌تواند در معادلات سیاسی و امنیت ملی و جایگاه منطقه‌ای آن کشور تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران که در رأس آن شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما قرار دارند نیز از این قاعده مستثنی نیست و با تأثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی توان آن را داشته است که واقعیت رخدادهای منطقه‌ای را بازتاب و گفتمان انقلاب اسلامی را تبیین نماید. انتشار اخبار به‌صورت واقعی در مقابله و مبارزه با خبرپراکنی‌های شبکه‌های مرتجع عربی منطقه‌ای و شبکه‌های خبری غربی که در سطح جهان با هدف ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی پخش می‌شود، در حوزه وظایف دیپلماسی رسانه‌ای است.

رسانه‌های صداوسیما به‌ویژه برون‌مرزی طی سال‌های گذشته با محدودیت‌ها و رفتارهای غیرحقوقی و ناعادلانه از سوی دولت‌ها و مراکز وابسته به نظام سلطه مواجه شده‌اند. به‌طوری‌که در مقاطعی پخش آنها از ماهواره‌ها بدون هرگونه استناد قانونی، متوقف شده با حساب‌های کاربری آنها در شبکه‌های اجتماعی علی‌رغم داشتن میلیون‌ها کاربر، لغو گردیده است. علی‌رغم این عملکرد شبکه‌های برون‌مرزی مانند پرس‌تی‌وی و العالم در پوشش اخبار مربوط به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، حوادث فلسطین و غزه، بحرین، تجاوز ملوانان انگلیسی به مرز آبی جمهوری اسلامی ایران، شکست داعش در عراق و سوریه و تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن از سویی و انعکاس نتایج

جریان‌سازی‌های رسانه‌ای این شبکه‌ها در اندیشه‌های مطرحی مانند رند، نشانگر کسب جایگاهی برجسته توسط معاونت برون‌مرزی صداوسیما در میان افکار عمومی منطقه و جهان در عمر چهل ساله انقلاب اسلامی دارد. البته این جایگاه نیازمند تقویت و حمایت بیشتری است.

با توجه به عملکرد تأثیرگذار رسانه‌های برون‌مرزی، مناسب است با تجربه‌ای که سیاست‌گذاران رسانه ملی در عرصه برون‌مرزی کسب کرده‌اند، آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی متناسب با اسناد بالادستی در این حوزه و برای مناطق مختلف جغرافیایی جهان توسعه و تکمیل یابد تا ضریب تأثیرگذاری رسانه‌های برون‌مرزی در جوامع هدف هرچه بیشتر تحقق یابد.

با توجه به اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای در حفظ و پیشبرد دستاوردهای سیاست خارجی، کشورهای مختلف از منظر بودجه و حمایت‌های مالی، فنی و سیاسی، اتکا ویژه‌ای به رسانه‌های برون‌مرزی خود دارند. رسانه‌های برون‌مرزی در حال حاضر در خط مقدم جبهه نبرد رسانه‌ای محور مقاومت با نظام سلطه قرار دارند و برای حصول به موفقیت‌های بیشتر در مقابل جبهه رسانه‌ای نظام سلطه اهمیت دارد مورد حمایت ویژه از سوی ارگان‌های ذریبط قرار گیرند.

منابع

- اسماعیلی، علی‌محمد (۱۳۸۷)، «دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر نقش سازمان صداوسیما»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه صداوسیما.
- اوحدی، مسعود (۱۳۷۶) **رسانه‌ها و جهانی شدن فرهنگ**. مجموعه مقالات. تهران انتشارات سروش
- رفیع، حسین (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایران در عراق»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، شماره ۲۲، تابستان، صص ۱۳۲-۹۹.
- ساداتی، نصرالله (۱۳۸۹) تبیین نقش نظارتی رسانه‌ها با تأکید بر نقش رسانه ملی. **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. تابستان. شماره ۱۹. صفحات ۱۸۵ تا ۲۱۷.

- ساداتی، نصرالله (۱۳۹۳)، «نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس‌تی‌وی»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۷۹، پاییز، صص ۹۹-۱۲۰.
- سورین، ورنر جوزف و تانکارد، جیمز (۱۳۹۷)، *نظریه‌های ارتباطات* (ترجمه علیرضا دهقان)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گودرزی، الهام و صباغ، الهام (۱۳۹۰)، نسبت‌سنجی شهر و دیپلماسی در عصر جهانی‌شدن. *فصلنامه مطالعات راهبردی*. تابستان، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۵۱-۷۱.
- عقیلی، وحید (۱۳۸۶) «مدیریت رسانه در عصر همگرایی رسانه»، *فصلنامه تحقیقات وسایل ارتباط جمعی*، سال ۱۸، شماره ۲۵، تابستان.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، «جایگاه منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد»، *فصلنامه پژوهش ملل*، دوره اول، شماره ۲، بهمن، صص ۳۰-۴۵.
- متشکری، راضیه (۱۳۸۸)، «دیپلماسی رسانه‌ای و جنگ روانی رسانه‌های خارجی در قبال برنامه هسته‌ای ایران»، *فصلنامه افق*، سال ۶، شماره ۶۶.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۱)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۶)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- مورگنتا، هانس (۱۳۹۰)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

- Behraves, M. (2013), "Press TV: Iran's Revisionist Voice in Perspective, *Asian Politics & Policy*, Volume 5, Issue, pp. 683-686, available at: <https://lup.lub.lu.se/search/publication/49990743-ef4d-46c3-8096-4dbc11139878>
- Eisenstadt, M. (2015), "Iran and Iraq", The Washington Institute, available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/iran-and-iraq>

- Frantzman, Seth. J (2018), “ Hamas ditches ‘Naksa Day’ for Iran-backed ‘Quds Day’ this week”, available at: <https://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict/Hamas-ditches-Naksa-Day-for-Iran-backed-Quds-Day-this-week-559224>
- Freedman, Des. (2008), **The politics of media policy**, Polity.
- Golkar, S. (2013), “The Islamic Republic's Art of Survival: Neutralizing Domestic and Foreign Threats”, **Washington Institute for Near East Policy**, available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-islamic-republics-art-of-survival-neutralizing-domestic-and-foreign-thr>
- Hutchisons, ndsavid (1999) **media policys**, London: Blackwell Publishers.
- Paul, C. et al (2018), “Lessons from Others for Future US Army Operations in and Through the Information Environment: Case Studies”, **Rand Corporation**, available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1925z2.html
- Tadros, Samuel (2017), “Countering Iran Requires a Political Strategy”, available at: <https://www.hoover.org/research/countering-iran-requires-political-strategy>
- Vatanka, Alex (2015), “The Authoritarian Resurgence: Iran Abroad”, **Journal of Democracy**, Volume 26, Issue 2, April, pp.61-70.
- Wehrey, Ferdric, et al (2009), “Dangerous but not omnipotent: exploring the reach and limitations of Iranian power in the Middle East”, **Rand Corporation**, available at: <https://www.rand.org/pubs/monographs/MG781.html>
- www.parstoday.com/fa

آسیب‌شناسی ترجمه در بخش‌های خبری رسانه‌های

عربی‌زبان برون‌مرزی

(شبکه العالم، شبکه الکوثر و رادیو عربی)

حسین شمس‌آبادی^۱، مجتبی شاهسونی^۲

چکیده

آسیب‌شناسی ترجمه اخبار در شبکه‌های برون‌مرزی (العالم، الکوثر و رادیو عربی) هدف اصلی این مقاله به شمار می‌رود. بنابراین تلاش شده است با نمونه‌گیری غیرتصادفی (هدفمند) از بخش‌های مشروح خبر نیم‌روزی شبکه العالم، الکوثر و رادیو عربی در بازه زمانی سه ماهه (خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۶) فرآیند ترجمه در بخش‌های خبری این شبکه‌ها با روش تحلیل محتوا آسیب‌شناسی شود. میزان حجم نمونه ۱۰۸۰ خبر بوده است. از میان الگوهای متعدد برای ارزیابی کیفیت ترجمه، از الگوی «گارسس» که در مقایسه با الگوهای پیشنهادی دیگر نسبتاً جامع‌تر می‌باشد، استفاده شده است. در این مقاله، پس از تعیین میزان فراوانی هر یک از زیرگروه‌های موجود در سطوح چهارگانه برطبق الگوی «گارسس»، نتایج به‌صورت جدول‌های توزیع فراوانی و نمودار نشان داده شده است. به نظر می‌رسد به‌طور کلی روند ترجمه در سه شبکه برون‌مرزی مورد مطالعه، مثبت است و وجود برخی کاستی‌ها در ترجمه و تنظیم متن اخبار، جز در مواردی، به دلیل حجم زیاد فعالیت و محدودیت زمانی خبر بوده است.

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی ترجمه، رسانه، برون‌مرزی، شبکه العالم، شبکه الکوثر، رادیو

عربی.

^۱. نویسنده مسئول: دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران..

dr.shamsabadi@gmail.com

^۲. دانشجوی پسادکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

shahsavani.mojtaba@gmail.com

مقدمه

قرن بیستم به درستی عصر ترجمه نامیده شده است چرا که علاوه بر افزایش کمی حجم ترجمه در این عصر، کیفیت ترجمه نیز به‌طور چشمگیری بهبود یافت؛ اما با این وجود، همچنان کیفیت ترجمه از حد مطلوب فاصله دارد. ارزیابی کیفیت ترجمه دغدغه بسیاری از محققان، سازمان‌ها و نهادهایی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با ترجمه سروکار دارند. یکی از مهمترین عرصه‌های ترجمه، در جهان رسانه‌ها دیده می‌شود.

انقلاب رسانه و سرعت انتشار آن، ترجمه و مفهوم آن را تغییر داده است. بین ترجمه دانشگاهی و غیررسانه‌ای و اصول ترجمه در رسانه، تفاوت زیادی وجود دارد. بسیاری از اصول و الزاماتی برای رسانه‌ها وجود دارد که مترجم رسانه‌ای باید به آن‌ها توجه کند.

نظام رسانه‌ای که مترجم در آن مشغول به فعالیت است، عنصری حساس و تعیین کننده به شمار می‌رود؛ چرا که هر نظام رسانه‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد و متأثر از ساختار سیاسی و حاکمیتی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و مالکیت آن رسانه است. در ترجمه رسانه‌ای، مترجم باید درک درستی از نظام و ساختار رسانه‌ای و حاکمیتی زبان مبدأ داشته باشد. ساختار رسانه‌ای هر کشوری با سایر کشورها متفاوت و بر اساس ساختارهای سیاسی، حاکمیتی و فرهنگی آن کشور تعریف می‌شود که این مسئله تأثیر مستقیمی بر فرآیند ترجمه دارد (حقانی، ۱۳۸۶: ۸۵).

ترجمه رسانه‌ای معمولاً فراتر از انتقال محتوای متن مبدأ به‌طور صرف است؛ همان‌طور که نویسنده می‌خواهد ایدئولوژی خود یا کارفرمایش را به خواننده انتقال دهد؛ مترجم هم می‌تواند از فرآیند ترجمه استفاده کرده و در ترجمه به‌صورت ارادی یا غیرارادی ایدئولوژی مطلوب را در متن وارد کند و یا بدون توجه به سیاست رسانه‌ای، صرفاً ترجمه را در نظر گیرد که در این صورت متن ترجمه شده می‌تواند در تعارض با سیاست‌های رسانه‌ای مبدأ باشد. ساخت‌های دستوری، واژگان و ترکیب‌ها در متون رسانه‌ای به‌ویژه خبر، صرفاً برای اطلاع‌رسانی به‌کار نمی‌روند بلکه نهاد رسانه نوع رویکرد خود به جریان‌ات سیاسی و فرهنگی را از میان این واژگان و ترکیبات بر افکار لایه‌های مختلف مخاطبان پرتوافکنی می‌کند.

در ترجمه متون خبری باید علاوه بر انتقال محتوا و پیام، ظرافت‌های موجود در آنها حفظ شود. نثر ترجمه باید روان و مفهوم باشد و از آشناترین معادل‌ها استفاده شود تا خواننده مفهوم پیام را به‌سرعت و سهولت دریابد (ناظمیان، ۱۳۸۷: ۱۸). محدوده تعدیل در این

متون نیز بسیار گسترده است؛ اما این تعدیل تا بدانجا مفید است که در معنی و مفهوم پیام تغییر به وجود نیآورد. در ترجمه متون مطبوعاتی، مترجم می‌تواند بنا به ضرورت‌های ترجمه، جابجایی گسترده‌تری در ترتیب ابلاغ پیام صورت دهد ولی این جابه‌جایی نباید موجب تغییر در میزان تأثیرگذاری پیام و تحریف آن شود. یکی از عوامل منفی تأثیرگذار در کیفیت ترجمه متون رسانه‌ای، کمبود زمان برای ترجمه است. بسیاری از متون خبری و گزارش‌ها باید ظرف مدت چند ساعت ترجمه شوند تا پس از طی مراحل دروازه‌بانی انتشار یابد. این کار با هدف به‌روز نگه داشتن اخبار یا مطالب رسانه صورت می‌گیرد.

رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران از جمله شبکه‌های العالم، الکوثر و رادیو عربی نیز با توجه به حوزه فعالیت خود و پوشش اخبار داخلی، ارتباط تنگاتنگی با فرآیند ترجمه، به‌خصوص از فارسی به عربی دارند. از این رو بررسی آسیب‌های این حوزه می‌تواند برای رشد این رسانه‌ها و جلوگیری از اشکالات پرتکرار و بعضاً تأثیرگذار این حوزه باشد.

با نگاهی به فرآیند ترجمه در بخش‌های خبری شبکه العالم، الکوثر، رادیو عربی به نظر می‌رسد که فرآیند ترجمه در این شبکه‌ها علیرغم نقاط قوت فراوان، با اشکالات و لغزش‌هایی نیز روبرو است که واکاوی علمی این موارد دغدغه کانونی مقاله پیش رو است. بنابراین، آسیب‌شناسی ترجمه اخبار در شبکه‌های برون‌مرزی (العالم، الکوثر، رادیو عربی) مهم‌ترین هدف این مقاله به شمار می‌رود. موضوعی که با بررسی و تبیین دلایل آن و ارائه راهکارهای مناسب، می‌توان زمینه را برای کاهش میزان اشکالات در ترجمه فراهم کرد و اثربخشی این رسانه‌های مهم در حوزه مخاطب را ارتقا داد.

با توجه به اهداف این مقاله از روش تحلیل محتوا برای مطالعه داده‌ها استفاده شده است. روش تحلیل محتوا به پژوهشگر امکان می‌دهد که با مطالعه رسانه در دوره‌ای معین به مطالعه تغییرات محتوای آن در طول زمان بپردازد و به مجموعه جالبی از اطلاعات دست یابد (بینگر، ۱۳۷۶). در تحلیل محتوا پیام‌های ارتباطی به‌طور یکسان در تمام واحدهای تحقیق با نوعی عینیت مطالعه می‌شوند. جامعه آماری این پژوهش، شامل کل خبرهای ترجمه شده در بخش‌های خبری نیم‌روزی سه شبکه العالم، الکوثر و رادیو عربی در بازه زمانی سه ماهه (خرداد، تیر و مرداد ۱۳۹۶) می‌شود. با توجه به اینکه موضوع این مقاله،

آسیب‌شناسی ترجمه است تنها خبرهایی که در بخش‌های خبری مذکور از زبان فارسی به زبان عربی ترجمه شده بود مورد مطالعه قرار گرفت که مجموع این اخبار ۱۰۸۰ مورد است. بر همین اساس نمونه‌گیری با روش غیرتصادفی (هدفمند) بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از برگه کدگذاری که پژوهشگر بر اساس مدل گارسس ساخته، استفاده گردید.

الگوی کارمن گارسس^۱

الگوی گارسس، بر اساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است. از نظر گارسس، متن مبدأ و ترجمه در چهار سطح باید تا حد امکان برابری داشته باشند. این الگو چهار سطح متفاوت «معنایی- لغوی»، «نحوی- صرفی»، «گفتمانی- کارکردی» و «سبکی- شناختی» را شامل می‌شود. هر کدام از این سطوح، دارای زیرگروه‌ها و اجزاء خاصی هستند که متون ترجمه شده بر اساس آن‌ها ارزیابی می‌شوند.

اولین سطح، سطح معنایی- لغوی^۲ شامل شش مورد زیر است: الف) شاخص تعریف یا توضیح لغات بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی: که در این روش، اطلاعاتی که بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند، به تعریف لغت اضافه می‌شود (Garces, 1994: 81). **ب) معادل فرهنگی یا کارکردی:** در این روش واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود (Newmark, 1981: 32). **ج) اقتباس (معنی نزدیک):** در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد. **د) بسط یا «بسط نحوی»^۳:** بر اساس این شیوه، افزودن یک یا چند کلمه ضروری است؛ یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده باید در زبان مقصد تصریح کرد (Ibid, 81). **ه) قبض نحوی^۴:** این روش عکس شیوه قبل است. **و) ابهام:** ابهام ممکن است عمدی یا سهوی باشد. اگر عمدی باشد، باید آن را به زبان مقصد انتقال داد ولی اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (Newmark, 1988: 206-207).

1. Carmen Garcés

2. semantic-lexical

3. grammatical expansion

4. reduction grammatical

دومین سطح، سطح نحوی - واژه ساختی^۱ شامل شش مورد است: الف) ترجمه تحت‌اللفظی و یک به یک؛ نیومارک ترجمه تحت‌اللفظی، واژه به واژه را ممکن و مطلوب می‌داند (Newmark, 1988:69)؛ اما گارسس معتقد است که وقتی این شیوه از حد واژه فراتر رود و به جمله، عبارت، استعاره و ضرب‌المثل برسد رفته رفته کار مشکل می‌شود (Garces, 1994:81). ب) ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی: در این روش گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد و یا ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر نباشد و یا خلأ واژگانی و یا ساخت نحوی وجود داشته باشد. ج) ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا دگربینی^۲: این روش زمانی به کار می‌رود که زبان مقصد، ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد (Ibid, 88). ج) ترجمه از طریق جبران: جبران افت معنی، لفظ یا صناعات ادبی یا تأثیر عملی در قسمت دیگر جمله یا جمله مجاور (Ibid, 90). ه) ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی: این روش خاص همه زبان‌هاست به‌ویژه در حیطه لغات و انتقال مفاهیم فرهنگی در ترجمه (و) ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف: یعنی عناصری را که در متن اصلی تصریح شده می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد یا به‌طور کلی حذف کرد (Garces, 1994:149).

سومین سطح، سطح گفتمانی - کارکردی^۳ که شامل شش مورد است: الف) حذف منظور (تعهدات) متن اصلی: گاهی ممکن است چنان تغییری در ترجمه حاصل شود که مقصود متن اصلی تغییر کند. ب) حذف حواشی: حذف پانوشته‌ها، پیشگفتارها، ضمیمه‌ها، مقدمات، توضیحات، کتاب‌شناسی، فهرست، اعلام و... ج) تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی: جوری لاتمن^۴ می‌گوید: هیچ زبانی وجود ندارد مگر اینکه در زمینه فرهنگ غوطه‌ور است و هیچ فرهنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد که در مرکز خود، ساخت زبان طبیعی را نداشته باشد (محمدی، ۱۳۸۹: ۸۲). د) تغییر لحن: حفظ لحن یکی از

1. morphological-syntactical

2. modulation

3. discursive- functional

4. Juri Lotman

ارکان تأثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان، وجه، بنا، واژگان و نحو آن را حفظ کرد. (ه) تغییر ساختار درونی متن مبدأ: یعنی تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها، تغییر علایم متن به طوری که در معنا تأثیرگذار باشد، تغییر منظور نهایی متن اصلی. (و) کاهش اصطلاحات محاوره‌ای: یعنی کاستن از اصطلاحات محاوره‌ای.

چهارمین سطح، سطح سبکی - عملی^۱ که شامل هفت مورد زیر است: الف) بیان نامناسب اصطلاحات در متن مقصد؛ ب) حفظ ساختار نوعی زبان مبدأ؛ ج) حفظ اسامی خاص یا معادل در متن مقصد؛ ز) اشتباه مترجم: که ناشی از بدفهمی یا دانش کم او در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. ح) بسط خلاقانه: مترجم تغییراتی مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. ط) پرگویی در برابر ساده‌گویی: پرگویی یا ترجمه آزاد آخرین چاره مترجم به شمار می‌رود. ی) تغییر در کاربرد صنایع بدیعی: با توجه خاص به استعاره، مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد استعاره را حفظ، چه تعداد را تغییر و چه تعداد را حذف کند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در این بخش عناصر چهار سطح الگوی کارمن گارسس در بخش‌های خبر نیم‌روزی سه شبکه العالم، الکوثر و رادیو عربی تجزیه و تحلیل می‌شود. در مقایسه سطوح چهارگانه در این سه شبکه، به ترتیب بیشترین فراوانی در شبکه‌های العالم، رادیو عربی و شبکه الکوثر یافت شد.

جدول شماره ۱- مقادیر به دست آمده از سطوح چهارگانه از بخش خبری نیم‌روزی (شبکه

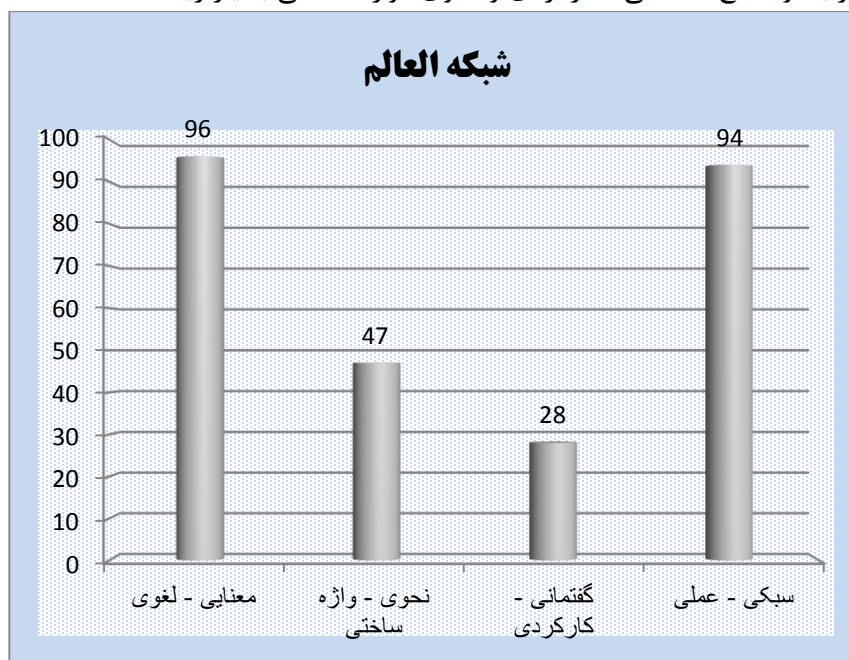
العالم، الکوثر، رادیو عربی)

سطوح چهارگانه				شبکه‌ها
سطح سبکی عملی	سطح گفتمانی کارکردی	سطح نحوی واژه ساختی	سطح معنایی - لغوی	

^۱ stylistic – pragmatic

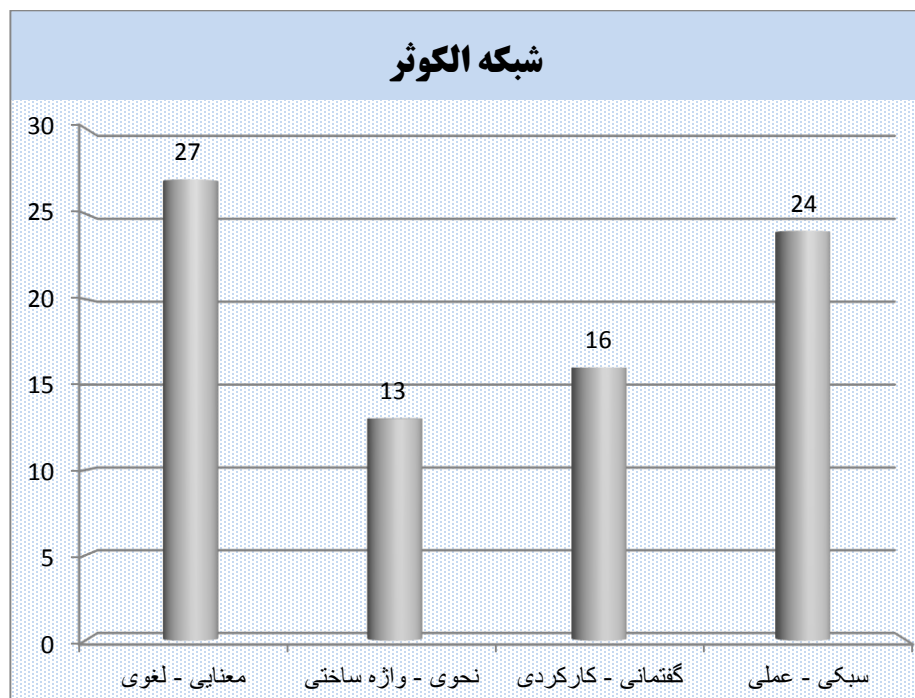
۹۴	۲۸	۴۷	۹۶	شبکه العالم
۲۴	۱۶	۱۳	۲۷	شبکه الکوثر
۵۹	۳۶	۱۶	۶۱	شبکه رادیو عربی

در شبکه العالم بیشترین آسیب‌های یافت شده مربوط به سطح معنایی- لغوی و سطح سبکی- عملی بود. همچنان که از نمودار شماره ۱ مشخص است اختلاف آماری دو سطح مذکور با دو سطح گفتمانی- کارکردی و نحوی- واژه ساختی بسیار زیاد است.



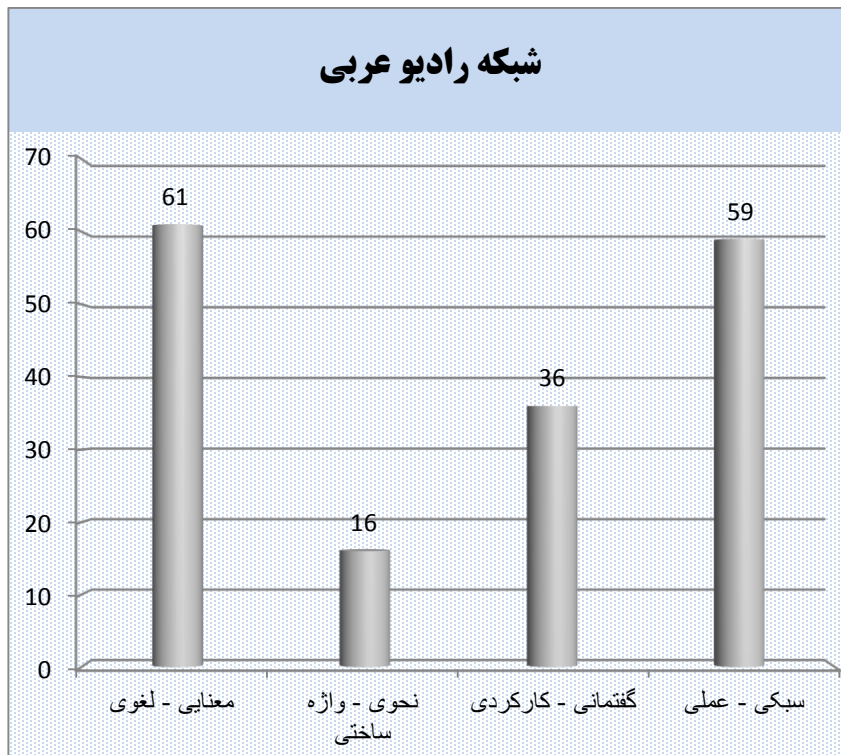
نمودار ۱- ارزیابی بخش خبری نیم‌روزی شبکه العالم در سطوح چهارگانه

در شبکه الکوثر نیز مانند شبکه العالم بیشترین آسیب‌های یافت شده مربوط به سطح معنایی- لغوی و سطح سبکی- عملی بود. همچنان که از نمودار شماره ۲ مشخص است اختلاف آماری دو سطح مذکور با دو سطح گفتمانی- کارکردی و نحوی- واژه ساختی بسیار زیاد است.



نمودار ۲- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه الکوثر در سطوح چهارگانه

در رادیو عربی نیز مانند شبکه العالم و الکوثر بیشترین آسیب‌های یافت شده مربوط به سطح معنایی- لغوی و سطح سبکی- عملی بود. همچنان که از نمودار شماره ۳ مشخص است اختلاف آماری دو سطح مذکور با دو سطح گفتمانی- کارکردی و نحوی- واژه ساختی بسیار زیاد است.



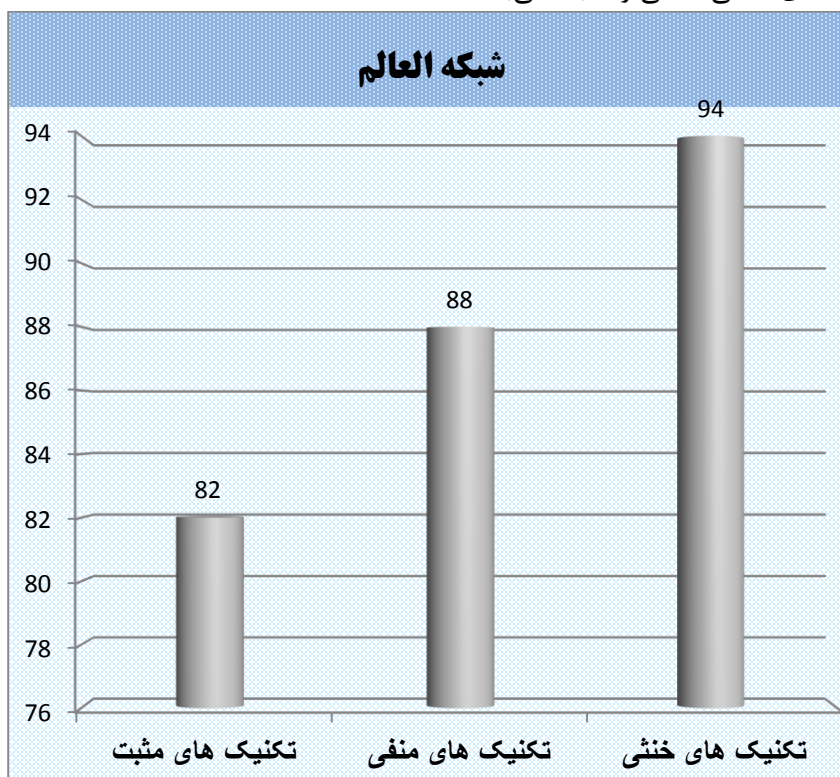
نمودار ۳- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه رادیو عربی در سطوح چهارگانه از مجموع آنچه که در سطوح چهارگانه ذکر شد به فراخور ترجمه، برخی از این شاخص‌ها در قالب تکنیک‌های مثبت و برخی در قالب تکنیک‌های منفی و خنثی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۲- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه العالم بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی، خنثی^۱

شماره	تکنیک‌های مثبت	تکنیک‌های خنثی	تکنیک‌های منفی
۱	معادل فرهنگی: ۱۰	تعدیل: ۷	ابهام: ۲۶
۲	اقتباس (معنی نزدیک): ۶	حفظ صناعات ادبی: ۱۹	ترجمه قرضی: -
۳	تعین: ۰	تغییر در نوع ظرفیتی جمله: ۲۲	بسط: ۸
۴	جبران: ۰	حفظ اسامی خاص متن مبدأ: ۱۴	ترجمه تحت‌اللفظی: ۶
۵	دستور گردانی: ۸	تعریف و توضیح: ۳۲	نارسایی: ۳
۶	دگرینی: ۰	-	تغییر لحن: ۲
۷	ساده‌سازی: ۲۱	-	تغییر ساختار درونی: ۰
۸	حذف: ۷	-	کاهش: ۲۵
۹	تغییر برحسب اختلافات فرهنگی - اجتماعی: ۳۰	-	حفظ ساختار خاص متن مبدأ: ۰
۱۰	-	-	پرگویی: ۰
۱۱	-	-	اشتباه مترجم: ۶
۱۲	-	-	حذف صناعات ادبی: ۰
۱۳	-	-	تغییر صناعات ادبی: ۰
۱۴	-	-	نحوی: ۱۲
جمع:	۸۲	۹۴	۸۸

۱- بر اساس الگوی گارسس، تکنیک‌های به‌کار گرفته شده در ترجمه به سه سطح مثبت، خنثی و منفی تقسیم‌بندی می‌شود؛ تکنیک‌های مثبت که در راستای بهبود کیفیت ترجمه هستند؛ تکنیک‌های خنثی که عیناً محتوای ترجمه را منتقل کرده و از نظر معنایی چیزی به ترجمه اضافه نمی‌کند؛ تکنیک منفی که با به‌کارگیری آن سطح ترجمه از متن مبدأ نزول کرده و باعث ایجاد ابهام و نارسایی در ترجمه می‌شود.

بنابراین با توجه به جدول زیر بیشترین فراوانی در شبکه العالم به ترتیب مربوط به تکنیک‌های خنثی، منفی و مثبت می‌باشد.



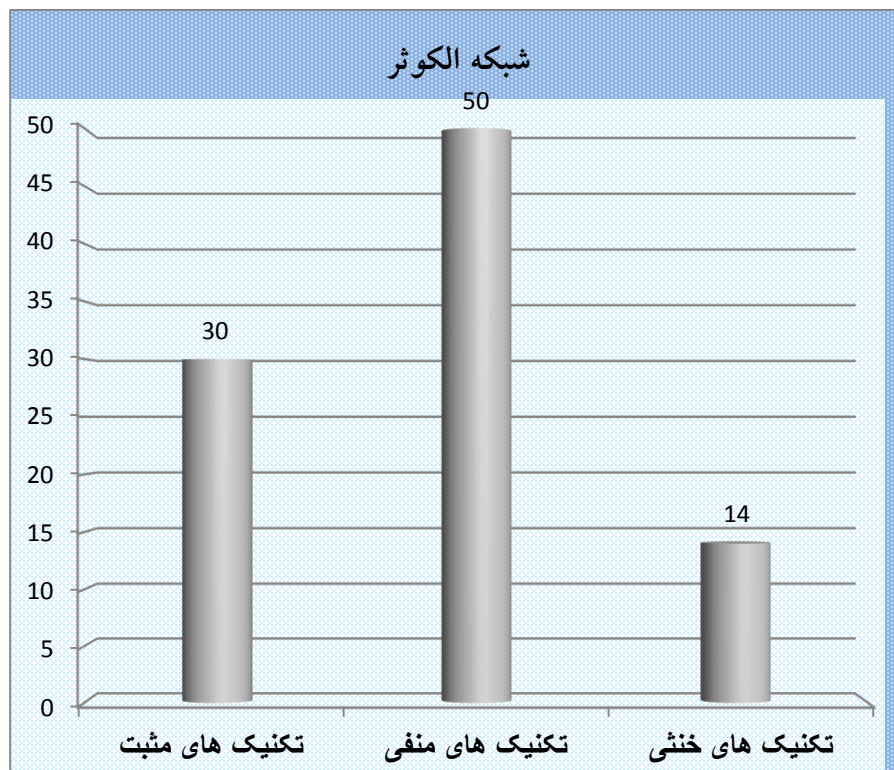
نمودار ۴- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه العالم بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی، خنثی

جدول شماره ۳- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه الکوثر بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی،

خنثی

تکنیک‌های مثبت	تکنیک‌های خنثی	تکنیک‌های منفی	
معادل فرهنگی: ۴	تعدیل: ۲	ابهام: ۱۶	۱
اقتباس (معنی نزدیک): ۴	حفظ صناعات ادبی: ۳	ترجمه قرضی: -	۲
تعیین: ۱	تغییر در نوع ظرفیتی جمله: ۱	بسط: ۴	۳
جبران: ۰	حفظ اسامی خاص متن مبدأ: ۴	ترجمه تحت‌اللفظی: ۴	۴
دستورگردانی: ۰	تعریف و توضیح: ۴	نارسایی: ۲	۵
دگربینی: ۰	-	تغییر لحن: ۲	۶
ساده سازی: ۵	-	تغییر ساختار درونی: ۰	۷
حذف: ۴	-	کاهش: ۱۲	۸
تغییر بر حسب اختلافات فرهنگی - اجتماعی: ۱۲	-	حفظ ساختار خاص متن مبدأ: ۰	۹
-	-	پرگویی: ۰	۱۰
-	-	اشتباه مترجم: ۲	۱۱
-	-	حذف صناعات ادبی: ۰	۱۲
-	-	تغییر صناعات ادبی: ۰	۱۳
-	-	نحوی: ۱۳	۱۴
جمع: ۳۰	۱۴	۵۰	

بنابراین با توجه به آمار ذکر شده و نمودار ۵ بیشترین فراوانی در شبکه الکوثر به ترتیب مربوط به تکنیک‌های منفی و مثبت می‌باشد.



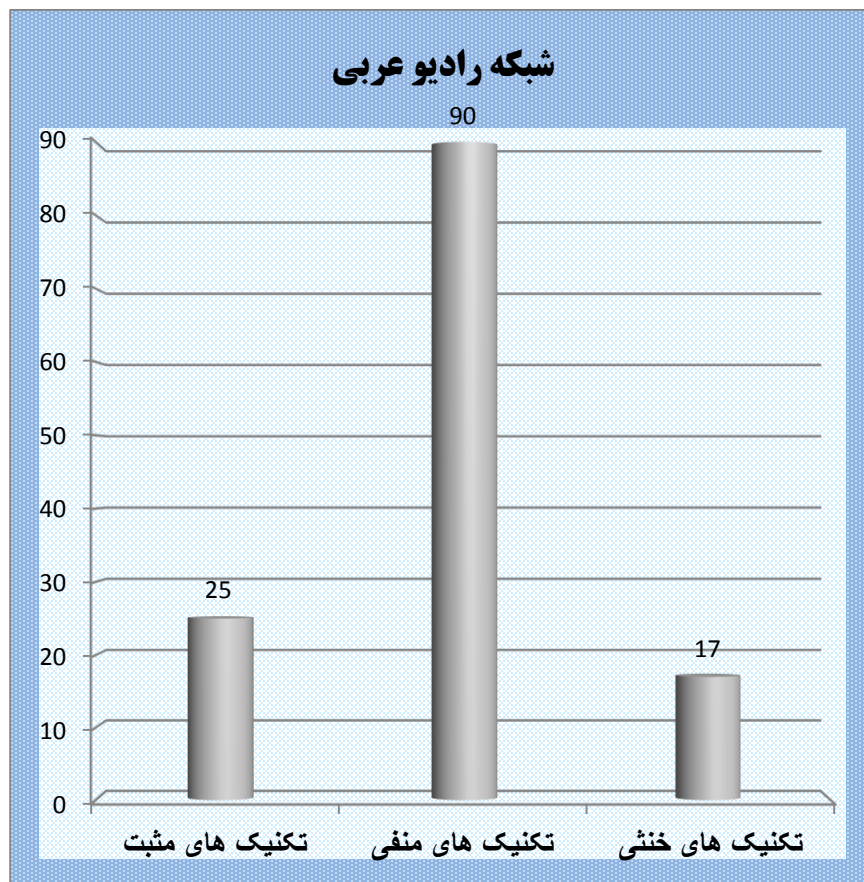
نمودار ۵- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه الکوثر بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی، خنثی

جدول شماره ۴- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی رادیو عربی بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی، خنثی

شماره	تکنیک‌های مثبت	تکنیک‌های خنثی	تکنیک‌های منفی
۱	معادل فرهنگی: ۵	تعدیل: ۲	ابهام: ۲۸
۲	اقتباس (معنی نزدیک): ۸	حفظ صناعات ادبی: ۱	ترجمه قرضی: -
۳	تعیین: ۰	تغییر در نوع ظرفیتی جمله: ۰	بسط: ۴
۴	جبران: ۰	حفظ اسامی خاص متن مبدأ: ۲	ترجمه تحت‌اللفظی: ۶

۵	دستورگردانی: ۰	تعریف و توضیح: ۱۲	نارسایی: ۴
۶	دگربینی: ۰	—	تغییرلحن: ۰
۷	ساده سازی: ۴	—	تغییرساختار درونی: ۰
۸	حذف: ۳	—	کاهش: ۱۸
۹	تغییربرحسب اختلافات فرهنگی - اجتماعی: ۵	—	حفظ ساختار خاص متن مبدأ: ۰
۱۰	—	—	پرگویی: ۶
۱۱	—	—	اشتباه مترجم: ۸
۱۲	—	—	حذف صناعات ادبی: ۰
۱۳	—	—	تغییرصناعات ادبی: ۰
۱۴	—	—	نحوی: ۱۶
جمع	۲۵	۱۷	۹۰

بنابراین با توجه به داده‌های جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۶ بیشترین فراوانی آسیب‌های ترجمه در شبکه رادیو عربی مربوط به تکنیک‌های منفی است.



نمودار ۶- ارزیابی بخش خبر نیم‌روزی شبکه رادیو عربی بر اساس تکنیک‌های

مثبت، منفی، خنثی

نتیجه‌گیری

در این مقاله، اخبار بخش‌های خبر نیم‌روزی شبکه العالم، الکوثر و رادیو عربی مورد بررسی، نقد و ارزیابی قرار گرفت و از بین مدل‌های مختلف و متعدد ارزیابی ترجمه، مدل گارسس به‌دلیل جامع بودن، برای ارزیابی متون ترجمه شده انتخاب گردید. بر اساس این مدل، ابتدا ترجمه‌ها در چهار سطح مجزا به‌طور جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. در ادامه به بررسی اهم نتایج آسیب‌شناسی ترجمه در هر شبکه پرداخته می‌شود.

در شبکه العالم بدون احتساب هم‌پوشانی داشتن برخی از شاخص‌ها، ۲۶۵ مورد وجود داشت که ۹۶ مورد در سطح معنایی و لغوی بود که بالاترین آمار آن مربوط به تعریف و توضیح و ابهام بود. در سطح نحوی و واژه ساختی ۴۷ مورد وجود داشت که بالاترین آمار آن مربوط به اشکالات نحوی و دستوری و حذف بود. در سطح گفتمانی و کارکردی ۲۸ مورد وجود داشت که بالاترین آمار آن مربوط به حذف منظور (تعهدات) متن اصلی بود. در سطح سبکی و عملی نیز ۹۴ مورد وجود داشت که بالاترین آمار آن مربوط به افزایش، مانس و کاهش^۱ بود.

در شبکه الکوثر بدون احتساب هم‌پوشانی داشتن برخی از ملاک‌ها، ۸۰ مورد وجود داشت که از این میزان ۲۷ مورد در سطح معنایی و لغوی که بیشترین آمار آن مربوط به شاخص ابهام بود. در سطح نحوی واژه ساختی ۱۳ مورد وجود داشت که بیشترین آمار آن مربوط به تقلیل و حذف و ترجمه تحت‌اللفظی بود. در سطح گفتمانی و کارکردی ۱۶ مورد وجود داشت که بیشترین آمار آن مربوط به حذف منظور (تعهدات) متن اصلی بود. در سطح سبکی و علمی ۲۴ مورد وجود داشت که بیشترین آمار آن مربوط به «کاهش، مانس و افزایش» بود.

در رادیو عربی بدون احتساب به هم‌پوشانی بودن برخی از ملاک‌ها ۱۷۲ مورد وجود داشت که در این بین ۶۱ مورد مربوط به سطح معنایی لغوی بود که بالاترین آمار این بخش به شاخص ابهام اختصاص یافت. در سطح نحوی و واژه ساختی ۱۶ مورد که بیشترین آمار آن مربوط به ترجمه تحت‌اللفظی و تقلیل و حذف است؛ در سطح گفتمانی و کارکردی ۳۶ مورد وجود داشت که بیشترین آمار آن مربوط به حذف منظور (تعهدات) متن اصلی است. در سطح سبکی و عملی ۵۹ مورد وجود داشت که بیشترین آمار آن به کاهش، مانس و افزایش اختصاص یافت.

۱- طبق الگوی گارسس، سه حوزه (افزایش، مانس، کاهش) یا (حفظ، حذف، تغییر) وجود دارد که اغلب در ترجمه مفهومی و صنایع بدیعی چون جملات معترضه، موازنه (ترادف عبارات‌ها)، مقایسه، سوال‌های بلاغی، تاکید، استعاره و جمله‌های تعجبی نمایان می‌شود.

به‌طور کلی به نظر می‌رسد عموم اشکالاتی که در بخش‌های خبری العالم رخ می‌دهد در دو شبکه دیگر نیز تکرار می‌شود. آسیب‌های کلیدی و مشترک ترجمه برای سه شبکه مورد مطالعه را می‌توان در موارد زیر تلخیص کرد:

- به نظر می‌رسد برخی از اشکالات ناشی از عدم دقت در تایپ کلمات ناشی می‌شود که گاهی همین اشکالات منجر به تغییر معنای واژه و در نتیجه اشکالات محتوایی شده است. - برخی از اشکالات به فراخور نوع رسانه، شنیداری و دیداری بود.

- تلفظ غیرعربی برخی از اسامی از جمله پر تکرارترین اشکالات بود که به نظر می‌رسد نیاز به تجدید نظر دارد چرا که مخاطب عرب‌زبان نباید کمترین فاصله را با رسانه احساس کند. - یکی از پرتکرارترین اشکالات، مربوط به شاخص کاهش در الگوی گارسس بود. هرچند این اشکال به دلیل ساختار خبری اتفاق افتاده است، اما در برخی از موارد، موجب ایجاد خلل و نارسایی در محتوا می‌شود.

- با توجه به نوع متن مورد بررسی که خبری است طبیعتاً برخی از امان‌ها چون کاهش اصطلاحات محاوره‌ای و پرهیز از درازگویی رعایت شده است.

در مجموع نتایج حاصل از جداول و نمودارهای مربوطه حاکی از این است که به‌طور کلی روند ترجمه در سه شبکه برون‌مرزی مورد مطالعه، مثبت است و وجود برخی کاستی‌ها در ترجمه و تنظیم متن اخبار، جز در مواردی، به دلیل حجم زیاد فعالیت و محدودیت زمانی خبر بوده است.

محورها و پیشنهادهای رسانه‌ای

برای به حداقل رساندن اشتباه‌های ترجمه در سه شبکه تلویزیونی و رادیویی مورد بررسی برون‌مرزی صداوسیما، پیشنهادهای زیر برای سطوح مختلف سیاست‌گذاران این حوزه، برنامه‌سازان و به‌ویژه مترجمان ارائه می‌شود:

- مترجم نباید ریخت یکسان واژه‌ها در زبان مبدأ و مقصد را ملاک قرار دهد و باید نسبت به ساختن معادل‌های مناسب در ترجمه اقدام کند.

– درباره ساختار، مترجم باید با ساختار نحوی زبان مبدأ و مقصد آشنایی کافی داشته باشد تا با گرتهداری نابجا، نه به زبان مبدأ آسیب برساند و نه در استخراج پیام متن به زبان مقصد شکست بخورد.

– در خصوص برخی از اشکالات پرتکرار از جمله تلفظ فارسی برخی از اسامی و نام‌های خاص، کاستن از عبارت و عدم ذکر عنوان و یا رتبه اشخاص و موارد مشابهی که باعث بروز اشکال در سطح واژگانی می‌شوند، دستورالعمل‌هایی وضع و ابلاغ شود تا حتی‌الامکان از تکرار مکررات جلوگیری شود.

– «آموزش» و «نظارت ویراستار» به‌عنوان دو مقوله مهم و راهکار مؤثر برای کاهش حداقلی آسیب‌های ترجمه، با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گیرد.

– لازم است تحریریه‌های هر ۳ شبکه، متون فارسی و برگردان عربی آن‌ها را به رؤیت ویراستار برسانند. نقش ویراستارها در تحریریه‌های عربی برون‌مرزی، بیشتر منحصر به اعراب‌گذاری و قواعد نحوی است و ساختار، جمله‌بندی و تنظیم حرفه‌ای خبر، بعضاً مغفول می‌ماند. ضروری است سردبیران خبر، خبرهای ترجمه شده را قبل از درج در کنداکتور به ویراستار ارجاع دهند.

– حتی‌الامکان ترجمه و تنظیم خبرهای مربوط به ایران، به دبیر مترجمان مسلط به دو زبان مبدأ و مقصد سپرده شود. ملاحظه می‌شود در برخی از موارد در تحریریه‌ها دقت، فدای سرعت می‌شود و دبیر صرفاً عرب‌زبان، مجبور می‌شود به سراغ ترجمه خبر مربوطه در سایر خبرگزاری‌ها و یا سایت‌های داخلی و خارجی برود که به‌نوبه خود، آسیب جدی به شمار می‌آید.

– طراحی فرآیند نظارت و ارزیابی مقوله ترجمه در اخبار و آسیب‌شناسی لازم و ارائه گزارش مستمر به مسئولان ذیربط از دیگر راهکارهایی است که در فرآیند آسیب‌شناسی ترجمه در نظر گرفته شود.

– از آنجا که شبکه العالم در پوشش اخبار پیشگام است و در اغلب موارد اشکالاتی که در ترجمه اخبار منتشر شده از شبکه العالم در دو شبکه الکوثر و رادیو عربی نیز تکرار می‌شود، پیشنهاد می‌گردد به‌منظور جلوگیری از تکرار اشکالات، افزایش دقت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، موضوع ایجاد یک تحریریه خبر مشترک عربی، در قالب پژوهشی مجزا،

امکان‌سنجی شود یا راهکارهای مشابه دیگری برای جلوگیری از تکرار اشکالات بررسی گردند.

منابع فارسی

- بینگر، اتولر (۱۳۷۶)، ارتباطات اقناعی (ترجمه علی رستمی)، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- حقانی، نادر (۱۳۸۶)، نظرها و نظریه‌های ترجمه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شمس‌آبادی، حسین (۱۳۸۰)، تئوری ترجمه و ترجمه کاربردی از عربی به فارسی، تهران: نشرچاپار.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۷)، روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۳)، فن ترجمه (عربی - فارسی) و روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۱)، عوامل برون‌متنی در ترجمه از عربی به فارسی، (ترجمه انگلیسی و عربی و فارسی)، پژوهشگاه علوم انسانی.
- دهاقین، وحید (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی روش‌های ترجمه ادبی، سبزوار: دانشکده ادبیات دانشگاه حکیم سبزواری
- رشیدی، فرازانه (۱۳۸۹)، «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا»، نشریه علمی پژوهشی زبان‌پژوهی، شماره ۳

منابع عربی

- شمس آبادی، حسین (۱۳۸۲)، الترجمة بين النظرية و التطبيق، عربي - فارسي، نشر چاپار، تهران
- شمس آبادی، حسین (۱۳۸۸)، أبجديات الترجمة و التنقيح من العربيہ إلى الفارسيہ و العكس، تهران: نشر پر تهران شهر.

منابع انگلیسی

- Garcés, Carmen Valero (1994), "A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study". **The Scarlet Letter by N. Hawthorne into Spanish Babel**, Vol 40. No 2, Pp.: 77-102.
- Newmark, Peter (1988), **a textbook of translation**, New York: Prentice-Hall.
- Newmark, Peter (1981), **Approaches of Translation**, England: Prentice Hall International (UK).

نگاهی به فعالیت‌ها و تحقیقات واحد پژوهش‌های کاربردی

برون‌مرزی در سال ۱۳۹۷

در مصاحبه با مدیر واحد پژوهش‌های کاربردی

(به مناسبت هفته پژوهش)

واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی ده‌ها تحقیق با محوریت پژوهش‌های منتهی به برنامه‌سازی و پژوهش‌های معطوف به آسیب‌شناسی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌های برون‌مرزی را تولید یا در دست انتشار دارد.

احمد کاظمی مدیر پژوهش‌های معاونت برون‌مرزی اعلام کرد این پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف مأموریت‌های برون‌مرزی و در دو قالب «پژوهش‌های کاربردی» و «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» هستند.

به گفته وی براساس نیازسنجی صورت گرفته از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون‌مرزی، درباره اغلب تحولات مهم جهانی، پژوهش‌های کاربردی برنامه‌ای با استفاده از پژوهشگران برجسته و اساتید دانشگاه با رویکرد رسانه‌ای و آینده‌پژوهانه انجام شده یا در دست انتشار است که عناوین تعدادی از آنها عبارتند از: «نقش آمریکا و گروه‌های تروریستی در توسعه کشت مواد مخدر در افغانستان»، «چشم‌انداز نقش و جایگاه منطقه‌ای عراق در یک دهه آینده»، «بررسی گروه‌های تکفیری در آسیای مرکزی»، «نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی راه ابریشم چین»، «اهداف و ابعاد مختلف مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی»، «ظرفیت‌های ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از منظر اقتصاد مقاومتی»، «اختلافات روسیه و آمریکا در دوره ترامپ»، «اهداف و تأثیرات تحرکات فرانسه در آفریقای غربی و چشم‌انداز آن»، «آینده فلسطین در چشم‌انداز معامله قرن»، «نقش و نفوذ دولت پنهان در آمریکا»، «نقش بی‌پی و سایر شرکت‌های غربی در آلودگی نفتی دریای خزر»، «بحران آب در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر مناسبات منطقه‌ای».

* فرایند تبدیل پژوهش‌های کاربردی برنامه‌ای به برنامه

دکتر کاظمی افزود: از گذشته فاصله پژوهش و آنتن یکی از دغدغه‌های مهم بوده است، اینکه پژوهش‌های منتشر شده به برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی تبدیل شوند یکی از مهمترین اهداف بوده است. طی سال‌های اخیر اقدامات متعددی در این خصوص انجام شده بود اما این موضوع از سال جاری با بهره‌برداری از سامانه برنامه‌های تولیدی واحد پژوهش‌های کاربردی برون مرزی وارد مرحله جدیدی شده است. بدین معنا که پژوهش‌های منتشر شده، راساً توسط این واحد در قالب ۱۳، ۲۶ و ۳۹ قسمتی به متون برنامه‌ای چند رسانه‌ای (متن، تصویر و مصاحبه) تبدیل و به سامانه مذکور ارسال می‌شوند و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی مستقیماً متون مذکور را دریافت، ترجمه و برنامه‌سازی می‌کنند.

مدیر پژوهش‌های کاربردی برون مرزی با تأکید بر اینکه از اردیبهشت تا آذر ماه سال جاری بیش از ۱۳۵ برنامه در موضوعات مختلف تولید و به سامانه برون مرزی ارسال شده است، افزود: این موضوع دستاورد مهمی است که مرهون حمایت‌های ویژه معاون محترم برون مرزی برای کاربردی شدن هر چه بیشتر پژوهش‌ها می‌باشد.

وی با تأکید بر اینکه با انتشار پژوهش‌های جدید، روند برنامه‌سازی هر چه بیشتر افزایش خواهد یافت افزود، عناوین تعدادی از برنامه‌های تولید شده عبارتند از: رژیم سعودی و ارتکاب جنایات بین‌المللی در یمن (۲۶ برنامه)، بررسی روابط چین و آمریکا (۱۳ برنامه)، نقض حقوق مردم بحرین (۱۳ برنامه)، پدیده مهاجرت کاری از آسیای مرکزی به روسیه (۱۳ برنامه)، معادلات قدرت در لیبی (۱۱ برنامه)، چالش‌های مهاجرت مسلمانان در اروپا (۸ برنامه)، واکاوی مناسبات باکو و ریاض (۲۶ برنامه)، پناهجویان افغانستانی در ایران (۱۳ برنامه)، بازگشت ماهاتیر محمد به قدرت در مالزی (۴ برنامه) و آمریکا، امپراتوری تبعیض‌ها (۱۱ برنامه).

* توجه ویژه به رویکرد رسانه‌ای و حقوقی در پژوهش‌های کاربردی برنامه‌ای

مدیر پژوهش‌های کاربردی برون مرزی با اشاره به جمله‌ای از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره نسل‌کشی مسلمانان روهینگی در میانمار که فرموده‌اند: «برای حمایت از مسلمانان میانمار از جایگاه حقوقی وارد شوید»، تأکید کرد این رهنمود مقام معظم رهبری از منظر رسانه‌ای به موارد مشابه نیز قابل تعمیم است چرا که در تحلیل تحولات و برای

تاثیرگذاری بر مخاطب جهانی باید از مستندات حقوق بین‌الملل بهره جست، بر این اساس علاوه بر انتشار پژوهش «نسل‌کشی مسلمانان میانمار از منظر حقوق بین‌الملل»، تعدادی از پژوهش‌های سال ۹۷ با رویکرد رسانه‌ای و حقوق بین‌المللی می‌باشند که عناوین آنها عبارتند از: «نگاهی به ابعاد حقوقی احکام، قطعنامه‌ها و گزارش‌های بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی»، «ابعاد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی در عربستان سعودی از منظر حقوق بین‌الملل» و «ابعاد نقض حقوق بین‌الملل توسط آمریکا در دوره ترامپ».

***رسانه برون‌مرزی، رسانه‌ای پژوهش‌مدار است**

دکتر کاظمی با تاکید بر اینکه رسانه برون‌مرزی، رسانه‌ای پژوهش‌مدار است، افزود برای تقویت هرچه بیشتر ضریب نفوذ رسانه برون‌مرزی در عرصه بین‌المللی و نیز رسیدن به اهداف و جایگاه رسانه‌ای مطابق سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران؛ نیاز به آسیب‌شناسی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه برون‌مرزی است. بر این اساس پژوهش‌های تولیدی و نشست‌های اندیشه‌ورزی، تنها معطوف به پژوهش برنامه‌ای نبوده و پژوهش‌های معطوف به آسیب‌شناسی، تکمیل و آرایش رسانه‌ای برون‌مرزی همواره در دستور کار بوده است که نمونه اخیر آن پژوهش «بررسی دستاوردها و راهکارهای توسعه فعالیت رادیوهای برون‌مرزی در فضای مجازی» است.

***انتشار سومین شماره «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل»**

جانشین مدیر مسئول پژوهشنامه رسانه بین‌الملل با اشاره به انتشار سومین شماره «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» در هفته پژوهش افزود: به منظور تقویت تولید محتوا در عرصه‌های علوم سیاسی، ارتباطات، روابط و حقوق بین‌الملل با رویکرد رسانه‌ای، مقالات «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» در سایت اینترنتی واحد به آدرس arc.irib.ir بارگذاری می‌شوند.

***اهمیت تبدیل پژوهش‌ها به کتاب**

دکتر کاظمی با تأکید بر اینکه طی سال‌های اخیر تقاضای نهادهای، مراکز و موسسات علمی، پژوهشی و دانشگاه‌ها برای بهره‌برداری از پژوهش‌های منتشر شده برون‌مرزی افزایش یافته است، افزود به منظور تقویت تعامل با مراکز دانشگاهی و استفاده از پتانسیل‌های آنها در آینده پژوهی رسانه‌ای، ترویج تحقیقات راهبردی - رسانه‌ای در مطالعات منطقه‌ای و

جهانی، تقویت تولید فکر در زمینه مباحث دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و جنگ نرم تبدیل تعدادی از پژوهش‌ها به کتاب بویژه در قالب نشر الکترونیکی و به صورت سالانه در دستور کار واحد قرار گرفته و پروانه نشر برای برون مرزی اخذ شده است. وی رصد پژوهش‌های اندیشکده‌های معتبر جهانی، تعامل با مراکز پژوهشی، استفاده از تجارب پیشکسوتان برون‌مرزی، تهیه نسخه الکترونیکی پژوهش‌ها، توسعه دامنه بانک اطلاعاتی پژوهشگران همکار با واحد، حضور در همایش‌های علمی، مشارکت در مباحث اندیشکده‌های پژوهشی مجازی معتبر، اخذ نیازهای نظرسنجی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی را از دیگر فعالیت‌های این واحد خواند.

*** بایسته‌های توسعه ساختاری واحد پژوهش‌های برون‌مرزی**

مدیر واحد پژوهش‌های کاربردی در پایان ضمن تبریک هفته پژوهش به پژوهشگران، به بند ۵-۲ در پیوست حکم ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به ریاست محترم سازمان مبنی بر توسعه تحقیقات و فعالیت‌های پژوهشی در معاونت برون‌مرزی اشاره کرد و با تشکر از حمایت‌های ریاست محترم سازمان و معاون محترم برون‌مرزی در این خصوص، افزود: فعالیت‌های واحد پژوهش‌های کاربردی علیرغم عدم افزایش نیرو و بودجه، در سال‌های اخیر، توسعه پیدا کرده است اما با توجه به گستردگی نیازهای پژوهشی شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی، تحقق کامل بند ۵-۲، نیاز به تغییرات در ساختار موجود واحد که مربوط به سال ۱۳۷۶ است، دارد و به این منظور پیشنهادها لازم‌ارایه شده است. وی همچنین افزود: مطالعات اولیه طراحی سامانه ویژه افکارسنجی برای برون‌مرزی پایان یافته است که اجرایی شدن آن اهمیت فراوانی دارد چرا که معاونت برون‌مرزی با دارا بودن ۳۴ رادیو و ۷ شبکه تلویزیونی و با چشم‌انداز توسعه، یکی از بزرگترین رسانه‌های بین‌المللی در جهان محسوب می‌شود و نیاز روزافزونی به سنجش ذائقه مخاطبان، افکارسنجی، روندسنجی، پژوهش‌های برنامه‌ای، پیمایشی و میدانی در رسانه برون‌مرزی به‌عنوان خط مقدم محور مقاومت در جنگ نرم است.

*** راه‌اندازی سایت جدید اینترنتی پژوهش‌های کاربردی**

دکتر کاظمی در پایان از راه‌اندازی سایت جدید اینترنتی واحد پژوهش‌های کاربردی به آدرس arc.irib.ir و مشتمل بر بخش‌های تخصصی پژوهشی و آیت‌های متعدد از جمله عناوین و چکیده تحقیقات، پژوهش‌های خبری، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، کتاب، متون

برنامه‌ای، از نگاه پژوهشی، از نگاه دیگر اندیشکده‌ها، فراخوان‌های پژوهشی، نشست‌های تخصصی و نظرسنجی اینترنتی خبر داد.

مدیر پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی با اشاره به طراحی سایت قبلی در سال ۱۳۹۳ افزود: با توجه به توسعه فعالیت‌ها و مأموریت‌های واحد پژوهش‌های کاربردی، و به منظور تقویت ارتباط با مراکز دانشگاهی و جذب بیشتر همکاری پژوهشگران برجسته از سراسر کشور، بازطراحی سایت ضروری بود. در سایت جدید «متون برنامه‌ای چند رسانه‌ای» به منظور بهره‌برداری سایر مراکز علمی و پژوهشگران، در بخش‌های «از نگاه پژوهشی» و «متون برنامه‌ای» بارگذاری می‌شوند که بازنشر قابل توجهی در خبرگزاری‌ها و منابع خبری داشته است.

نگاهی به عناوین و محورهای تعدادی از پژوهش‌های انتشار یافته یا در دست انتشار سال ۱۳۹۷

- پژوهش «بررسی گروه‌های تکفیری در آسیای مرکزی (ماهیت، ترکیب و زمینه‌های شکل‌گیری و چشم‌انداز فعالیت آن‌ها)»

این تحقیق را سجاد مرادی کلارده، در قالب «پژوهش‌های کاربردی» و با نظارت علمی دکتر حمیدرضا عزیزی، در آذر ۱۳۹۷ به انجام رسانده است. معرفی و تشریح گروه‌های تکفیری در آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان)؛ ماهیت گروه‌های تکفیری و داعش در آسیای مرکزی؛ مهم‌ترین زمینه‌های داخلی و خارجی تشکیل و تقویت این گروه‌ها؛ نقش آمریکا در توسعه تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی برای فشار بر روسیه، چین و ایران؛ بررسی نقش عربستان سعودی در شکل‌گیری و گسترش گروه‌های تکفیری در آسیای مرکزی؛ تروریسم تکفیری در آسیای مرکزی از منظر صاحب‌نظران داخلی و خارجی و ارائه پیشنهادها و راهکارهای رسانه‌ای از جمله ارکان اصلی این پژوهش است.

- پژوهش «بررسی رادیوهای برون‌مرزی عربی زبان در پنج کشور (رادیو عربی BBC، رادیو عربی NHK، رادیو عربی مونت کارلو فرانسه و رادیو بین‌المللی چین)»

این تحقیق در قالب «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» نگاشته شده است. در پژوهش مذکور ضمن بررسی تطبیقی فعالیت رادیو عربی BBC، رادیو عربی NHK، مونت کارلو فرانسه و رادیو بین‌المللی چین با رادیو عربی برون‌مرزی؛ شیوه‌های پیام‌رسانی؛ جدول پخش و برنامه‌های این شبکه‌های رادیویی که مخاطبان مشترکی در میان کشورهای عربی و عرب‌زبان سراسر دنیا دارند، از جنبه ساختاری، محتوایی، میزان فعالیت آنها در شبکه‌های اجتماعی و ... مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش را دکتر مجتبی شاهسونی، در شهریور ۱۳۹۷ به انجام رسانده است.

- پژوهش «نقش و نفوذ دولت پنهان در آمریکا»

این تحقیق توسط امیرعلی ابوالفتح در قالب پژوهش‌های کاربردی نگاشته شده است. در پژوهش مذکور «دولت پنهان» که دلالت بر وضعیت سیاسی خاص در آمریکا دارد، مورد بررسی قرار گرفته و نفوذ دولت پنهان در کنترل کشور و فرایند تصمیم‌گیری نهادهای رسمی و انتخابی همچون ریاست جمهوری یا انتخاب اعضای کنگره، واکاوی شده است. دولت مرئی و انتخابات در آمریکا؛ اولیگارش‌های مالی یا نخبه‌سالاری در آمریکا؛ دولت پنهان؛ حقیقت یا توطئه؛ شناخت ماهیت دولت پنهان؛ مدل انتقال قدرت و انتخابات در آمریکا؛ تغییرات در سطح قدرت و ایستایی در عمق قدرت؛ دونالد ترامپ؛ محافظ یا مخاصم دولت پنهان در آمریکا؛ پارادوکس دموکراسی و قدرت‌های پنهان در آمریکا و چشم‌انداز آن به همراه رویکردهای رسانه‌ای از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. پژوهش مذکور با نظارت دکتر محمد میناوند و حسن بهشتی‌پور در آذر ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

- پژوهش «مناسبات روسیه و آمریکا در افغانستان؛ تقابل و تعامل (با تاکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»

این تحقیق که در قالب پژوهش‌های کاربردی نگاشته شده، به بررسی مواضع و سیاست‌های آمریکا و روسیه در قبال افغانستان پرداخته است. پیشینه روابط ایالات متحده و روسیه در افغانستان؛ وجوه افتراق و اشتراک استراتژی‌های واشنگتن و مسکو در افغانستان؛ زمینه‌ها

و مصادیق تقابل استراتژیک امریکا و روسیه در افغانستان؛ زمینه‌ها و مصادیق تعامل تاکتیکی امریکا و روسیه در افغانستان؛ تأثیرات روابط امریکا و روسیه در افغانستان بر افغانستان، ج.ا.ایران، چین، پاکستان و هند؛ مناسبات روسیه و امریکا در افغانستان و چشم‌انداز آن در دوره ترامپ از منظر صاحب‌نظران و اندیشکده‌ها با رویکرد رسانه‌ای از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. پژوهش مذکور توسط دکتر زهرا محمودی در آذر ۱۳۹۷ به انجام رسیده و نظارت علمی آن را دکتر ماندانا تیشه‌یار بر عهده داشته است.

• پژوهش «بازگشت ماهاتیر محمد به قدرت در مالزی، علل و نتایج آن (با تمرکز بر رویکردهای رسانه‌ای برای برون‌مرزی)»

این پژوهش در قالب «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» تهیه و منتشر شده است. نگاهی به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مالزی؛ واکاوی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳ و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۸؛ علل پیروزی ماهاتیر محمد در انتخابات سال ۲۰۱۸؛ نتایج روی کار آمدن ماهاتیر محمد در سطوح داخلی و منطقه‌ای؛ دیدگاه‌های ماهاتیر محمد درباره جمهوری اسلامی ایران؛ تشریح نقش مخرب عربستان سعودی در مالزی در دوران نجیب رزاق (نخست وزیر سابق مالزی)؛ چشم‌انداز مناسبات ایران و مالزی در دوره ماهاتیر محمد به‌همراه ارائه پیشنهادها و راهکارهای رسانه‌ای، از جمله ارکان اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. پژوهش مذکور توسط محمود بلنداختر کارشناس ارشد حوزه مالزی در مهر ۱۳۹۷ به رشته تحریر در آمده است.

• پژوهش «تبعات پیمان امنیتی کابل - واشنگتن (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»

این پژوهش در قالب «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» تهیه شده است. در این پژوهش پیشینه امضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن؛ اهداف افغانستان و آمریکا از امضای این پیمان؛ تبعات داخلی و منطقه‌ای متاثر از آن؛ چشم‌انداز و سناریوهای محتمل با رویکرد آینده‌پژوهی از منظر اندیشکده‌ها و صاحب‌نظران مورد واکاوی قرار گرفته و راهکارهای رسانه‌ای ارائه شده است. پژوهش مذکور را اسماعیل باقری، پژوهشگر حوزه افغانستان، در مهر ۱۳۹۷ به انجام رسانده است.

- پژوهش «دستاوردهای رادیوهای برون‌مرزی در حوزه پخش و فضای مجازی (با رویکرد آینده‌پژوهانه و تمرکز بر راهکارهای تقویت انتقال پیام و افزایش ضریب نفوذ رادیوهای برون‌مرزی)»

این پژوهش در قالب «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» و در اردیبهشت ۱۳۹۷ منتشر شده است. دستاوردهای برنامه‌های رادیوهای برون‌مرزی در زمینه‌های مختلف؛ میزان مخاطبان؛ موفقیت‌های برنامه‌سازی؛ بهترین شیوه ارتباط مخاطبان با این رادیوها با توجه به شرایط فرهنگی، مسافت جغرافیایی و زیرساخت‌های ارتباطی جوامع هدف بررسی شده است. در پژوهش مذکور همچنین به رسانه‌های رقیب، نقاط قوت و ضعف رقبا و شیوه‌های انتقال پیام توسط آنها بویژه در فضای مجازی پرداخته شده و راهکارهایی برای تقویت حضور رادیوهای برون‌مرزی در فضای مجازی به‌همراه اولویت‌های حضور آنها در این فضا پیشنهاد شده است.

- پژوهش «نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی راه ابریشم چین (ابتکار یک کمربند - یک راه)»

این پژوهش در قالب «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» توسط دکتر ولی کوزه‌گر کالجی نگاشته و در آبان ۱۳۹۷ منتشر شده است. طرح یک جاده - یک کمربند اولین بار توسط شی جی پینگ رئیس جمهوری چین در سال ۲۰۱۳ م مطرح شد. طرحی آرمان‌گرایانه که بیش از ۶۰ کشور با ۲۱ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی که دو سوم جمعیت جهان را در بر می‌گیرد. این طرح به‌دنبال احیای مسیر تاریخی تجارت جاده ابریشم در بیش از ۲۰۰۰ سال پیش با رویکرد اقتصادی - تجاری، سیاسی و فرهنگی است. ایران برای قرن‌های متمادی بخش بسیار مهمی از جاده ابریشم بوده است.

ماهیت، اهداف، انگیزه‌ها، دلایل، مزایا و ابعاد طرح راه ابریشم چین در سه مسیر مرکزی، دریایی و شمالی؛ چالش‌های اجرایی شدن راه ابریشم چین؛ تعامل و تقابل طرح‌های رقیب (راه ابریشم جدید آمریکا، ابتکار عمل باد ابریشم اتحادیه اروپا، طرح راه ابریشم ترکیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا) با طرح راه ابریشم چین؛ جایگاه کشورها و مناطق مختلف (کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، افغانستان، پاکستان و بویژه ایران) در

طرح راه ابریشم چین؛ چشم‌انداز طرح، به‌همراه ارائه پیشنهادها و راهکارهای رسانه‌ای و ایده‌های برنامه‌سازی ویژه برون‌مرزی، از جمله ارکان اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

• پژوهش «چشم‌انداز نقش و جایگاه منطقه‌ای عراق در یک دهه آینده و راهکارهای رسانه‌ای برون‌مرزی»

این تحقیق در قالب پژوهش‌های کاربردی نگاشته شده است. ورود عراق به دوران جدید پس از حمله‌ی آمریکا و سقوط رژیم بعث صدام؛ معرفی متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر نقش‌آفرینی عراق در یک دهه آینده؛ تبیین چشم‌انداز نقش و جایگاه منطقه‌ای این کشور در دهه آینده از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی؛ تحلیل‌های اندیشکده‌های غربی و عربی در این خصوص؛ تبیین چشم‌انداز مناسبات جمهوری اسلامی ایران با عراق در یک دهه آینده و ارائه پیشنهادها و راهکارهای رسانه‌ای، از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. نگارش پژوهش مذکور بر عهده محمدعلی دستمالی بوده و با نظارت علمی دکتر حاکم قاسمی در دست انجام است.

• پژوهش «نقش آمریکا و گروه‌های تروریستی در توسعه کشت مواد مخدر در افغانستان با تاکید بر چشم‌انداز و رویکردهای رسانه‌ای»

چگونگی ارتباط میان مداخله نظامی آمریکا در افغانستان در شکل جنگ غیرزمینی و بررسی نتایج حاصل از آن بر وضعیت امنیتی و توسعه مواد مخدر در افغانستان؛ نقش آمریکا در گسترش مواد مخدر در افغانستان، منافع ایالات متحده آمریکا در گسترش مواد مخدر در افغانستان (از جمله: تأمین هزینه جنگ‌های نیابتی، تأمین مالی گروه‌های تروریستی، تداوم ناامنی در افغانستان برای توجیه طولانی مدت مداخله نظامی، استفاده از حربه مواد مخدر (جنگ تریاک) علیه ایران، روسیه و چین)؛ نقش گروه‌های تروریستی مورد حمایت آمریکا (طالبان، القاعده و داعش) در افغانستان در توسعه مواد مخدر؛ نقاط اتحاد و اشتراک ایالات متحده آمریکا و گروه‌های تروریستی در مسئله تجارت مواد مخدر، انعکاس تاثیر مداخله نظامی نیروهای ایالات متحده آمریکا بر گسترش توامان تروریسم و تجارت مواد مخدر در افغانستان در اسناد بین‌المللی و ارائه پیشنهادها و راهکارهای رسانه‌ای، از جمله ارکان اصلی این پژوهش کاربردی است. نگارش پژوهش مذکور بر عهده

دکتر رز فضلی و با نظارت علمی دکتر مجتبی مقصودی می‌باشد که در آذر ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

• پژوهش «بحران آب در آسیای مرکزی و تاثیر آن بر مناسبات منطقه‌ای با تأکید بر چشم‌انداز و رویکردهای رسانه‌ای»

این تحقیق در قالب پژوهش‌های کاربردی نگاشته شده است. نام آسیای مرکزی با ماوراءالنهر و رودهای بزرگ و حیات‌بخشی مانند آمو دریا (جیحون)، سیر دریا (سیحون)، و خَش (سُرخ‌آب)، ایرتیش، زرافشان و دریاچه‌های بزرگی مانند آرال (خوارزم)، بالخاش و سریز، پیوند خورده است. عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری بحران آب در آسیای مرکزی؛ منافع، ملاحظات و رویکردهای کشورهای آسیای مرکزی در قبال منابع آبی (کشورهای بالادست شامل قرقیزستان و تاجیکستان و کشورهای پایین دست شامل قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان)؛ رویکرد کشورهای پیرامونی آسیای مرکزی به بحران آب (شامل فدراسیون روسیه، جمهوری خلق چین، افغانستان و ایران)؛ نتایج و پیامدهای بحران آب در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر منازعات منطقه‌ای و حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی؛ چشم‌انداز منازعات آبی در آسیای مرکزی (سناریوهای محتمل)؛ راهکارهای حل یا کاهش منازعات آبی در آسیای مرکزی در این پژوهش واکاوی شده است. دکتر ولی کوزه‌گر کالجی نویسنده و دکتر حمیدرضا عزیزی ناظر علمی پژوهش مذکور می‌باشد که در آذر ۱۳۹۷ منتشر شده است.

• پژوهش «ابعاد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی در عربستان سعودی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر چشم‌انداز و رویکردهای رسانه‌ای»

تعریف و مفهوم گروه‌های اقلیت و پیشینه تاریخی حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام؛ تبیین ماهیت نظام حقوق اقلیت‌ها با تأکید بر اقلیت‌های موجود در عربستان سعودی؛ حقوق اقلیت‌ها و موارد نقض آنها از منظر نظام حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل اسلام و تطبیق آنها با مصادیق نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی در عربستان سعودی؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق اقلیت‌ها با تأکید بر مسئولیت عربستان سعودی؛ مسئولیت نهادهای بین‌المللی در قبال حمایت از حقوق اقلیت‌ها بویژه در عربستان سعودی از جمله ارکان اصلی این پژوهش است. نگارش این

پژوهش بر عهده مجتبی ابراهیمی و نظارت علمی بر عهده دکتر رضا موسی‌زاده می‌باشد که در آذر ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

• پژوهش «آینده فلسطین در چشم‌انداز معامله قرن» (با تاکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

تحقیق «آینده فلسطین در چشم‌انداز معامله قرن» با تاسی از بیانات مقام معظم رهبری درباره طرح معامله قرن در دستور کار پژوهشی واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی قرار گرفته است. معظم له در ۲۵ تیر ۹۷ در دیدار با کارگزاران حج فرمودند: «این سیاست شیطانی و خبیثی که آمریکا در مورد فلسطین در نظر گرفته است، اسمش را هم گذاشته است «معامله‌ی قرن». البته بدانند که این معامله‌ی قرنی که آنها فکر کرده‌اند، به توفیق الهی هرگز تحقق نخواهد یافت... امت اسلامی و ملت مسلمان فلسطین بر دشمنان خودشان قطعاً پیروز خواهند شد و خواهند دید آن روزی را که ریشه‌ی رژیم جعلی صهیونیست از سرزمین فلسطین کنده خواهد شد.»

طرح‌های امریکا و رژیم صهیونیستی درباره فلسطین در دوره اوباما و ترامپ؛ علل مطرح شدن طرح معامله قرن (نقش و تاثیر تحولات غرب آسیا از ۲۰۱۱ تاکنون بر معامله قرن)؛ وجوه افتراق و اشتراک طرح معامله قرن با طرح‌های پیشین؛ نقش امریکا، عربستان سعودی، مصر، اردن در معامله قرن؛ مواضع ایران و ترکیه در قبال معامله قرن (با تمرکز بر بیانات مقام معظم رهبری و طرح معظم له برای فلسطین)؛ سناریوهای محتمل و تهدیدها و فرصت‌های ناشی از طرح معامله قرن؛ عرصه داخلی فلسطین و معامله قرن؛ عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و معامله قرن؛ معامله قرن از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی به‌همراه راهکارهای رسانه‌ای و ایده‌های برنامه‌سازی از ارکان اصلی این پژوهش است. پژوهش مذکور توسط جبار شجاعی در دست نگارش است و نظارت علمی آن بر عهده احمد کاظم‌زاده می‌باشد.

• پژوهش «اهداف و ابعاد مختلف مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان

سعودی (گذشته، حال و چشم‌انداز آن با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»

این تحقیق در قالب پژوهش‌های کاربردی به بیان اهداف و ابعاد مختلف مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی می‌پردازد. دکتر سیدرضی عمادی، نویسنده پژوهش مذکور و دکتر رضا اختیاری‌امیری ناظر علمی آن است. ابعاد روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در گذشته و حال؛ عوامل، اهداف و موانع عادی‌سازی و توسعه روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی؛ عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی؛ نگاه و مواضع بازیگران مهم منطقه‌ای و جهانی درباره مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی؛ پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی عادی‌سازی مناسبات تل آویو و ریاض و چشم‌انداز آن؛ تبعات عادی‌سازی و توسعه روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی بر جایگاه منطقه‌ای و امنیت جمهوری اسلامی ایران مباحث اصلی این پژوهش در دست انتشار می‌باشد.

• پژوهش «اختلافات روسیه و آمریکا در دوره ترامپ (با تأکید بر رویکردهای

رسانه‌ای)»

این پژوهش به منازعات روسیه و آمریکا در سه سطح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و مؤلفه‌های موثر بر گسترش این اختلافات می‌پردازد. اختلافات دوجانبه نظیر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا، کاتسا و حادثه سالزبری؛ اختلافات منطقه‌ای مانند بحران اوکراین، بحران سوریه، بحران کره، فعالیت‌های هسته‌ای ایران؛ اختلافات بین‌المللی همچون گسترش ناتو به شرق، تجارت تسلیحاتی، جنگ تجاری ترامپ و استفاده ابزاری آمریکا از حقوق بشر از جمله مباحثی هستند که ابعاد آن‌ها در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است. چشم‌انداز اختلافات آمریکا و روسیه به همراه رویکردهای رسانه‌ای از دیگر فصل‌های مهم پژوهش مذکور است. این پژوهش توسط دکتر مهدی هدایتی‌شهیدانی در دست نگارش است و نظارت علمی آن بر عهده دکتر جهانگیر کرمی می‌باشد.

• پژوهش «ظرفیت‌های ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از منظر اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»

این تحقیق در قالب پژوهش‌های کاربردی توسط علی عرب‌صالحی و با نظارت دکتر حجت عبدالملکی و حسن بهشتی‌پور در دست تهیه است. مؤلفه‌های برون‌مرزی اقتصاد مقاومتی؛ تفاوت‌های اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ریاضتی؛ جایگاه جذب سرمایه‌گذاری در اقتصاد مقاومتی؛ ظرفیت‌های ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی از منظر اقتصاد مقاومتی در بخش‌های صنعت، منابع طبیعی و معدنی، انرژی، حمل و نقل، مناطق آزاد و ساحلی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، کشاورزی، امور عمرانی و زیرساختی، شهرسازی و همچنین گردشگری (فرهنگی، تفریحی، زیارتی و سلامت) به همراه آرایه راهکارهای رسانه‌ای و ایده‌های برنامه‌سازی برای تبیین ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از منظر اقتصاد مقاومتی ارکان اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

• پژوهش «نگاهی به ابعاد حقوقی احکام، قطعنامه‌ها و گزارش‌های بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی (با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای)»

از اهداف این پژوهش می‌توان به تبیین ابعاد حقوقی قضایا و آراء صادره توسط محاکم قضایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی اشاره کرد. بررسی حقوقی قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی علیه رژیم صهیونیستی؛ تبیین گزارش‌های منتشر شده کمیته‌های حقیقت‌یاب نظیر گزارش ریچارد گلدستون و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسکو علیه اقدامات رژیم صهیونیستی در نقض حقوق بین‌الملل و آرایه راهکارهای رسانه‌ای و ایده‌های برنامه‌سازی برای رسانه‌های برون‌مرزی، از دیگر موارد مورد مطالعه در این پژوهش است. این تحقیق در قالب پژوهش‌های کاربردی توسط سهیل گلچین در حال نگارش است و دکتر رضا موسی‌زاده نظارت علمی آن را بر عهده دارد.

• پژوهش «نقش بی‌پی و سایر شرکت‌های غربی در آلودگی نفتی دریای خزر (با تأکید بر رویکرد رسانه‌ای)»

این پژوهش کاربردی توسط برهان حشمتی در حال نگارش است و نظارت علمی آن بر عهده دکتر شیوا علی‌زاده می‌باشد. اهمیت زیست محیطی خزر؛ اکو سیستم بسته و

خودپالایی ضعیف خزر و تاثیر آن بر آلودگی نفتی؛ مدل جریان‌های دریایی در خزر و تأثیر آن بر نحوه حرکت آلودگی نفتی خزر؛ کنوانسیون تهران و پروتکل الحاقی مقابله با آلاینده‌های نفتی؛ نقش کشورهای ساحلی و شرکت‌های طرف قرارداد آنها در آلودگی نفتی خزر؛ فعالیت‌های نفتی بی‌پی و سایر شرکت‌های غربی در خزر و میزان آلودگی‌های نفتی ناشی از آن؛ مسئولیت بی‌پی و دیگر شرکت‌های نفتی در آلودگی نفتی خزر بر اساس کنوانسیون‌ها مختلف و اصل پرداخت آلوده‌ساز؛ تاثیر آلودگی‌های نفتی بر محیط زیست و گونه‌های فون و فلور خزر و چشم‌انداز آن؛ علل و دلایل تضرر ایران از آلودگی نفتی خزر؛ گزارش نهادهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی درباره آلودگی نفتی خزر و دیدگاه کارشناسان درباره آن، ارکان اصلی پژوهش مذکور را تشکیل می‌دهند.

• پژوهش «فرایند دموکراسی در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸» (با اشاره به

روند شکل‌گیری دولت وحدت ملی، دستاوردها و ناکامی‌ها و مدل پیشنهادی)

این تحقیق در قالب پژوهش کاربردی توسط پیرمحمد ملازهی و با نظارت علمی دکتر نوذر شفیعی در دست انتشار است. پیشینه دموکراسی در افغانستان (مدل‌های سیاسی و دموکراسی‌های تجربه شده در افغانستان و دلایل ناکامی آنها)؛ روند استقرار دموکراسی بعد از اجلاس اول بن‌آلمان و چالش‌های آن؛ موانع، چالش‌ها، چشم‌انداز و مدل مطلوب برای دموکراسی در افغانستان از دیدگاه صاحب‌نظران؛ مدل‌های محتمل دموکراسی در افغانستان؛ تحركات داعش در افغانستان و تاثیر آن بر روند دموکراسی به‌همراه رویکردهای رسانه‌ای از جمله ارکان اصلی این پژوهش می‌باشد.

• پژوهش «ابعاد، اهداف و تأثیرات تحركات فرانسه در آفریقای غربی و چشم‌انداز آن (با تأکید بر تحركات نظامی و تمرکز بر راهکارهای رسانه‌ای

برون مرزی)»

شناخت تحولات ساختاری ناشی از اجرای راهبردهای جدید فرانسه در کشورهای آفریقای غربی؛ بررسی راهبردهای نظامی فرانسه در آفریقا؛ تبیین جدیدترین شیوه‌های قدرت‌های غربی در برخورد با کشورهای آفریقای غربی و مقابله با گروه‌های اسلامی در پوشش مبارزه با تروریسم؛ واکاوی تحركات گسترده نظامی فرانسه در آفریقا برای افکار عمومی و تبیین این تحركات

و اهداف آن برای مخاطبان برنامه‌های برون‌مرزی بویژه در حوزه اروپا و آفریقا از اهداف اصلی این پژوهش است. نگارش این پژوهش بر عهده جعفر قنادباشی می‌باشد.

• پژوهش «ابعاد نقض حقوق بین‌الملل توسط آمریکا در دوره ترامپ (با تاکید بر رویکردهای رسانه‌ای)»

ابعاد نقض حقوق قراردادهای و معاهدات بین‌المللی توسط دولت ترامپ نظیر برجام، پاریس و یونسکو توسط آمریکا؛ نقض حقوق بین‌الملل بشر در زمینه‌هایی مانند مهاجران، زنان و اقلیت‌ها؛ نقض منشور سازمان ملل و قطعنامه‌های آن از طریق حمایت از اشغالگری رژیم صهیونیستی و انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به قدس؛ نقض قواعد بین‌المللی سازمان تجارت جهانی، فروش تسلیحات ممنوعه و ایجاد مسابقه تسلیحاتی در اقصی نقاط جهان؛ ابعاد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دولت ترامپ در سوریه و یمن و چشم‌انداز این روند از منظر صاحب‌نظران، اندیشکده‌ها، موسسات و سازمان‌های جهانی ارکان اصلی پژوهش کاربردی را تشکیل می‌دهد. این پژوهش توسط علیرضا داودی و با نظارت علمی دکتر حسام‌الدین لسانی در دست نگارش است.

Abstracts

The Pathology of translation in the News Sections of Arabic language of IRIB World Service

Arabic- Language Networks

(Al-Alam, Al-Kawthar and Arabic Radio)

Hossein Shams Abadi¹, Mojtaba Shahsavani²

Abstract

The Pathology of translation in the News of World Service Networks (Al-Alam News Network, Al-Kawthar TV and Arabic Radio) is the main objective of this paper. by non-random sampling (purposeful) of detailed sections of Al-Alam, Al-Kawthar and Arabic Radio's mid- day news in three months' period (June, July and August 2017), this paper tries to make diagnosis the translation process of the news sections in these networks through content analysis method. The sample size has been 1080 news. Among the many patterns for assessing the quality of translation, the model of "Garses", which compared to other proposed models is relatively more comprehensive, is used. In this paper, after determining the abundance of each existing subgroup in the four levels according to "Garses" model, results are presented as frequency distribution tables and diagrams. It seems that, the translation process was studied in three oversees' networks is generally positive and some shortcomings in the translation and setting of news stories, except in some cases, has been due to the large amount of activity and time constraints of the news.

Keywords: The Pathology of News, Media, World Service, Al-Alam News Network, Al-Kawthar TV and Arabic Radio.

¹. Corresponding Professor: Associate Professor of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. dr.shamsabadi@gmail.com

². Post-PhD Student of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. shahsavani.mojtaba@gmail.com

The Role of World Service Media Diplomacy in Consolidation the Regional Status of Islamic Republic of Iran

Mohammad Akrami Nia¹, Shahab Fahim Danesh²

Abstract

Adding to direct effects on the scope of communications and media, the scientific and technological progresses have also an indirect influence on the international relations and diplomacy. As nowadays, we witness the wonderful role of media diplomacy and soft power in changing the place of nation- states and their proportion in different regions in the world. The Islamic Republic of Iran also is not an exception from this rule and the Iran's regional status is measurable based on the kind and the amount of utilizing different elements including; media diplomacy. This paper attempts to study the influence of IRIB World Services' networks on the regional status of Iran in the fourth decade of glorious Islamic Revolution. The findings show that the IRIB World Services' networks according to the pattern of real representation about the most important incidents in southwest Asia such as peaceful nuclear activities, the Zionist regime crimes in Palestine, developments in Syria, Iraq and Bahrain as well as Saudi Arabia's aggression in Yemen have been able to make the world public opinion aware of the hypocritical stance of western media. In a way that, western valid research institutions and think thanks such as RAND have confessed to the increasing of IRIB World Service media's effectivity and coefficient of influence in target communities and their role in consolidation of Iran's regional status.

Keywords: IRIB World Service Networks, West Asia, Media Diplomacy.

¹. Corresponding Professor: Assistant Professor in AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran.

². Collaborative Researcher of IRIB World Service Applied Reserches Center, Tehran, Iran. fahimdanesh@irib.ir

A Look at the Structure and Strategies of Japan's World Service Media

Hossein Basirian Jahromi¹, Vali Allah Gharaghani²

Abstract

Looking at the concept of soft power and public and cultural diplomacy, the present paper studies the most important Japanese world service media in terms of structures and strategies. Attempting to maintain its position as the third biggest economy in the world, The Japan state has planned to increase its soft power and its influencing on the world public opinion through codifying long-term strategies. Among the Japanese powerful media, the national radio-television NHK has a prominent place. Following 10-year activity of Japan's overseas radios, the setting up of English-language NHK-World TV in 1995 is a turning point in this media's international activity. Through examination of the Japan's overseas media activity, this paper provides the possibility to take advantage of this country's successful experiences for IRIB decision-makers and policy-makers, particularly in overseas area.

Keywords: Japan, World Service Media, the National Radio-Television, NHK, Soft Power.

¹. Corresponding Author: Faculty Member of Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. hossein.basirian@gmail.com

². M.A in Media Management, Tehran, Iran. ah.gharaghani@gmail.com

The Proceedings of America in Spreading Drug Trafficking in Afghanistan and the Media Approach to it **Anahita Seifi¹, Rose Fazli²**

Abstract

Since 2001, the United States of America emphasizing on fighting against terrorism, confronting drug cultivation and state-building in Afghanistan following its occupation.

The purpose of this article is to analyze the consequences of The US military strike on Afghanistan in 2001, considering two phenomena of drug trafficking and strengthen of terrorism. Using an analytical-descriptive method, this paper firstly, analyze the features of the US militarism considering its international position and study the history of its military presence in Afghanistan during two periods, before and after September 11. Then, the impacts of the US invasion of Afghanistan on the drug trafficking and terrorism in latter country and the consequences of these two phenomena on the political, economic and social situation in Afghanistan. The results of this research shows that how America's intervention has led to spread the drug trafficking and terrorism through perpetuating and eroding the war in Afghanistan. In fact, the main purpose of the US perpetual presence in this important region is the continuity of its illegitimate intervention and hegemony in this important region.

Keywords: Afghanistan, Military Strike, Drug Trafficking, Terrorism.

¹. Corresponding Author: Assistant Professor of International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

a.seifi@atu.ac.ir

². Assistant Professor of Political Science, Research Center of Cultural Studies, Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

rose_fazli@yahoo.com

The Role of Saudi Arabia in spreading Takfiri Terrorism in Central Asia by Focusing on the media approach

Majid Roohi Dehbane¹, Sajad Moradi Kelardeh²

Abstract

Central Asia is one of the most important of geopolitical region which has faced various phenomena including Takfiri terrorism in recent years. In addition to the various causes and factors that extend this phenomenon, different countries have adopted different policies and approaches toward it. The purpose of this paper is to examine the Saudi Arabia's approach toward Takfiri terrorism in central Asia. using descriptive – analytic method, this paper poses the main question that, how and why Saudi Arabia is seeking to support Takfiri terrorism in central Asia? The main findings illustrate that Saudi Arabia as the main source of Takfiri terrorism, is trying to use this phenomenon as its foreign policy instrument. In this regard, Riyadh has expanded the phenomenon in the form of various political, economic and cultural activities in this region. The Riyadh's most important goals are regional rivalry with Iran and playing a supportive role in US foreign policy to exert pressure on Russia.

Keywords: Central Asia, Takfiri Terrorism, Saudi Arabia, Balance of Power, Takfiri Wahhabism.

¹. Corresponding Author: Assistant Professor of International Relations, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran. majidrohi.d@gmail.com

². M.A in International Relations, Guilan University, Rasht, Iran. smkelardeh@gmail.com

The position of Al-Hashd Sha'bi in Iraq's National Security and The Western- Saudi Media's Representation of it

Abozar Gavhari Moghaddam¹, Mohammadreza Arab²

Abstract

Following the influence of the Takfiri terrorism in Iraq and the insecurities that arose in this country, Al-Hashd Sha'bi was formed as a popular organization to secure the country. This article seeks to explain the role of this group in Iraqi national security within the framework of constructivism theory. Therefore, in order to understand and analyze the position of Al-Hashd Sha'bi in Iraq's security, we should refer to the world of social and human values and the meanings that actors of this group interpret with their actions. Collocation of the identity of homeland defense and adherence to religious leadership established the base for presence of members of this group at Al-Hashd Sha'bi organization to repulse the threat. The creation of a national Iraqi identity with broader understanding of religion, and the definition of others within the framework of terrorism, has been able to gather various religious and ethnic groups under this group. This limitation of identity meant the establishment of the foundations of popular security in Iraq and the Disposal of non-self-threading identity. The establishment and spread the value and culture of fight against terrorism in Al-Hashd Sha'bi has shifted the idea of a confrontation between the Arab and Persian identities which has created new collective aims and rules in security and defensive among the members of this group and has brought about an aggregation and unity of resistance Idea in Iraq. Consequently, the identity and norms of Al-Hashd Sha'bi have strengthened Iraq's security through the practical action against ISIS.

Keywords: National Security, Al-Hashd Sha'bi, Iraq, Constructivism, Constructed Security, Identity.

¹. Corresponding Author: Assistant Professor of Political Science, Imam Sadiq (AS) University, Tehran, Iran.

a.gohari@gmail.com

². PhD Student in Regional Studies, Tehran University, Tehran, Iran.

emrezaarab@chmail.ir

Conflicts between Russia and the United States during the Presidency of Donald Trump and the Media Approach to it

Mehdi Hedayati Shahidani¹

Abstract

Russian-American relations are one of the most attractive issues for researchers in the International Relations. During the presidency of Donald Trump, these relations have complicated fluctuations. Part of this complexity relates to the strategic rivalry between the two countries and partly to their tactical collaborative actions. Accordingly, the question of this article is that, what are the most significant conflicts between Russia and the United States during the presidency of Donald Trump? The findings of the paper show that conflicts between the two countries at that period can be categorized at the three levels of bilateral, regional and international. In this regard, some of the potential conflicts that can be mentioned are; nuclear balance, trade disputes, sanctions in international levels, NATO's eastward expansion, intervention in each other domestic issues, the issues of Ukraine and Syria. Using "descriptive-analytical" method, and reviewing strategies and security documents, and also analyzing the opposite decisions of decision-makers in different sects of two countries, the components of influencing strategic behavior on the expansion of bilateral disputes are explained.

Keywords: Russian Federation, United States of America, Strategic Competition, Tactical Cooperation, Donald Trump.

¹. Assistant Professor of International Relations, Department of Political science, Guilan University, Iran. mehdi.hedayati88@gmail.com

**International Responsibility for Iran's TV Channels'
Satellite Broadcast Disruption from
International Law Perspective
Hossein Rostam zad¹, Mojtaba Ebrahimi²**

Abstract

The Satellite broadcasting cutters of some Islamic republic of Iran's channels, claiming allegations such as reciprocal actions, the Security council and European Union sanctions' requirements as well as human rights violation by Iran, attempt to legalize their behavior in terms of law. Sanctioning the Iran's TV channels, out of the United Nations' procedure of resolutions, which has been as multilateral and unilateral resulted in violation of some international law principles including: the principle of freedom of information, right to receive information and the treaties law. Moreover, the acts of some satellite corporations in sanctioning Iran's media without valid citation to violation the conditions of broadcasting related to programs' content, considered as violation of principles; "conditioned freedom for broadcasting satellite programs" and "the monopoly prohibition in broadcasting satellite programs". While these sanctions are contrary to Doctrine of smart sanction; according to this Doctrine, sanctions should target the violator institute which is governmental entity, of course. The violation of International Law principles and International commitments provided the international responsibility of states and media sanctions and make Islamic Republic of Iran permitted to a reciprocal act as well as Complaint to international judicial authorities.

Keywords: TV Channels' Satellite Broadcast Disruption, Iran, Sanction, the Principle of Freedom of Information, International Responsibility, International Law.

¹. Corresponding Author: Assistant Professor of International Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. rostamzad34@yahoo.com

². M.A in International Law, Tehran, Iran. mj.ebrahimi@chmail.ir

Identifying the Grounds for Presenting Century Deal, Feasibility of its Realization and World Service Networks' Prophecy

Hasan Majidi¹, Jabbar Shojaei²

Abstract

The failure of the previous plans for reaching a compromise between the two sides, the Zionist and the Palestinian, have led the leaders of the US and the Zionist regime to present a new plan in order to realize the preceding objectives which is called “the deal of the century” nowadays. So the main question of this research is as follows: what are the grounds which have led to the presentation of such deal? Examining the nature of the plan and the political behavior of its designers and players in the context of the quintuple dimensions of the Copenhagen School and using the descriptive-analytical method, the authors concluded that the aforesaid plan has been presented with regard to the issues such as the social security of the Zionist regime, political conflict between Palestinian groups, power-developments in Saudi Arabia, slowing down the process of the Islamic Awakening, the spread of Iran’s regional admissibility followed by the victories of the resistance axis and expanding the covert or overt Arab-Zionist relationships, the escalation of the economic crisis in western Asia and the importance of energy in power equations, alongside the pivotal position of Al-Aqsa mosque, Sinai desert and the West Bank from the cultural and geopolitical point of view.

Keywords: US, Century Deal, Palestine, Zionist Regime, Quds.

¹. Corresponding Author: Associate Professor of Political Science, Imam Sadiq (AS) University, Tehran, Iran. majadi118@yahoo.com

². PhD Student in Political Sociology, Shaded University, Tehran, Iran. jabarshojaei@yahoo.com

Desirable Media Policies of Hispan TV (with Cultural Diplomacy Approach of Islamic Republic of Iran)

**Jalal Ghafari Ghadir¹, Jamal Aldin Hosseini²,
Ma'some Moradjani³**

Abstract

The codification of Hispan TV's desirable practical policies is one of the basic requirements of mentioned alternative media which is established to strengthen the Iran's cultural diplomacy in Spanish-speaking countries, aiming at having more influence on the audience. Experts believe that if this media fails to come to a common understanding with the audience and fails to overcome clear cross-cultural differences, not only cannot be effective, but also it may become a counter-propaganda action and increase the wave of Islam phobia, Shia Phobia and Iran phobia. Despite the importance of this issue, no comprehensive research has been done so far, thus the researcher, by using grounded theory, interviewed with 20 media and diplomacy elites and specialists through semi-structured interview. During the interviews, 457 primary codes, 256 secondary codes, 60 concepts and 11 categories were obtained. The results of the research which performed in the form of 7 categories including; goals and priorities, content policies, structural policies, management strategies, distribution strategies, ecology and audience-study indicates that if Hispan TV wants to play an effective role in the cultural diplomacy, it must codifies its content policies based on media goals and priorities, considering the audience environmental conditions, and adopt desirable and appropriate structural, managerial and distributional strategies in intra-media programs and environment.

Keywords: Media Practical Policies, Hispan TV, Audience-Study, Islamic Republic of Iran's Cultural Diplomacy, Media Policies, Grounded Theory.

¹. Corresponding Author: Faculty Member of Imam Hossein University, Tehran, Iran. Jalalghafari@gmail.com

². PhD in Media Management, Soore University, Tehran, Iran. J.hosseini90@gmail.com

³. PhD Student in Communication Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran. siental12@gmail.com

**Seizing the Iran's Properties in US from the
International Law's Perspective and World Service
Media Prophecy
(Emphasizing the function of International Law's commission
about immunity of States, German lawsuit against Italy, Iran
lawsuit against US in 2016, the verdicts by US, Canada and
Luxemburg courts)**

Seyyed Hesam Aldin Lesani¹, Ahmad Kazemi²

Abstract

Despite the fact that states' immunity of the national courts' jurisdiction is a rule of Customary International Law, but some powers tries to add exception to it. The ratification of Convention on the Immunity of States and their Property following the 27-year study of International Law Commission in 2004 show that International Community has accepted the states' immunity transformation from absolute to limited one and recognizes issues such as trade and property treaties as well as arbitrary agreements as exceptions. However, the US Congress' resolution and the sentences by US, Canada and Luxemburg courts against Iran show some countries' attempts to create new exceptions under the pretext of terrorism, violation of the human rights and Jus Cogens. Emphasizing the inviolability of the principle of 'the immunity of states' as a rule of Customary International Law, International Court of Justice (ICJ) in the case of Germany lawsuit against Italy in 2012 show that from the perspective of the court, violation of this principle can jeopardize the international stability. Since 2016, with Iran's complaint against the United States (The case is known as some of Iran's property) and the Court's temporary order on 3 October 2018 about having the competence to investigation this case, the court exposed to the another historical test for defending the Immunity of states' principal. Naturally,

¹. Corresponding Author: Faculty Member of Hazrat-e Masoumeh University, Qum, Iran. lesani77@yahoo.com

². PhD in International Law, Islamic Azad University, Iran. bm.kazemi@irib.ir

the repetition of the court's procedure in this case will be a great attempt to protect the customary rule of immunity of states in new doctrines.

Keywords: Immunity of States, International Court of Justice, Customary International Law, German lawsuit against Italy, Iran's complaint, US, Canada and Luxemburg courts.

فرم ارزیابی مقاله

ردیف	معیار	توضیحات	امتیاز	حداکثر امتیاز
۱	تناسب محتوای مقاله با عنوان			۵
۲	نحوه طرح مسئله و ارتباط آن با موضوع			۱۰
۳	نحوه سازماندهی مقاله و ارتباط منطقی میان بخش‌ها			۱۰
۴	روش شناسی			۱۰
۵	تحلیل راهبردی مسئله و تجزیه و تحلیل داده‌ها			۱۰
۶	تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران			۱۵
۷	تبیین سناریوهای محتمل درباره موضوع و نتیجه‌گیری			۱۰
۸	دستیابی به یافته‌های کاربردی برای دستگاه دیپلماسی عمومی کشور به ویژه رسانه‌های برون‌مرزی			۱۰
۹	رعایت قواعد علمی نگارش			۱۰
۱۰	اعتبار منابع و مأخذ			۱۰
	جمع امتیازها			۱۰۰

Members of Editorial Board (in alphabetical order)

- **Dr. Amir Mohammad Haji Yousefi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Relations)
- **Dr. Tavakol Habib Zadeh** Associate Professor at Imam Sadiq (A.S) University (International Law)
- **Dr. Hassan Khojasteh Bagherzadeh** Associate Professor at IRIB University (Strategic and Radio Management)
- **Dr. Ali Rajab Zadeh Tahmasebi** Associate Professor at IRIB University (Art Research and TV Programs)
- **Dr. Mojtaba Razavi Toosi** Associate Professor at IRIB University (Islamic Education and Advertising)
- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani Ghavam Abadi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Law)
- **Dr. Sivash Salavatian** Assistant Professor at IRIB University (Media Management)
- **Dr. Hakem Ghasemi** Associate Professor at Imam Khomeini (R.A) International University, Qazvin (Political Science)
- **Dr. Seyyed Mohamamd Marandi** Associate Professor at Tehran University (North American Studies and English Literature)
- **Dr. Davood Nemati Anaraki** Associate Professor at IRIB University (Communication)

Scientific Advisors (in alphabetical order)

- **Dr. Abouzar Ebrahimi Torkaman** PhD in Law, Head of Islamic Culture and Communication Organization
- **Dr. Hossein Ahmadi** Assistant Professor at Islamic Azad University
- **Dr. Hadi Ajili** Assistant Professor at Allameh Tabatabaei University (International Relations)
- **Hassan Beheshti Pour** Senior Expert in Strategic Affairs
- **Dr. Mohammad Bagher Khoramshad** Professor at Allameh Tabatabaei University (Political Science)
- **Dr. Seyyed Jalal Dehghani Firouz Abadi** Professor at Allameh Tabatabaei University (International Relations)
- **Dr. Jafar Abdolmaleki** PhD in Cultural Sociology
- **Dr. HamidReza Azizi** Assistant Professor, Institute of Regional Studies, Shahid Beheshti University (Regional Studies)
- **Sohrab Ghorbani Hesari** Senior Expert on Economics of Energy Affairs
- **Dr. Mohammad Farhad Koleini** Senior Expert in Strategic Affairs
- **Dr. Ebrahim Motaghi** Professor at Tehran University (International Relations)
- **Dr. Reza Mousa Zadeh** Assistant Professor at Faculty of International Relational (International Relations)

**Reviewers of this issue of the Publication
(in alphabetical order)**

- **Hassan Beheshti Pour**
- **Mahmoud Torabi Aghdam**
- **Dr. Sayed Bashir Hosseini**
- **Naji Chenani**
- **Dr. Ali Akbar Razmjoo**
- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani Ghavam Abadi**
- **Dr. Hossein Rooyvaran**
- **Dr. Hassan Abedini**
- **Dr. HamidReza Azizi**
- **Dr. Ahmad Kazemi**
- **Dr. Jahangir Karami**
- **Dr. Mojtaba Maghsoudi**
- **Pir Mohammad Molazehi**
- **Dr. Reza Mousa Zadeh**
- **Dr. Davood Nemati Anaraki**
- **Abbas Nourian**
- **Majid Veghari**

In The Name of Allah



**Scientific-Specialized Publication of
International Media Research Letters**

Volum 3, Number 3, Fall 2018

ISSN: 2538-3825

Licence Holder: **IRIB World Service**

Managing Director: **Dr. Peyman Jebelli**

Deputy of Managing Director: **Ahmad Kazemi**

Editor-in-Chief: **Dr. MohammadGoli Minavand**

Executive Manager: **Mahmoud Torabi Aghdam**

Persian Editor: **Behnam Khosravi**

English Editor: **Dr. Rahmat Hajimineh**

Coordination of Distribution: **Soheila Nemati**

Publisher: **IRIB World Service Applied Researches Center**

Litography, Print & Binding: **Ghashghayi**

Address: **IRIB World Service Applied Researches Center, Fifth Floor,**

IRIB office Building, in front of the Bilal Mosque, Vali Asr Ave,

Tehran, Iran. P.C. 1999713113

Website: **<http://arc.irib.ir>**

Tel: **22167153**